



اسلام و مطالعات اجتماعی

سال سیزدهم، شماره سوم، زمستان ۱۴۰۴

۵۱

صاحب امتیاز:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

www.isca.ac.ir

مدیر مسئول: نجف لکزایی

سردبیر: حمید پارسائیا

مدیر اجرایی: محسن قنبری نیک

۱. فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی به استناد مصوبه ۱۳۴ شورای عالی حوزه‌های علمیه در جلسه مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۰۳ حائز رتبه علمی - پژوهشی گردید.

۲. به استناد ماده واحده مصوبه جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی «مصوبات شورای عالی حوزه علمیه قم در خصوص اعطای امتیاز علمی، تأسیس انجمن‌های علمی، قطب‌های علمی و واحدهای پژوهشی و همچنین امتیازات کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره و آزاداندیشی در حوزه، دارای اعتبار رسمی بوده و موجب امتیازات قانونی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه می‌باشد».

فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)، سیویلیکا (Civilica)، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir)، پایگاه Google Scholar نمایه و در سامانه نشریه: jiss.isca.ac.ir و پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی (<http://journals.dte.ir>) بارگذاری می‌شود. هیئت تحریریه در اصلاح و ویرایش مقاله‌ها آزاد است. دیدگاه‌های مطرح شده در مقالات صرفاً نظر نویسندگان محترم آنهاست.

نشانی: پردیسان، انتهای بلوار دانشگاه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، طبقه همکف، اداره نشریات.

صندوق پستی: ۳۶۸۸ / ۳۷۱۸۵ * تلفن: ۰۲۵-۳۱۱۵۶۹۰۹ سامانه نشریه: jiss.isca.ac.ir

رایانامه Eslam.motaleat1394@gmail.com

چاپ: مؤسسه بوستان کتاب قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان



www.jiss.isca.ac.ir

اعضای هیئت تحریریه

(به ترتیب حروف الفبا)

سیدمصطفی احمدزاده

دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

حسن خیری

استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

محمود رجبی

استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله

حسین کچویان

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

حسن معلمی

استاد دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

محمود ملکی راد

دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

فرج الله میرعرب

دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

سیدجواد میری منیق

استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

داوران این شماره

محمدرضا آقایی، سعید امیرکاوه، خلیل امیری زاده، محمدرضا انواری،
سیدعباس حسینی، سیدمیرصالح حسینی، داود رحیمی سجاسی، محمد
رفیق، ابراهیم فتحی، محسن قنبری نیک، محمود ملکی راد.

فراخوان دعوت به همکاری

فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی بر اساس مصوبه هیئت امنای دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، با بهره‌مندی از ظرفیت‌های علمی و فکری مراکز حوزوی و دانشگاهی و با هدف تولید دانش و معرفت علمی، ترویج و انتشار یافته‌های پژوهشی و آثار اندیشمندان در حوزه مطالعات اجتماعی معطوف به دین و امور حوزوی، با صاحب امتیازی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر می‌شود. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی در عرصه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی و ناظر به اهداف ذیل منتشر می‌شود:

۱. توسعه تحقیقات در حوزه مطالعات فرهنگی و اجتماعی با رویکرد دینی؛
۲. تبیین مبانی معرفتی و فلسفی علم اجتماعی دینی؛
۳. تدوین و ترویج دانش اجتماعی اندیشمندان مسلمان؛
۴. گسترش و هدایت حوزه‌های دانش نظری و کاربردی در عرصه فرهنگی و اجتماعی متناسب با نیازهای جامعه هدف، در جهت تکوین علوم انسانی - اسلامی؛
۵. تولید ادبیات بومی - اسلامی در حوزه فرهنگ و اجتماع؛
۶. ایجاد انگیزه و بسترسازی پژوهش در حوزه مطالعات فرهنگی و اسلامی؛
۷. توسعه همکاری و تعامل علمی میان استادان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه؛
۸. ارتقای سطح علمی استادان و دانش‌پژوهان حوزوی و دانشگاهی؛
۹. زمینه‌سازی نشر دستاوردهای علمی - پژوهشی اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی؛
۱۰. تقویت پژوهش‌های معطوف به مسئله محوری، راهبردی و آینده‌پژوهی؛

اولویت‌های پژوهشی فصلنامه با رویکرد دینی، اعتقادی و تطبیقی

۱. بازخوانی و نقد نظریات حوزه علوم اجتماعی؛
۲. جریان‌شناسی حوزه مطالعات فرهنگی اجتماعی؛
۳. سیاست‌پژوهی ناظر به مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه؛
۴. روش‌شناسی حوزه علوم اجتماعی با تأکید بر نظریات فرهنگی.

رویکردهای اساسی

۱. تمرکز محتوایی بر مباحث فرهنگی و اجتماعی معطوف به حوزه دین با رویکرد تطبیقی، بین‌رشته‌ای؛
۲. رعایت معیارها و ضوابط علمی - پژوهشی به‌ویژه در ابعاد روشی و نظری؛
۳. پژوهش محوری با تأکید بر پژوهش‌های میدانی و پیمایشی؛
۴. مسئله محوری و راهبردی با تأکید بر مطالعات کاربردی.

از کلیه صاحب‌نظران، استادان و پژوهشگران علاقه‌مند دعوت می‌شود تا آثار خود را جهت بررسی و چاپ در فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی بر اساس ضوابط و شرایط مندرج در این فراخوان از طریق سامانه نشریه به آدرس jiss.isca.ac.ir ارسال نمایند.

راهنمای تنظیم مقاله

شرایط اولیه پذیرش مقاله

- ✓ نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی در پذیرش یا رد و ویرایش علمی و ادبی مقالات، آزاد است.
- ✓ مقالات ارسالی به نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی نباید قبلاً در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا همزمان جهت انتشار به نشریات دیگر ارسال شده باشند.
- ✓ با توجه به اینکه همه مقالات فارسی ابتدا در سامانه سمیم نور مشابهت یابی می شوند، برای تسریع فرایند داوری بهتر است نویسندگان محترم قبل از ارسال مقاله، از اصالت مقاله خود از طریق این سامانه مطمئن شوند.
- ✓ نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی از دریافت مقاله مجدد از نویسندگانی که مقاله دیگری در روند بررسی دارند و هنوز منتشر نشده، معذور است.
- ✓ مقاله در محیط Word با پسوند DOCX (با قلم Noorzar نازک ۱۳ برای متن و Times New Roman نازک ۱۰ برای انگلیسی) حروف چینی گردد.
- شرایط مقالات استخراج شده از آثار دیگر: چنانچه مقاله مستخرج از هر کدام از موارد ذیل باشد، نویسنده موظف است اطلاعات دقیق اثر وابسته را ذکر کند. در غیر این صورت در هر مرحله ای که نشریه متوجه عدم اطلاع رسانی نویسنده شود، مطابق مقررات برخورد می کند:
- پایان نامه (عنوان کامل، استاد راهنما، تاریخ دفاع، دانشگاه محل تحصیل، دانشکده، گروه تحصیلی)
- *** مقاله ارسالی از دانشجویان (ارشد و دکتری) به تنهایی قابل پذیرش نبوده و ذکر نام استاد راهنما الزامی می باشد.
- طرح پژوهشی (عنوان کامل طرح، تاریخ اجرا، همکاران طرح، سازمان مربوطه)
- ارائه شفاهی در همایش و کنگره (عنوان کامل همایش یا کنگره، تاریخ، سازمان مربوطه)
- روند ارسال مقاله به نشریه: نویسندگان باید فقط از طریق بخش ارسال مقاله سامانه نشریه جهت ارسال مقاله اقدام کنند، به مقالات ارسالی از طریق ایمیل یا ارسال نسخه چاپی ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- ✓ برای ارسال مقاله، نویسنده مسئول باید ابتدا در بخش «ارسال مقاله» اقدام به ثبت نام در سامانه نشریه نماید.
- ✓ نویسندگان باید همه مراحل ارزیابی مقاله را تنها از طریق صفحه شخصی خود در سامانه مجله دنبال نمایند.
- قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش
- ۱. نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی فقط مقالاتی را که حاصل دستاوردهای پژوهشی نویسنده و حاوی یافته های جدید است را می پذیرد.
- ۲. مجله از پذیرش مقالات مروری صرف، گردآوری، گزارشی و ترجمه معذور است.
- فایل هایی که در زمان ثبت نام نویسنده مسئول باید در سامانه بارگذاری کند:
- ✓ فایل اصل مقاله (بدون مشخصات نویسندگان)
- ✓ فایل تعهدنامه (با امضای همه نویسندگان)
- ✓ فایل مشخصات نویسندگان (به زبان فارسی و
- ✓ فرم عدم تعارض منافع
- ✓ فایل فرم مشابهت یاب مقاله (انگلیسی)

- تذکر: (ارسال مقاله برای داوری، مشروط به ارسال سه فایل مذکور و ثبت صحیح اطلاعات در سامانه است).
- تکمیل و ارسال فرم عدم تعارض منافع، توسط نویسنده مسئول الزامی می‌باشد.
 - حجم مقاله: واژگان کل مقاله: بین ۵۰۰۰ تا ۷۵۰۰ واژه؛ کلیدواژه‌ها: ۴ تا ۸ کلیدواژه؛ چکیده: ۱۵۰ تا ۲۰۰ واژه (چکیده باید شامل هدف، مسئله یا سؤال اصلی پژوهش، روش‌شناسی و نتایج مهم پژوهش باشد).
 - نحوه درج مشخصات فردی نویسندگان: نویسنده مسئول در آثاری که بیش از یک نویسنده دارند باید حتماً مشخص باشد. عبارت (نویسنده مسئول) جلوی نام نویسنده مورد نظر درج شود. فرستنده مقاله به‌عنوان نویسنده مسئول در نظر گرفته می‌شود و کلیه مکاتبات و اطلاع‌رسانی‌های بعدی با وی صورت می‌گیرد.
 - وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با یکی از الگوهای ذیل درج شود:
 ۱. اعضای هیئت علمی: رتبه علمی (مربی، استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.
 ۲. دانشجویان: دانشجوی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.
 ۳. افراد و محققان آزاد: مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.
 ۴. طلاب: سطح (۴،۳،۲)، رشته تحصیلی، حوزه علمی/ مدرسه علمی، شهر، کشور، پست الکترونیکی.
 - ساختار مقاله: بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش‌های ذیل باشد:
 ۱. عنوان؛
 ۲. چکیده فارسی (تبیین موضوع/ مسئله/ سؤال/ هدف/ روش/ نتایج)؛
 ۳. مقدمه (شامل تعریف مسئله، پیشینه تحقیق (فارسی و انگلیسی)، اهمیت و ضرورت انجام پژوهش و دلیل جدید بودن موضوع مقاله)؛
 ۴. بدنه اصلی (توضیح و تحلیل مباحث)؛
 ۵. نتیجه‌گیری (بحث و تحلیل نویسنده)؛
 ۶. بخش تقدیر و تشکر: پیشنهاد می‌شود از مؤسسه‌های همکار و تأمین‌کننده اعتبار بودجه پژوهش نام برده شود. از افرادی که به نحوی در انجام پژوهش مربوطه نقش داشته، یا در تهیه و فراهم‌نمودن امکانات مورد نیاز تلاش نموده‌اند و نیز از افرادی که به نحوی در بررسی و تنظیم مقاله زحمت کشیده‌اند، با ذکر نام، قدردانی و سپاس‌گزاری شود. کسب مجوز از سازمان‌ها یا افرادی که نام آنها برای قدردانی ذکر می‌شوند، الزامی است؛
 ۷. منابع (منابع غیرانگلیسی علاوه بر زبان اصلی، باید به انگلیسی نیز ترجمه شده و بعد از بخش فهرست منابع، ذیل عنوان References درج شوند).
 - روش استناددهی: APA (درج پانویس، ارجاعات درون متن و فهرست منابع) می‌باشد که لینک دانلود فایل آن در سامانه نشریه (راهنمای نویسندگان) موجود می‌باشد.

فهرست مقالات

- ۷ حکمرانی مهدوی الگوی حکمرانی ولی فقیه در ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار حسین الهی‌نژاد
- ۳۴ چیستی حیات طیبه در اندیشه متفکران مسلمان و جامعه اسلامی هادی حاجی حسن دنیا‌دیده
- ۶۶ نقش سه عنصر «امام، زائر و خادم» در زیارت اربعین و دلالت‌های تمدنی آن سیدعلی اصغر علوی
- ۹۴ روش اقناع‌سازی مخاطب بر اساس الگوهای قرآنی سیده کیانرخ موسوی - سعید امیرکاوه
- ۱۲۷ بررسی و تحلیل علل غیررسانه‌ای چالش هویت‌یابی نوجوانان ایران معاصر مهدی نظری - حسین رضائی - سید حسام‌الدین حسینی
- تحلیل جامعه‌شناختی تجربه هزاره‌های افغانستان از تعصب و تبعیض قومی بر مبنای اندیشه ابن خلدون و فارابی ۱۵۹ داود رحیمی سجاسی - سلطانعلی کمالی
- ۱۸۷ مطالعه جامعه‌شناختی پیاده‌روی اربعین و رابطه آن با انسجام اجتماعی قنبر حسین پور - علی اصغر عباسی اسفجیر - منوچهر پهلوان

Mahdavi Governance as a Model for the Governance of Wali al-Faqih in Fighting Oppression and Arrogance*

Hossein Elahinejad 

Professor, Department of Futures Studies of Religion and Religiosity, Institute of Mahdaviat and
Futures Studies, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.

h.elahinejad@isca.ac.ir



Abstract

By presenting three arguments, it can be claimed that the governance of Wali al-Faqih must follow and model itself after Mahdavi governance within its socio-political ecosystem. The first argument is the law of correlation which is established between the awaited society and the awaiting society. The second argument is the law of congruity which governs the pre-reappearance society and the post-reappearance society, and the third argument is the relationship established between the deputy (Wali al-Faqih) and the principal (Imam Mahdi); with these three arguments, the necessity of the relationship and the modeling of Wali al-Faqih's governance after Mahdavi governance becomes established. One of the cases of modeling with a socio-political approach is the issue of fighting oppression and combating arrogance, and to conduct this research, which is a qualitative study, we will utilize the library and documentary method in data collection and the descriptive and analytical method in data processing to achieve important results such as: 1- Fighting oppression and combating

* Elahinejad, H. (2025). Mahdavi Governance as a Model for the Governance of Wali al-Faqih in Fighting Oppression and Arrogance. *Islam and Social Studies*, 13(4), pp. 7-33.
<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.74069.2202>

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/06/22 • **Revised:** 2025/09/06 • **Accepted:** 2025/11/01 • **Online Published:** 2025/12/30

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



arrogance as a shared goal between Mahdavi governance and the governance of Wali al-Faqih, 2- Public recognition of arrogance and identification of oppressors as a shared strategy between Mahdavi governance and Wali al-Faqih governance, and 3- Public satisfaction and gaining their contentment regarding the struggle of Mahdavi governance and Wali al-Faqih governance against oppressors and arrogant powers, and finally, we will conclude the process of the work with a result and outcome.

Keywords

Governance, Mahdavi Governance, Governance of Wali al-Faqih, Identification of Oppression, Anti-Oppression, Identification of Arrogance, Anti-Arrogance.

حکمرانی مهدوی؛ الگوی حکمرانی ولی فقیه در ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار*

حسین الهی‌نژاد

استاد، گروه پژوهشی آینده‌پژوهی دین و دین‌داری، پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی،
پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
h.elahinejad@isca.ac.ir



چکیده

با طرح دلایل سه‌گانه می‌توان ادعا کرد که لازم است حکمرانی ولی فقیه در زیست‌بوم اجتماعی و سیاسی خودش از حکمرانی مهدوی پیروی و الگوبرداری کند. دلیل اول، قانون تضایف است که میان جامعه منتظر و منتظر بر قرار می‌باشد. دلیل دوم، قانون سنخیت است که میان جامعه قبل ظهور و جامعه پس از ظهور حکم‌فرما می‌باشد و دلیل سوم، رابطه‌ای است که میان نایب (ولی فقیه) و منوب عنه (امام زمان علیه السلام) بر قرار می‌باشد؛ با این سه دلیل ضرورت رابطه و الگوگیری حکمرانی ولی فقیه از حکمرانی مهدوی مسجل می‌شود. یکی از موارد الگوگیری با رویکرد اجتماعی و سیاسی بحث ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار می‌باشد که جهت انجام این پژوهش که یک پژوهش کیفی است در جمع‌آوری اطلاعات از شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و در پردازش اطلاعات از روش توصیفی و تحلیلی بهره خواهیم برد تا به دستاوردهای مهمی همچون: ۱- ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار به عنوان هدف مشترک میان حکمرانی مهدوی با

* الهی‌نژاد، حسین. (۱۴۰۴). حکمرانی مهدوی؛ الگوی حکمرانی ولی فقیه در ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴)، صص ۷-۳۳.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.74069.2202>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

□ ۱۴۰۴ © (نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند)



حکمرانی ولی فقیه، ۲- شناخت استکبار و ظالم‌شناسی به مردم به عنوان راهکار مشترک میان حکمرانی مهدوی و حکمرانی ولی فقیه و ۳- رضایت‌مندی مردم جلب خوشنودی آنها نسبت به مبارزه حکمرانی مهدوی و حکمرانی ولی فقیه با ظالمان و مستکبران، برسیم و در آخر فرایند کار را با نتیجه و برابری به پایان خواهیم برد.

کلیدواژه‌ها

حکمرانی، حکمرانی مهدوی، حکمرانی ولی فقیه، ظلم‌شناسی، ظلم‌ستیزی، استکبارشناسی و استکبارستیزی.

مقدمه

استکبار یک کلمه قرآنی است که در قرآن درباره‌ی امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حق و حقیقت به کار رفته است. استکبار در گذشته هم بوده است، تا امروز هم وجود دارد. استخوان‌بندی استکبار در همه‌ی دوره‌ها یکی است؛ البته شیوه‌ها و خصوصیات و روش‌ها در هر زمانی تفاوت می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۲۹). مبارزه با ظلم و ستم، و مقابله با ظالمان و ستمگران در اندیشه مهدویت دارای جایگاه مهمی بوده و این موضوع در شکل‌های گوناگونی در روایات مهدویت آمده است. برای مثال یک مرتبه در قالب اهداف حکمرانی مهدوی و مرتبه دیگر در قالب فلسفه غیبت و دیگر مرتبه در قالب عدم بیعت با حاکمان جور بیان شده است. پس مبارزه امام مهدی (عج) با ظالمان و ستمگران در قالب مؤلفه سه گانه؛ اهداف حکمرانی، فلسفه غیبت و مبارزه با حاکمان جور، نمود و بروز دارد؛ اما در بیان اهداف حکمرانی گفته می‌شود: حکمرانی مهدوی دارای اهداف سه گانه کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت می‌باشد در هدف کوتاه مدت، به تشکیل نظام جهانی مهدوی و در هدف میان مدت مبارزه با ظالمان و ستمگران و تحقق عدالت در سراسر جهان و در هدف بلند مدت که از آن به هدف نهایی یاد می‌شود، به گسترش توحید و عبودیت در جهان پرداخته و مردم را تحت دین واحدی به نام اسلام گرد هم می‌آورد. رهبر انقلاب در این خصوص فرمودند: «مأموریت بزرگ حضرت بقیة الله (عج) عبارت است از «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهٖ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا»؛ مأموریت بزرگ آن بزرگوار قسط و عدل است. در بسیاری از روایات، در دعاها، در زیارت‌ها به این معنا اشاره شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱/۲۱). پس گسترش عدل و داد و اضمحلال ظلم و جور از اهداف مهم حکمرانی مهدوی است که در این خصوص روایات فراوانی داریم تا جایی که برخی از بزرگان ادعای تواتر و اجماع نموده‌اند (هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۱۶، ص ۱۶۲). و همچنین در بیان فلسفه غیبت گفته می‌شود: غیبت و پنهان زیستی امام زمان (عج) دارای فلسفه و علل مختلفی است که یکی از آنها عدم بیعت با ظالمان و مستکبران می‌باشد؛ براین اساس امام زمان (عج) در مبارزه با ظالمان و ستمگران، به‌طور قاطع عمل کرده و بدون هیچ گونه مماشات و ملاحظاتی با آنها برخورد می‌کند. گرچه بحث حکمرانی ولی

فقیه و حکمرانی مهدوی بحث جدید و نوپایی است، ولی مقالاتی نظیر «بررسی و تحلیل مبانی و مباحث نظری حکمرانی مهدوی و حکمرانی ولی فقیه» (الهی نژاد، ۱۴۰۴)، «حکمرانی ولی فقیه به منزله باز پیکربندی مسئله زمینه‌سازی ظهور در جهت تحقق خلافت الهی» (میرزاده، ۱۴۰۴)، «منطق تصمیم‌گیری رهبر معظم انقلاب در حکمرانی زمینه‌ساز» اثر (زارع، ۱۴۰۴) و «حکمرانی مهدوی؛ راهبرد زمینه‌سازی برای ظهور در پرتو انقلاب اسلامی (با اتکاء به بیانات امامین انقلابین)» نوشته (موسوی حسن رودی و نصوری، ۱۴۰۴)، «حکمرانی مردم پایه حکمرانی زمینه‌ساز» اثر (پارسانیا و لکنزایی، ۱۴۰۴) و «مدل حکمرانی زمینه‌ساز در اندیشه امام خمینی علیه السلام: تبیین، شاخص‌ها و نسبت با مدل‌های مدرن حکمرانی» اثر (معینی‌پور، ۱۴۰۴) به رشته تحریر در آمده است نمونه‌هایی از پیشینه تحقیق در این راستا می‌باشد. و در آخر در بیان مؤلفه سوم که مبارزه با حاکمان جور است گفته می‌شود: در روایات و احادیث گوناگونی این مطلب آمده که با ظهور امام مهدی علیه السلام بساط همه حکومت‌های جور و ستم برچیده می‌شود؛ از این رو در طول تاریخ اسلامی در مقاطع مختلف تاریخی یکی از کارهای مهم حاکمان جور، مبارزه با تولد امام زمان علیه السلام و در صورت تولد امام، تلاش برای از بین بردن ایشان بوده است. پس در اندیشه مهدویت و حکمرانی مهدوی یکی از مسائل مهم و برجسته بحث مبارزه با ظلم و ستم و مقابله با ظالمان و ستمگران است. حکمرانی ولی فقیه که به عنوان حکمرانی زمینه‌ساز شهره است در راستای همراهی با حکمرانی مهدوی و نیز در راستای تحقق زمینه‌سازی ظهور باید با بهره‌گیری از اندیشه مهدویت به مبارزه با ظلم و ستم در جامعه و نیز مقابله با ظلمان و ستمگران در جهان نظیر استکبار و صهیونیسم جهانی بپردازد.

در این نوشتار جهت تحقیق و پژوهش ابتدا به بیان مفهوم‌شناسی و تبیین ادبیات بحث پرداخته و در ادامه با در افکندن مبحث چند گانه نظیر «راهبری حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم»، «معرفت‌افزایی حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم»، «همه‌جانبه‌گرایی حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم و استکبار ستیزی»، «رضایت‌مندی مردم از حکمرانی مهدوی در استقرار عدالت»، «ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار، هدف حکمرانی ولی فقیه»، «معرفت‌افزایی حکمرانی ولی فقیه به مردم نسبت به ظلم و ستم»، «زمینه‌سازی ظهور با

ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار» با روش توصیفی و تحلیلی و بر اساس فن اسنادی و کتابخانه‌ای به تحقیق و پژوهش پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی و ادبیات نظری بحث

۱-۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱-۱. حکمرانی

حکمرانی در اصطلاح، فرایند نظام‌مندی جهت راهبری، هدایت‌گری، تسهیل‌گری و تنظیم‌گری جامعه از مبداء تا مقصد است؛ به بیان دیگر حکمرانی یک فرایند و یک تکنولوژی نرم است که از سیاست‌گذاری شروع شده تا به تحقق اهداف منتهی می‌شود (خسروپناه، ۱۴۰۲). حکمرانی از قدیم مطرح بوده و دارای پیشینه طولانی از نظر تاریخی است (بور، ۱۳۹۷، ص ۲۲). حکمرانی یعنی؛ راهبری پیشبرد امر عمومی در تمامی سطوح، ابعاد و بخش‌های مختلف و در ارتباط با دیگر ذینفعان، زیربطان و اجزا از مبدا تا مقصد بر اساس محرک‌ها در بستر زمان و مکان؛ اما در تعریف حکمرانی اسلامی آمده؛ راهبری مؤمنانه قدرت برای تحقق امر عمومی در تمامی سطوح و بخش‌ها در ارتباط با دیگر ذینفعان، زیربطان و اجزاء از مبداء تا مقصد به بعث محرک‌ها در بستر زمان و مکان از طریق عمل صالح (لک‌زایی و همکاران، ۱۴۰۳).

حکمرانی اسلامی شیوه و روش اعمال و تنظیم قدرت، سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها برای تحقق آرمان حیات طیبه از طریق مشارکت، هم‌افزایی و عملکرد بهینه نظام اسلامی است در بنیان‌های مفهوم حکمرانی اسلامی، ارجاع به آموزه‌های دین اسلام و منابع اسلامی محوریت دارد (قجری و نوربخش، ۱۴۰۰). می‌توان گفت حکمرانی در آموزه‌های قرآن، خلافت و ولایت از سوی خداوند برای بسترسازی کمال‌یابی بشر است؛ از این‌رو همه چیز در محور توحید و تکامل انسانی معنا و مفهوم می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۴۸).

پس حکمرانی به معنای راهبری صحیح و به هم پیوسته قدرت از مبداء تا مقصد برای حل مسائل و مشکلات با مشارکت کنشگران ذینفع در راستای تحقق اهداف جامعه

است. که اگر جامعه اسلامی باشد با هدف و شاخصه‌های اسلامی و اگر جامعه غیراسلامی باشد با هدف و شاخصه‌های دیگری تعریف می‌شود.

۱-۱-۱. حکمرانی ولی فقیه

حکمرانی ولی فقیه، الگو و مدلی از حکمرانی اسلامی است که در زمان غیبت براساس اندیشه مهدویت شکل می‌گیرد و ولی فقیه به عنوان جانشین امام زمان علیه السلام سرپرستی جامعه را از ناحیه امام زمان علیه السلام براساس نظریه ولایت فقیه که مبتنی بر نظریه نیابت عام است، عهده‌دار بوده و به راهبری، هدایت‌گری، سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و تسهیل‌گری جامعه می‌پردازد؛ به بیان دیگر، حکمرانی ولی فقیه یعنی اجرا و اعمال سیاست در جامعه زمان غیبت با نگرش مردم‌سالاری دینی، براساس نظریه ولایت فقیه جهت ترویج و اقامه دین در جامعه است.

۲-۱-۱. حکمرانی مهدوی

حکمرانی مهدوی، آخرین الگو و مدل حکمرانی اسلامی است که براساس اندیشه مهدویت شکل گرفته و با رویکرد جهانی به راهبری، هدایت‌گری، سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و تسهیل‌گری جامعه و شهروندان برای رسیدن به عدالت جهانی، رفاه جهانی، امنیت جهانی و اقامه دین در جهان می‌پردازد. به بیان دیگر حکمرانی مهدوی یعنی اجرا و اعمال سیاست در جامعه با نگرش مردم‌سالاری دینی، براساس اندیشه مهدویت و حاکمیت امام مهدی علیه السلام جهت رشد امور مادی و معنوی بشر در دو ساحت دنیا و آخرت است (الهی‌نژاد، ۱۴۰۴).

۳-۱-۱. استکبار

استکبار از ریشه «کبر» به معنای خودبزرگ‌پنداری، برتری‌جویی، گردن‌کشی، غرور و نخوت است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۲۶؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۷). در قرآن کلمه استکبار و واژگان هم‌سو فراوان استعمال شده است «وَاِسْتَكْبَرُ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ

يَغَيِّرِ الْحَقُّ...»؛ و او و سپاهیان‌ش در آن سرزمین به ناحق سرکشی کردند و پنداشتند که به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوند (قصص، ۳۹). و «وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ أَتٰتٰی عَلٰیكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ»، و اما کسانی که کافر شدند [بدانها می‌گویند:] «پس مگر آیات من بر شما خوانده نمی‌شد؟ و [لی] تکبر نمودید و مردمی بدکار بودید (جاثیه، ۳۱).

استکبار به دو نوع فردی و اجتماعی قابل تقسیم است. استکبار فردی، تکبر در برابر خدا و خاضع نشدن در پیشگاه حقیقت است و استکبار اجتماعی، تکبر در برابر مردم و بزرگ‌تر دانستن خود و مفهومی در مقابل استضعاف است، امام خمینی علیه السلام استکبار اجتماعی و سیاسی را در برابر استضعاف قرار داده و در یک نگاه کلی معتقد است تجاوز به حقوق زیردستان و کوچک شمردن آنان، هرچند کم باشد از مصادیق استکبار است؛ «از این رو مستکبران منحصر در قدرت‌های سلطه‌گر جهانی نیست؛ بلکه دولت‌هایی هم که ملت‌های خود را ضعیف می‌شمارند و بر آنان ظلم می‌کنند در ردیف مستکبران‌اند؛ همچنین کسی که به حقوق زیردستان خود تعدی کند و آنان را کوچک می‌شمارد نیز مستکبر است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۴۸۸).

۲. ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار در حکمرانی مهدوی

۲-۱. راهبری حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم

چنان‌که بیان شد یکی از اهداف مهم حکمرانی مهدوی مبارزه با ظلم و ستم در جامعه است. حکمرانی مهدوی با سیاست‌گذاری و راهبری، فرهنگ عدالت و عدالت‌خواهی و قبح ظلم و ستم را در جامعه و در میان مردم اشاعه و ترویج می‌کند و با استمرار این فرهنگ به مرور روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در میان مردم گسترش پیدا می‌کند که در نتیجه نظام جهانی مهدوی و شهروندان آن برای اولین و آخرین مرتبه با اضمحلال ظلم و ستم اجتماعی به تجربه شیرین جامعه منهای ظلم و ستم دست پیدا می‌کنند. بی‌شک بر اساس داده‌های قرآنی، همه انبیاء علیهم السلام مأمور بوده‌اند تا با همین رویه با مردم تعامل نموده و با همین رویه سیاست‌گذاری، راهبری و تسهیل‌گری نمایند

تا مردم به صورت خودجوش به سوی اجرای عدالت و مبارزه با ظلم و ستم حرکت نمایند. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند (حدید، ۲۵).

در تفسیر آیه فوق گفته می‌شود؛ منظور از «کتاب» همان کتب آسمانی است و «میزان» به معنی «وسیله وزن کردن و سنجش» است که در نگاه معنوی احتمال دارد به معنای دین باشد. یعنی چیزی که تمام اعمال انسان‌ها را می‌توان با آن سنجید، و آن احکام و قوانین الهی، و یا آئین او به طور کلی است، که معیار سنجش نیکی‌ها و بدی‌ها، و ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹، ص ۱۷۱). به این ترتیب پیامبران با سه وسیله مجهز بودند: دلایل روشن، کتب آسمانی، و معیار سنجش حق از باطل و خوب از بد، و مانعی ندارد که فی‌المثل قرآن مجید هم «بینه» (معجزه) باشد، و هم کتاب آسمانی، و هم بیان‌کننده احکام و قوانین، یعنی سه بعد در یک محتوی. نکته مهم در جمله «لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» است که از «خودجوشی مردم» سخن می‌گوید، نمی‌فرماید: هدف این بوده که انبیاء انسان‌ها را وادار به اقامه قسط کنند؛ بلکه می‌گوید: «هدف این بوده که با هدایت‌گری انبیا علیهم‌السلام مردم مجری قسط و عدل باشند آری مهم این است که مردم چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت گردند، و این راه را با پای خویش بپیمایند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۳۷۱). پس انبیا الهی علیهم‌السلام در طول تاریخ بدون تصدی‌گری و دخالت مستقیم با دلایل روشن بر اساس کتاب‌های آسمانی به سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، تسهیل‌گری و راهبری مردم پرداخته تا آنها خودشان به صورت خودجوش به اقامه عدل و داد، و مبارزه با ظلم و ستم در جامعه بپردازند.

چنان‌که امام باقر علیه‌السلام در این خصوص می‌فرماید: «إِذَا قَامَ يَبْتَطِلُ مَا كَانَ فِي الْهَدْيَةِ مِمَّا كَانَ فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ يَسْتَقْبِلُ بِهِمُ الْعَدْلُ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۵۴). قائم هم موقعی که قیام می‌کند هر اعمال نامشروع و بدعتی را که هنگام سازش با بیگانگان در میان مسلمین مرسوم گشته از میان می‌برد و مردم را به عدالت‌گستری راهبری می‌نماید.

در این روایت دو نکته مهم وجود دارد: ۱. آنچه در دوران سازش، نظیر انحرافات و بدعت‌های ظالمان و ستمگران وجود داشته، امام زمان علیه السلام همه آنها را باطل کرده و از بین می‌برد. ۲؛ مردم و جامعه را بدون تصدی‌گری و بدون دخالت مستقیم به سوی عدالتخواهی و ظلم‌ستیزی راهبری می‌کند.

پس بر اساس داده‌های قرآنی و روایی اصل اولیه بر این است که مردم خودشان با خود آگاهی و به صورت خودجوشی در امور اجتماعی نظیر تحقق عدالت و قسط ورود پیدا کرده و خودشان به صورت جمعی به رفع معضلات و مشکلات اجتماعی نظیر ظلم و ستم و مبارزه با ستمگران و ظالمان اقدام کنند. از اینجاست که یکی از کارهای مهم امام زمان علیه السلام در دوران حکمرانی جهانی، راهبری مردم در مسیر مبارزه با ظلم و ستم است؛ براین اساس نظام جهانی مهدوی برای تحقق عدل و داد، و برای رفع ظلم و ستم از جامعه، با اجتناب از دخالت‌گری و تصدی‌گری، فقط به سیاست‌گذاری، راهبری، تسهیل‌گری و حمایت‌گری بسنده کرده و مردم نیز به صورت خودخوش و خودآگاه به انجام کارهای اجتماعی اقدام می‌کنند.

۲-۲. معرفت‌افزایی حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم

یکی از راه‌های مهم مبارزه با ظلم و جور و اقبال به عدل و داد ارتقای معرفت مردم نسبت به قبح ظلم و جور و نقش منفی آن در زندگی اجتماعی و فردی و نیکویی عدل و داد و نقش مثبت آن در جامعه می‌باشد. به‌طور کلی معرفت‌افزایی مردم از نظر دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، موجب معرفت‌افزایی آنها نسبت به مقوله حق و حقیقت، عدل و داد و ظلم و جور می‌شود. هرچه این معرفت و آگاهی بیشتر، بالطبع حق‌شناسی و باطل‌شناسی و نیز ظلم‌شناسی و عدل‌شناسی بیشتر می‌شود. بر اساس فطرت خدادادی، مردم همیشه به سوی خوبی‌هایی مثل دین و آموزه‌های دینی، و حق و حقیقت، و عدل و داد گرایش داشته و در مقابل آن از بدی‌هایی نظیر ظلم و ستم، ناحقی و نابرابری و پلیدی و پلشتی متنفر و گریزان می‌باشند (فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا) و این گرایش‌ها فطری که در وجود همه انسان‌ها وجود دارد وقتی با معرفت و شناخت عقلی همراه شود

تأثیراتش بیشتر شده و مبارزه و تقابل را در انسان‌ها شدیدتر و عمیق‌تر می‌کند. در دوران پس از ظهور با حکمرانی مهدوی بسترهای رشد و ترقی برای مردم از لحاظ فکری و ذهنی مهیا شده و در واقع با این فراهم‌آوری و تمهیدگری نظام حکمرانی مهدوی، استعدادهای حق‌شناسی و حق‌یابی مردم شکوفاتر می‌شود و مردم با نیروی عقلانی و با قدرت فطری به حکمت و دانش برتر که به بواطن و اسرار جهان نفوذ دارد می‌رسند. پس در دوران نظام جهانی مهدوی مردم با دست‌یابی به دانش برتر (حکمت) به معرفت‌های یقینی و مطابق با واقع نایل می‌شوند. یعنی مفاهیم، براهین و قضایای معرفتی که در میان‌شان مطرح است به صورت مفاهیم صادق، واقعی، حقیقی و موجه، و نیز براهین صادق، مستدل و مطابق با واقع می‌باشد.

چنان‌که امام باقر (ع) در این زمینه می‌فرماید: «تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ مُسْنَدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۳۹). در دوران نظام جهانی مهدوی دانش حکمت، طوری در جامعه گسترش پیدا می‌کند که زن در خانه خود به کتاب خدا و سنت رسول گرامی اسلام ﷺ اجتهاد می‌کند.

چنان‌که امیر مؤمنان علی (ع) در نهج‌البلاغه در وصف حال امام مهدی (ع) می‌فرماید: «قَدْ لَبَسَ لِلْحِكْمَةِ جُنتَهَا وَأَخَذَهَا بِجَمِيعِ أَدْبِهَا مِنَ الْإِقْبَالِ عَلَيْهَا وَالْمَعْرِفَةِ بِهَا وَالتَّفَرُّغِ لَهَا وَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ ضَالَّةٌ الَّتِي يَطْلُبُهَا وَحَاجَتُهُ الَّتِي يَسْأَلُ عَنْهُ...» (مهدی موعود) سپر حکمت را پوشیده و آن را با تمام شرائطش از توجه به آن و شناختن آن و آمادگی برای اخذ آن، فرا گرفته پس حکمت گم شده است که آن را یافته است و آرزویی است که درخواست می‌نموده است» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۸۲، ص ۲۶۳).

باز حضرت در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «إِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مَنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَيَحْدُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيَحُلَّ فِيهَا رِيقًا وَيَعْتِقَ فِيهَا رِقًا... تُجَلَّى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ وَيُزَمَّى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ وَيُعْبَثُونَ كَأَسْ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ؛ ... بدانید کسی که از ما (امام زمان) آن آشوبها را درک کند، در تاریکی آن فتنه‌ها با چراغی روشن (نور امامت) راه خواهد رفت و بروش نیکان رفتار نماید، در آن وضع بحرانی بندی را بگشاید و اسیری را (از بند جهل) آزاد گرداند، دیدگان آنها به نور قرآن روشن شود و تفسیر آن

در گوشه‌های‌شان جایگزین گردد و جام حکمت را در صبح و شام به آنها بنوشاند (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۵۰، ص ۱۷۸).

در روایات فوق و امثال آنها به پیشرفت حکمت (علم برتر) در دوران ظهور و استقرار نظام جهانی مهدوی اشاره شده است، البته منظور از علم و معرفت در اینجا، علم و معرفتی است که در قالب دانش برتر به نام «حکمت» (سجادی، ۱۳۷۹، ص ۴۸۵). خود نمایی می‌کند. یعنی در حکمرانی مهدوی، زمینه‌های فراگیری حکمت در جامعه مهیا می‌شود و مردم به صورت مدام، صبحگاهان و شبگاهان یعنی به صورت شبانه‌روزی جام حکمت سر می‌کشند و بهرمندی از جام حکمت و نوشیدن آن مخصوص گروه خاص، نژاد خاص و فرهنگ خاصی نیست؛ بلکه همه اقشار مردم در همه سطوح، با همه نژادها، رنگ‌ها و ملیت‌ها از این دانش برین بهرمند خواهند بود.

چنان‌که امام باقر (ع) در خصوص رشد عقل و عقلانیت شهروندان نظام جهانی مهدوی می‌فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ؛ ... چون قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان گذارد پس عقولشان را جمع کند و در نتیجه خردشان کامل شود (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۹۷۵).

باز امام باقر (ع) در خصوص تعالی و رشد علمی و معرفتی عصر ظهور در تفسیر آیه «أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» می‌فرماید: «هَذِهِ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ يَقُولُ إِنْ أَصْبَحَ إِمَامُكُمْ غَائِبًا عَنْكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيْنَ هُوَ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ يَأْتِيكُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ حَلَالِ اللَّهِ جَلٍّ وَ عَزٍّ وَ حَرَامِهِ ثُمَّ قَالَ وَ اللَّهُ مَا جَاءَ تَأْوِيلُ الْآيَةِ وَ لَا بُدَّ أَنْ يَجِيءَ تَأْوِيلُهُ؛ ... این آیه در باره امام مهدی (ع) نازل شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «اگر امام شما از شما غائب شود و ندانید که او در کجا است. چه کسی امام را برای شما ظاهر می‌کند تا اخبار آسمان و زمین، و حلال خدا و حرام او را برای شما بیان کند» سپس فرمود: «به خدا تأویل این آیه نیامده و به ناچار خواهد آمد» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۶۲).

در مفهوم روایت آمده است که امام، علم آسمانی و زمینی را برای مردم به ارمغان می‌آورد. یعنی امام زمان (ع) با ظهور خویش، شناخت مردم را نسبت به مسائل فیزیکی

و متافیزیکی و یا علوم وحیانی و علوم بشری و یا علوم آسمان‌ها و کرات، و علوم زیستی و زمینی کامل می‌کند. این‌ها همه در واقع نمودار رشد یافتگی و تعالی علم و معرفت مردم در نظام جهانی مهدوی است؛ زیرا امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «تأویل این آیه هنوز نیامده و در دوران ظهور امام مهدی علیه السلام خواهد آمد».

پس مردم در زمان ظهور با حکمرانی مهدوی در دو ساحت علمی و عقلی رشد فزاینده و قابل توجه‌ای پیدا می‌کنند. این رشد فزاینده در امورات گوناگون معنوی و مادی، دنیایی و آخرتی، فردی و اجتماعی، و در امور اجتماعی در ساحت‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، دینی، اعتقادی، تمدنی و... رخ می‌دهد؛ پس این چنین مردمی اولاً؛ حق‌شناس هستند، ثانیاً، به دین و آموزه‌های دینی علاقمندند، ثالثاً؛ عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز هستند رابعاً؛ با استکبار و ظالمان سر سازش ندارند. در جامعه این چنینی با مردم این چنینی روحیه عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی گسترش پیدا کرده و به عنوان یک فرهنگ غالب در میان‌شان نهادینه شده است. نکته قابل توجه اینکه بر اساس داده‌های روایات فوق، همه تلاش‌ها و فعالیت‌های حکمرانی مهدوی که بیان شد، همگی به صورت راهبری، هدایت‌گری و تنظیم‌گری و بدون تصدی‌گری و دخالت مستقیم، همراه با فرهنگی‌سازی و تسهیل‌گری بوده و مردم نیز به صورت آگاهانه و خودجوشانه به انجام کارهای مثبت اجتماعی و مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی اقدام می‌کنند.

۲-۳. همه‌جانبه‌گرایی حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم و استکبارستیزی

ازجمله کارهای مهمی که در روزهای اول شکل‌گیری نظام جهانی، به صورت فراگیر و همه‌جانبه در جامعه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری می‌شود بحث مبارزه با ظلم و ستم است، یعنی این کار با اولویت اول به صورت فوری و فوری و به صورت فراگیر در جامعه اجرائی و عملیاتی می‌شود. براین اساس نهضت جهانی مهدوی پس از تشکیل حکمرانی جهانی با همراهی مردم در مسیر مبارزه با ستمگران، ظالمان و حاکمان جور قرار گرفته و بر اساس داده‌های روایی این کار در مدت زمان کوتاهی انجام شده و مردم با راهبری و تسهیل‌گری نظام جهانی برای همیشه بساط ظلم و ستم اجتماعی را در جامعه

بر می‌چینند و بشر و جوامع بشری برای اولین مرتبه و آخرین مرتبه طعم شیرین بی‌ظلمی، بی‌ستمی، و نیز بی‌ستمگران، بی‌ظالمان را تجربه خواهد کرد. چنان‌که رسول گرامی اسلام ﷺ در این خصوص می‌فرماید: «فهو إمام تقى نقى بار مرضى هاد مهدى أول العدل و آخره؛ ... مهدی ﷺ امام تقی، نقی، خرم، مرضی، هادی و مهدی و اول العدل و آخر العدل می‌باشد (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱۱، ص ۲۶۷).

پس مردم با محوریت حکمرانی مهدوی در مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی اولاً؛ به صورت فراگیر و هم‌جانبه وارد می‌شوند ثانیاً؛ با شدت و حدّت تمام موضوع را پی‌گیری می‌نمایند. ثالثاً؛ با عده و عده کامل به صحنه می‌آیند رابعاً؛ با ضرورت و اولویت فوری با ظالمان و ستمگران برخورد کرده و با رویکرد سلبی و حذفی جامعه را از لوث آنها پاک‌سازی و جامعه را به سوی عدل و داد به پیش می‌برند.

چنان‌که در محضر امام رضا ﷺ از سامان‌یابی امور در دوران ظهور بدون سختی و بدون مبارزه با ظالمان و ستمگران گفت‌وگویی می‌شود که امام رضا ﷺ این دیدگاه را رد کرده و می‌فرماید: «فَقَالَ أَنْتُمْ الْيَوْمَ أَرْحَىٰ بَالَا مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ قَالُوا وَكَيْفَ قَالَ لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُنَا ﷺ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلَقُ وَالْعَرَقُ وَالتَّوْمُ عَلَى السُّرُوجِ وَ مَا لِإِبْنِ الْقَائِمِ ﷺ إِلَّا الْعَلِيطُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشَبُ؛ ، شما امروز آسوده‌تر از آن روز هستید عرض کردند: چطور؟ فرمود: اگر قائم ما ﷺ خروج کند به جز خون و خون‌ریزی (نسبت به ظالمان) و بدون عرق‌ریختن در مبارزه با آنها و به جز بر روی زین‌های اسبان خفتن چیزی نخواهد بود و قائم ﷺ را به جز جامه درشت بافت و غذای ساده نخواهد بود» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۸۵).

امام رضا ﷺ در رابطه با عدل فراگیر در حکمرانی مهدوی می‌فرماید: «فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ وُضِعَ مِيزَانُ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا؛ ... آن‌گاه که خروج کند، ترازوی عدل را در بین مردم می‌نهد، پس هیچ‌کس به دیگری ظلم نمی‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۲۲).

همچنین امام باقر ﷺ در تفسیر این آیه؛ «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» فرمودند؛ «أَيُّ يُحْيِيهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا

بِجَوْرِ أَيْمَةِ الضَّلَالِ» ، «بدانید که خداوند زمین را پس از مردنش زنده می گرداند» یعنی خداوند زمین را با عدل قائم در رستاخیز ظهور او زنده می گرداند، پس از آنکه از ستم فرمانروایان ضلالت مرده باشد» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۵).

از مجموع روایات فوق الذکر که به نحوی به موضوع عدالت و گسترش آن در جامعه می پردازد این نکات قابل برداشت می باشد: ۱. عدالت گستری امام زمان (عج) فراگیر و همه جانبه است، ۲. عدالت مهدوی در همه زوایای جامعه اعم از فردی و اجتماعی رسوخ می کند و ۳. تحقق فراگیری و همه جانبه عدالت همراه با آگاهی بخشی و معرفت افزایی مردم است.

۲-۴. رضایت مندی مردم از حکمرانی مهدوی در استقرار عدالت

از جمله شاخصه های مهم یک حکمرانی خوب و متعالی، رضایت مندی مردم از عملکرد مثبت حکمرانان و توجه ویژه حکمرانان به مردم و رفع نیازمندی ها و مشکلات آنها با رویکرد عدالت محوری و تکلیف محوری می باشد. چنان که بیان شد عدالت محوری در راستای تکلیف محوری به عنوان یکی از اهداف مهم حکمرانی مهدوی به شمار می آید. پیاده سازی عدالت و مساوات در جامعه جهانی به صورت تدریجی و سلسله مراتبی صورت می پذیرد. یعنی در این فرایند ابتدا نسبت به حقیقت و چیستی عدالت به مردم آگاهی بخشی می شود، پس از آگاهی بخشی به مردم، به کارکردهای و اثرات مهم آن و ضررهای فراوانی که ظلم و جور به همراه دارد پرداخته می شود و پس از معرفت افزایی نسبت به حقیقت و کارکرد عدالت، با استمرار بخشی و تداوم آن به واسطه حکمرانی مهدوی به مرور زمان شاخصه عدالت خواهی در جامعه به عنوان یک فرهنگ غالب در آداب و معاشرت مردم نهادینه سازی می شود. در اینجا ست که مردم با این روحیه عالی یعنی روحیه عدالت خواهی و ظلم ستیزی از عملکرد حکمرانی مهدوی اعلان رضایت کرده و نظام جهانی را در این مسیر با علاقه مندی تمام مساعدت و همراهی می کنند.

چنان که رسول الله ﷺ در این خصوص می فرماید: «أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي

بی شک ماهیت انقلاب اسلامی ایران که در رأس آن ولی فقیه به عنوان نماینده امام زمان (عج) قرار دارد سیاست نه شرقی و نه غربی است تبلور این شعار و این سیاست، نفی استکبار بطور مطلق یعنی استکبار در همه سطوح و در همه جغرافیای جهان می‌باشد و شعارهایی نظیر عدالت‌خواهی، حمایت از مستضعفین و دوری از اشراف‌گری همه آنها بیان‌گر ماهیت و آرمان‌خواهی انقلاب اسلامی است. پس حکمرانی ولی فقیه در راستای حکمرانی مهدوی نه فقط یکی از اهداف مهم آن مبارزه با ظلم و ستم است؛ بلکه اساس و ماهیت آن نیز متفرع بر رویکرد استکبارستیزی می‌باشد، یعنی حکمرانی ولی فقیه هم از نظر خاستگاه و هم از نظر ماهیت و هم از نظر غایت و هدف در پی تحقق عدالت و مبارزه با استکبار و ظلم‌ستیزی است؛ به بیان دیگر استکبارستیزی در حکمرانی ولی فقیه علاوه بر نقش علت محدثه، نقش علت مبقیه را نیز ایفاء می‌کند.

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

انسان‌ها می‌توانند تلاش کنند و پرچم عدالت را (و لو در یک نقطه‌ی محدود) بلند کنند. شما ببینید ملت‌هایی که امروز در گوشه و کنار عالم زیر فشارِ ظلم و ستم زندگی می‌کنند، اگر این امید را در دل خود بیورانند که می‌شود با ظلم مبارزه کرد، چه اتفاقی در دنیا می‌افتد و چطور ملت‌ها بیدار می‌شوند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

باز ایشان می‌فرماید:

انسان باید برای هدفی زندگی کند؛ ... کار برای اهداف عالی، همیشه موفق است. این را خدای متعال در قوانین آفرینش قرار داده است که هرکس کار کند حتی برای هدف‌های دنیایی خداوند او را به آن هدف‌ها خواهد رساند؛ مگر آنکه در خود کار، خللی وجود داشته باشد که این، به خود انسان برمی‌گردد. و الا اگر کار برای هدف، با اصول درست انجام گیرد، دست یافتن به آن هدف، قطعی است. ... اگر این هدف یک هدف الهی باشد؛ به بشریت برگردد، به آرمان‌های خدایی برگردد، به صلاح و خیر بشر برگردد، به استقرار عدالت و به مبارزه با ظلم و جور مربوط شود، احساس می‌کند که به هدف نزدیکتر شده است (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۱۹).

پس علاوه بر وجود قوانینی نظیر اصل تناسب، تضایف و سنجیت که میان جامعه

منتظر و منتظر بر قرار بوده و براساس این قوانین و اصول همراهی و همپوشانی در فلسفه وجودی و غایت شناختی میان آن دو جامعه را الزامی می‌کند. الگوهای فکری و معرفتی امامین انقلاب که بر اساس اندیشه نه شرقی و نه غربی پی‌ریزی شده و به نوعی پایه و اساس شکل‌گیری حکمرانی ولی فقیه در زمان حاضر می‌باشد نیز این همراهی و همپوشانی را فهم پذیرتر و مدلل تر می‌نماید.

۳-۲. معرفت‌افزایی به مردم در زمان غیبت

از جمله الگوهای مهمی که حکمرانی ولی فقیه از حکمرانی متعالی مهدوی گرفته بحث معرفت‌افزایی منتظران و شهروندان نظام ولی فقیه در خصوص شناخت حق و حقیقت، ظلم و ستم، ظالمان و ستمگران است. بی‌تردید بیداری‌های اسلامی در منطقه و حتی جهان و تداوم مبارزه مردم ایران و منطقه با استکبار و صهیونیسم جهانی، همه نشان از معرفت‌افزایی مردم نسبت به استکبار و ظالمان جهانی دارد و تحقق این شاخصه مهم اجتماعی از روش حکمرانی ولی فقیه به سرپرستی امامین انقلاب رخ داده است. بی‌شک هرچه مردم منطقه و ایران نسبت به اهداف شوم استکبار و صهیونیسم جهانی بیشتر آگاهی و معرفت پیدا نمایند، بیشتر به مبارزه و مقابله با استکبار جهانی و توطئه‌های آنها می‌پردازند.

چنان‌که در این خصوص بیاناتی از امام خمینی علیه السلام داریم که می‌فرماید:

اصلاً باید مسلمین بیدار بشوند. امروز روزی نیست که مسلمان‌ها هر کدام يك گوشه‌ای زندگی تنهایی بکنند و خودشان بین خودشان در هر کشوری يك زندگی خاص به خود داشته باشند، نمی‌شود این معنا. در يك همچو زمانی که سیاست‌های ابرقدرت‌ها بلعیدن همه جاست، مسلمین باید بیدار بشوند، ملت‌ها. دولت‌ها را من از اکثرشان مأیوس هستم، لکن ملت‌ها باید بیدار بشوند، و همه تحت لوای اسلام و تحت سیطره قرآن باشند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۳۱۹).

و مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

دشمن‌ترین اشخاص با این عقیده و با شخص آن بزرگوار، ستمگران عالمند. از روز

غیبت و بلکه از روز ولادت آن حضرت تا امروز، کسانی که وجود شان با ستم و زورگویی همراه بوده است، به دشمنی با این بزرگوار، با این پدیده الهی، با این نور الهی و با این شمشیر الهی مشغول بوده‌اند. امروز هم، مستکبرین و ستمگران عالم، با این فکر و عقیده، مخالف و دشمنند. می‌دانند این عقیده که در دل‌های مؤمنین است و این عشقی که در دل‌های مسلمین - به خصوص شیعه - وجود دارد، مزاحم هدف‌های ستمگرانه‌ی آنهاست (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۹/۱۴).

امام سجاد علیه السلام پیرامون با فضیلت بودن منتظران و مردمان زمان غیبت از همه مردمان در همه زمان‌های مختلف تاریخی، می‌فرماید: «يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُنتَظِرُونَ لظهوره أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُسَاهَدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِالسَّيْفِ أُولَئِكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشِيعَتُنَا صِدْقًا وَالدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا... ای ابو خالد مردم زمان او که معتقد بامامت وی می‌باشند و منتظر ظهور او هستند، از مردم تمام زمان‌ها بهترند، زیرا خداوند عقل و فهمی به آنها داده که غیبت در نزد آنها حکم مشاهده را دارد! خداوند آنها را در آن زمان مثل کسانی می‌داند که با شمشیر در پیش روی پیغمبر (علیه دشمنان دین) پیکار کرده‌اند، آنها مخلصان حقیقی و شیعیان راستگوی ما هستند که مردم را به‌طور آشکار و نهان بدین خدا می‌خوانند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۱۸).

براساس روایت امام سجاد علیه السلام انسان‌های دوران غیبت با فضیلت‌ترین انسان‌ها در طول تاریخ بشریت هستند و دلیل این فضیلت و برتری و فراگیری آن نسبت به همه انسان‌ها در همه اعصار بخاطر شاخصه‌هایی است که در روایت بدان اشاره شده است:

- ۱- اعتقادورزی به امامت امام زمان علیه السلام، ۲- اعتقادورزی به ظهور امام زمان علیه السلام،
- ۳- آراستگی به وصف انتظار، ۴- بکارگیری عقل، فهم در راستای شناخت امام زمان علیه السلام،
- ۵- عدم تفاوت میان غیبت و ظهور بخاطر اوج معرفت و اعتقادورزی به امام زمان علیه السلام،
- ۶- مزین بودن آنها به شاخصه اخلاص، ۷- دغدغه‌مندی آنها به امر دین و تبلیغ آن در خلوت و جلوت. همه این شاخصه‌ها دلیل بر این است که آنها شیعیان واقعی مکتب

اهل بیت علیهم‌السلام و منتظران واقعی امام زمان علیه‌السلام بوده و از نظر منزلت در جایگاه مجاهدان در رکاب رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم هستند. شاید مهم‌ترین شاخصه‌ای که مردمان زمان غیبت که به واسطه آن به شاخصه اعتقادورزی و دین‌مداری و اخلاص‌گرایی و تبلیغ‌محوری روی می‌آورند شاخصه فهم عمیق و معرفت کامل و درک دقیق عقلی است. پس کاربست عقل، درایت، فهم و معرفت در میان مردمان زمان غیبت زمینه‌ساز روی‌آوری آنها به آموزه‌های اسلامی و مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر ظلم و ستم و مبارزه با ظالمان و ستمگران خواهد شد.

۳-۳. زمینه‌سازی ظهور با ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار

از جمله رسالت‌های مهم حکمرانی ولی فقیه و شهروندان آن بحث زمینه‌سازی ظهور است زمینه‌سازی ظهور که با آمادگی فراگیر و همه‌جانبه مردم و نظام ولی فقیه تحقق پیدا می‌کند دارای عوامل و علت‌هایی مختلفی است که یکی از آن عوامل و علت‌ها بحث شناخت ظلم و ستم، و ظالمان و ستمگران و مبارزه با آنها در همه ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژی خواهد بود. در واقع رسالت مهم منتظران و حکمرانی منتظر که همان زمینه‌سازی ظهور بوده با دو رویکرد ایجابی و سلبی توجیه‌پذیر می‌باشد. در رویکرد ایجابی به معرفت‌بخشی و معرفت‌افزایی مردم نسبت به ظلم و ستم و ظالمان و ستمگران در رویکرد سلبی به نفی ظالمان و ستمگران و مبارزه با آنها خواهد بود. امیر مومنان علی علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَحُلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعَمِّي خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ ، ، بدانید که زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند، اما خداوند، در اثر ظلم و ستم و اسراف بر نفس (گناهان) مردم، پس بر اساس فرمایشات امام علی علیه‌السلام از جمله موانع مهم ظهور امام مهدی علیه‌السلام وجود ظلم و جور در جامعه است که لازم است حکمرانی ولی فقیه و شهروندان آن در مسیر مبارزه با ظلم و ستم و از بین بردن آنها تلاش و کوشش نمایند» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۴۶).

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم در روایتی به مبارزه و جهاد مردم و منتظران در زمان غیبت با

ظلم و ستم جهت رسیدن به رخداد ظهور اشاره کرده و می‌فرماید: «حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَ مَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ فَيَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَيَقَاتِلُونَ وَ يُنْصَرُّونَ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ حَتَّى يَدْفَعُوهُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا كَمَا مَلَكُواهَا جَوْرًا... تا آنگاه که مردمی که از جانب مشرق با پرچم‌های سیاه بطلب حق قیام کنند. این حق را بآنها نمی‌دهند تا جنگ کنند و پیروزی یابند و حق را بگیرند و آن را بمردی از اهل بیت من بسپارند که دنیا را پر از عدل کند چونان که از ظلم پر باشد» (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۷۲).

چنان‌که امام خمینی علیه السلام در خصوص مبارزه با ظلم و ستم می‌فرماید:

الآن عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن [است،] تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما نمی‌توانیم بکنیم؛ چون نمی‌توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند. اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت - سلام الله علیه - (امام خمینی، ۱۳۸۹ق، ج ۲۱، ص ۱۷).

چنان‌که مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان علیه السلام آماده کنیم. سربازی امام زمان علیه السلام کار آسانی نیست.... امروز اگر ما می‌بینیم در هر نقطه‌ی دنیا ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم... بزرگترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی، اخلاقی و عملی پیوندهای دینی، اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

پس یکی از راه رسیدن به ظهور، ظلم‌ستیزی و مبارزه با ستمگران و ظالمان جهانی است یعنی در برابر رویکرد ایجابی که به معرفت بخشی و کارهای ایجابی نظیر اصلاح و اصلاح‌گری، عدالت‌محوری و عدالت‌خواهی، اخلاق‌مداری و صداقت‌گفتاری و...

پرداخته می‌شود، به کارهای جهادی نیز لازم است توجه شود نظیر ظلم‌ستیزی و مقابله با ناهنجاری‌ها اجتماعی و مبارزه با استکبار و استثمار جهانی تا زمینه‌سازی ظهور که از جمله رسالت مهم منتظران و حکمرانی ولی فقیه است در جامعه تحقق پیدا نماید.

نتیجه‌گیری

حکمرانی مهدوی به عنوان جامعه منتظر با حکمرانی ولی فقیه به عنوان جامعه منتظر رابطه وثیق و گسترده‌ای دارند این رابطه با ادله سه گانه تناسب، تضایف و سنخیت قابل توجیه است قانون تناسب، نسبت میان آن دو را بیان می‌کند و قانون تضایف، معنا و مفهوم‌داری را میان آن دو توجیه می‌کند و قانون سنخیت، چیستی و ماهیت شناختی را میان آن دو تبیین می‌کند. بی‌تردید در راستای وجود رابطه وثیق و دلایل توجیهی آن لازم است به بیان موارد مصادیقی در این خصوص اشاره شود یکی از رابطه مصادقی که به نحوی حکمرانی ولی فقیه از حکمرانی مهدوی الگو گرفته در جامعه عصر غیبت پیاده‌سازی می‌کند بحث ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار است در این مورد بر اساس داده‌های روایی، حکمرانی مهدوی برنامه‌های متنوع و حیات‌بخشی را در میان شهروندان نظام جهانی پیاده‌سازی می‌نمایند. برای مثال در خصوص حق‌شناسی، باطل‌شناسی، ظلم‌شناسی و استکبارشناسی قدم‌های موثری برداشته و با معرفت‌افزایی زمینه شناخت و معرفت مردم را ازدیاد می‌بخشد و در خصوص اجرای ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در جامعه بدون تصدی‌گری با رویکرد تسهیل‌گری و تنظیم‌گری به راهبری و هدایت‌گری می‌پردازد و عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی را به صورت فوری و فوری با رویکرد همه‌جانبه و فراگیر در میان مردم پیاده‌سازی می‌نماید. بی‌شک حکمرانی منتظر که در رأس آن ولی فقیه به عنوان نماینده امام زمان علیه السلام قرار دارد با تأسی از حکمرانی منتظر، برنامه‌های مهم و متنوع فوق را در جامعه و در میان منتظران اجرائی و عملیاتی می‌نماید که در این خصوص با سیاست‌گذاری به راهبری و هدایت‌گری و نیز تنظیم‌گری و تسهیل‌گری بدون تصدی‌گری و دخالت مستقیم اقدام کرده و با تحقق‌بخشی نسبت به عدالت و مبارزه با ظلم و ستم که در رأس آن استکبار و صهیونیسم جهانی قرار دارد به

همراهی و الگوی گیری از حکمرانی مطلوب مهدوی را به منصفه ظهور می‌رساند. پس حکمرانی ولی فقیه به عنوان حکمران زمینه ساز در راستای همراهی با حکمرانی مهدوی اولاً، برای زمینه‌سازی ظهور اقدام به ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار جهانی می‌نماید، ثانیاً؛ جهت بسترسازی ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار به معرفت‌بخشی مردم اقدام می‌نماید. ثالثاً، در اجرای تحقق عدالت و مبارزه با ظلم و ستم بدون تصدی‌گری به راهبری و هدایت‌گری مردم اقدام می‌کنند. رابعاً؛ در راستار تحقق عدالت و نفی ظلم و ستم در پی رضایت و خوشنودی مردم حرکت می‌نماید.

منابع

* قرآن، ترجمه فولادوند

* نهج البلاغه (صبحی). هجرت، قم ۱۴۱۴ق.

ابن منظور، محمد. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۵، چاپ سوم). بیروت: دار صادر.

اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). کشف الغمه (ج ۲). تبریز: بنی هاشمی.

الهی نژاد، حسین. (۱۴۰۴). بررسی و تحلیل مبانی و مباحث نظری حکمرانی مهدوی. مطالعات

حکمرانی اسلامی، ۱(۱)، صص ۱۳۶-۱۶۶.

بور، مارک. (۱۳۹۷). حکمرانی (مترجمان: عرفان مصلح و زهره کریم میان). تهران: نشر کرگدن.

پار سانیا، حمید؛ لک زایی، رضا. (شهریور ۱۴۰۴). حکمرانی زمینه ساز؛ حکمرانی مردم پایه. در: مدرسه حکمرانی زمینه ساز، آستان مقدس جمکران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

جواد آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). جامعه در قرآن. قم: اسراء.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۷/۰۹/۱۴). بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، در روز نیمه‌ی شعبان.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۱/۱۱/۱۹). بیانات در دیدار اعضای «نیروی هوایی» ارتش در روز نیروی هوایی. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/2654>

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۹/۰۱/۲۱). بیانات تلویزیونی رهبری به مناسبت ولادت امام زمان (عج). قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/45319>

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۰/۰۳/۲۷). بیانات تحت عنوان انقلاب اسلامی ایران در تداوم ظهور حضرت مهدی (عج).

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲/۰۸/۲۹). بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/24524>

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۱/۰۷/۳۰). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی

شعبان در مصلاّی تهران. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/3149>

خسروپناه، عبدالحسین. (۱۴۰۲). حکمرانی قبیله‌ای. مجله خردورزی، ۲(۲)، صص ۱۲-۲۱.

خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام (ج ۷، ۱۲، و ۲۱، چاپ پنجم). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات. بیروت: دارالقلم.

زارع، محمد مهدی. (۱۴۰۴). نموذج الحوکمة الممهّدة؛ تحلیل منطق اتخاذ القرار في سيرة القائد الأعلى للثورة الإسلامية. وعد الامم، ۲(۴)، صص ۵۸-۹۲.

سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۹). فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

صدوق، محمد. (۱۳۹۵ق). کمال الدین (ج ۲، و ۱۱، چاپ دوم). تهران: اسلامیة.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان (ج ۱۹، چاپ دوم). بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

طبرسی، احمد. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج (ج ۲). مشهد: نشر مرتضی.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). کتاب الغیبه. قم: دار المعارف الاسلامیه.

طوسی، محمد. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام (ج ۶). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

قجری، علی و نوربخش، یونس. (۱۴۰۰). مطالعه نسبت مدل حکمرانی جمهوری اسلامی ایران با مدل حکمرانی خوب. مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۹(۱۷)، صص ۳۹-۶۷.

لک‌زایی، نجف؛ اکبری معلم، علی و حدادی، محسن. (۱۴۰۳). موضوع‌شناسی فقهی حکمرانی دینی، دین و قانون، ۱۲(۴۳)، صص ۵۱-۷۸.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار (ج ۵۲، چاپ دوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۲۳، چاپ دهم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

موسوی حسن‌رودی، سید روح‌الله، نصوری، محمدرضا. (۱۴۰۴). الحوکمة المهدویّة: استراتیجیة التمهید للظهور في ضوء الثورة الإسلامية (بالاستناد إلى تصريحات إمامي الثورة)، وعد الامم،

۲(۴)، صص ۳۱۲-۳۴۳.

میرزاده، حجت. (۱۴۰۴). حوکمة الوليِّ الفقيه بوصفها إعادة تشکيل لفصیة التمهید للظهور فی سبیل تحقیق الخلافة الإلهیَّة. وعد الامم، ۲(۴)، صص ۱۶۴-۱۹۷.

معینی پور، مسعود؛ بایرامی، حمید. (۱۴۰۴). مدل حکمرانی زمینه ساز در اندیشه امام خمینی علیه السلام: تبیین، شاخص ها و نسبت با مدل های مدرن حکمرانی. جامعه مهدوی، ۶(۱۱)، صص ۶۵-۱۰۳.

نعمانی، محمد ابن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). غیبت نعمانی. تهران: نشر صدوق.

هاشمی خویی، حبیب الله. (۱۴۰۰ق). منهاج البراعه (ج ۱۶، چاپ چهارم). تهران: مکتبه الاسلامیه.

The Nature of Pure Life (Hayat-e Tayyibah) in the Thought of Muslim Thinkers and Islamic Society*

Hadi Haji Hassan Donyadideh 

Assistant Professor, Faculty of Educational Sciences, Allameh Askari International University, Qom, Iran..
Donyadideh@aaiu.ac.ir



Abstract

The purpose of the present study is to investigate the nature and essence of pure life (Hayat-e Tayyibah) in the thought of Islamic scholars. This research is an applied study. Data collection was performed using the note-taking method, and the grounded theory approach was utilized for data analysis. The obtained results indicate that the concept of "pure life" in the thought of Islamic philosophers and scholars is defined as an ideal and perfected human life achieved through the centrality of rationality, moral virtue, and proximity to God. These perspectives have been examined from various viewpoints, including philosophical, mystical, social, and Shiite dimensions. Miskawayh emphasizes self-purification and practical wisdom; Al-Farabi considers the utopian virtuous city (Madina al-Fadila) and the leadership of the philosopher-prophet as central; Avicenna identifies connection to the active intellect as the way to achieve happiness (Avicenna, 1384, pp. 310–315); Al-Ghazali gives primacy to Sufism and servitude; Khwaja Nasir al-Din al-Tusi offers a synthesis of reason and

* Haji Hassan Donyadideh, H. (2025) Investigation and Analysis of Non-Media Causes behind the Identity Challenges of Contemporary Iranian Adolescents. *Islam and Social Studies*, 13(4), pp. 34-65.
<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73113.2179>

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/06/28 • **Revised:** 2025/09/11 • **Accepted:** 2025/11/06 • **Online Publication:** 2025/12/30

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



divine law; and Ibn Khaldun explains pure life within primitive society using a historical-social approach. Contemporary thinkers such as Imam Khomeini, Ayatollah Motahhari, and Ayatollah Khamenei have also defined this concept within the context of Islamic government and the modern Islamic civilization by adding political and revolutionary concepts. The research results show that pure life manifests in three dimensions: the individual dimension, which includes the two components of rationality/wisdom and self-purification/ethics, achieved through theoretical reason, practical reason, and moral virtues; the social dimension, which includes the two components of society/justice and leadership/governance, drawn from the categories of the virtuous city, social solidarity, and the guardianship of the Islamic jurist (Wilayat al-Faqih); and the metaphysical dimension, which includes worship and divine proximity, shaped by the categories of mysticism and intuition, sincerity and servitude, and the immortality of the soul.

Keywords

Pure Life (Hayat-e Tayyibah), Thought, Muslim Thinkers, Islamic Society.

چیستی حیات طیبه در اندیشه متفکران مسلمان و جامعه اسلامی*

هادی حاجی حسن دنیادیده 

استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه بین المللی علامه عسکری قم، ایران.

Donyadideh@aaiu.ac.ir



چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی ماهیت و چیستی حیات طیبه در اندیشه علمای اسلامی است. این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی است. جمع‌آوری داده‌ها به روش فیش‌برداری بوده و برای تحلیل داده‌ها از روش داده‌بنیاد استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد مفهوم «حیات طیبه» در اندیشه فلاسفه و علمای اسلامی به عنوان زندگی آرمانی و متکامل انسانی تعریف می‌شود که با محوریت عقلانیت، فضیلت اخلاقی و تقرب به خدا تحقق می‌یابد. این دیدگاه‌ها از منظرهای گوناگون شامل فلسفی، عرفانی، اجتماعی و شیعی بررسی شده‌اند. مسکویه، بر تهذیب نفس و حکمت عملی تأکید دارد، فارابی، مدینه فاضله و رهبری حکیم-پیامبر را محور می‌داند، ابن سینا، اتصال به عقل فعال را راه رسیدن به سعادت (ابن سینا، ۱۳۸۴، صص ۳۱۰-۳۱۵) می‌شناسد، غزالی بر تصوف و بندگی اصالت می‌دهد، خواجه نصیرالدین طوسی تلفیق عقل و شرع را ارائه می‌کند، و ابن خلدون با رویکرد تاریخی-اجتماعی به تبیین حیات طیبه در جامعه بدوی می‌پردازد. اندیشمندان معاصر مانند امام خمینی رحمه‌الله، شهید مطهری رحمه‌الله و آیت الله خامنه‌ای رحمه‌الله نیز با افزودن مفاهیم سیاسی و انقلابی، این مفهوم را در بستر حکومت اسلامی و تمدن نوین تعریف کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد حیات طیبه در سه بعد فردی، شامل دو مؤلفه عقلانیت و خردورزی و تهذیب

* حاجی حسن دنیادیده، هادی. (۱۴۰۴) بررسی و تحلیل علل غیر سانه‌ای چالش هویت‌یابی نوجوانان ایران معاصر. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴)، صص ۳۴-۶۵.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73113.2179>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۷ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

© ۱۴۰۴ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



نفس و اخلاق، و جهت دستیابی به آن از عقل نظری، عقل عملی و فضائل اخلاقی اتفاق می‌افتد، در بعد اجتماعی که شامل دو مؤلفه اجتماع و عدالت و رهبری و حکمرانی است از مقوله مدینه فاضله، همبستگی اجتماعی و ولایت فقیه باید مدد جست و برای بعد متافیزیک که شامل عبادت و تقرب الهی است از مقوله‌های عرفان و شهود، اخلاص و بندگی و جاودانگی نفس قابل شکل‌گیری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها

حیات طیبه، اندیشه، متفکران مسلمان، جامعه اسلامی.

مقدمه

حیات طیبه (زندگی پاک و نورانی) مفهومی بنیادی در جهان‌بینی اسلامی است که در آیه ۹۷ سوره نحل به آن اشاره شده است:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً؛ هر کس کار شایسته‌ای کند، خواه مرد یا زن، در حالی که مؤمن باشد، قطعاً او را به زندگی پاک زنده می‌داریم. با سیری در مطالعه این مفهوم، علمای اسلامی سه بعد اصلی حیات طیبه را؛ ایمان عمیق (باور به خدا، قیامت و هدفمندبودن آفرینش) عمل صالح (رفتارهای همسو با ارزش‌های الهی در تمام عرصه‌ها) طهارت باطنی (پاکی از رذایل اخلاقی مانند حسد، تکبر و کینه) بیان کرده‌اند. افرادی که در پی حیات طیبه هستند، دارای شاخص‌های عینی آن شامل؛ آرامش درونی: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸)، نعمت‌های معنوی (احساس قرب الهی حتی در سختی‌ها) و رفتارهای نورانی (صداقت، ایثار و عدالت در روابط اجتماعی) می‌گردند.

حیات طیبه نوعی زیست فردی و اجتماعی مبتنی بر ایمان، اخلاق، عدالت، عقلانیت و معنویت است که در چارچوب جامعه و حکومت اسلامی و با هدف دستیابی به کمال انسانی و تمدن نوین اسلامی تحقق می‌یابد (قرآن کریم، نحل: ۹۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۴۶؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۴). در گستره اندیشه اسلامی، مفهوم «حیات طیبه» به عنوان آرمانی متعالی برای زندگی انسان، همواره کانون توجه فلاسفه، عرفا و متفکران بوده است. این مفهوم که ریشه در متون دینی و حکمی دارد، به زندگی‌ای اشاره می‌کند که در آن انسان با تکیه بر عقلانیت، فضیلت اخلاقی و تقرب به خدا، به کمال مطلوب خویش دست می‌یابد. حیات طیبه جایگزین ضروری برای الگوهای زندگی مدرن است که با تمرکز بر مادیت، انسان را از معنویت و اخلاق دور کرده‌اند. تحقق آن نه یک انتخاب اختیاری، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای فرد، جامعه و تمدن اسلامی است و بدون آن، بقای معنوی جامعه در خطر خواهد بود. از آنجا که این موضوع از زوایای مختلف قابل بررسی است، دیدگاه‌های متفاوتی در میان اندیشمندان اسلامی شکل گرفته که هر یک با تأکید بر جنبه‌ای خاص، به تبیین ابعاد گوناگون آن پرداخته‌اند.

از مسکویه که با نگاهی فلسفی - اخلاقی به تهذیب نفس و حکمت عملی می‌پردازد (مسکویه، ۱۳۸۲، صص ۴۵-۴۷) تا فارابی که با طراحی «مدینه فاضله» آرمان‌شهر عقلانی را ترسیم می‌کند (فارابی، ۱۳۸۵، صص ۷۰-۷۵)، از ابن سینا که «اتصال به عقل فعال» را محور اصلی می‌داند (ابن‌سینا، ۱۳۸۴، صص ۳۱۰-۳۱۵)، تا غزالی که بر تصوف و عبادت تأکید می‌ورزد (غزالی، ۱۳۸۹، صص ۴۰-۵۰)؛ و از خواجه نصیرالدین طوسی که تلفیق عقل و شرع را پیش می‌نهد (طوسی، ۱۳۸۶، صص ۴۵-۴۷)، تا ابن خلدون که با رویکردی تاریخی - اجتماعی به تحلیل جامعه آرمانی می‌پردازد (ابن‌خلدون، ۱۳۸۴، صص ۱۱۲-۱۱۸)؛ همگی گویای تنوع و غنای این مفهوم در اندیشه اسلامی هستند. افزون بر این، متفکران معاصر همچون امام خمینی، شهید مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای با افزودن بُعد سیاسی و انقلابی به مفهوم حیات طیبہ، آن را در چارچوب تحقق حکومت اسلامی و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی بازتعریف کرده‌اند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳؛ مطهری، ۱۳۹۶، ج ۲؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۷). اساس درباره حیات طیبہ این است که این مفهوم فقط به آخرت محدود نیست؛ بلکه کیفیت زندگی دنیوی را نیز متحول می‌کند. همان‌طور که پیامبر اسلام ﷺ فرمودند «مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ وَرَثَةُ اللَّهِ عِلْمٌ مَا لَمْ يَعْلَمْ»؛ هر که به آنچه می‌داند عمل کند، خداوند علم آنچه نمی‌داند را به او ارث می‌دهد (مجلسی، ۱۳۸۴)؛ همچنین همه دانشمندان اسلامی اتفاق نظر دارند که حیات طیبہ زندگی برتر است و با هیچ موهبت مادی قابل مقایسه نیست.

هدف این نوشتار آن است تا با بررسی تطبیقی دیدگاه‌های یاد شده، تصویری جامع از مفهوم حیات طیبہ ارائه دهد و با روش توصیفی - تحلیلی، وجوه اشتراک و افتراق این دیدگاه‌ها را مورد کنکاش قرار دهد. در ادامه در پی سازوکار تحقق حیات طیبہ است و در پایان، با بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد، مدلی نظری برای تبیین این مفهوم ارائه خواهد شد که می‌تواند به عنوان چارچوبی برای پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد.

۱. مبانی نظری حیات طیبہ

مفهوم بنیادین حیات طیبہ یکی از محورهای اصلی اندیشه اسلامی است که ریشه در آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مَنْ ذَكَرَ أَوْ أَتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً» (نحل، ۹۷) دارد و از منظر

مفسران و پژوهشگران معاصر، این زندگی مطلوب فراتر از سعادت اخروی و رفاه مادی، بلکه ترکیبی از ایمان، عمل صالح، آرامش روانی، عدالت اجتماعی و زیست اخلاقی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۳۷؛ آزاد ارمکی، ۱۳۹۲، ص ۵۴).

۱-۱. مبانی قرآنی و روایی حیات طیبه

در قرآن کریم، حیات طیبه در پیوند با ایمان، تقوا، عمل صالح و یاد خدا مطرح می‌شود. روایات اسلامی نیز این مفهوم را با رضایت الهی، قناعت، اخلاق نیکو و سلامت اجتماعی گره می‌زنند. در روایات، حیات طیبه به معنای «قلب سلیم»، «آرامش نفس» و «زیست اخلاقی در جامعه» تفسیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶).

۲-۱. مبانی فلسفی - اخلاقی (دوره کلاسیک اسلامی)

مسکویه، سعادت را در تزکیه نفس، تعادل قوای نفسانی و عمل بر اساس فضیلت می‌داند (مسکویه، ۱۳۸۲، ص ۴۵)، فارابی، حیات مطلوب را نتیجه فضیلت جمعی، عقل و سامان سیاسی درست می‌داند (فارابی، ۱۳۸۵، ص ۷۲)، طوسی، سعادت انسان را در هماهنگی عقل نظری، اخلاق عملی و شریعت می‌بیند (طوسی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲)، غزالی، حیات طیبه را محصول طهارت باطن، نیت خالص، و عبادت همراه با مراقبه می‌داند (غزالی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۰).

۳-۱. مبانی اجتماعی - تاریخی

ابن خلدون، سعادت اجتماعی را وابسته به نظم، عدالت، عصیت سالم و ثبات قدرت سیاسی می‌داند (ابن خلدون، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۵۶).

۴-۱. مبانی سیاسی و تمدنی (اندیشه معاصر)

امام خمینی رحمته الله علیه، حیات طیبه را در گرو عدالت، استقلال سیاسی، و تشکیل حکومت

اسلامی می‌داند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۴۵)، مطهری، حیات طیبیه را نتیجه آزادی مسئولانه، عدالت اجتماعی، و ایمان آگاهانه می‌داند (مطهری، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۸۷)، آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه حیات طیبیه را در چارچوب خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی تبیین می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۵).

۵-۱. مبانی عرفانی

- مولوی در مثنوی معنوی: حیات طیبیه را زندگی در اقیانوس عشق الهی توصیف می‌کند و می‌گوید: «مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم / دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم» (مولوی، ۱۳۸۶).
 - ابن عربی در فصوص الحکم: حیات طیبیه را حیات در پرتو تجلیات اسماء الهی می‌داند و معتقد است انسان کامل، مظهر اسم «الحی» است (ابن عربی، ۱۳۹۹).
 - آیت‌الله بهجت حیات طیبیه را در ذکر و مراقبه می‌دانستند و ذکر را اعم از ذکر قلبی و لسانی و حتی تمام طاعات می‌دانستند و تأکید بر عمق عبادت به جای کمیت داشتند (رخشاد، ۱۴۰۲، ص ۱۰۸).
- بر اساس مبانی فوق، حیات طیبیه دارای ابعاد زیر است:

جدول شماره ۱: ابعاد مبانی حیات طیبیه

بُعد	مؤلفه‌ها
فردی	ایمان، اخلاق، تزکیه نفس
اجتماعی	عدالت، مسئولیت‌پذیری، نظم اجتماعی
سیاسی	حکومت صالح، مبارزه با ظلم
تمدنی	پیشرفت توأم با معنویت
معنوی	قرب الهی، آرامش درونی
عرفانی	تجلیات اسماء الهی

۲. روش پژوهش

برای به دست آوردن نتایج این پژوهش از روش داده بنیاد استفاده شده است. روش داده بنیاد یک روش تحقیق کیفی است که به پژوهشگر اجازه می‌دهد به جای شروع با نظریه‌های از پیش موجود، مستقیماً از داده‌ها به تولید نظریه برسد. در روش داده بنیاد هدف کشف نظریه‌ای است که ریشه در داده‌های واقعی دارد و به توضیح پدیده‌ی مورد مطالعه می‌پردازد. در این روش نظریه به صورت استقرایی و از پایه (داده) به سمت کل (نظریه) شکل می‌گیرد (Glaser & Strauss, 1967, p. 1)

جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش فیش برداری از جامعه و منابع جدول (۱) صورت پذیرفت. و تا اشباع نظری (زمانی که داده‌های جدید اطلاعات تازه‌ای اضافه نکنند) جمع‌آوری داده متوقف شد. معیار انتخاب جامعه، مفاهیم و مطالبی است که درباره حیات طیبیه در آثار فلاسفه و علمای فوق بیان شده است. در این پژوهش و در تجزیه و تحلیل متن پس از جمع‌آوری داده‌ها، ایجاد کدهای باز و تجزیه داده‌ها به واحدهای معنادار و اختصاص برچسب (کد) به آنها انجام گرفت. در مرحله بعد کدگذاری محوری و سازماندهی کدهای باز حول مقوله‌های محوری و کشف ارتباط میان آنها و سپس کدگذاری انتخابی و یکپارچه سازی مقوله‌ها حول یک مقوله هسته و در نهایت تدوین نظریه نهایی انجام گرفت.

جدول شماره ۲: منابع پژوهش؛ فلاسفه و عرفای کلاسیک اسلامی و اندیشمندان معاصر اسلامی

اندیشمند	دوره	منبع	محور دیدگاه
ابونصر فارابی	سده ۳-۴ ق	آراء اهل المدینه الفاضله	حیات طیبیه در جامعه آرمانی (مدینه فاضله) با رهبری حکیم-پیامبر ﷺ
ابن مسکویه	سده ۴-۵ ق	تهذیب الاخلاق	حیات طیبیه مبتنی بر تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی

انديشمند	دوره	منبع	محور ديده‌گاه
ابن سينا	سده ۴-۵ ق	شفا، نجات	حيات طيبه از طريق اتصال به عقل فعال و كسب معرفت
ابن خلدون	سده ۸-۹ ق	مقدمه ابن خلدون	حيات طيبه در عمران (تمدن) و عصبيت (همبستگی)
امام غزالی	سده ۵-۶ ق	احياء علوم الدين	حيات طيبه بر اساس تزكيه باطن و عبادت
ابن عربی	سده ۶-۷ ق	فصوص الحکم	حيات طيبه در پرتو تجليات اسماء الهی
خواجه نصيرالدين طوسی	سده ۷ ق	اخلاق ناصری	تلفيق عقل و شرع در تحقق حیات طيبه
ملاصدرا	سده ۱۱ ق	اسفار اربعه	حيات طيبه با محوريت سيروسلوک وجودی
ملا مهدي نراقی	سده ۱۲ ق	جامع السعادات	حيات طيبه در تزكيه نفس و كسب فضائل اخلاقی
علامه طباطبائی رحمته الله عليه	سده ۱۴ ق	الميزان	حيات طيبه زندگي همراه با طهارت معنوی
امام خمینی رحمته الله عليه	سده ۱۴ ق	شرح چهل حديث	حيات طيبه در چارچوب حكومت اسلامی و تهذيب نفس
شهيد مطهری رحمته الله عليه	سده ۱۴ ق	مجموعه آثار	تركيب عقلانيت و ايمان برای تحقق حیات طيبه
آيت الله بهجت رحمته الله عليه	سده ۱۴ ق	بهجت الدعاء	تأکید بر ذکر و مراقبه برای رسیدن به حیات طيبه
آيت الله خامنه‌ای رحمته الله عليه	سده ۱۴ ق	بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳	حيات طيبه به عنوان پایه تمدن نوین اسلامی

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش ابعاد اصلی حیات طیبه و ارتباط میان آن‌ها در دیدگاه دانشمندان اسلامی درباره حیات طیبه با استفاده از روش داده‌بنیاد استخراج گردید که در جدول زیر مفاهیم و آراء کلیدی دانشمندان آورده شده است.

جدول شماره ۳: مفاهیم و آراء کلیدی دانشمندان

ردیف	اندیشمند	کدهای مستخرج (مفاهیم کلیدی)
۱	فارابی	مدینه فاضله، رهبری حکیم-پیامبر ﷺ، عقلانیت جمعی، همکاری اجتماعی، اتصال به عقل فعال
۲	ابوعلی سینا	عقل فعال (عقل القدس)، جاودانگی نفس، معرفت، تهذیب نفس، فضیلت فردی
۳	ابن مسکویه	تهذیب اخلاق، فضایل چهارگانه (حکمت، عفت، شجاعت، عدالت)، محاسبه نفس، مصاحبت با نیکان، عدالت‌محوری، اعتدال، پالایش نفس از رذایل، تزکیه عملی
۴	ابن عربی	حیات طیبه منزلت اقطاب، عمل به نیکویی‌ها، مقام فنای در حق، شهود، حیات دنیا متاع زودگذر، زندگی مبتنی بر عشق و محبت، همنشینی با اولیا، تولد دوباره معنوی
۵	غزالی	اخلاص، بندگی، قرب الهی، مجاهده نفس، عبادات قلبی، نقد فلسفه، شهودگرایی
۶	خواجه نصیرالدین طوسی	عدالت فردی و اجتماعی، تلفیق عقل و شرع، عرفان شیعی، مشارکت اجتماعی

ردیف	اندیشمند	کدهای مستخرج (مفاهیم کلیدی)
۷	ابن خلدون	عمران (تمدن)، عصبیت (همبستگی)، اخلاق بدوی، ساده زیستی، اجتناب از فساد شهری
۸	ملا مهدی نراقی	جامع السعادات (کمال نهایی)، سعادت حقیقی، تهذیب اخلاق، عدالت به عنوان اساس اصلاح جامعه، مبارزه با انحرافات (صوفیه و اخباری گری)، عزت نفس، قناعت، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح اجتماعی
۹	علامه طباطبائی رحمته الله علیه	حیات طیبیه حیاتی جدید و مختص مؤمنان دارای عمل صالح، خودشناسی منشأ عبادت، ایمان قرین با عمل صالح، پذیرش ولایت ائمه علیهم السلام ، ترک لذت های زود گذر دنیایی، اعتباریات، اصالت واقعیت، حیات معقول، عبادت و بندگی، قرب به خدا
۱۰	امام خمینی رحمته الله علیه	ولایت فقیه، اخلاق عرفانی، تقوا، جهاد، حکومت اسلامی، تلفیق عرفان و سیاست
۱۱	آیت الله بهجت رحمته الله علیه	ذکر، مراقبه، اخلاص، دوری از غفلت، عمق عبادت
۱۲	مرتضی مطهری رحمته الله علیه	عقلانیت انتقادی، عدالت، آگاهی، مسئولیت پذیری، مبارزه با ظلم، ارزش های الهی
۱۳	آیت الله خامنه ای رحمته الله علیه	تمدن نوین اسلامی، عزت، استقلال، جهاد علمی، اقتصاد مقاومتی، خودباوری

بعد از جمع آوری داده های کلیدی، کد گذاری باز انجام گرفت. در مرحله بعد کد گذاری محوری و سازماندهی آنها حول مقوله های محوری و کشف ارتباط میان آنها و در نهایت کد گذاری انتخابی حول یک مقوله هسته انجام گرفت که در جدول زیر مراحل فوق آورده شده است.

جدول شماره ۴: مراحل کدگذاری در داده بنیاد

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
ابعاد فردی	۱. تهذیب نفس و اخلاق	تهذیب نفس، تهذیب اخلاق، فضیلت فردی، فضایل چهارگانه (حکمت، عفت، شجاعت، عدالت)، محاسبه نفس، مصاحبت با نیکان، عدالت محوری، اعتدال، پالایش نفس از رذایل، تزکیه عملی، مجاهده نفس، اخلاق بدوی، جامع السعادات (کمال نهایی)، سعادت حقیقی، عزت نفس، قناعت، تقوا، دوری از غفلت، مسئولیت پذیری، ارزش های الهی، خودباوری
	۲. عقلانیت و خردورزی	عقلانیت جمعی، اتصال به عقل فعال، عقل فعال (عقل القدس)، معرفت، نقد فلسفه، عقلانیت انتقادی، خودشناسی منشأ عبادت، اعتباریات، اصالت واقعیت، حیات معقول، عقلانیت انتقادی، آگاهی
ابعاد اجتماعی	۳. اجتماعی و عدالت	مدینه فاضله، همکاری اجتماعی، عدالت فردی و اجتماعی، مشارکت اجتماعی، عمران (تمدن)، عصیبت (همبستگی)، ساده زیستی، اجتناب از فساد شهری، عدالت به عنوان اساس اصلاح جامعه، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح اجتماعی، ایمان قرین با عمل صالح، عدالت، مبارزه با ظلم، تمدن نوین اسلامی، اقتصاد مقاومتی
	۴. رهبری و حکمرانی	رهبری حکیم - پیامبر ﷺ، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تلفیق عرفان و سیاست، رهبری حکیم - پیامبر ﷺ

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
اخلاص، بندگی، قرب الهی، عبادات قلبی، شهودگرایی، عرفان شیعی، اخلاق عرفانی، ذکر، مراقبه، عمق عبادت، عبادت و بندگی، قرب به خدا، اخلاق عرفانی	۵. عبادت و تقرب الهی	ابعاد متافیزیک
پذیرش ولایت ائمه علیهم السلام، حیات طیبه منزلت اقطاب، همنشینی با اولیا	۶. توسل و زیارت	

در ادامه به تبیین هر یک از این ابعاد پرداخته می‌شود.

۳-۱. ابعاد فردی حیات طیبه

برای تحقق حیات طیبه در بعد فردی می‌بایست دو مؤلفه (۱) عقلانیت و خردورزی و (۲) تهذیب نفس و اخلاق در هر فردی شکوفا گردد.

۳-۱-۱. عقلانیت و خردورزی

مؤلفه عقلانیت و خردورزی مفاهیم مشترک در دیدگاه مسکویه، فارابی، ابن سینا و خواجه نصیر است. عقلانیت به معنای بهره‌گیری از خرد و اندیشه در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهاست که پایه‌ی تکامل فرد و جامعه به شمار می‌رود. خردورزی تنها به معنای هوش ذاتی نیست؛ بلکه توانایی تحلیل منطقی، تجزیه و تحلیل اطلاعات و انتخاب بهترین راه‌حل در شرایط مختلف است. در اندیشه‌ی اسلامی، عقل به عنوان «حجت باطنی» شناخته می‌شود که انسان را به شناخت حقایق و تمایز میان خوب و بد رهنمون می‌سازد (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۱). عقلانیت واقعی زمانی تحقق می‌یابد که همراه با اخلاق و معنویت باشد تا به جای خودمحوری، به خدمت به دیگران بینجامد. جامعه‌ای که خردورزی را ترویج کند، از جهل و تعصب فاصله گرفته و به سمت پیشرفت و عدالت حرکت می‌کند. عقلانیت همچنین مانع از تصمیم‌های احساسی و شتابزده می‌شود و زمینه‌ساز خلاقیت و نوآوری است. در جهان امروز، ترکیب عقلانیت با فناوری‌های

مدرن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حل چالش‌های پیچیده است. عقلانیت و خردورزی یکی از پیش‌نیازهای فردی برای تحقق حیات طيبة است.

۳-۱-۲. تهذیب نفس و اخلاق

مؤلفه تهذیب نفس و اخلاق محوریت در آرای مسکویه، غزالی و خواجه نصیردارد. تهذیب نفس به معنای پالایش درون از رذایل اخلاقی و آراستگی به فضایل انسانی است که اساس سعادت فردی و اجتماعی محسوب می‌شود (غزالی، ۱۳۸۹). این فرایند مستلزم خودآگاهی، مراقبه و مبارزه‌ی مستمر با هواهای نفسانی است. در آموزه‌های اسلامی، تهذیب نفس پیش‌نیاز تقرب به خداوند و رسیدن به «حیات طيبة» دانسته شده است. اخلاق نیکو تنها به معنای رفتارهای ظاهری نیست؛ بلکه ریشه در نیت پاک و ایمان قلبی است. جامعه‌ای که بر پایه‌ی اخلاق استوار باشد، از فساد، بی‌عدالتی و تبعیض در امان می‌ماند. تهذیب نفس همچنین زمینه‌ساز تعامل سازنده با دیگران و تحکیم پیوندهای اجتماعی است. در زمان مدرن، تلفیق اخلاق با عقلانیت و دانش، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای پاسخ‌گویی به چالش‌های اخلاقی جدید است. بدون تهذیب نفس، دانش و ثروت ممکن است به ابزاری برای تخریب تبدیل شود؛ بنابراین، پرورش فضیلت‌های اخلاقی باید در قلب نظام‌های تربیتی و فرهنگی قرار گیرد. اخلاق و تهذیب نفس نیز به عنوان یکی از پیش‌نیازهای فردی برای تحقق حیات طيبة به شمار می‌آید.

۴. مؤلفه‌های تعالی‌بخش در بعد فردی حیات طيبة

در بعد فردی حیات طيبة و برای دستیابی به مؤلفه‌های عقلانیت و خردورزی و تهذیب نفس و اخلاق سه مؤلفه عقل نظری، عقل عملی و فضائل اخلاقی باید تکامل یابد.

۴-۱. عقل نظری

عقل نظری به عنوان پایه‌ای اساسی در تحقق حیات طيبة، نقشه‌ای جامع از حقیقت و معنای زندگی ارائه می‌دهد. این بعد از عقل، مسئول شناخت هستی، درک مفاهیم کلی

۴-۲. عقل عملی

عقل عملی به عنوان راهنمای رفتار و کردار انسان، نقش اساسی در تحقق حیات طیبه ایفا می‌کند. این بعد از عقل، مسئول ترجمه معرفت نظری به عمل اخلاقی و مدیریت رفتارهای فردی و اجتماعی است. عقل عملی با تنظیم غرایز، کنترل هیجانات و انتخاب راه‌های نیل به سعادت، مسیر زندگی را بر اساس ارزش‌های الهی هموار می‌سازد. در حیات طیبه، عقل عملی همچون فرماندهی حکیم، خواهش‌های نفسانی را مهار کرده و آنها را با معیارهای عدالت و تقوا همسو می‌کند. بدون آن، فضایل اخلاقی در مرحله نظر باقی می‌مانند و به مرحله عمل نمی‌رسند. عقل نظری به عنوان پایه‌ی شناخت در حیات طیبه، مسئول درک حقایق متافیزیکی و کشف رابطه‌ی جهان با خالق هستی است. این عقل با تدبیر در آیات تکوینی (آفاق) و شناخت نفس (انفس)، انسان را به معرفت الله می‌رساند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران، ۱۹۰). در روایات اسلامی، عقل نظری «چراغ هدایت» نامیده

شده که راه تمایز حق از باطل را نشان می‌دهد (کلینی، ۱۳۹۳). تقویت آن از طریق مطالعه‌ی فلسفی و تفکر در نظام آفرینش، زمینه‌ساز ایمان عمیق و عمل آگاهانه است. بدون بهره‌گیری از عقل نظری، حیات طیب به سطحی ناقص و ظاهری کاهش می‌یابد.

۳-۴. فضائل اخلاقی

فضائل اخلاقی به عنوان ستون‌های اساسی حیات طیب، تجلی تعادل و تعالی در رفتار فردی و اجتماعی انسان هستند. این فضائل که ریشه در فطرت الهی انسان دارند، شامل صداقت، عدالت، عفت، شجاعت و ایثار می‌شوند. در مسیر حیات طیب، فضائل اخلاقی تنها به معنای رعایت آداب ظاهری نیستند؛ بلکه تجسم باطنی ایمان و تقرب به خداوند هستند. آن‌ها همچون پلی میان عقل نظری و عقل عملی عمل می‌کنند و شناخت را به عمل تبدیل می‌نمایند. بدون فضائل اخلاقی، حیات طیب به مفهومی ناقص تبدیل می‌شود که فاقد جوهره اصیل انسانی است. تقویت این فضائل، جامعه را به سوی عدالت، اعتماد و همبستگی سوق داده و زمینه‌ساز ظهور تمدنی الهی می‌شود. در حقیقت، فضائل اخلاقی نفس انسان را از قید رذایل رها ساخته و آن را برای دریافت انوار الهی آماده می‌سازند. این فضائل، پایه کرامت انسانی و شرط ضروری برای قرب الهی و سعادت اخروی است (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷).

۵. سازوکار تحقق حیات طیب در ابعاد فردی

۵-۱. محاسبه نفس

محاسبه نفس در حیات طیب با مرور روزانه اعمال، سنجش انگیزه‌ها و تصحیح خطاها محقق می‌شود. مسکویه بر بررسی شبانه‌ی افکار و رفتار با معیارهای عقل و شرع تأکید می‌کند. این عمل با نوشتن نقاط قوت و ضعف و تعیین برنامه برای بهبود، تدریجاً نفس را از رذایل پاک می‌کند. محاسبه مستمر نفس، کلید تهذیب باطن و تقرب به خداوند در مسیر حیات طیب است (مسکویه، ۱۳۸۲).

۵-۲. اتصال به عقل فعال

اتصال به عقل فعال در حیات طیبه از طریق تهذیب نفس، تعقل عمیق و عبادت خالصانه محقق می‌شود. ابن سینا در کتاب شفا (بخش نفس) تأکید می‌کند که با کسب معرفت نظری و پالایش روح از مادیات، نفس انسانی آماده دریافت فیض از عقل فعال می‌گردد. این اتصال موجب اشراق معنوی و کشف حقایق شده و سعادت دنیوی و اخروی را تضمین می‌کند. بدون این ارتباط، حیات طیبه به سطحی ناقص و مادی محدود می‌ماند (ابن سینا، ۱۴۳۴ق).

۵-۳. عبادت و مجاهده

عبادت و مجاهده در حیات طیبه از طریق مداومت در عبادات (نماز، روزه، ذکر) و مبارزه پیاپی با هوای نفس تحقق می‌یابد. غزالی بر ترکیب عبادت ظاهری (فرائض) با مجاهده باطنی (ترک رذایل) تأکید می‌کند. این مسیر با اخلاص نیت و پایداری در ترک معاصی، قلب را برای دریافت انوار الهی آماده می‌سازد. عبادت بدون مجاهده، صوری و مجاهده بدون عبادت، خشک و بی‌ثمر خواهد بود (غزالی، ۱۳۸۹).

۶. ابعاد اجتماعی حیات طیبه

برای تحقق حیات طیبه در بعد اجتماعی می‌بایست دو مؤلفه (۱) اجتماع و عدالت و (۲) رهبری و حکمرانی در هر جامعه‌ای شکوفا گردد.

۶-۱. اجتماع و عدالت

این مؤلفه در دیدگاه فارابی، خواجه نصیر، ابن خلدون و اندیشمندان معاصر بارز است. عدالت اجتماعی در حیات طیبه به معنای تضمین حقوق متعادل تمامی اعضای جامعه و توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع است که از طریق قوانین الهی و نظارت همگانی محقق می‌شود. این اصل، پایه‌ی استحکام جامعه و شرط ضروری برای تحقق سعادت جمعی در حیات طیبه است. خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا

بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵). عدالت پایه‌ای اساسی برای پایداری و تعالی هر جامعه‌ای به شمار می‌رود، زیرا زمینه‌ساز اعتماد، همکاری و آرامش جمعی است. در اجتماع عادلانه، حقوق همه‌ی اعضا به صورت برابر محترم شمرده می‌شود و فرصت‌های رشد و پیشرفت به صورت عادلانه توزیع می‌گردد. از دیدگاه اسلامی، عدالت تنها به برابری مادی محدود نیست؛ بلکه شامل برابری در کرامت انسانی و دسترسی به فرصت‌های معنوی نیز می‌شود. جامعه‌ای که عدالت را سرلوحه‌ی خود قرار دهد، از آسیب‌هایی چون فقر، تبعیض و ناامنی در امان می‌ماند. تحقق عدالت نیازمند قوانین منصفانه، نهادهای نظارتی کارآمد و مشارکت فعال شهروندان است. افزون‌براین، عدالت بدون اخلاق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی پایدار نخواهد بود. در جهان امروز، عدالت باید در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و قضایی مورد توجه قرار گیرد. تقویت همبستگی اجتماعی و مقابله با ظلم و استثمار از نشانه‌های جامعه‌ی عدالت‌محور است. درنهایت، عدالت واقعی زمانی محقق می‌شود که تمامی اعضای جامعه احساس امنیت، احترام و امید به آینده داشته باشند. اجتماع و عدالت به عنوان پیش‌نیازهای اجتماعی برای استقرار مدینه فاضله به شمار می‌آید (فارابی، ۱۳۸۵).

۲-۶. رهبری و حکمرانی

مؤلفه رهبری و حکمرانی مفاهیم کلیدی در آرای فارابی، امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام می‌باشد. رهبری و حکمرانی در حیات طیبیه به معنای مدیریت جامعه بر پایه عدالت، اخلاق و قانون الهی است که از طریق شایسته‌سالاری، مشورت و مسئولیت‌پذیری محقق می‌شود. این رهبری، ضامن اجرای احکام الهی و زمینه‌ساز تحقق جامعه آرمانی در حیات طیبیه است خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص، ۲۶). رهبری و حکمرانی نقش اساسی در شکل‌دهی به سرنوشت جوامع دارند. رهبری اثربخش مبتنی بر خرد، عدالت و اخلاق است و تنها به اعمال قدرت محدود نمی‌شود. حکمرانی خوب مستلزم ایجاد ساختارهای شفاف، پاسخگو و مشارکت‌پذیر است که منافع عمومی را تأمین کند. در

اندیشه اسلامی، رهبری «خدمت‌گزاری» تعریف شده و مسئولیت بزرگی در برابر خدا و مردم محسوب می‌شود. رهبران راستین با الهام از ارزش‌های الهی، مسیر تعالی و پیشرفت جامعه را هموار می‌کنند. حکمرانی عادلانه زمینه‌ساز اعتماد عمومی، همبستگی اجتماعی و توسعه پایدار است. در زمان حاضر، تلفیق حکمت دینی با دانش مدرن مدیریت، ضرورتی انکارناپذیر برای رهبری کارآمد است. رهبری بدون مشورت و تفکر جمعی به استبداد و انحراف می‌انجامد. جامعه‌ای که رهبران شایسته و حکیم داشته باشد، از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی در امان می‌ماند. درنهایت، رهبری موفق با تحقق عدالت، تأمین امنیت و ایجاد بسترهای پیشرفت، میراثی پایدار برای نسل‌های آینده برجای می‌گذارد و از این‌رو، رهبری و حکمرانی شایسته به‌عنوان پیش‌نیازهای اجتماعی و نهادی استقرار مدینه فاضله و تحقق کمال انسانی تلقی می‌شوند (فارابی، ۱۳۸۵، ص ۷۲؛ طوسی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۴، ص ۳۵۶).

۷. مؤلفه‌های تعالی‌بخش در ابعاد اجتماعی حیات طیبه

در بعد اجتماعی و برای دستیابی به مؤلفه‌های اجتماع و عدالت و رهبری و حکمرانی سه مؤلفه مدینه فاضله، عصیت و همبستگی و ولایت فقیه باید تکامل یابد.

۷-۱. مدینه فاضله

مدینه فاضله در مفهوم حیات طیبه، نماد جامعه‌ای آرمانی است که در آن عدالت، فضیلت و تعاون بر تمامی شئون زندگی حاکم است. این شهر آرمانی (که ریشه در اندیشه‌های فلسفی فارابی دارد) جایی است که انسان‌ها در پرتو رهبری حکیم و قوانین الهی، به سوی سعادت جمعی حرکت می‌کنند. در مدینه فاضله، عقلانیت و اخلاق مبنای تصمیم‌گیری‌ها هستند و رفاه مادی و تعالی معنوی در تعادل قرار دارند. چنین جامعه‌ای بستر تحقق حیات طیبه را فراهم می‌آورد، زیرا فرد و اجتماع در مسیر یکدیگر به کمال می‌رسند. بدون استقرار مدینه فاضله، تحقق کامل حیات طیبه در سطح جمعی ممکن نخواهد بود (فارابی، ۱۳۸۵).

۲-۷. همبستگی اجتماعی

عصبیت و همبستگی اجتماعی در نظریه ابن خلدون، به عنوان پایه‌ای اساسی برای تحقق حیات طیبیه در سطح جامعه عمل می‌کند. عصبیت (که بر پایه پیوندهای خویشاوندی، فرهنگی و ارزشی استوار است) نیروی محرکه‌ای برای اتحاد، همکاری و دفاع جمعی در برابر تهدیدات است. در چارچوب حیات طیبیه، این همبستگی باید بر محور عدالت و اخلاق شکل گیرد، نه بر اساس تعصبات کور قومی یا گروهی. چنین همبستگی‌ای زمینه‌ساز ایجاد مدینه فاضله می‌شود که در آن مصالح جمعی بر منافع فردی ارجحیت دارد. بدون عصبیت سازنده، جامعه به سوی تفرقه و ضعف حرکت می‌کند و تحقق حیات طیبیه ناممکن می‌شود (ابن خلدون، ۱۳۸۴). همبستگی اجتماعی در حیات طیبیه به معنای اتحاد و تعاون اعضای جامعه بر پایه ارزش‌های مشترک دینی و انسانی است که از طریق احترام متقابل و مسئولیت‌پذیری جمعی محقق می‌شود. خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳). این همبستگی، پایه اقتدار جامعه اسلامی و زمینه‌ساز تحقق عدالت و پیشرفت در حیات طیبیه است.

۳-۷. ولایت فقیه

ولایت فقیه به عنوان الگویی برای رهبری دینی و سیاسی در اندیشه شیعی، نقش محوری در تحقق حیات طیبیه در سطح جامعه دارد. این مفهوم بر اساس نظریه‌ای است که بر اساس آن، در عصر غیبت امام معصوم (علیه السلام)، فقیه عادل و آگاه به زمان، مسئولیت هدایت جامعه را بر عهده می‌گیرد تا قوانین الهی اجرا شود و عدالت برقرار گردد. ولایت فقیه در حیات طیبیه به معنای رهبری جامعه اسلامی توسط فقیه عادل و آگاه به زمان است که تضمین‌کننده اجرای احکام الهی و تحقق عدالت اجتماعی می‌باشد. این نهاد، ادامه ولایت معصومین (علیهم السلام) و زمینه‌ساز تشکیل مدینه فاضله در عصر غیبت است (امام خمینی، ۱۳۷۹). در چارچوب حیات طیبیه، ولایت فقیه تضمین‌کننده اجرای احکام اسلامی، پاسداری از ارزش‌های اخلاقی و تحقق عدالت اجتماعی است. رهبری فقیه - که بر

پایه‌ی علم دینی، تقوا و کاردانی استوار است - جامعه را از افتادن در ورطه‌ی ظلم، فساد و انحراف حفظ می‌کند. این نهاد همچنین همبستگی ملی و وحدت اسلامی را تقویت می‌کند و با ارائه‌ی الگویی برای حکمرانی عادلانه، بستری برای تعالی فرد و جامعه فراهم می‌آورد. بدون چنین رهبری، ممکن است جامعه از مسیر الهی منحرف شده و تحقق حیات طیبه (که نیازمند نظم، امنیت و عدالت است) با مشکل مواجه شود. به طور خلاصه، ولایت فقیه به عنوان نماد عینیت یافتن دین در حکومت، ابزاری برای تحقق آرمان‌های حیات طیبه در سطح کلان است و زمینه‌ساز ظهور جامعه‌ی متکی بر قانون خدا و کرامت انسانی می‌باشد.

۸. سازوکار تحقق حیات طیبه در ابعاد اجتماعی

۸-۱. رهبری حکیم

رهبری حکیم در حیات طیبه از طریق اتصال به عقل فعال، عدالت محوری و الگوگیری از سنت پیامبران تحقق می‌یابد. فارابی تأکید می‌کند که رهبر باید دارای صفات حکمت، عفت و شجاعت باشد و با اتصال به عقل کل، جامعه را به سعادت رهنمون شود. چنین رهبری با تشکیل نظام مشورتی و اجرای قوانین الهی، مدینه فاضله را پایه‌ریزی می‌کند. رهبری بدون حکمت، به استبداد و انحراف می‌انجامد (فارابی، ۱۳۸۵). رهبری حکیم در حیات طیبه از طریق ترکیب دانش عقلی، فضایل اخلاقی و التزام به شریعت محقق می‌شود. خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری (باب سیاست مدن) تأکید می‌کند که حاکم باید عارف به احکام الهی، دوربین در مصالح عمومی و قادر به ایجاد عدالت اجتماعی باشد. چنین رهبری با مشورت با صاحبان خرد و اجرای قوانین مبتنی بر حکمت، جامعه را به سوی کمال هدایت می‌کند. رهبری حکیم، زمینه‌ساز تحقق حیات طیبه جمعی است (خواجه نصیر الدین طوسی، ۱۳۹۹).

۸-۲. توزیع عادلانه منابع

توزیع عادلانه منابع در حیات طیبه از طریق شناخت نیازهای واقعی جامعه،

اولویت‌بندی بر اساس عدالت و نظارت مستمر محقق می‌شود. امام علی (علیه السلام) در «نهج البلاغه» (نامه ۵۳) با تأکید بر اینکه «الْأَسْبَبُ فِي الْعَدْلِ مُوَأَسَّاةٌ»، بر مشارکت عمومی و رسیدگی به محرومان به عنوان پایه عدالت تأکید می‌کند. این رویکرد با شفافیت در تخصیص بودجه و جلوگیری از انباشت ثروت، شکاف طبقاتی را کاهش می‌دهد. توزیع عادلانه منابع، زمینه‌ساز همبستگی اجتماعی و تحقق مدینه فاضله است (نهج البلاغه، ۱۳۸۷).

۸-۳. مشارکت مردمی

مشارکت مردمی در حیات طیبیه از طریق مشورت‌پذیری حاکمان، مسئولیت‌پذیری شهروندان و نهادینه‌سازی مشارکت عمومی محقق می‌شود. امام علی (علیه السلام) در خطبه نهج البلاغه ۲۱۶ می‌فرماید: «مَنْ أَضْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ غَبَدَ» و بر ضرورت بهره‌گیری از خرد جمعی تأکید می‌کند. این مشارکت با تشکیل شوراهای مردمی، شفافیت در تصمیم‌گیری و واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی به مردم، جامعه را به سمت تعالی سوق می‌دهد. مشارکت واقعی، زمینه‌ساز مقابله با استبداد و تحقق حکومت عدل است (نهج البلاغه، ۱۳۸۷).

۹. بعد متافیزیک حیات طیبیه

۹-۱. عبادت و تقرب الهی

این مؤلفه اساس دیدگاه غزالی، ابن عربی، امام خمینی (علیه السلام) و آیت‌الله بهجت (علیه السلام) است. عدالت و تقرب الهی در حیات طیبیه دو روی یک سکه‌اند؛ عدالت اجتماعی بستر ساز تقرب جمعی به خداست و تقرب فردی، عدالت‌ورزی را در وجود انسان نهادینه می‌کند. تحقق عدالت در جامعه، عینی‌ترین تجلی بندگی و مقدمه‌ای ضروری برای قرب الهی است (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷). عبادت، راهی برای ارتباط با خداوند و تقرب به اوست که در ادیان الهی به ویژه اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. این مفهوم فراتر از انجام مناسک ظاهری، به معنای تسلیم کامل در برابر اراده الهی و اخلاص در نیت است. تقرب الهی هدف نهایی عبادت است که در پرتو طاعت، ذکر و تفکر حاصل می‌شود. در متون

اسلامی، عبادت وسیله‌ای برای تکامل روحی و رسیدن به «حیات طیبه» معرفی شده است. عبادت واقعی علاوه بر رشد فردی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و خدمت به خلق را نیز در بر می‌گیرد. تقرب به خداوند آرامش درونی، معنای زندگی و مقاومت در برابر بحران‌ها را به ارمغان می‌آورد. در جهان امروز، عبادت می‌تواند پاسخی به پوچ‌گرایی و اضطراب‌های مدرن باشد. تلفیق عبادت با زندگی روزمره، آن را از صوری‌گرایی خارج کرده و به تجربه‌ای عمیق تبدیل می‌کند. تقرب الهی بدون تهذیب نفس و اخلاق ممکن نیست و این دو مکمل یکدیگرند. درنهایت، عبادت راستین انسان را به مقام «عبد صالح» می‌رساند که محبوب خداوند است. در دیدگاه‌های عرفانی، عبادت نه تنها مجموعه‌ای از اعمال ظاهری؛ بلکه غایت نهایی سلوک انسانی و طریق تحقق قرب الهی تلقی می‌شود؛ به گونه‌ای که حقیقت عبادت در وصول به مقام قرب و عبودیت محض معنا می‌یابد (غزالی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۳۲۱).

۹-۲. توسل و زیارت

در اندیشه اسلامی، توسل و زیارت به عنوان یکی از ابعاد حیات طیبه، جایگاه والایی دارد که در آرای اندیشمندانی چون ابن عربی و علامه طباطبائی تبلور یافته است. ابن عربی با نگاه عرفانی خود، اولیای الهی و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) را مظاهر اتم ولایت و حقیقت محمدیه می‌داند. وی در آثار خود چون فتوحات مکیه و فصوص الحکم، به تمجید از اهل بیت (علیهم‌السلام) به ویژه حضرت علی (علیه‌السلام) پرداخته و ایشان را «باب مدینه العلم النبوی و صاحب الاسرار امام‌ها» معرفی می‌کند که نشان‌دهنده جایگاه والای ایشان در سلسله ولایت و عرفان اسلامی است (ابن عربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹؛ عفی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۵). ابن عربی همچنین در اشعار خود درباره امام زمان (علیه‌السلام) می‌سراید: «ألا إن ختم الأولیاء شهید و عین إمام العالمین فقیه» (آگاه باش که قطعا خاتم اولیاء شاهد و ناظر است و شخص امام عالمیان از دیده‌ها پنهان است) که بیانگر اعتقاد وی به منزلت اقطاب و اولیاء در نظام هستی و نقش ایشان در هدایت معنوی انسان‌هاست (قیصری، ۱۳۷۵، ص ۳۲۴).

علامه طباطبائی (علیه‌السلام) نیز با رویکردی فلسفی-تفسیری، بر ضرورت توسل به اولیای الهی

تأکید می‌کند و آن را در چارچوب توحید و نظام علیت تبیین می‌نماید. ایشان در پاسخ به شبهه افکنان در مسئله توسل، تصریح می‌کند که شرک در جایی است که اشخاص یا اشیاء را مستقل از خداوند مؤثر بدانیم، اما توسل به اولیا به عنوان وسیله‌ای در پیشگاه خداوند، نه تنها شرک نیست؛ بلکه عین توحید و عمل به آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده، ۳۵) است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۸۹) علامه طباطبائی در رساله‌ای ارزشمند به نام رسالة الولاية، ولایت را باطن نبوت و حقیقت دین معرفی می‌کند و معتقد است سیر و سلوک عرفانی خالصانه، سالک را به درک عترت طیبه می‌رساند و از انوار جمالیه و جلالیه حق و نور ولایت ایشان بهره‌مند می‌نماید (طباطبائی، ۱۳۸۹، ص ۶۷). ایشان همچنین در تفسیر المیزان، زیارت قبور اولیا و تبرک به تربت آنان را از مصادیق تعظیم شعائر الهی و نشانه تقوای قلوب می‌داند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۳۱۲).

۱۰. مؤلفه‌های تعالی‌بخش در بعد متافیزیک حیات طیبه

در بعد متافیزیک و برای دستیابی به مؤلفه عبادت و تقرب الهی سه مؤلفه عرفان و شهود، اخلاص و بندگی و جاودانگی نفس باید تکامل یابد.

۱-۱۰. عرفان و شهود

عرفان و شهود به عنوان جاده‌ای برای رسیدن به حقیقت، در تحقق حیات طیبه نقش اساسی ایفا می‌کنند. عرفان و شهود در حیات طیبه به معنای سیر باطنی و دریافت مستقیم حقایق معنوی از طریق تهذیب نفس و اخلاص در عبادت است. این مسیر، موجب کشف اسرار الهی و تقرب قلبی به خداوند می‌شود و حیات طیبه را از سطح ظاهر به عمق باطن ارتقا می‌دهد. خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَ كُفُّمُ اللَّهُ» (بقره، ۲۸۲).

عرفان (با تأکید بر سیروسسلوک باطنی و تهذیب نفس) قلب انسان را برای دریافت انوار الهی آماده می‌سازد. شهود نیز به عنوان چشم دل، حقایقی را فراتر از درک حسی و عقلی آشکار می‌کند که مبنای یقین و عمل صالح قرار می‌گیرد. در مسیر حیات طیبه،

عرفان و شهود پل ارتباطی بین انسان و خدا هستند و زندگی را از ظاهر به باطن و از ماده به معنا متحول می‌کنند. بدون این دو، حیات طیبه به سطحی ناقص و خشک کاهش می‌یابد که فاقد جذبه‌ی معنوی و عمق وجودی است. مولوی، در مثنوی معنوی، دفتر اول می‌سراید:

عقل را چشمی است دل را چشمی دگر زن دو چشم است اینقدر وان دیده بیش
(مولوی، ۱۳۸۶، دفتر اول، ص ۴۵).

۱۰-۲. اخلاص و بندگی

اخلاص و بندگی در حیات طیبه به معنای خالص کردن نیت برای خداوند و انجام تمام اعمال تنها برای رضای او است. این اخلاص، روح عبادات و اعمال نیک را تشکیل می‌دهد و شرط اساسی قبولی اعمال و تقرب به درگاه الهی است. خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (بینه، ۵).

اخلاص و بندگی، قلب تپنده حیات طیبه را تشکیل می دهند و نشان دهنده نیتی پاک و خالص برای عبادت و خدمت به خداوند هستند. اخلاص به معنای انجام اعمال تنها برای رضای الهی و دوری از هرگونه ریا و خودنمایی است. در مسیر حیات طیبه، بندگی خالصانه موجب می شود که تمامی اعمال انسان (از عبادت تا فعالیت های اجتماعی) به عبادتی تبدیل شود که مقبول درگاه الهی است. بدون اخلاص، اعمال هرچند بزرگ، فاقد روح و اثر معنوی اند و توانایی ارمغان آوردن سعادت حقیقی را ندارند؛ از این رو، اخلاص شرط ضروری برای رسیدن به قرب الهی و تحقق کامل حیات طیبه است (قرآن کریم، بینه، ۵؛ مائده، ۲۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص. ۳۴۶).

۱۰-۳. جاودانگی نفس

جاودانگی نفس در حیات طیبه به معنای بقای روح پس از مرگ و تداوم سیر تکاملی انسان در عوالم دیگر است. این باور، به زندگی دنیایی معنا بخشیده و انگیزه‌ای برای حرکت به سوی کمال و تقوا ایجاد می‌کند. جاودانگی نفس به عنوان یکی از ارکان

اساسی حیات طیبه، باور به بقای روح پس از مرگ و ادامه سیر تکاملی انسان در عوالم دیگر است. این مفهوم (که ریشه در تعالیم اسلامی دارد) به زندگی دنیایی معنا می‌بخشد و انگیزه‌ای برای حرکت به سوی کمال و تقوا ایجاد می‌کند. در مسیر حیات طیبه، جاودانگی نفس تأکید می‌کند که اعمال و اخلاق انسان نه تنها در زندگی دنیوی، بلکه در سرنوشت ابدی او تأثیر مستقیم دارد. بدون این باور، زندگی ممکن است به دایره‌ای محدود از لذات مادی کاهش یابد و از معنای عمیق خود دور شود؛ بنابراین، ایمان به جاودانگی نفس، محرکی برای انتخاب‌های آگاهانه و مسئولیت‌پذیری در برابر افکار و اعمال است (ملاصدرا، ۱۳۹۸).

۱۱. سازوکار تحقق حیات طیبه در بعد متافیزیکی

۱-۱۱. ذکر و مراقبه

ذکر و مراقبه در حیات طیبه از طریق تداوم یاد خدا، نظارت بر نیات و پالایش درونی محقق می‌شود. امام خمینی علیه السلام ذکر را «غذای روح» و مراقبه را «کلید نجات از غفلت» می‌داند. این عمل با اخلاص در عبادت، مرور اشتباهات و تصحیح مستمر نفس، قلب را برای دریافت انوار الهی آماده می‌سازد. ذکر و مراقبه پیوسته، پل ارتباطی بنده با معبود و اساس سیر و سلوک در مسیر حیات طیبه است (امام خمینی، ۱۳۷۱).

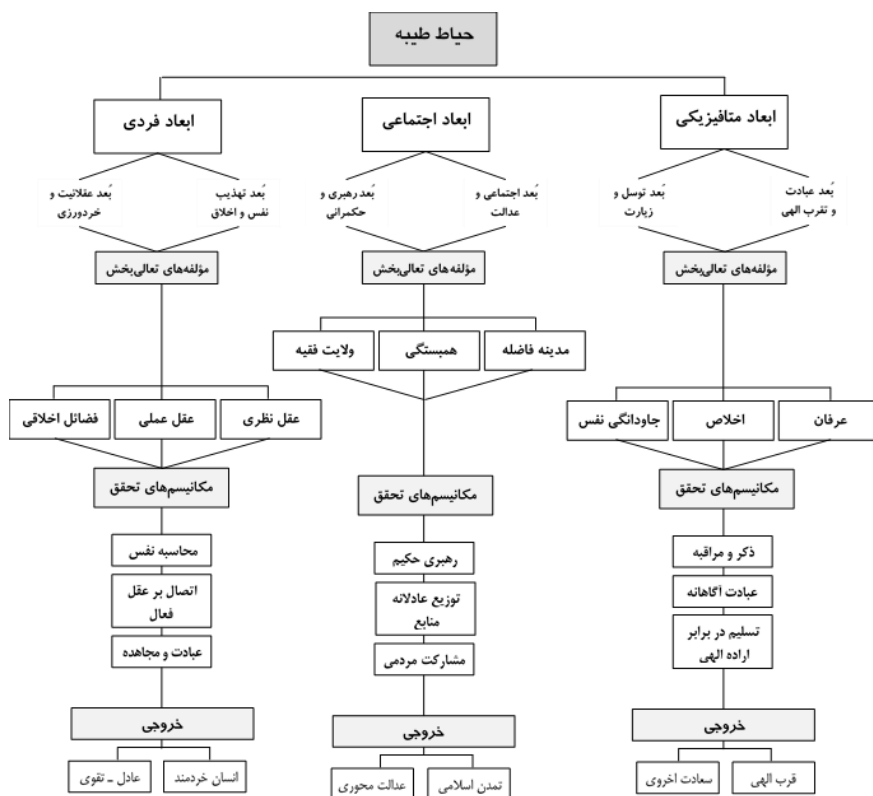
۲-۱۱. عبادت آگاهانه

عبادت آگاهانه در حیات طیبه از طریق شناخت فلسفه عبادات، حضور قلب و درک آثار تربیتی آن محقق می‌شود. شهید مطهری در آشنایی با قرآن تأکید می‌کند که عبادت بدون معرفت، همچون پیکری بی‌روح است. این نوع عبادت با تدبر در مفاهیم نماز و روزه، ارتباط عاطفی با خدا و انعکاس آثار عبادی در اخلاق، بندگی را از صورت به معنا ارتقا می‌دهد. عبادت آگاهانه، زمینه‌ساز تکامل معنوی و تحقق حیات طیبه است (شهید مطهری، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۱۲۳).

۱۱-۳. تسلیم در برابر اراده الهی

تسلیم در برابر اراده الهی در حیات طیبیه از طریق رضایت به قضای خدا، توکل عملی و درک حکمت های الهی محقق می شود. امام علی علیه السلام در حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه می فرماید: «رَضِیْتُ بِاللّٰهِ رَبًّا...» و تسلیم را نشانه ای ایمان راستین می داند. این تسلیم با پذیرش سختی ها به عنوان آزمایش، شکرگزاری در نعمت ها و اجتناب از اعتراض به تقدیر، آرامش درونی را به ارمغان می آورد. تسلیم واقعی، اوج عبودیت و زمینه ساز قرب الهی در حیات طیبیه است (سیدرضی، ۱۳۸۷).

در پایان الگوی (شکل ۱) جهت پیاده سازی حیات طیبیه در جامعه اسلامی پیشنهاد می گردد.



شکل (۱)

نتیجه‌گیری

حیات طیبه در اندیشه اسلامی یک ساختار چندبعدی دارد که شامل فرد (عقلانیت و اخلاق)، اجتماع (عدالت و رهبری) و متافیزیک (تقرب به خدا) است. تحقق آن نیازمند هم‌نوایی میان عقل، شرع و عرفان است و در بستر یک نظام سیاسی-اجتماعی عادلانه امکان‌پذیر می‌شود. این مفهوم از نگاه تک‌بعدی فلسفی یا عرفانی فراتر رفته و به یک الگوی جامع تربیتی-تمدنی تبدیل می‌شود.

حیات طیبه در اندیشه اسلامی به مثابه یک الگوی جامع و چندبعدی، تصویری کامل از زندگی مطلوب انسانی ترسیم می‌کند که در سه سطح به هم پیوسته تعریف می‌شود؛ در سطح فردی، این مفهوم بر پایه عقلانیت و اخلاق استوار است. عقلانیت به معنای بهره‌گیری از خرد در تشخیص حق از باطل و اخلاق به معنای تجلی فضایل انسانی در رفتارهاست. این بعد تأکید می‌کند که انسان باید با تهذیب نفس و پرورش عقل نظری و عملی، خود را به کمال برساند.

در سطح اجتماعی، حیات طیبه بر عدالت و رهبری صالح تأکید دارد. عدالت به عنوان محور جامعه آرمانی، تضمین‌کننده حقوق تک‌تک جامعه است و رهبری و حکمرانی که بر اساس ارزش‌های الهی عمل می‌کند، زمینه‌ساز تحقق این عدالت می‌شود. این بعد اجتماعی نشان می‌دهد که سعادت فردی در گرو سعادت جمعی است. در سطح متافیزیکی، تقرب به خدا به عنوان غایت نهایی مطرح می‌شود. این بعد بر ارتباط مستقیم انسان با خداوند از طریق عبادت، ذکر و اخلاص تأکید دارد و هدف نهایی حیات را فراتر از اهداف مادی تعریف می‌کند.

تحقق این سه بعد نیازمند هم‌نوایی سه منبع معرفتی است: عقل، که توانایی کشف حقایق را دارد؛ شرع، که راهنمای الهی است و عرفان، که به درک شهودی حقایق می‌پردازد. این سه باید در تعامل هماهنگ با یکدیگر عمل کنند. این الگو تنها در بستر یک نظام سیاسی-اجتماعی عادلانه قابل تحقق است. نظامی که بر پایه قوانین الهی استوار باشد، مشارکت مردم را تضمین کند و زمینه رشد همه‌جانبه انسان را فراهم آورد.

حیات طیبه از نگاه تک‌بعدی فراتر رفته و به یک الگوی تربیتی-تمدنی تبدیل

می‌شود. به این معنا که هم برنامه‌ای برای تربیت فردی ارائه می‌دهد و هم الگویی برای ساختن تمدن اسلامی پیش‌رو می‌نهد. این مفهوم پاسخی جامع به بحران‌های جهان مدرن است. هم به نیازهای مادی انسان توجه دارد و هم پاسخ‌گوی نیازهای معنوی اوست. هم به عدالت اجتماعی می‌اندیشد و هم به کمال فردی توجه می‌کند. درنهایت، حیات طیبه به عنوان راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی مطرح می‌شود که می‌تواند الگویی برای همه جوامع انسانی ارائه دهد. الگویی که مبتنی بر فطرت انسان است و می‌تواند سعادت دنیوی و اخروی او را تضمین کند.

منابع

- * قرآن کریم
- ** نهج البلاغه
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۲). حیات طیبه در اندیشه اسلامی: ابعاد، شاخص‌ها و الزامات. تهران: سمت.
- ابن خلدون. (۱۳۸۴). مقدمه ابن خلدون (ج ۱، مترجم: محمد پروین گنابادی). تهران: امیرکبیر.
- ابن عربی، محیی‌الدین. (۱۳۹۹). فصوص الحکم (مترجم: حسین مریدی). تهران: انتشارات جامی.
- ابن عربی، محیی‌الدین. (بی‌تا). الفتوحات المکیة (ج ۲). بیروت: دار صادر.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۸۴). الاشارات و التنبیها (مصحح: سلیمان دنیا). تهران: انتشارات حکمت.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. (۱۴۳۴ ق). الشفاء. تهران: انتشارات ذوی‌القربی.
- بهجت، محمدتقی. (۱۳۹۶). بهجت‌الدعا. قم: انتشارات موسسه فرهنگی هنری البهجه.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: دفتر نشر انقلاب اسلامی.
- خمینی، سیدروح‌اله. (۱۳۷۱). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
- خمینی، سیدروح‌اله. (۱۳۷۹). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
- خمینی، سیدروح‌اله. (۱۳۸۹). صحیفه امام (ج ۳). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
- رخشاد، محمدحسن. (۱۴۰۲). در محضر بهجت. تهران: انتشارات فیض فرزانه.
- السید الرضی، محمدبن حسین شریف. (۱۳۸۷). نهج‌البلاغه (مترجم: محمد دشتی). قم: انتشارات الهادی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۹). رساله‌الولاية. قم: بوستان کتاب.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰). تفسیر المیزان (ج ۵، ۱۰ و ۱۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- طوسی، محمد بن محمد بن حسن (خواجه نصیرالدین). (۱۳۸۶). اخلاق ناصری (به کو شش: مجتبی مینوی و علینقی منزوی). تهران: انتشارات خوارزمی.
- طوسی، محمد بن محمد بن حسن (خواجه نصیرالدین). (۱۳۸۹). التبیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات آل البيت علیه السلام.
- عفیفی، ابوالعلا. (۱۳۹۶). فصوص الحکم و مکتب ابن عربی (مترجم: محمدجواد گوهری). تهران: روزنه.
- غزالی، محمد. (۱۳۸۹). احیاء علوم الدین (ج ۴، مترجم: محمد خلیلی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فارابی، ابونصر محمد بن محمد. (۱۳۸۵). آراء اهل المدينة الفاضلة (مترجم و مصحح: سیدجعفر سجادی). تهران: انتشارات حکمت.
- قیصری، داود. (۱۳۷۵). شرح فصوص الحکم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۹۳). الکافی (ج ۲). تهران: انتشارات دارالثقلین.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۴). بحار الانوار. تهران: انتشارات اسلامیه.
- مسکویه، احمد بن محمد. (۱۳۸۲). تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق (مصحح: ابوالقاسم امامی). تهران: انتشارات حکمت.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). آشنایی با قرآن. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۶). مجموعه آثار (ج ۲). تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (ج ۱۱). تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
- ملاصدرا. (۱۳۹۸). الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الاربعه. تهران: انتشارات مولی.
- مولوی، جلال الدین محمد. (۱۳۸۶). مثنوی معنوی (مترجم: بدیع الزمان فروزانفر، مصحح: نیکلسون، دفتر اول). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نراقی، ملا مهدی. (۱۳۹۰). جامع السعادات. قم: انتشارات قائم آل محمد علیه السلام.

The Role of the Three Elements of "Imam, Pilgrim, and Servant" in the Arbaeen Pilgrimage and Its Civilizational Implications*

Seyyed Ali Asghar Alavi 

PhD in Quran and Sciences (Management Concentration),
Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
modirekarbala313@chmail.ir



Abstract

Arbaeen Husayni, as one of the largest religious gatherings in the world, represents unity, love, and the solidarity of millions. In this ritual, the role of the three elements of "Imam, pilgrim (Zair), and servant (Khadim)" holds a special significance. This article investigates the role of these three key elements in the ceremony and analyzes their civilizational implications. The purpose of this research is to extend and develop the culture of the Arbaeen pilgrimage through a civilizational lens. Utilizing an analytical-inferential method, this study aims to present an analysis of the epic of roles in the Arbaeen pilgrimage and evaluate them from a civilizational standpoint. The research findings indicate that the Arbaeen epic, as a global and religious event, provides a unique opportunity to redefine and transform the social identities of individuals. The subject of roles in Arbaeen demonstrates that the capacity to transform roles and identities is not exclusive to Arbaeen;

* Alavi, A. A. (2025). The Role of the Three Elements of "Imam, Pilgrim, and Servant" in the Arbaeen Pilgrimage and Its Civilizational Implications. *Islam and Social Studies*, 13(4), pp. 66-93.
<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.74069.2202>

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/07/06 • **Revised:** 2025/09/16 • **Accepted:** 2025/11/09 • **Online Publication:** 2025/12/30

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



rather, it can be repeated and replicated under different conditions, times, and locations. What makes Arbaeen a remarkable civilizational phenomenon is precisely these roles, which have generated a massive social epic. If organizations view their relationship with clients through the exact same dynamic of servant and pilgrim, many of the bottlenecks within the administrative system will be resolved.

Keywords

Imam Husayn, Arbaeen Pilgrimage, Society, Civilization, Pilgrim (Zair), Servant (Khadim).

نقش سه عنصر «امام، زائر و خادم» در زیارت اربعین و دلالت‌های تمدنی آن*

سیدعلی اصغر علوی 

دکتری تخصصی قرآن و علوم (گرایش مدیریت)، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

modirekarbala313@chmail.ir



چکیده

اربعین حسینی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تجمعات مذهبی جهان، نمایانگر وحدت، محبت و همبستگی میلیونی است. در این مناسک نقش سه عنصر «امام، زائر و خادم» اهمیت ویژه‌ای دارد. در این مقاله، به بررسی نقش سه عنصر کلیدی «امام»، «زائر» و «خادم» در این مراسم پرداخته شده و دلالت‌های تمدنی این عناصر مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از این پژوهش امتداد و توسعه دادن فرهنگ زیارت اربعین با نگاه تمدنی است. این تحقیق بر آن است با استفاده از روش تحلیلی استنباطی، تحلیلی از حماسه نقش‌ها در زیارت اربعین ارائه داده و آنها را از منظر تمدنی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. ره‌آورد‌های پژوهش نشان می‌دهد که حماسه اربعین به عنوان یک رویداد جهانی و مذهبی، فرصتی منحصر به فرد برای بازتعریف و تغییر هویت‌های اجتماعی افراد فراهم می‌آورد. موضوع نقش‌ها در اربعین نشانگر آن است که قابلیت تغییر نقش‌ها و هویت‌ها نه فقط مختص اربعین است؛ بلکه می‌تواند در شرایط و زمان‌ها و مکان‌های مختلف نیز تکرار و تکثیر شود. آنچه که اربعین را یک پدیده قابل توجه تمدنی کرده است، همین نقش‌ها است. این نقش‌ها مولد یک حماسه عظیم اجتماعی شده است. سازمان‌ها اگر نسبت به ارباب رجوعشان همان نسبت خادم و زائر را ببینند، بسیاری از مشکلات نظام اداری حل خواهد شد.

کلیدواژه‌ها

امام حسین علیه السلام، زیارت اربعین، اجتماع، تمدن، زائر، خادم.

* علوی، سید علی اصغر. (۱۴۰۴). نقش سه عنصر «امام، زائر و خادم» در زیارت اربعین و دلالت‌های تمدنی آن اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴)، صص ۶۶-۹۳.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73567.2194>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

□ ۱۴۰۴ © نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند



مقدمه

زیارت اربعین به عنوان یک پدیده مذهبی و اجتماعی در تاریخ اسلام جایگاهی ویژه دارد. این مراسم، هر ساله میلیون‌ها زائر را از سرتاسر جهان به کربلا می‌کشاند و موجب ایجاد حماسه‌ای گسترده و پرشور می‌شود. یکی از ویژگی‌های بارز این تجمع، نقش‌های مختلفی است که در آن ظهور می‌یابد؛ نقش‌هایی که نه تنها فردی بلکه اجتماعی و تمدنی نیز هستند. سه عنصر کلیدی «امام»، «زائر» و «خادم»، هریک به نوبه خود، تأثیرات عمیقی بر این مراسم دارند. امام حسین (علیه السلام) به عنوان محور اصلی این زیارت، آموزه‌هایی از ایستادگی در برابر ظلم و عدالت‌خواهی را به زائران منتقل می‌کند. زائران، به عنوان نمایندگان ارادت و عشق به امام، در این مراسم با یکدیگر به هم پیوسته و همبستگی خود را به نمایش می‌گذارند؛ همچنین، خادمان اربعین با فراهم کردن امکانات خدمت‌رسانی، فضایی از همدلی و ایثار را ایجاد می‌کنند.

نقش سه عنصر «امام، زائر و خادم» در اربعین نه تنها نشانه‌ای از محبت و ارادت به اهل بیت (علیهم السلام) است، بلکه دلالت‌های تمدنی عمیقی نیز دارد. این عناصر با ایجاد همبستگی، ترویج ارزش‌های انسانی و اخلاقی و شکل‌دهی به یک تمدن مشترک می‌توانند تحولی در روابط بین‌المللی و همزیستی مسالمت‌آمیز ایجاد کنند. با بهره‌گیری از این آموزه‌ها، جوامع می‌توانند به یک آینده بهتر و با ارزش‌تری دست یابند.

این مقاله، قصد دارد به بررسی عمیق‌تر نقش‌های این سه عنصر پرداخته و دلالت‌های تمدنی آنها را در خصوص هویت فرهنگی، همزیستی مسالمت‌آمیز و انتقال ارزش‌های انسانی مورد تحلیل قرار دهد. این پژوهش به ما کمک می‌کند تا دلالت‌های تمدنی اربعین به عنوان یک کانون فرهنگی و اجتماعی و الگویی برای ارتقاء جامعه انسانی و بهبود روابط بین‌فرهنگی بررسی شود.

۱. پیشینه پژوهش

در حوزه زیارت اربعین پژوهش‌های ارزش‌مندی انجام شده است، مانند: طاهرزاده (۱۳۹۵)، در کتاب اربعین حسینی، امکان حضور در تاریخی دیگر...

موضوع اربعین را در سه ضلع مورد بررسی قرار داده است. بحث «معنای حماسه‌ی ملیونی پیاده‌روی اربعین حسینی» متوجه نقش پیاده‌روی در زیارت امام حسین (ع) و تأکید ائمه (ع) بر این امر به عنوان یک حرکت سلوکی است، از آن جهت که بنا بر روایات مربوط به این امر، زائر به انسان مصلحی تبدیل می‌شود که عزم تغییر تاریخ خود را در خود می‌یابد. در بحث «اربعین؛ سنتی در حال شکوفایی» ذهن‌ها متوجه فرهنگ اربعینی است، در بحث «اربعین؛ امکان حضور در تاریخی دیگر» همه‌ی تلاش این بوده است تا معنای «حضور تاریخی» تبیین شود و خواننده متوجه باشد با چه احساسی باید حضور تاریخی خود را در رخدادی که ظهور کرده است دریابد.

پویافر، و رضایی (۱۴۰۰)، در کتاب زیارت‌های پیاده در جهان معاصر؛ نگاهی جامعه‌شناختی... به مطالعه و معرفی همزمان ۷ آیین پیاده‌روی زیارتی در جهان پرداخته است. این آیین‌ها عبارتند از آیین زیارتی هندوها به نام کومب میلا در هند، زیارت پیروان شیتو به نام «شیکوکو یا ۸۸ معبد» در ژاپن، ۴ زیارت مسیحیان به ترتیب شامل: «کامینو دسانتیاگو در اسپانیا، فاطیما در پرتغال، فرانسیجنا در ایتالیا، گوادالوپ در مکزیک» و در نهایت بزرگ‌ترین آیین زیارتی شیعیان و بلکه تمامی مسلمانان «پیاده‌روی اربعین» که در عراق می‌باشد.

رستمی (۱۴۰۰)، در پایان‌نامه خود با عنوان شبکه مضامین تمدنی پدیده اربعین، آورده است که پیاده‌روی اربعین، پدیده ظرفیت مطالعه علمی در زمینه‌های مختلفی را داراست. یکی از این زمینه‌ها، مطالعات تمدنی اربعین است که آن را به عنوان یک پدیده تمدنی مورد مطالعه قرار می‌دهد و ظرفیت‌های تمدنی آن را بررسی می‌کند. مسئله مورد نظر پژوهش حاضر، احصای مضامین تمدنی اربعین و سپس استخراج شبکه مضامین تمدنی این پدیده است.

شبانی (۱۴۰۲)، در رساله ظرفیت‌های تمدن‌ساز اربعین حسینی... به این موضوع، پرداخته و درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که «ظرفیت‌های تمدن‌ساز اربعین حسینی کدام است و موانع آن چیست»؟

پژوهش‌های زیادی درباره آن انجام شده که هر کدام از منظری به این رویداد مهم نگریسته‌اند از جمله سیاسی، امنیتی، فرهنگی و تربیتی. اما بعد تمدن‌سازی آن با آنکه بسیار مهم و راهبردی می‌باشد، کمتر مورد توجه قرار گرفته و در نهایت در حد کلیات باقی مانده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. زیارت اربعین

زیارت، دیدار کردن است، دیدار کردن و رفتن به سرزمینی مقدس (لغتنامه معین). منظور از زیارت در لغت تمایل و میل پیدا کردن است؛ اینکه از راه دور یا از نزدیک باشد و خواه با گرایش قلبی و قصد هم همراه باشد یا نه، و اعم از این که با اکرام و تعظیم مزور همراه باشد یا نه (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۹). در اصطلاح دینی، زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و نسبت به مزور هم با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۰۵، «زور»). بدیهی است که دیدار، دو طرف دارد: فرد زائر و آنکه مورد دیدار و زیارت قرار می‌گیرد، آن مزور که تقدس و شرافت بخشیده به سرزمینی که برای زیارتش به آن سرزمین می‌روند که «شرف المکان بالمکین». برای همین در لسان اندیشمندان اسلامی برای زیارت، دو مؤلفه اصلی ذکر کرده‌اند: زائر و مزور (ر.ک جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱، صص ۲۳-۲۵). مزور آن امامی است که مورد زیارت قرار می‌گیرد و زائر کسی است که به دیدار امام می‌رود؛ اما نه هر کسی که به دیدار دیگری می‌رود زائر است و نه در هر کسی به ملاقاتش بیاید مزور. در ادبیات دینی سخن از امام و مأوم است که زائر و مزور هم هستند. این شرافت مزور و سرزمین حول او اعتباری نیست؛ بلکه حقیقی در عالم دارد. زیارت با دو مؤلفه اساسی شکل می‌گیرد: مزور و زائر و روح زیارت ارتباط و اتصال زائر با مزور است.

زیارت اربعین به معنای حضور و زیارت حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) در روز اربعین، است. این روز به یاد شهدای کربلا و به‌ویژه امام حسین (علیه السلام) و یاران او گرامی داشته

می شود و در روایات جزو علامات مؤمن شناخته شده است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷۸۸؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۸۹). زائران در این روز معمولاً با پیاده روی از نقاط مختلف، به سمت کربلا حرکت می کنند تا در حرم امام حسین (علیه السلام) گرد هم آیند و ارادت خود را به ایشان ابراز کنند (نک: پویافر و رضایی، ۱۴۰۰، صص ۳۵۵-۳۶۲). زیارت اربعین به عنوان یک عمل عبادی، اجتماعی و فرهنگی، نه تنها جنبه مذهبی دارد؛ بلکه به خلق احساس همبستگی و اشتراک فرهنگی میان مسلمانان در سرتاسر جهان نیز می پردازد. این مراسم با روایت ها و سنت های خاص خود، بازتاب دهنده ارزش های معنوی و انسانی است که امام حسین (علیه السلام) به عنوان یک الگوی کامل ایثار و فداکاری به بشریت ارائه کرده است.

۲-۲. امام

در زیارت اربعین، واژه «امام» به معنای پیشوای معصوم و رهبری الهی است که در اصول دین و مذهب شیعه دارای اهمیت ویژه ای است. امام به عنوان نماینده ی خداوند در زمین و الگوی کامل اخلاق و رفتار برای مسلمانان شناخته می شود که در اینجا منظور امام حسین (علیه السلام) است. امام حسین (علیه السلام) به عنوان امام سوم شیعه، در واقعه عاشورا برای احیای دین و مقابله با ظلم و فساد جان خود را فدای اصول انسانی و الهی کرد، که این ایثار و فداکاری او، موجب تأسیس فرهنگی غنی و آموزه های عمیق در جامعه اسلامی شد. امام حسین (علیه السلام) به عنوان کسی که جان خود را برای مکتب اسلام و ارزش های انسانی فدا کرد، تأثیر عمیقی بر زائران دارد و آنان را به پیروی از اصول دین الهام می بخشد. معناداری امام به عنوان ولی خدا نه تنها در زمان خود او، بلکه در تمامی دوره ها و نسل ها ادامه دارد و زائران در زیارت اربعین، تجدید عهدی با این ولایت می کنند. امام به عنوان واسطه ای برای نزدیک شدن زائران به خداوند و تبدیل شدن به انسان های صالح و فداکار شناخته می شود. در کل، امام در زیارت اربعین به عنوان نشانه ای از قدرت و رحمت الهی و نماد حق خواهی و ایثارگری مطرح است، که زائران با یادآوری آن ها، در مسیر رشد معنوی و اخلاقی خود گام برمی دارند.

۲-۳. زائر

زائر در زیارت اربعین به فردی اطلاق می‌شود که به منظور عرض ارادت، طلب رحمت، و انجام زیارت، به سوی حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) و مسیرهای منتهی به آن سفر می‌کند. زائران با اهداف معنوی و مذهبی به این مراسم حاضر می‌شوند و در طول مسیر با روحیه‌ای از ایثار، همدلی و خدمت به یکدیگر به پیاده‌روی می‌پردازند. زائران معمولاً در کنار یکدیگر و در قالب گروه‌های بزرگ به سوی کربلا پیاده‌روی می‌کنند و این روح جمعی، خود به نوعی تجلی روحیه همبستگی و اتحاد است. زائر در این مراسم، به نوعی خود را از عناوین اجتماعی و مقام‌های مختلف رها می‌کند و به عنوان یک انسان برابر و هم سطح در جمع حضور می‌یابد؛ همچنین حضور در پیاده‌روی اربعین و نزدیکی به حرم امام حسین (علیه السلام) برای زائران تجربه‌ای عمیق و معنوی به ارمغان می‌آورد، که با حس حضور امام و ارتباط با ایشان همراه است و این سفر برای او فرصتی برای تجدید عهد با امام حسین (علیه السلام) و آموزه‌های حضرت است.

۲-۴. خادم

خادم در ادبیات عاشوایی یعنی کسی که کارهای امام را انجام می‌دهد (نک: علوی، ۱۳۹۳، ص ۲۶). در زیارت اربعین، «خادم» به فردی اطلاق می‌شود که به زائران امام حسین (علیه السلام) خدمت می‌کند. این خدمت ممکن است شامل فراهم کردن امکانات رفاهی، تغذیه، اسکان و دیگر خدمات لازم برای زائران باشد. خادمان در این مراسم با انگیزه‌های مذهبی و انسانی خود، تلاش می‌کنند تا به زائران خدمت کنند و به نوعی از آن‌ها پذیرایی نمایند. خادمان با هدف خشنودی امام حسین (علیه السلام) و خدمت به زائران به این نقش وارد می‌شوند. نیت خالص و خدمت‌رسانی بدون چشم داشت، از ویژگی‌های بارز خادمان است. خادمان معمولاً به‌طور داوطلبانه و بدون انتظار پاداش، زمان و منابع خود را صرف کمک به زائران می‌کنند. ایثار و فداکاری در این زمینه بسیار تجلی می‌یابد. در مجموع، خادم در زیارت اربعین نقش محوری در به وجود آوردن فضایی معنوی و

خدمت‌گزارانه دارد، که نه تنها به تسهیل سفر زائران کمک می‌کند، بلکه نمادی از آموزه‌های انسانی و اسلامی را نیز به نمایش می‌گذارد.

۲-۵. تمدن

مطالعات انسان‌شناسی در قرن نوزدهم بر روی اقوام و فرهنگ‌های ابتدایی و همچنین مناطق تمدنی و فرهنگی قدیمی در آسیا، آفریقا و اروپا، دو مفهوم «فرهنگ» و «تمدن» را در کنار یکدیگر قرار داده است که به شدت به هم مرتبط هستند و گاهی به طور مشابه به کار می‌روند. البته تاریخ‌نگاران و فرهنگ‌پژوهان تلاش کرده‌اند تا این دو مفهوم را از یکدیگر تفکیک کنند. از این منظر، تمدن بیشتر به جنبه‌های مادی ساخت‌های انسانی نظیر معماری، شهرسازی و فناوری مربوط می‌شود، در حالی که فرهنگ بیشتر جنبه‌های معنوی زندگی جمعی انسانی را شامل می‌شود، مانند: آیین‌ها، آداب، زبان، دین و دانش. از دیدگاهی دیگر، تمدن به نظام‌های بزرگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اشاره دارد که معمولاً در یک قلمرو وسیع جغرافیایی، مانند یک امپراتوری، شکل گرفته و دارای فرهنگی گسترده و متنی نوشتاری است. در مقابل، فرهنگ می‌تواند به تنهایی مربوط به مردمی باشد که به صورت ابتدایی در یک قبیله زندگی می‌کنند (ولایتی، ۱۳۹۶، ص ۲۱). در یک نگاه متعالی و کلان، حرکت انبیا و اولیای الهی را می‌توان بر اساس رویکردی تمدنی دید و تحلیل نمود (ر.ک: همایون، ۱۳۹۷). تمدن به‌طور کلی به مجموعه‌ای از دستاوردها، افکار، فرهنگ‌ها و نهادها اطلاق می‌شود که یک جامعه را در زمینه‌های مختلف مثل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنری و علمی تعریف می‌کند. تمدن‌ها نه تنها محدوده جغرافیایی خاصی دارند، بلکه در طی زمان نیز شکل می‌گیرند و تغییر می‌کنند و آثار و تأثیرات متقابل دارند. به طور عام، تمدن به عنوان ترکیبی از این عوامل و ویژگی‌ها درمی‌آید که زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را در بستر زمانی و مکانی خاص خودش شکل می‌دهد.

۳. روش پژوهش

روش تحقیق در این مقاله، روش اجتهادی (تحلیلی استنباطی) است. این تحقیق برای

جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی کتابخانه‌ای (یادداشت‌برداری به صورت تحلیلی توصیفی) بهره خواهد برد؛ همچنین مقاله حاضر می‌کوشد تا با استفاده از این روش مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

۴. تجزیه و تحلیل

۴-۱. نسبت سه عنصر «امام»، «زائر» و «خادم»

۴-۱-۱. نقش امام حسین (علیه السلام) در زیارت اربعین

امام حسین (علیه السلام) به عنوان الگوی اعلای انسانیت و آزادگی، نقش مهمی در احیای فرهنگی مقاومت و ایثار دارد. او از طریق قیام عاشورا، مفاهیم اخلاقی و انسانی را زنده کرده و به عنوان یک نماد برای مبارزه با ظلم و فساد شناخته می‌شود.

وقتی گفته می‌شود که زیارت امام معادل چندین حج مستحبی است، این بدان معناست که بدون ولایت اهل بیت (علیهم السلام)، حج که جامع‌ترین عبادات به شمار می‌رود، مفهوم و ارزشی ندارد. در واقع، تمام این عبادات باید مسلمانان را برای شکل‌گیری حکومت جهانی اسلام به رهبری حضرت ولی عصر (علیه السلام) آماده کنند؛ بنابراین، مهم‌ترین پیام سیاسی نهفته در زیارت حرم امامان، زمینه‌سازی برای حکومت ایشان است. این پیام از زیارت همه حرم‌ها قابل برداشت است؛ اما زیارت هر امامی که این محتوا را بهتر منتقل کند و مردم را به تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی (علیه السلام) نزدیک‌تر کند، ارزش و فضیلت بیشتری دارد. به همین دلیل در روایات بر زیارت حرم امام حسین (علیه السلام) تأکید بیشتری شده است و این زیارت تأثیر عمیق‌تری دارد (جعفری، ۱۳۹۷). با این حال، در برخی شرایط سیاسی و اجتماعی، ممکن است پیام زیارت امام دیگری مانند امام رضا (علیه السلام) نمود بیشتری پیدا کند؛ اما به‌طور کلی و در طول تاریخ، تا زمان ظهور حضرت امام زمان (علیه السلام)، پیام زیارت قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) برای تشکیل حکومت اسلامی از دیگر امامان (علیهم السلام) قوی‌تر است و به همین خاطر تأکید بیشتری بر زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) شده است.

۴-۱-۲. نقش زائر در زیارت اربعین

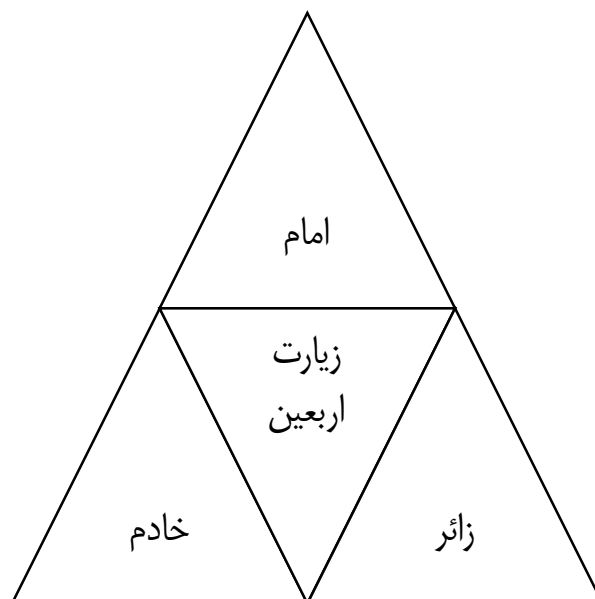
زائران با حضور خود در مراسم اربعین، نماد همبستگی و وحدت ملت‌ها و پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) هستند. این حضور جمعی نشان‌دهنده عشق و ارادت نسبت به امام حسین (علیه‌السلام) و اهداف قیام او می‌باشد. تجمع میلیونی زائران در اربعین، به ایجاد فضایی جهانی برای تبادل فرهنگ‌ها و ایده‌ها کمک می‌کند. این امر می‌تواند به شکل‌گیری فرهنگ‌های مشترک و ارتقاء همدلی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جوامع مختلف منجر شود.

۴-۱-۳. نقش خادم در زیارت اربعین

خادمان اربعین با خدمت به زائران، نماد ایثار و خلوص در عمل هستند. این خدمت می‌تواند شامل فراهم‌سازی امکانات، تغذیه، اسکان و دیگر نیازهای زائران باشد. خدمت به زائران نه تنها جنبه‌های اجتماعی و انسانی را تقویت می‌کند؛ بلکه باعث تقویت روحیه تعاون و همکاری در جامعه می‌شود. این امر به ایجاد بسترهای جدید اجتماعی و فرهنگی در میان مسلمانان و دیگر ملت‌ها کمک می‌کند.

۴-۱-۴. بررسی نسبت این سه عنصر

اربعین و این سه عنصر نقش بزرگی در تقویت هویت اسلامی و تأکید بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی دارند. این موضوع باعث می‌شود که مسلمانان به هویت خود بیشتر افتخار کنند و به ترویج ارزش‌های اسلامی بپردازند. قشر خادمان در خدمت به زائران، موجب گسترش فرهنگ عشق و ایثار در جامعه می‌شود و منجر به ایجاد ارتباطات عمیق‌تری میان افراد و جوامع گوناگون می‌گردد. آموزه‌ها و پیام‌های قیام امام حسین (علیه‌السلام)، در کنار حضور زائران و خدمات خادمان، می‌تواند به شکل‌گیری تمدنی انسانی و توأم با رأفت و انصاف منجر شود. این تمدن می‌تواند به عنوان الگویی برای جوامع مختلف طرح شود.



رسم توضیحی ۱: سه عنصر اصلی در زیارت اربعین

۴-۲. حضور «عنصر سوم» در اربعین در کنار «زائر» و «مزور»

عنصر «خادم» در جریان اربعین بسیار چشم گیر و برجسته است. نکته قابل توجه آن است که در موسم‌های دیگر غیر از اربعین، دو عنصر امام و زائر هست، اما آنچه حرف تازه اربعین است، حضور عنصر سوم یعنی خادمینی است که به زائران امام حسین علیه السلام خدمت می‌رسانند. البته این دو عنصر زائر و خادم تحت ولایت و مدیریت امام حسین علیه السلام است و ایشان در اربعین ظرفیت برجسته خادمان را و تاثیر تمدن ساز آنها را بیشتر نشان داده‌اند. خادم و زائر نقش خود را تحت ولایت و مدیریت مزور یعنی امام ایفاء می‌کنند. در زیارت دیگر ائمه و زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام غیر از ایام اربعین نقش خادم یا وجود ندارد یا کمرنگ‌تر است. برای در زیارت ائمه علیهم السلام مظلوم بقیع خادم به معنای کسی که ملازم حرم باشد با نیت خدمت به امام و زائران وجود ندارد. آنچه که خادم را در اربعین اباعبدالله خاص می‌کند حضور موثرتر و پررنگ‌تر او در این میان است. در ایام دیگر نیز حرم سیدالشهدا علیه السلام و یا مثلاً امام رضا علیه السلام خادم دارد، خادمان شرایط رفاه

زائران را فراهم می‌کنند با نیت خدمت به امام به کار خود مشغول هستند اما در اربعین قضیه متفاوت است.

خادم همیشه نقش خدمت رسانی داشته است، نیتش همیشه خدمت به امام (مزور) بوده و در عمل خدماتش در جهت رفاه حال زائران بوده است. گویی تحت ولایت امام این چنین نقشی شکل گرفته است، امام بی‌نیاز است از خدمت دیگران و خادم نیز این را می‌داند پس برای جلب رضایت حضرت او به دعوت شدگانِ حرمش، مهمانان امام، خدمت می‌کند. یعنی با خدمت به زائر که مورد توجه و محبت امام است و مهمان اوست رضایت خود امام را جلب می‌کند. تفاوت خدمت‌رسانی خادم در اربعین به زائر، که وجه تمایز اربعین و دیگر زیارت‌هاست این است که عنصر سوم یعنی خادم، از چند جهت از انحصار خارج می‌شود:

الف: از انحصار انسان‌های خاص

در ایام غیر از اربعین و دیگر حرم‌های ائمه علیهم‌السلام افراد خاصی با ساز و کار مشخصی می‌توانند در حرم مشغول فعالیت باشند. اما در اربعین صغیر و کبیر و همه مردم عادی می‌توانند نقش خادم را ایفا کنند.

ب: از انحصار کارهای مشخص

در ایام غیر از اربعین و دیگر حرم‌های ائمه برای خادم کارهایی مشخص است و خارج از دایره آن کارها خادمی وجود ندارد. برای خادم بخش مضیف، خادم نظم‌دهنده صفوف نماز، خادم کفشداری و... اما در اربعین از حصار کارهای معمول خارج می‌شود. هر کسی با هر چه دارد به رفاه حال زائران برای جلب رضایت امام کمک می‌کند. جایی غیر از اربعین سراغ دارید که خادمی مسئول ماساژ دادن باشد؟ خادمی کیف و کوله‌های آسیب دیده را ترمیم کند؟ خادمی سراغ دارد که هیچ نداشته باشد و نذر کند سایه باشد برای زائران؟ (حامد عسکری ماجرای عربی که هیچ نداشت و نذر کرده بود سایه زوار باشد).

ج: از انحصار مکان خدمت مشخص

آنچه از خادم در ذهن ما شکل گرفته ست این است که در حرم و اطراف حرم مشغول خدمت‌رسانی باشد؛ اما در اربعین در مسیر حدوداً ۹۰ کیلومتری در هر قدم خادمی است که حتی از حصار حرم هم خارج شده، اما از حصار خدمت به مزور و حضور امام نه!

۴-۳. توجه به نقش‌ها در زیارت اربعین

نقش‌ها در ایجاد هویت موثرند. با ایجاد نقش‌های جدید می‌توان هویت‌های تازه‌ای ایجاد کرد. نقش‌ها به عنوان کارکردهای اجتماعی و فرهنگی در زندگی انسان‌ها دارای اهمیت زیادی هستند. این نقش‌ها نه تنها بر رفتار و تعاملات فردی تأثیر می‌گذارند، بلکه در شکل‌دهی به هویت افراد و جوامع نیز نقش اساسی ایفا می‌کنند. نقش به معنای وظایف، مسئولیت‌ها و انتظاراتی است که افراد در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی ایفا می‌کنند. این نقش‌ها می‌توانند شامل والد، همسر، عضو جامعه، کارمند و غیره باشند. نقش‌ها به طور عمده بر اساس انتظارات اجتماعی و فرهنگی تعریف می‌شوند. با ورود به نقش‌های جدید یا تغییر در نقش‌های پیشین، هویت فرد نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. زمانی که افراد نقش‌های جدیدی را به عهده می‌گیرند، این امر می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای رشد و توسعه فردی و اجتماعی فراهم کند. برای مثال، پذیرش نقش‌های رهبری می‌تواند به ارتقای مهارت‌های مدیریتی و اجتماعی بیانجامد. با تغییرات اجتماعی و فرهنگی، نقش‌ها نیز دچار تغییر می‌شوند. این تغییرات می‌توانند به بازتعریف هویت‌های فردی و اجتماعی منجر شوند و فضایی برای ظهور هویت‌های تازه فراهم کنند؛ بنابراین، فهم دقیق نقش‌ها و تأثیر آن‌ها بر هویت، می‌تواند منجر به توسعه اجتماعی و فرهنگی مثبت گردد.

برخی از جامعه‌شناسان هر جامعه را به تناسب نظام‌هایی تقسیم کرده‌اند که هر یک بخشی از نیازهای اجتماعی را تامین می‌کنند (پارسایا، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰). هویت و لایه‌های بنیادین؛ در لایه‌های عمیق و بنیادین جهان اجتماعی، اجزا و پدیده‌هایی قرار دارند که

تأثیرات همه جانبه و فراگیر نسبت به دیگر اجزاء دارند و کمتر در معرض تغییر و تحول قرار می گیرند. هویت جهان اجتماعی با این دسته از پدیده ها پیوند می خورد. پدیده هایی که در لایه های غیر عمیق و غیر بنیادین جهان اجتماعی قرار دارند هم تأثیرات محدودتری دارند و هم بیشتر در معرض تغییر قرار می گیرند. برخی از این پدیده ها در مقاطع زمانی خاص به وجود آمده اند و در مقطعی دیگر از میان می روند. برای برخی از آنها به راحتی می توان بدیل های مناسبی پیدا کرد.

نمادها، کنش ها، هنجارها، ارزش ها و عقاید و... در لایه های مختلفی از جهان اجتماعی قرار می گیرند و جهان اجتماعی بدون حضور نمادهای مختلف نمی تواند تحقق پیدا کند. انسان معانی مورد نظر خود را در زندگی اجتماعی از طریق نمادها آشکار کرده و منتقل می کند. نقش ها در ایجاد هویت موثرند. با ایجاد نقش های جدید می توان هویت های تازه ای ایجاد کرد.

۴-۴. زیارت اربعین، حماسه نقش ها

حماسه اربعین به عنوان یک رویداد جهانی و مذهبی، فرصتی منحصر به فرد برای بازتعریف و تغییر هویت های اجتماعی افراد فراهم می آورد. شرکت کنندگان در این مراسم معمولاً از اقصای مختلف اجتماعی هستند؛ از روحانیان و علمای دین گرفته تا دانشمندان، مهندسان، کارگران و دیگر مشاغل. با این وجود، در این فضای معنوی و عمیق، همه افراد به دو نقش اصلی «زائر» و «خادم» تبدیل می شوند و هویت های اجتماعی خود را در سایه این دو نقش بازتعریف می کنند. در اربعین انسان ها با اعتبارات مختلف اجتماعی حاضر می شوند، اما هیچ یک از آنها به چشم نمی آید. همه هویت ها در قالب دو نقش «زائر و خادم» تغییر می یابد. انسان ها با بالاترین شئون اجتماعی در این پدیده حاضر می شوند اما حاضر نیستند به آن شأن اجتماعی (آیت الله، دکتر، مهندس، مدیر، رئیس و...) شناخته و معرفی شوند. تا آنجا که شعار اربعین همین نقش برجسته خدمت است که در طول مسیر کربلا بر همه تابلوها و نوشته ها یادآوری می شود: «خدمه زوار الحسین عزه لنا و شرف لنا» (یعنی خدمت زائران امام حسین علیه السلام عزت و شرافت ما است).

در اربعین اعتباریات، به گونه دیگری اعتبار و نقش‌ها با حساب دیگری تقسیم شده‌اند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۶۲). افراد در شرایط اربعین، با توجه به نیازهای مراسم، نقش‌های جدیدی برای خود تعریف می‌کنند. همین تغییر نقش در فضایی جدید می‌تواند باعث فاصله‌گیری از مقامات و جایگاه‌های اجتماعی قبلی گردد. این گونه است که افرادی با مدارج بالا، در نقش‌های جدید خود از دیگران، حتی کسانی با مشاغل پایین‌تر، اطاعت می‌کنند. به عبارت دیگر اربعین تنها یک راهپیمایی انبوه نیست؛ بلکه صحنه‌ای است که در آن «هویت‌های ایستا» به «نقش‌های پویا» تبدیل می‌شوند. در این حماسه، هر فرد فارغ از جایگاه اجتماعی‌اش در دنیای بیرون، در یک ساختار جدید بازتعریف می‌شود. این همان اتفاقی است که نمونه‌اش در دفاع مقدس مشهود بود. آیت‌الله، دکتر، مهندس، کارگر و... نقش‌های قبلی خود را مثل لباسی از تن بیرون آوردند و لباسی دیگر به تن کردند. نقش‌های جدیدی چون: فرمانده، سرباز و دشمن که با آرمان و دلیل جنگیدنشان کاملاً منطبق بود. نقش‌ها با حساب دیگری تقسیم شده بودند؛ چه بسا دکتر، مهندس، رئیس و... که در نقش جدیدشان از کارگر ساده‌ای چون عبدالحسین برونسی فرمانبرداری می‌کردند!

در زندگی روزمره، نقش‌های ما بیشتر بر اساس قدرت، ثروت یا رتبه اداری تعریف می‌شود؛ اما در حماسه اربعین، این قراردادها فرو می‌ریزد. مدیر ارشد یک مجموعه در نقشی «کفش جفت کن» و پز شک متخصص در نقشی «ما ساژور زائر» ظاهر می‌شود. این جابه‌جایی، نشان‌دهنده بازگشت به فطرت انسانی و ایثارگری است که در آن، خدمت کردن نه یک کسر شأن، بلکه یک مدال افتخار است.

این تغییر نقش‌ها و تغییر هویت‌ها مختص به اربعین نیست. وقتی همین اتفاق در دفاع مقدس هم وجود داشته است نشان می‌دهد قابلیت تکثیر در شرایط و مکان و زمان دیگری نیز، با درک و پیاده‌سازی صحیح قواعد حاکم بر این اتفاق، وجود دارد. در دفاع مقدس نیز مشابه همین تغییر نقش‌ها مشاهده می‌شود. افراد با پیشینه‌های گوناگون حرفه‌ای به میدان جنگ می‌روند و نقش‌های جدیدی مانند فرمانده، سرباز و مدافع را به عهده می‌گیرند. در این شرایط، افراد با هر نوع عنوانی، حتی اگر دکتر یا مهندس باشند،

ملزم به تبعیت از فرماندهان نظامی و برتری آنها می‌شوند. در هر دو مورد، این تغییر نقش‌ها نشان‌دهنده یکسانی در آرمان‌ها و اهداف مشترک است. افراد از تمامی اقشار، خود را در خدمت به یک هدف بزرگ و مقدس قرار می‌دهند و به احیای روح جمعی و هم‌گرایی اجتماعی کمک می‌کنند.

۴-۵. قابل تکثیر و توسعه‌بودن نقش‌های اربعین

موضوع نقش‌ها در اربعین نشان می‌دهد که قابلیت تغییر نقش‌ها و هویت‌ها نه تنها مختص اربعین یا دفاع مقدس است، بلکه می‌تواند در شرایط و زمان‌ها و مکان‌های مختلف نیز تکرار شود. با درک و پیاده‌سازی صحیح قواعد حاکم بر این تجربیات، می‌توان به نوعی از تکثیر روح همدلی، همکاری و خدمت‌رسانی دست یافت. آنچه که اربعین را یک پدیده قابل توجه تمدنی کرده است همین نقش‌ها است. این نقش‌ها مولد یک حماسه عظیم اجتماعی شده است. اگر عنصر زمان و مکان از این نقش‌ها برداشته شود و از فردای اربعین، انسان‌ها با عنایت به همان نقش‌زائری و خادمی در اجتماع حاضر شوند شاهد یک اتفاق بزرگ تمدنی خواهیم بود. سازمان‌ها اگر نسبت به ارباب رجوع‌شان همان نسبت خادم و زائر را ببینند، یعنی بسیاری از مشکلات نظام اداری حل خواهد شد.

بزرگ‌ترین چالش در این میان «حرکت از خدمت فصلی به زیست خادمانه» یا به عبارت دیگر امتداددادن روحیه «تواضع بی‌قید و شرط» از موکب‌ها به کوچه و بازار است. خادم اربعین یاد گرفته است که پایین‌ترین مرتبه را برای خود برگزیند تا دیگران در آسایش باشند. امتداد این نقش به این معناست که فرد در محله، مسجد و محیط کار نیز نقش «تسهیل‌گر» و «پناهگاه» را ایفا کند. درواقع، خادمی از یک برچسب مقطعی به یک «سبک زندگی» تبدیل می‌شود که در آن نفع جمعی بر سود شخصی مقدم است.

خادمین در زیارت اربعین با ایثار و فداکاری در خدمت به زائران، ارزش‌های انسانی و اخلاقی را ترویج می‌کنند. این رفتارها نشان‌دهنده روحیه همدلی و نوع‌دوستی در جامعه اسلامی است. این تعاملات اجتماعی باعث شکل‌گیری روابط مثبت و ایجاد

احساس یکپارچگی در جامعه می‌شود. خدمات خادمان نه تنها به زائران بلکه به شکل‌گیری یک نظام اجتماعی متعهد و پشتیبان برای ترویج ارزش‌های اسلامی کمک می‌کند. این نظام می‌تواند به عنوان الگویی برای ایجاد حکومت‌هایی با رویکردهای انسانی و اسلامی در آینده عمل کند. خادمان با ارائه خدمات به زائران، مفاهیم حقوقی و انسانی را در جامعه ترویج می‌دهند. این امر باعث ارتقای سطح آگاهی عمومی نسبت به اهمیت خدمت به زائران می‌شود. این همان ظرفیت بزرگ تمدنی است که در زیارت اربعین وجود دارد. این نقش‌ها اگر از بستر زمانی اربعین به مابقی ایام توسعه پیدا کند، اتفاقی بزرگ در عرصه حکمرانی و مدیریت اجتماع رخ خواهد داد.

برای امتداد اربعین تا افق تمدن باید مفاهیم کلیدی اربعین را از ظاهر به باطن عبور داد و عمق بخشید. به عبارتی پوسته‌اش را کنار زد و روحش را حفظ نمود. برای مثال خادم‌الحسین را که خادم‌الزائر است، اما نه بالاصاله؛ بلکه با نیت خدمت به امام، به خادم هر کسی که در مسیر توحید حرکت می‌کند، توسعه داد. اگر جامعه توحیدی باشد و افراد به سمت توحید حرکت کنند حکم «زائر الحسین» به آنها سرایت می‌کند. البته تعبیر سرایت دقت لازم را ندارد، زیرا در حقیقت همان است؛ بلکه پوسته و ظاهرش متفاوت شده.

در نگرش اربعینی، «ارباب رجوع» همان «زائر» است که تکریم او نه یک وظیفه اداری، بلکه یک فرصت برای رشد معنوی به شمار می‌رود. کارمندی که با نگاه اربعینی به میز خود می‌نگرد، به جای تمرکز صرف بر سلسله‌مراتب قانونی، روحیه «گره‌گشایی سریع» و «ایثار وقت» را جایگزین بروکراسی خسته‌کننده می‌کند. در این نگاه، اداره نه محیطی برای گذران وقت، بلکه سنگری برای خدمت به خلق خداست.

۴-۶. لوازم تحقق نقش‌های اربعینی در جامعه

تحقق و امتداد نقش‌های اربعینی در جامعه نیازمند تغییرات اساسی در نگرش‌ها و آموزه‌ها است. این تغییرات به ویژه در شخصیت‌های کلیدی مانند کارمندان، خادمین و زائران تأثیرگذار است:

۴-۶-۱. تغییر نگرش تبدیل احساس استعلا به برادری

امتداد دادن به نقش‌های اربعینی یک پیش‌نیاز اساسی دارد و آن تغییر نگرش است. تا نگرش کارمند به ارباب رجوع تغییر نکند و آن احساس استعلا در او به احساس برادری و خدمت تبدیل نشود، نقش‌های اربعین امتداد نخواهد یافت. لازم است که نگرش کارمندان و خادمین به زائران از حالت برتری و احساس استعلا به احساس برادری و خدمت منجر شود. این تغییر نگرش اساساً بر همه تعاملات اجتماعی تأثیر می‌گذارد و موجب می‌شود که خدمت به زائران به عنوان یک وظیفه انسانی و اخلاقی در نظر گرفته شود. نگرش زائران به امام حسین (علیه السلام) باید به گونه‌ای باشد که آنها خود را متعهد به خدمت به دیگران بدانند. بدون شناخت و اعتقاد به امام، هویت و انگیزه زائران کاهش می‌یابد.

۴-۶-۲. تولید معارف اخلاقی

برای تحقق نقش‌های اربعینی لازم است معارفی که در متن اربعین موجب تولید آن اخلاق اربعینی شده، در سطح سازمان‌ها بازتولید و برخی از گره‌های ذهنی برطرف شود. معارف و آموزه‌های اربعینی باید در سطح سازمان‌ها و جوامع بازتولید شوند تا فرهنگ خدمت به دیگران و احساس مسئولیت اجتماعی تقویت گردد. این معارف شامل اصولی مانند خدمت به دیگران، همدلی و ایثار است؛ همچنین گره‌های ذهنی موجود در شناخت و درک اصول اربعینی باید برطرف شود تا افراد بتوانند به راحتی این معارف را در زندگی روزمره خود به کار گیرند.

۴-۶-۳. تغییر نظام انگیزه‌ها

موکب‌دار اربعین، خدمت برای زائر را برای خشنودی امام انجام می‌دهد. زائر بدون امام و زیارت هویتی ندارد که بخواهد خادم، نقش آفرینی کند. چیزی که در اربعین مشخص است، این است که خوشحال کردن زائر امام مساوی خوشحال کردن امام است. فراتر از اربعین و کربلای ظاهری، در شهر و در ادارات و سازمان‌ها، نقش‌ها چه می‌شود؟

خدا و مردم و خادم‌الخلق عیال الله هستند، همان‌طور که زائر عیال امام! چیزی مثل خوش‌حال کردن بندگان، خدا را خوش‌حال نمی‌کند، همان‌طور که چیزی مثل خوش‌حال کردن زائر، امام را. انگیزه خادمین در موب‌ها باید بر اساس رضا و خشنودی امام حسین (علیه السلام) شکل گیرد. وقتی افراد به این درک برسند که خدمت به زائران همانند خدمت به امام است، به تحقق حماسه اربعین کمک می‌کند. حماسه اربعین زمانی شکل می‌گیرد که انگیزه‌های فردی و مالی مغفول واقع شوند و افراد با نیت خالص و الهی به خدمت پرداخته و از توجه به منافع شخصی دست بردارند.

۴-۶-۴. تربیت نسلی بر اساس آموزه‌های اربعینی

از لوازم امتداد اربعین در زندگی، تربیت نسل‌ها بر اساس آموزه‌های اربعینی است. نقش کودکان در اربعین چیست؟ نقش کودکان در تمدن چیست؟ در اربعین کودکانی مشاهده می‌شود که برای خود موبی علم کرده‌اند یا چند ساعتی در موبی به اندازه توان خودشان کمک کنند. کار آنها بیشتر به موب بازی شبیه است تا موب داری! اما همین که امروز موب بازی می‌کند، موب دارِ فرداست! برای تمدن‌ساز بارآمدن کودکان باید برنامه داشت. سازوکارهای تربیتی باید برای تربیت کودکانی در افق تمدن خود را آماده کنند. کودکان باید از سنین پایین با مفاهیم اربعینی آشنا شوند و در فعالیت‌های مربوط مشارکت نمایند. ایجاد موب برای تجربه مستقیم این آموزه‌ها به درک بهتر آن کمک می‌کند. برای تربیت نسلی که توانایی تمدن‌سازی داشته باشد، لازم است برنامه‌های تربیتی مشخصی طراحی شود. این برنامه‌ها باید بر اساس آموزه‌های اربعینی مبتنی باشد و کودکان را برای به عهده‌گیری نقش‌های اصلی در آینده آماده سازد.

۴-۶-۵. عنایت به سازوکارهای تربیتی

باید در پی ایجاد بسترهای آموزشی و فعالیت‌های خلاقانه برای کودکان بود تا آنها در نوجوانی و جوانی به موب‌داران و جامعه‌سازان قدرت‌مند تبدیل شوند. تشویق

کودکان به مشارکت در کارهای خیریه و خدمات اجتماعی می‌تواند به شکل‌گیری روحیه همکاری و همدلی در آنها کمک کند.

امتداد نقش‌های اربعینی در زندگی نیازمند تغییر نگرش، تولید معارف اخلاقی، تنظیم نظام انگیزشی، و تربیت نسل‌های آینده‌مبتنی بر آموزه‌های اربعینی است. با فراهم کردن زیرساخت‌های لازم و برنامه‌ریزی درست می‌توان در جهت تحقق اهداف اربعینی و ایجاد تمدن انسجام‌یافته گام برداشت. جذابیت این آموزه‌ها از طریق فعالیت‌های موب‌داری و خدمت به زائران می‌تواند به نسل آینده منتقل شود و روحیه ایثار و همکاری را در آنها پرورش دهد.

۴-۷. موانع نگرشی امتداد اخلاق اربعینی

امتداد اخلاق اربعینی در زندگی روزمره، به‌ویژه در جامعه‌های امروز، با چالش‌ها و موانع زیادی مواجه است. در این راستا، مهم‌ترین موانع نگرشی که می‌تواند تأثیرات منفی بر تحقق این اهداف داشته باشد، در ذیل بررسی می‌شود:

۴-۷-۱. خاص‌نگری نسبت به اربعین و اجتناب از الگوپذیری

یکی از مهم‌ترین موانع، توجه به اربعین به عنوان یک اتفاق منحصر به فرد و خاص است. اگر اربعین تنها به عنوان یک رویداد ویژه و تاریخی در نظر گرفته شود، ظرفیت‌های آن برای الگوپذیری و الهام‌بخشی از میان می‌روند. تفکیک از رویکردهای روزمره آسیبی است که در اینجا قابل توجه است. در این صورت، مفاهیم و اصول اربعینی نمی‌توانند به زندگی‌های روزمره منتقل شوند و در نتیجه، آموزه‌های آن به فراموشی سپرده خواهند شد.

۴-۷-۲. حس عدم حضور امام

تجربه ناقص از حضور امام مانع دیگری است که لازم است به آن توجه شود. اگر زائران نتوانند حس حضور امام را در طول مسیر کربلا تجربه کنند، تأثیرات معنوی و

اخلاقی اربعین کمرنگ می‌شود. این حس حضور، که به زائران امکان می‌دهد عمق بیشتری از زیارت را احساس کنند، باید در زندگی روزمره نیز تقویت شود. وقتی زائر تنها به فیزیک مکان و زمان محدود شود، از عمق معنوی و روحی اربعین فاصله می‌گیرد و این احساس را در دیگر جنبه‌های زندگی خود از دست می‌دهد. بحث حضور امام اربعین تمرین تقویت حس حضور امام است و زائر در پیاده‌روی توجه خواسته یا ناخواسته به این موضوع دارد. هنر بزرگ اربعین آن است که زائری که امام را تنها در حرم و در ضریح زیارت می‌کرد با افق جدیدی مواجه می‌کند و از کیلومترها دورتر از حرم، امام را حاضر می‌بیند. حس حضور، بهترین احساسی است که زائر اربعین در طول مسیر کربلا تجربه می‌کند. اهمیت این حس تا بدانجا است که برخی اساساً زیارت را همین حس حضور معنا کرده‌اند و گفته‌اند زیارت «حضور الزائر عند المزور» است.

۴-۷-۳. نگرش نسبت به نیت خدمت

نبود توجه به نیت و اخلاص در خدمت مانع نگرشی دیگر است. برخی افراد ممکن است خدمت به زائران اربعین را به عنوان یک رویداد خاص در نظر بگیرند و معتقد باشند که شرایط خدمت در کربلا متفاوت است. این نگرش باعث می‌شود که این افراد نتوانند در زندگی روزمره خود با همین روحیه به دیگران خدمت کنند. اگر نگرش افراد به خدمت در اداره امور روزمره تعلقی به نیت و اخلاص نداشته باشد، نارضایتی‌های اجتماعی و کاهش کیفیت خدمت‌رسانی مشاهده خواهد شد. در اربعین کسی به نیت افراد کار ندارد و خدمتش به زوار را مشروط به نیت و اخلاص آنها نمی‌کند. این نگرش پاسخ خوبی به کسانی است که پس از اربعین و در مراجعه به ایران، در مواجهه با ارباب رجوع بهانه می‌آورند که در کربلا ماجرای خدمت فرق می‌کند. اگر نیت خدمت، خالصانه باشد و انسان ارباب رجوع را از این منظر ببیند هر دو را با یک نیت خدمت می‌رساند. اگر حس اربعینی به زندگی اجتماعی منتقل شود، روحیه همکاری و ایثار در جامعه به تدریج افزایش می‌یابد.

۴-۷-۴. وجود روحیه سکولاریسم

یکی از موانع مهم دیگر، حضور روح سکولاریسم در جوامع است که می‌تواند بر روند انتقال و گسترش آموزه‌های اربعینی تأثیر منفی بگذارد. این روحیه ممکن است باعث شود که افراد به جنبه‌های معنوی زندگی کمتر توجه کنند و در نتیجه، الگوهای اخلاقی و آموزه‌های اربعینی در زندگی روزمره به حاشیه بروند. روح سکولاریسم مانع امتداد اربعین در زندگی است. واضح است که نه دولت عراق، نه دولت ایران و نه هیچ دولت دیگری در حال حاضر توانایی مدیریت چند ده میلیونی اربعین را با نظامات اداری‌اش ندارد، اربعین حماسه مردم است. مردم و امام! مردم به عشق امام زوآر میلیونی اربعین را غذا و اسکان می‌دهند.

نتیجه‌گیری

عنصر «خادم» در جریان اربعین بسیار چشم‌گیر و برجسته است. نکته قابل توجه آن است که در موسم‌های دیگر غیر از اربعین، دو عنصر امام و زائر هست؛ اما آنچه حرف تازه اربعین است، حضور عنصر سوم یعنی خادمینی است که به زائران امام حسین (علیه السلام) خدمت می‌رسانند. آنچه که خادم را در اربعین اباعبدالله (علیه السلام) خاص می‌کند حضور موثرتر و پررنگ‌تر او در این میان است. در ایام دیگر نیز حرم سیدالشهدا (علیه السلام) و یا برای مثال امام رضا (علیه السلام) خادم دارد، خادمان شرایط رفاه زائران را فراهم می‌کنند با نیت خدمت به امام به کار خود مشغول هستند، اما در اربعین قضیه متفاوت است. تفاوت خدمت‌رسانی خادم در اربعین به زائر، که وجه تمایز اربعین و دیگر زیارت‌هاست این است که عنصر سوم یعنی خادم، از چند جهت از انحصار خارج می‌شود:

الف: از انحصار انسان‌های خاص؛ ب: از انحصار کارهای مشخص؛ ج: از انحصار مکان خدمت مشخص

از این منظر اربعین «حماسه نقش‌ها» است. حماسه اربعین به عنوان یک رویداد جهانی و مذهبی، فرصتی منحصر به فرد برای بازتعریف و تغییر هویت‌های اجتماعی افراد فراهم می‌آورد. شرکت‌کنندگان در این مراسم به طور معمول از قشرهای مختلف اجتماعی

هستند، با این وجود، در این فضای معنوی و عمیق، همه افراد به دو نقش اصلی «زائر» و «خادم» تبدیل می‌شوند و هویت‌های اجتماعی خود را در سایه این دو نقش بازتعریف می‌کنند. در اربعین انسان‌ها با اعتبارات مختلف اجتماعی حاضر می‌شوند؛ اما هیچ‌یک از آنها به چشم نمی‌آید. همه هویت‌ها در قالب دو نقش «زائر و خادم» تغییر می‌یابد. اربعین «مدرسه نقش‌آفرینی» است؛ جایی که انسان تمرین می‌کند چگونه می‌تواند در عین سادگی، تأثیرگذارترین و حماسی‌ترین نسخه از خودش را به نمایش بگذارد.

موضوع نقش‌ها در اربعین نشان می‌دهد که قابلیت تغییر نقش‌ها و هویت‌ها نه تنها مختص اربعین یا دفاع مقدس است، بلکه می‌تواند در شرایط و زمان‌ها و مکان‌های مختلف نیز تکرار شود. با درک و پیاده‌سازی صحیح قواعد حاکم بر این تجربیات، می‌توان به نوعی از تکثیر روح همدلی، همکاری و خدمت‌رسانی دست یافت. آنچه که اربعین را یک پدیده قابل توجه تمدنی کرده است همین نقش‌ها است. این نقش‌ها مولد یک حماسه عظیم اجتماعی شده است. اگر عنصر زمان و مکان از این نقش‌ها برداشته شود و از فردای اربعین، انسان‌ها با عنایت به همان نقش زائری و خادمی در اجتماع حاضر شوند شاهد یک اتفاق بزرگ تمدنی خواهیم بود. سازمان‌ها اگر نسبت به ارباب رجوع‌شان همان نسبت خادم و زائر را ببینند یعنی بسیاری از مشکلات نظام اداری حل خواهد شد.

خادمین در زیارت اربعین با ایثار و فداکاری در خدمت به زائران، ارزش‌های انسانی و اخلاقی را ترویج می‌کنند. این رفتارها نشان‌دهنده روحیه همدلی و نوع‌دوستی در جامعه اسلامی است. این تعاملات اجتماعی باعث شکل‌گیری روابط مثبت و ایجاد احساس یکپارچگی در جامعه می‌شود. خدمات خادمان نه تنها به زائران بلکه به شکل‌گیری یک نظام اجتماعی متعهد و پشتیبان برای ترویج ارزش‌های اسلامی کمک می‌کند. این نظام می‌تواند به عنوان الگویی برای ایجاد حکومت‌هایی با رویکردهای انسانی و اسلامی در آینده عمل کند. خادمان با ارائه خدمات به زائران، مفاهیم حقوقی و انسانی را در جامعه ترویج می‌دهند. این امر باعث ارتقای سطح آگاهی عمومی نسبت به اهمیت خدمت به زائران می‌شود. این همان ظرفیت بزرگ تمدنی است که در زیارت

اربیین وجود دارد. این نقش‌ها اگر از بستر زمانی اربیین به مابقی ایام توسعه پیدا کند، اتفاقی بزرگ در عرصه حکمرانی و مدیریت اجتماع رخ خواهد داد.

تحقق و امتداد نقش‌های اربیینی در جامعه نیازمند تغییرات اساسی در نگرش‌ها و آموزه‌ها است. این تغییرات به ویژه در شخصیت‌های کلیدی مانند کارمندان، خادمین و زائران تأثیرگذار است:

الف: تغییر نگرش تبدیل احساس استعلا به برادری؛ ب: تولید معارف اخلاقی؛ ج: تغییر نظام انگیزه‌ها؛ د: تربیت نسلی بر اساس آموزه‌های اربیینی؛ ه: عنایت به سازوکارهای تربیتی

امتداد اخلاق اربیینی در زندگی روزمره، به ویژه در جامعه‌های امروز، با چالش‌ها و موانع زیادی مواجه است. مانند:

الف: خاص‌نگری نسبت به اربیین و اجتناب از الگوپذیری؛ ب: حس عدم حضور امام؛ ج: نگرش نسبت به نیت خدمت؛ ه: وجود روحیه سکولاریسم

برای پررنگ‌تر شدن این آموزه‌ها در زندگی، لازم است که این افکار و موانع به چالش کشیده شوند و بر روی تداوم تجربیات عمیق انسانی و معنوی اربیین تأکید گردد. تلاش برای گسترش مبانی اربیینی به زندگی روزمره می‌تواند به حل مشکلات اجتماعی و تقویت ارزش‌های انسانی کمک کند.

زائر در طول مسیر اربیین، زیستن در یک «جامعه توحیدی کوچک» را تجربه می‌کند؛ جامعه‌ای که در آن امنیت، سخاوت و محبت موج می‌زند. تغییر نگرش زائر به این معناست که او پس از بازگشت، خود را «سفیر» آن فرهنگ بداند. زائر نباید تنها مصرف‌کننده خدمات معنوی باشد؛ بلکه باید پیام‌رسان که چگونه نظم، صبر و ایثار مسیر راهپیمایی را به تعاملات خانوادگی و اجتماعی خود تزریق کند و از «تماشاگر» به «کشگر» تبدیل شود.

بالاترین سطح حماسه اربیین، تبدیل شدن فرد به جزئی از یک «امت» است. در اینجا دیگر نقشی «من» به عنوان یک «شهروند یک کشور خاص» مطرح نیست؛ بلکه «من» به عنوان «عضوی از تمدن نوین اسلامی» ایفای نقش می‌کند. اینجا است که اربیین از یک

زیارت ساده به یک «مانور قدرت» و یک «الگوی زیست اجتماعی» تبدیل می شود که می تواند در مقابل سبک زندگی مادی گرایانه قد علم کند.

منابع

* قرآن کریم

ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۹ق). إقبال الأعمال (ط - القديمة) (ج ۲). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

پارسانیا، حمید. (۱۳۹۱). جهان‌های اجتماعی. قم: کتاب فردا.

پویافر، محمدرضا؛ رضایی، مهشید. (۱۴۰۰). زیارت‌های پیاده در جهان معاصر: نگاهی جامعه‌شناختی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

جعفری، جواد. (۱۳۹۷). تأملی در روایات مقایسه زیارت کربلا با حج و عمره. فرهنگ زیارت، ۹(۳۵)، صص ۷-۲۴.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). ادب فنای مقربان (ج ۱، محقق: محمد صفایی). قم: اسراء.

جوادی آملی، مرتضی. (۱۳۸۸). فلسفه زیارت و آیین آن. قم: اسراء.

رستمی، رضا. (۱۴۰۰). شبکه مضامین تمدنی پدیده اربعین (استاد راهنما: سیدمجید مطهری‌نژاد)، کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات.

شهبانی، حسین. (۱۴۰۲). ظرفیت‌های تمدن‌ساز اربعین حسینی (استاد راهنما: مهدی نادری)، کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد، دانشکده علوم انسانی.

طاهرزاده، اصغر. (۱۳۹۵). اربعین حسینی، امکان حضور در تاریخی دیگر. اصفهان: لب المیزان.

طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۶۲). اصول فلسفه و روش رئالیسم (به مقدمه و پاورقی: مرتضی مطهری). تهران: صدرا.

طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرين (ج ۱). تهران: مرتضوی.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). مصباح المتعبد و سلاح المتعبد (ج ۲). بیروت: مؤسسة فقه الشیعة.

علوی، سیدعلی اصغر. (۱۳۹۳). خادم ارباب کیست؟. تهران: سدید.

علوی، سید علی اصغر. (۱۳۹۴). گنبد مستجاب (تربیت زیر نگاه امام). تهران: سدید.

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق). المزار- مناسک المزار (محقق و مصحح: محمدباقر ابطحی). قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید علیه السلام، مدرسه عالی تربیتی و قضایی.

ولایتی، علی اکبر. (۱۳۹۶). فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاه).

همایون، محمدهادی. (۱۳۹۷). تاریخ تمدن و ملک مهدوی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

Audience Persuasion Methods Based on Quranic Models*

Seyedeh Kianrokh Mousavi¹ 

Saeid Amirkaveh² 

1. Master's Degree, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran (**Corresponding Author**).

kianaamoosavi@gmail.com

2. PhD, Department of Social Communication Sciences, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran.

samirkave@gmail.com



Abstract

The purpose of this study is to explore audience persuasion methods based on Quranic models. The significance of this investigation stems from the fact that the Holy Quran, as a revelatory and guiding text, presents multi-layered methods not only at the epistemological and belief levels but also in the realm of persuasion and influencing the audience. This study adopted a qualitative research method based on thematic analysis. Data were extracted through the examination of verses related to persuasion and modeling; following the coding process, the themes were organized into three categories: cognitive, emotional, and behavioral. Research findings: The analysis of the verses demonstrated that the Quran offers a comprehensive model for persuasion. In the cognitive dimension,

* This article is taken from a statement titled: "The method of persuasion, addressing the basics of the Quranic language and its appeal in this program, is clear and distinct" (Reported by: Mr. Saeed Amir Kava & Mr. Advisor: Kamal Akbari). Faculty of Religion and Its Responsibility, University of Radio and Television, Qom, Iran.

* Mousavi, K.; Amirkaveh, S. (2025). Audience Persuasion Methods Based on Quranic Models. *Islam and Social Studies*, 13(4), pp. 94-126.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73972.2201>

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/07/11 • **Revised:** 2025/09/21 • **Accepted:** 2025/11/11 • **Online Publication:** 2025/12/30

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



presenting the attributes of role models, displaying divine traditions in their lives, and emphasizing reasoning and wisdom stand out as rational foundations. In the emotional dimension, utilizing emotions such as fear, hope, love, and empathy creates a balanced atmosphere between fear and hope (Bim and Raja), allowing an emotional bond to form between the audience and the role models. In the behavioral dimension, the representation of moral actions and the comparison between positive and negative behaviors encourage the audience to choose the desired behavior. The findings show that the Quran does not fulfill persuasion as a purely rational or emotional process, but rather realizes it through the interconnection among cognition, emotion, and action. This multi-layered approach provides a comprehensive model for persuasive communication, which is effective in intellectual guidance, strengthening collective identity, and altering individual and social behavior. Thus, the Quran presents an authentic and enduring paradigm for persuasive processes, possessing a high capacity to address the communicative and educational needs of mankind.

Keywords

Persuasion, Quranic Models, Holy Quran, Cognitive, Emotional, Behavioral, Role Model (Uswah), Behavior Change, Collective Identity.

روش اقناع سازی مخاطب بر اساس الگوهای قرآنی*

سیده کیانرخ موسوی^۱  سعید امیرکاوه^۲ 

۱. کارشناسی ارشد، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صدا و سیما، قم، ایران (نویسنده مسئول).

kianaamoosavi@gmail.com

۲. دکتری، گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده دین و رسانه قم، دانشگاه صدا و سیما، قم، ایران.

samirkave@gmail.com



چکیده

هدف این پژوهش با هدف واکاوی روش های اقناع مخاطب بر اساس الگوهای قرآنی انجام شده است. اهمیت این بررسی از آن جا ناشی می شود که قرآن کریم، به عنوان متنی وحیانی و هدایت گر، نه تنها در سطح معرفتی و اعتقادی بلکه در عرصه اقناع و اثرگذاری بر مخاطب نیز شیوه هایی چندلایه ارائه کرده است. این پژوهش با روش تحقیق کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون بود. داده ها از طریق بررسی آیات مرتبط با اقناع و الگودهی استخراج شدند و پس از کدگذاری، مضامین در سه دسته شناختی، احساسی و رفتاری سامان یافتند. یافته های تحقیق: تحلیل آیات نشان داد قرآن الگویی جامع برای اقناع عرضه می کند. در بعد شناختی، معرفی اوصاف الگوها، نمایش سنت های الهی در زندگی آنان و تأکید بر استدلال و حکمت به عنوان پشتوانه عقلانی برجسته است. در بعد احساسی، بهره گیری از عواطفی چون ترس، امید، محبت و

* این مقاله مستخرج از پایان نامه با عنوان: «روش اقناع سازی مخاطب بر اساس الگوهای قرآنی و بهره گیری از آن در برنامه های صدا و سیما» (استاد راهنما: آقای سعید امیر کاوه و استاد مشاور: آقای کمال اکبری). دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صدا و سیما، قم، ایران، می باشد.

* موسوی، سیده کیانرخ؛ امیرکاوه، سعید. (۱۴۰۴) روش اقناع سازی مخاطب بر اساس الگوهای قرآنی. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴)، صص ۹۴-۱۲۶.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73972.2201>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

© ۱۴۰۴ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



همدردی فضایی متوازن میان بیم و رجاء ایجاد می‌کند تا پیوند عاطفی مخاطب با الگوها شکل گیرد. در بعد رفتاری نیز، بازنمایی کنش‌های اخلاقی و مقایسه میان رفتارهای مثبت و منفی مخاطب را به انتخاب رفتار مطلوب ترغیب می‌سازد. یافته‌ها نشان می‌دهد قرآن اقناع را نه تنها عقلانی یا احساسی، بلکه در پیوند میان شناخت، عاطفه و عمل محقق می‌سازد. این رویکرد چندلایه الگویی جامع برای ارتباط اقناعی فراهم می‌آورد که در هدایت فکری، تقویت هویت جمعی و تغییر رفتار فردی و اجتماعی مؤثر است. بدین‌سان، قرآن الگویی اصیل و ماندگار برای فرایندهای اقناع ارائه می‌دهد که ظرفیت بالایی برای پاسخ به نیازهای ارتباطی و تربیتی بشر دارد.

کلیدواژه‌ها

اقناع، الگوهای قرآنی، قرآن کریم، شناختی، احساسی، رفتاری، اسوه، تغییر رفتار، هویت جمعی.

مقدمه

اقتناع‌سازی یکی از بنیادی‌ترین کارکردهای ارتباطات انسانی است؛ فرایندی که از طریق آن نگرش‌ها شکل می‌گیرند، باورها تثبیت می‌شوند و رفتارها جهت می‌یابند. در جهان معاصر که رسانه‌ها به مهم‌ترین بازیگران عرصه معنا، فرهنگ و هویت بدل شده‌اند، مسئله اقتناع بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. رقابت روایت‌ها، تکرار منابع اطلاعاتی و تغییر الگوهای مصرف رسانه‌ای سبب شده است که شیوه‌های خطابی و یک‌سویه گذشته، کارآمدی خود را تا حد زیادی از دست بدهند و نیاز به الگوهای عمیق‌تر، چندبعدی و تجربه‌پذیر برای هدایت افکار و رفتارها بیش از پیش احساس شود.

در این میان، قرآن کریم به عنوان متنی هدایتی و تربیتی، از شیوه‌ای منسجم و چندلایه برای اقناع مخاطب بهره می‌گیرد. این کتاب آسمانی نه تنها از روش استدلال عقلانی، و نه تنها با تحریک عواطف، بلکه با ترکیب هماهنگ سه ساحت شناخت، احساس و عمل، فرایند هدایت را سامان می‌دهد. معرفی اسوه‌ها و الگوهای انسانی در قرآن، تنها بیان فضایل اخلاقی نیست؛ بلکه طراحی الگویی اقناعی است که مخاطب را در مسیر آگاهی، همدلی و انتخاب رفتاری قرار می‌دهد. از این منظر، الگوهای قرآنی را می‌توان به مثابه سازوکارهای ارتباطی فعال تحلیل کرد، نه صرفاً نمونه‌های اخلاقی و تربیتی.

با وجود پژوهش‌های فراوان درباره اسوه‌ها و شخصیت‌های قرآنی، بیشتر این مطالعات در چارچوب‌های تفسیری، تاریخی یا اخلاقی باقی مانده‌اند و کمتر به بُعد ارتباطی و اقناعی این الگوها پرداخته‌اند. در حوزه مطالعات ارتباطات نیز، نظریه‌های اقناع به طور عمده بر مبانی روان‌شناختی یا تجربی غربی استوارند و کمتر کوشیده‌اند ظرفیت‌های متون دینی، به‌ویژه قرآن، را به عنوان منبعی نظری برای صورت‌بندی الگوهای اقناع بررسی کنند. این گسست میان مطالعات قرآنی و نظریه‌های ارتباطی، خلأیی نظری ایجاد کرده است که نیازمند بازخوانی روش‌مند و تحلیلی است.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که: الگوهای قرآنی چگونه و بر اساس چه سازوکارهایی مخاطب را اقناع می‌کنند؟ آیا می‌توان از دل این الگوها، مدلی سه‌بعدی و

منسجم برای اقناع استخراج کرد که هم‌زمان ابعاد شناختی، احساسی و رفتاری را در بر گیرد؟ و این مدل چه ظرفیت نظری برای توسعه ادبیات اقناع در مطالعات دینی و ارتباطی دارد؟

هدف این مقاله آن است که با وا‌کاوی تحلیلی الگوهای قرآنی و بررسی سازوکارهای اقناعی نهفته در آن‌ها، الگویی جامع و سه‌بعدی ارائه کند که نشان دهد قرآن چگونه از طریق معرفی اسوه‌ها، استدلال، روایت، عاطفه و نمایش پیامدهای رفتاری، فرایند هدایت و اقناع را سامان می‌دهد. این چارچوب می‌تواند ضمن پرکردن خلأ نظری موجود، مبنایی برای گفت‌وگوی میان مطالعات قرآنی و نظریه‌های ارتباطی فراهم آورد و افق‌های تازه‌ای در فهم کارکرد ارتباطی متون دینی بگشاید.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. تعریف و مفهوم اقناع

اقناع از دیرباز در کانون مباحث ارتباطی قرار داشته است. ارسطو ارتباط را جستجوی ابزارهای موجود برای ترغیب و اقناع می‌دانست (محسنیان‌راد، ۱۳۹۳، ص ۴۹). در روان‌شناسی نیز اقناع به‌عنوان فرایندی ارتباطی تعریف شده که هدف آن نفوذ در ذهن مخاطب و تغییر نگرش یا رفتار اوست، به‌گونه‌ای که رضایت و پذیرش داوطلبانه حاصل شود (مرادی، ۱۳۸۴، ص ۲۱). پژوهشگران دیگر آن را تغییر شناخت‌ها، عواطف و رفتارها از طریق ارائه‌ی اطلاعات مستند و تأثیرگذاری عاطفی می‌دانند (حکیم‌آرا، ۱۳۸۴، ص ۱۰). ساروخانی (۱۳۸۳، ص ۹۶) نیز بر جنبه عقلانی و اخلاقی این فرایند تأکید دارد.

۱-۲. جایگاه اقناع در کارکردهای ارتباط

اقناع یکی از بنیادی‌ترین اهداف ارتباط انسانی به‌شمار می‌رود و در حوزه‌های تبلیغ، آموزش و رسانه نقشی محوری دارد. تبلیغات بدون اقناع، صرفاً اطلاع‌رسانی است و اثرگذاری ماندگار نخواهد داشت. از این منظر، اقناع را می‌توان «روح تبلیغ» و موتور محرک کارکردهای ارتباطی دانست (سورین و تانکارد، ۱۳۹۲).

۳-۱. نظریه‌های اقناع

نظریه یادگیری اجتماعی بندورا:

این نظریه با تأکید بر مشاهده و الگوبرداری، یادگیری را حاصل تعامل میان عوامل فردی، محیطی و رفتاری می‌داند. مفهوم «موجیبت دوجانبه» نشان می‌دهد که باور فرد به توانمندی خویش، نقش مهمی در بروز رفتار دارد (آقایوسفی، ۱۳۸۶، صص ۲۳۹-۲۴۰؛ پارسا، ۱۳۸۳، ص ۲۱۷؛ کدیور، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹).

نظریه درست‌نمایی تفسیر (پتی و کاسیوپو):

این نظریه بیان می‌کند که مخاطب پیام‌های اقناعی را از دو مسیر پردازش می‌کند: مسیر مرکزی مبتنی بر تحلیل منطقی که به تغییر نگرش پایدار و اقناع شناختی می‌انجامد، و مسیر حاشیه‌ای متکی بر نشانه‌های سطحی مانند جذابیت منبع که بیشتر با اقناع احساسی مرتبط است (لیتل جان، ۱۳۸۴، صص ۳۳۸-۳۴۱).

نظریه یادگیری نگرشی هاوولد:

هاوولد نگرش را متشکل از سه مؤلفه شناختی، عاطفی و رفتاری می‌داند (سورین و تانکار، ۱۳۹۲، صص ۲۳۵-۲۳۸). مدل شش مرحله‌ای او برای تغییر نگرش شامل مواجهه با پیام، توجه، درک، پذیرش، یادداری و تبدیل به رفتار است (زیمباردو و لیب، ۱۹۹۱، ص ۸). این نظریه سه سطح اصلی اقناع (شناختی، احساسی، رفتاری) را هم‌زمان توضیح می‌دهد.

۴-۱. مفهوم الگو و اسوه

در علوم اجتماعی، الگو نمایشی ساده‌شده از واقعیت برای درک و تحلیل بهتر پدیده‌هاست (سورین و تانکار، ۱۳۸۴، ص ۶۵؛ رزاقی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴). در قرآن، واژه‌ی «اسوه» به معنای مقتدا و پیشوا به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷؛ راغب اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۱۸). این کلمه بار ارزشی مثبت دارد و بیشتر در معنای «اسوه حسنه» به کار می‌رود (احزاب، ۲۱؛ ممتحنه، ۴ و ۶). مفاهیم نزدیک به آن در قرآن شامل «اقتدا» (انعام، ۹۰)، «امام» (بقره، ۱۲۴؛ انبیاء، ۷۳)، «شهید» (نحل، ۸۹) و «مثل» (تحریم، ۱۱-۱۲) هستند.

۲. پیشینه تحقیق

۲-۱. کتاب‌ها

اقناع در قرآن (کاملی، ۱۳۹۶)؛ کاملی اقناع قرآنی را با ترکیب عقل و عاطفه و ابزارهایی چون قصه‌پردازی و اسوه‌سازی بررسی کرده و اهمیت الگو سازی در تحلیل رسانه‌ای را برجسته می‌سازد.

نقش الگوهای قرآنی در تربیت (اکبری، ۱۴۰۱)؛ این کتاب با تمرکز بر شخصیت‌های قرآنی نشان می‌دهد الگوها افزون بر جنبه تربیتی، کارکردی اقناعی دارند. اکبری الگو سازی را راهی عملی برای تغییر رفتار می‌داند؛ رویکردی که قابلیت کاربرد رسانه‌ای دارد.

۲-۲. پایان‌نامه‌ها

مقایسه مدل هاوولد و قرآن در اقناع مخاطب (نصرتی، ۱۴۰۱)؛ نصرتی با مقایسه نظریه هاوولد و روش‌های قرآنی نشان می‌دهد قرآن نیز بر سه مؤلفه منبع، پیام و مخاطب تأکید دارد، اما با عمق بیشتر و برجستگی بعد رفتاری. این دیدگاه با پژوهش حاضر مرتبط است، زیرا چارچوب سه‌بعدی هاوولد (شناختی، احساسی، رفتاری) مبنای تحلیل اقناع قرآنی قرار گرفته است.

• کاربرد تکنیک مقایسه در قرآن (رئسی و انانی، ۱۴۰۱)

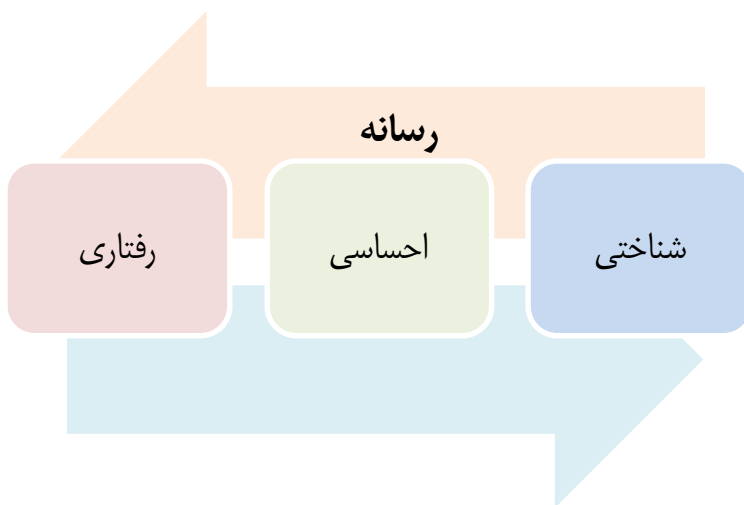
این پژوهش نشان می‌دهد مقایسه‌های قرآنی (تقابلی، تشویقی، تنبیهی) ابزار مؤثر اقناع‌اند و با نمایش پیامدهای رفتار درست و نادرست، مخاطب را به انتخاب آگاهانه هدایت می‌کنند. اهمیت آن برای پژوهش حاضر در استخراج «نمایش مقایسه‌های تقابلی» به‌عنوان مقوله رفتاری و تطابق با یافته‌های نظری است.

۳. روش‌شناسی و مدل مفهومی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش کتابخانه‌ای و سپس تحلیل مضمون انجام شد و در نهایت به مدلی مفهومی برای تبیین فرایند اقناع الگویی در قرآن دست یافت. در این

مدل، اقتناع قرآنی به عنوان فرایندی جامع در سه بُعد شناختی، احساسی و رفتاری سامان یافته است:

- بعد شناختی: معرفی اوصاف و ویژگی‌های الگوها، نمایش سنت‌های الهی در زندگی آن‌ها و استفاده از استدلال و حکمت برای اقتناع.
 - بعد احساسی: برانگیختن همدلی و احترام نسبت به الگوها، ایجاد ترس و امید متوازن و تقویت هویت جمعی.
 - بعد رفتاری: بازنمایی رفتارهای عاقلانه و اخلاقی و استفاده از مقایسه‌های تقابلی برای برجسته‌سازی پیامدها.
- این ابعاد سه گانه در ارتباط متقابل با یکدیگر عمل می‌کنند و الگویی جامع برای اقتناع مخاطب بر اساس آموزه‌های قرآنی فراهم می‌آورند.



۴. یافته‌ها

۴-۱. تحلیل اقتناع شناختی

در قرآن، نمونه‌های تاریخی و شخصیتی مخاطب را به تحلیل عقلانی رفتارها و پیامدهایشان فرا می‌خوانند. این الگوها جنبه‌ای انگیزشی و آموزشی دارند و ذهن

مخاطب را در بازسازی یا تثبیت باورها هدایت می‌کنند. بر رسی آیات نشان می‌دهد که الگوپردازی قرآنی می‌تواند باورهای شناختی را تغییر یا تثبیت کرده و سازوکارهای اقناع دینی را آشکار سازد.

۴-۱-۱. احزاب ۲۱

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...؛ قطعاً برای شما در سیره‌ی پیامبر خدا، سرمشقی نیکوست...».

در آیات ۲۰ تا ۲۳ سوره احزاب، پیامبر اکرم ﷺ در مقام «أسوه حسنه» معرفی می‌شود. این بیان، پیامبر را به عنوان الگوی شناختی در شرایط دشوار معرفی می‌کند و مخاطب را به تحلیل عقلانی و عبرت‌گیری از تجربه تاریخی فرامی‌خواند (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۶، ص ۴۳۳؛ قرائتی، ۱۳۹۱، ج ۷، ص ۳۴۵).

کدگذاری:

- واحد معنایی آیه: قرآن با بیان سخنان پیامبر و معرفی او به عنوان اسوه، پیامد رفتارها را نشان می‌دهد.
- مضمون اولیه: بیان پیامدها و عواقب رفتارها از زبان پیامبر برای اقناع مخاطب و تقویت پذیرش الگو.
- مضمون فرعی: معرفی پیامبر به عنوان الگو و نشان‌دادن پیامدهای تبعیت یا مخالفت با او.

۴-۱-۲. سوره یوسف، آیه ۹۰

«إِنَّهُ مِنْ يَتَّى وَيَصْبِرُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ همانا هر کس تقوا پیشه کند و صبر ورزد، خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند».

در آیات ۸۸ تا ۹۲ سوره یوسف، گفت‌وگوی برادران با حضرت یوسف عليه السلام و بخشش او روایت شده است. این استدلال، بر تجربه زیسته پیامبر و سنت الهی تکیه دارد و از طریق برهان عقلانی، مخاطب را به پذیرش قاعده‌ی «صبر و تقوا = پاداش الهی» قانع

می سازد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۱، ص ۳۲۳؛ قرائتی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۲۷۳).

کد گذاری:

- واحد معنایی: قرآن با روایت تجربه زیسته حضرت یوسف علیه السلام، به مخاطب الگو معرفی می کند.
- مضمون اولیه: بازنمایی عملی سنت الهی (صبر و تقوا برابر است با پاداش و رستگاری) در حیات یوسف علیه السلام
- مضمون فرعی: نمایش سنت الهی در تجربه زیستی الگو.

۴-۱-۳. ممتحنه ۴

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ؛ برای شما در رفتار ابراهیم و کسانی که با او بودند، الگوی نیکویی است...».

در آیات ۴ تا ۶ سوره ممتحنه، حضرت ابراهیم علیه السلام و یارانش به عنوان «اُسوه حَسَنه» معرفی می شوند. این الگو بر پایه ی مرزبندی روشن میان ایمان و کفر شکل گرفته و اقناع در آن شناختی است؛ زیرا بر تمایز معرفتی و عقلانی تکیه دارد نه بر تحریک احساسات (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۳۹۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۶۱).

کد گذاری:

- واحد معنایی: حضرت ابراهیم علیه السلام با صراحت مرز اعتقادی خود را از مشرکان جدا می کند.
- مضمون اولیه: اعلام روشن مرز میان ایمان و کفر برای هدایت مخاطب.
- مضمون فرعی: بازنمایی شناخت مرزها توسط الگو

۴-۱-۴. ص ۲۶

«يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ...؛ ای داوود! ما تو را جانشین در زمین قرار دادیم، پس میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن...».

در آزمون حضرت داوود علیه السلام، او پس از داوری شتاب‌زده سریعاً توبه می‌کند و سپس به‌عنوان خلیفه معرفی می‌شود. این روایت نمونه‌ای از اقناع شناختی است که بر حق‌محوری در قضاوت و سنت الهی «لغزش-توبه-ارتقا» تأکید دارد (قرآنی، ۱۳۹۱، ج ۸، ص ۹۶؛ طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۷، ص ۲۹۳).

کدگذاری:

- واحد معنایی: داوود علیه السلام نشان می‌دهد که لغزش انسانی با توبه‌ی صادقانه نه تنها بخشوده می‌شود، بلکه زمینه ارتقای مقام را نیز فراهم می‌سازد.
- مضمون اولیه: قرآن با الگوی لغزش و توبه نشان می‌دهد که بازگشت آگاهانه همواره ممکن و ارزشمند است.
- مضمون فرعی: بیان سنت الهی (پذیرش توبه و ارتقای درجه بندگی).

۴-۱-۵. نساء ۶۹

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا؛ و هر کس خدا و پیامبر را اطاعت کند، آنان با کسانی خواهند بود که خداوند به آنان نعمت داده است: از پیامبران و راست‌کرداران (صدیقان) و شهیدان و شایستگان. و اینان چه نیکو هم‌نشینانی هستند!».

اطاعت از خدا و رسول، انسان را به همراهی با چهار گروه نمونه (انبیا، صدیقین، شهدا، صالحین) می‌رساند. این استدلال شرطی-نتیجه‌ای عقلانی است (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۶۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۹۸).

کدگذاری

- واحد معنایی: آیه نشان می‌دهد الگوهای معرفی‌شده (انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین) با آگاهی و انتخاب عقلانی، مسیر اطاعت خدا را پیمودند و نتیجه آن، رسیدن به مراتب برتر انسانی بوده است.
- مضمون اولیه: بیان نمونه‌های تاریخی که نشان می‌دهند اطاعت آگاهانه از خدا و رسول، به نتایج روشن و عقل‌پسند منتهی می‌شود.

- مضمون فرعی: نمایش رابطه علی میان اطاعت آگاهانه و رسیدن به مراتب برتر

۴-۱-۶. مؤمنون ۱۱-۱

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... أُولَئِكَ هُمُ الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفَوْذَوسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛
 به راستی مؤمنان رستگار شدند ... آنان وارثان اند؛ همان کسانی که فردوس را به ارث
 می‌برند و در آن جاودانه‌اند».

قرآن در آغاز سوره مؤمنون، مجموعه‌ای از اوصاف عینی مؤمنان (خشوع در نماز،
 پرهیز از لغو، زکات، امانت‌داری و ...) را برمی‌شمارد و نتیجه می‌گیرد. این ساختار علی،
 مخاطب را به اقناع شناختی فرامی‌خواند؛ زیرا رستگاری نه بر احساسات گذرا، بلکه بر
 التزام عقلانی به معیارهای رفتاری استوار است (قرائتی، ۱۳۹۱، ج ۶، ص ۸۱).
 کد گذاری:

- واحد معنایی: قرآن با ترسیم ویژگی‌های عینی مؤمنان، نشان می‌دهد که رستگاری
 نتیجه التزام عملی به ایمان است نه صرف ادعا.
- مضمون اولیه: معیارهای رفتاری مؤمنان (نماز با خشوع، دوری از لغو، زکات،
 عفت، امانت‌داری و مراقبت بر نماز) به عنوان الگوی زیسته برای تحقق ایمان.
- مضمون فرعی: بیان اوصاف الگو.

۴-۱-۷. کهف ۱۳

«إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى؛ آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان
 آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم».

داستان اصحاب کهف نمونه‌ای روشن از اقناع شناختی است؛ رابطه ایمان و هدایت در
 آن عقلانی ترسیم شده و الگویی از رشد تدریجی باورها ارائه می‌دهد. از منظر تفسیری،
 این فرایند نشان می‌دهد که پابندی معرفتی به ایمان زمینه ارتقای عقلانی و هدایت بیشتر
 را فراهم می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۳، ص ۳۴۸؛ قرائتی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۱۴۷).

کد گذاری:

- واحد معنایی: جوانان اصحاب کهف با ایمان اولیه، به تدریج در مسیر رشد شناختی قرار گرفتند و خداوند هدایت بیشتری به آنان عطا کرد.
- مضمون اولیه: رشد تدریجی شناخت و هدایت در جوانان مؤمن.
- مضمون فرعی: بیان اوصاف الگو

۴-۱-۸. انبیا ۶۷

«أَفْ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟ اف بر شما و بر آنچه جز خدا می پرستید! آیا عقل نمی ورزید؟».

ابراهیم علیه السلام در برابر مشرکان، با استدلالی روشن، پوچی پرستش بت ها را آشکار می سازد و با جمله «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» عقلانیت را مبنای دآوری قرار می دهد. این الگو نمونه ای از اقتناع شناختی است که بر بیدارسازی فطرت عقلانی انسان استوار است و مخاطب را به بازاندیشی در باورهای باطل فرا می خواند (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۴، ص ۴۲۴؛ قرائتی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۴۷۰).

کد گذاری:

- واحد معنایی: ابراهیم با شجاعت و استفاده از استدلال عقلانی، پوچی بت پرستی را در جامعه منحرف آشکار می کند.
- مضمون اولیه: شجاعت ابراهیم در نقد عقلانی باورهای باطل.
- مضمون فرعی: استفاده از استدلال و نقد عقلانی.

۴-۱-۹. انعام ۷۹

«إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ من روی خود را به سوی کسی گرداندم که آسمان ها و زمین را آفریده است، با گرایش کامل به سوی او، و من از مشرکان نیستم».

ابراهیم علیه السلام با مناظره ای تدریجی در باره ستاره، ماه و خورشید، نا پایداری و زوال پذیری آن ها را دلیل بر بطلان ربوبیت شان معرفی می کند. نتیجه این فرایند عقلانی در

آیه ۷۹ سوره انعام بیان می‌شود که او تنها به خدای یکتا روی می‌آورد. این شیوه، نمونه‌ای از اقناع شناختی است که بر برهان عقلی و تجربه محسوس استوار است (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۱۵؛ قرائتی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۹۵).

کد گذاری

- واحد معنایی: قرآن با نمایش مناظره ابراهیم علیه السلام، اقناع شناختی را از طریق برهان عقلی و مقایسه تدریجی محقق می‌سازد.
- مضمون اولیه: استفاده از استدلال منطقی و نفی امور زوال‌پذیر در اثبات توحید.
- مضمون فرعی: بیان استدلال عقلانی و مناظره تدریجی.

۴-۱۰-۱. انبیاء ۷۹

«فَقَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا؛ و ما [حکم درست] را به سلیمان فهمانیدیم، و به هر یک [از داوود و سلیمان] حکمت و دانشی عطا کردیم».

ماجرای قضاوت داوود و سلیمان علیه السلام بیانگر آن است که عقلانیت و عمق فهم می‌تواند راه‌حل‌های عادلانه‌تری را برای مسائل پیچیده فراهم سازد. قرآن با تأکید بر «فَقَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ» نشان می‌دهد که داوری صحیح نیازمند تعقل و الهام الهی است، و همین نکته مبنای اقناع شناختی در این آیات به شمار می‌رود (قرائتی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۴۸۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۸۱).

کد گذاری

- واحد معنایی: فرایند اقناع شناختی در داستان داود و سلیمان علیه السلام بر اهمیت فهم عمیق، عقلانیت و تحلیل علمی در حل مسائل و مدیریت مسائل فردی و اجتماعی تأکید دارد.
- مضمون اولیه: به کارگیری علم و عقلانیت برای ارائه راه‌حل عادلانه و مدیریت مؤثر زندگی فردی و اجتماع.
- مضمون فرعی: بیان اهمیت تکیه بر حکمت و علم.



بررسی آیات نشان داد که قرآن در اقناع شناختی رویکردی نظام‌مند دارد که بر الگوهای عینی، روایت‌های تاریخی و استدلال عقلائی تکیه می‌کند. سه محور اصلی این اقناع عبارت‌اند از: معرفی اوصاف الگوها (مانند صفات پیامبران و مؤمنان)، نمایش سنت‌های الهی (چون پاداش صبر یا پذیرش توبه)، و تکیه بر استدلال و حکمت (نمونه‌هایی چون مناظرات ابراهیم یا داوری سلیمان). این سه رکن، عقل مخاطب را فعال کرده و او را به تدبیر معرفتی و تبعیت عملی از الگوها دعوت می‌نماید.

۴-۲. اقناع‌سازی احساسی مخاطب

در فرایند اقناع، احساسات نقش محوری در جهت‌دهی به باور و رفتار انسان دارند.

قرآن کریم با روایت داستان‌ها و معرفی الگوهای عاطفی، از ظرفیت همدلی، شفقت، ترحم، امید و تحسین استفاده می‌کند تا مخاطب را به پذیرش پیام الهی ترغیب کند. در این شیوه، مخاطب نه صرفاً با عقل، بلکه با دل و تجربه‌ی احساسی قانع می‌شود.

۴-۲-۱. قصه مادر موسی (قصص، ۷-۱۳)

«فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» پس او را به مادرش بازگردانیدیم تا دیده‌اش روشن شود و غم نخورد و بداند که وعده خدا حق است؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

این آیات با روایت دل‌نگرانی و امید مادر موسی (علیها السلام)، تجربه‌ای عاطفی خلق می‌کنند که مخاطب را به همذات‌پنداری وامی‌دارد. این فراز، اقناع احساسی را شکل می‌دهد؛ زیرا ایمان و اطمینان، از راه لمس عاطفه مادری و وفای الهی منتقل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۶، ص ۱۳).

کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن با استفاده از روایت احساسی و الگوهای مادرانه، مخاطب را به همذات‌پنداری و اعتماد قلبی به وعده‌های الهی وامی‌دارد.
- مضمون اولیه: برانگیختن حس همذات‌پنداری خواننده، با اضطراب و آرامش مادر موسی (علیها السلام).
- مضمون فرعی: برانگیختن حس همذات‌پنداری مخاطب با الگو.

۴-۲-۲. انصار (حشر، ۹)

«وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحْجَبُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» و کسانی [از انصار] که پیش از [مهاجران] در سرای [هجرت] و ایمان جای گرفتند، کسانی را که به سوی ایشان هجرت کردند دوست دارند، و در دل خود نیاز و چشم‌داشتی نسبت به آنچه به مهاجران داده شده نمی‌یابند، و آنان را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خود به شدت نیازمند باشند.

قرآن، انصار را با ویژگی‌های محبت، ایثار و پاکی درونی معرفی می‌کند. این توصیف، تحسین و اشتیاق مخاطب را برمی‌انگیزد و او را به همذات‌پنداری با الگوی ایثار و محبت صادقانه دعوت می‌کند. تمرکز بر فداکاری در اوج نیاز، اقتناع احساسی ایجاد می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۴۳).

کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن با معرفی انصار، حس تحسین مخاطب را برانگیخته و او را به ایثار و محبت صادقانه دعوت می‌کند.
- مضمون اولیه: برانگیختن حس تحسین مخاطب نسبت به ایثار الگوها در اوج نیاز.
- مضمون فرعی: برانگیختن حس همذات‌پنداری مخاطب با الگو.

۴-۲-۳. وسوسه زلیخا و مقاومت یوسف (یوسف، ۲۴)

«وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّاٰی بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِكَ لِنَضْرِبَ عَنْهُ اَلْسُوۡءَ وَاَلْفَحْشَآءَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِيۡنَ» (و در حقیقت، آن زن قصد او کرد، و او نیز قصد او می‌کرد اگر برهان پروردگارش را نمی‌دید. این چنین کردیم تا بدی و زشتی را از او بازگردانیم. بی‌تردید او از بندگان مخلص ما بود).

این روایت پرتنش، با نمایش مقاومت یوسف در برابر وسوسه و بیان «معاذالله»، مخاطب را به تحسین پاکدامنی و تقوا سوق می‌دهد. تمرکز بر لحظه تصمیم‌گیری و پایبندی به تقوا، اقتناع احساسی ایجاد می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۱، ص ۱۶۵).

کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن با نمایش یک موقعیت پرتنش و احساسی، مخاطب را به تحسین و پذیرش عفاف و مقاومت در برابر وسوسه اقتناع می‌کند.
- مضمون اولیه: معرفی عفاف به عنوان یک ارزش اقتناعی از طریق نمایش موقعیت پرتنش و دراماتیک حضرت یوسف علیه السلام.
- مضمون فرعی: برانگیختن احساس ترس از سقوط.

۴-۲-۴. آسیه همسر فرعون (تحریم، ۱۱)

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ و خدا برای کسانی که ایمان آورده‌اند، زن فرعون را مثل زد؛ آنگاه که گفت: «پروردگارا، برای من نزد خودت خانه‌ای در بهشت بنا کن، و مرا از فرعون و کارهایش نجات ده، و مرا از قوم ستمکار رهایی بخش.»
دعای کوتاه و خالصانه آسیه در اوج قدرت و شکنجه، الگویی عاطفی از استقامت و ایمان می‌آفریند. این آیه بی‌آنکه استدلال عقلانی بیاورد، دل مخاطب را با تحسین و همدلی جذب می‌کند (قزاتی، ۱۳۹۱، ج ۱۰، ص ۱۳۹).
کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن ایمان آسیه را در اوج قدرت و شکنجه، با دعای عاشقانه و بریدن از تعلقات ناسالم، به‌عنوان الگوی استقامت معرفی می‌کند.
- مضمون اولیه: بیان دعای «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» به‌عنوان عصاره‌ی ایمان و عاطفه.
- مضمون فرعی: برانگیختن تحسین و همدلی نسبت به الگوی استقامت در برابر ظلم.

۴-۲-۵. عباد الرحمن (فرقان، ۶۳).

«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛ و بندگان [ویژه] خدای رحمان کسانی‌اند که بر زمین با تواضع راه می‌روند، و چون نادانان با آنان سخن گویند، [با بزرگواری] سلام می‌گویند.»
آیه با تصویر راه رفتن فروتنانه و پا سخ آرام به جاهلان، الگویی عاطفی از آرامش و کرامت می‌سازد. این شخصیت‌پردازی لطیف، میل مخاطب را به الگوگیری برمی‌انگیزد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۵، ص ۳۳۱).
کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن با تصویرسازی از عباد الرحمن، اقناع احساسی را از طریق بازنمایی رفتار فروتنانه و پاسخ مسالمت‌آمیز به جاهلان محقق می‌سازد.

- مضمون اولیه: شخصیت پردازی لطیف و آرام از بندگان خدا.
- مضمون فرعی: برانگیختن میل مخاطب به الگوگیری از آرامش، کرامت و فروتنی عباد الرحمن.

۴-۲-۶. مؤمن آل فرعون (غافر، ۳۰)

«وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ الْآخِرَابِ؛ و آن مرد مؤمن گفت: ای قوم من! بی تردید من بر شما از روزی مانند روز [عذاب] گروه‌ها می‌ترسم».

این آیه نمونه‌ای برجسته از اقناع احساسی است. مرد مؤمن با بیان نگرانی و دلسوزی برای قوم خود، اضطراب اخلاقی و عبرت تاریخی را یادآوری می‌کند و مخاطب را نسبت به پیامبران و پیام الهی حساس می‌سازد. تأکید بر ترس و هشدار، همدلی و وجدان جمعی را فعال می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۲۶۹).

کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن در این آیات از همدلی، اضطراب اخلاقی و عبرت تاریخی برای ایجاد اثر احساسی در مخاطب استفاده کرده است.
- مضمون اولیه: هشدار خیرخواهانه با یادآوری پیامدهای تاریخی برای بیدار کردن وجدان و احساس مسئولیت مخاطب
- مضمون فرعی: برانگیختن حس دلسوزی مخاطب

۴-۲-۷. گفت‌وگوی ابراهیم با پدر (مریم، ۴۷)

«قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا؛ ابراهیم گفت: سلام بر تو، به زودی از پروردگارت برای تو آمرزش می‌خواهم؛ زیرا او همواره نسبت به من بسیار نیکوکار و مهربان است».

گفت‌وگوی ابراهیم با پدرش در سوره مریم نشان می‌دهد او در برابر تهدید خشونت‌آمیز، با احترام و محبت پاسخ می‌دهد. آیه ۴۷ با عبارت «سَلَامٌ عَلَيْكَ» و اشاره به آمرزش الهی، فضیلت اخلاقی و اقناع عاطفی را برجسته می‌سازد. این سیاق مخاطب را به همذات‌پنداری

با ابراهیم و درک ارزش احترام و دلسوزی دعوت می‌کند (قرآنی، ۱۳۹۱، صص ۲۷۲-۲۷۶).
 کد گذاری:

- واحد معنایی: قرآن با بازنمایی گفت‌وگوی محبت‌آمیز ابراهیم با پدرش، اهمیت اقناع احساسی از راه احترام و دلسوزی را برجسته می‌کند.
- مضمون اولیه: ابراهیم با خطاب محبت‌آمیز و پاسخ آرام، قلب مخاطب را هدف می‌گیرد.
- مضمون فرعی: برانگیختن احساس محبت و احترام.

۸-۲-۴. بهترین امت (آل عمران، ۱۱۰)

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...؛ شما بهترین امتی هستید که [برای اصلاح جوامع انسانی] پدیدار شده‌اید، به کار شایسته و پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند و زشت باز می‌دارید، و [از روی تحقیق، معرفت، صدق و اخلاص] به خدا ایمان می‌آورید...».

آیه با ستایش امت اسلامی به عنوان «خیر امت»، حس ارزش‌مندی و عزت نفس را در مخاطب برمی‌انگیزد و او را به ایمان و مسئولیت اجتماعی ترغیب می‌کند (شاه‌العظمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۰۹).

کد گذاری:

- واحد معنایی: قرآن با ستایش امت اسلامی به عنوان بهترین امت، احساس عزت و افتخار را در مخاطب برمی‌انگیزد و او را به ایمان و مسئولیت اجتماعی ترغیب می‌کند.
- مضمون اولیه: تحریک احساس ارزشمندی و افتخار به عنوان انگیزه‌ای برای پایبندی به ایمان و مسئولیت اجتماعی
- مضمون فرعی: برانگیختن عزت نفس و هویت جمعی افراد

۹-۲-۴. برادری ایمانی (حجرات، ۱۰)

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند؛ بنابراین [در همه نزاع‌ها و اختلافات] میان برادران صلح

و آشتی برقرار کنید، و از خدا پروا نمایید که مورد رحمت قرار گیرید».

این آیه با تعبیر «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» پیوندی خانوادگی و عاطفی میان مؤمنان ایجاد می کند که مخاطب را به صلح و اصلاح روابط ترغیب می سازد (قرآنی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۰).
کد گذاری

- واحد معنایی: مؤمنان یک خانواده ای ایمانی اند که با اصلاح روابط، رحمت الهی را تجربه می کنند.
- مضمون اولیه: مؤمنان به مثابه برادران یکدیگر.
- مضمون فرعی: بازنمایی پیوند خانوادگی میان مؤمنان و برانگیختن غرور جمعی.

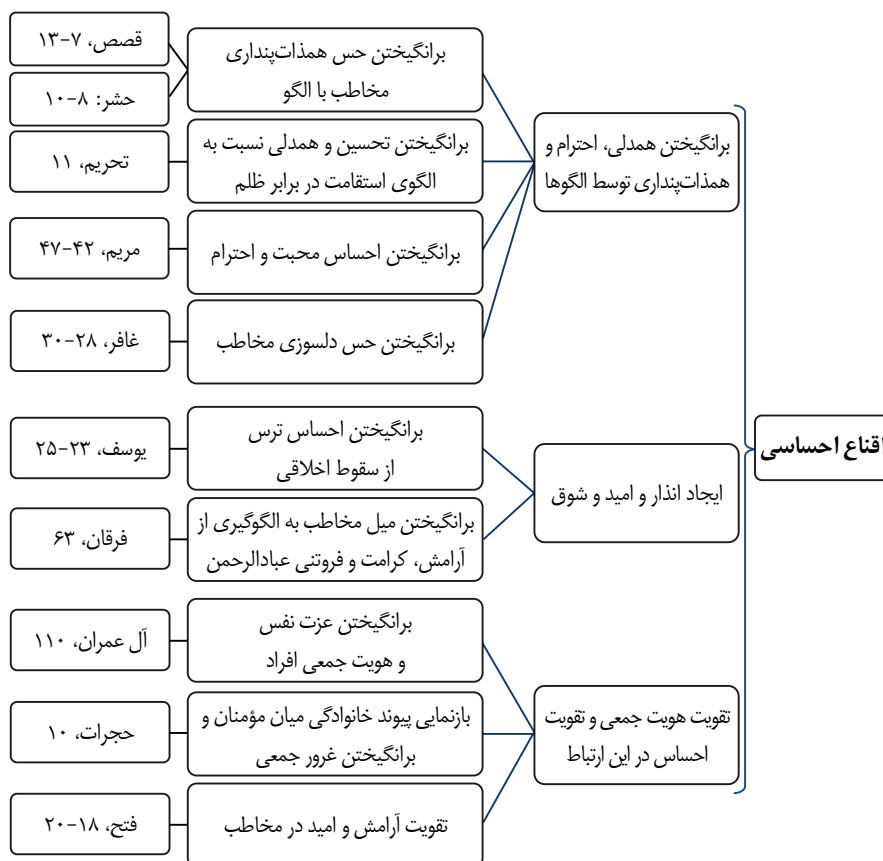
۴-۲-۱۰. بیعت رضوان (فتح، ۱۸)

«لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا؛ يَقِينًا خدا از مؤمنان هنگامی که زیر آن درخت [که در منطقه حدیبیه بود] با تو بیعت می کردند خشنود شد، و خدا آنچه را [از خلوص نیت و پاکی قصد] در دل هایشان بود می دانست، در نتیجه آرامش را بر آنان نازل کرد، و پیروزی نزدیکی را [که پیروزی در خیبر بود] به آنان پاداش داد».

این آیه در سیاق آیات ۱۸ تا ۲۰ سوره فتح آمده و در جریان بیعت مؤمنان زیر درخت حدیبیه و وعده غنایم و پیروزی ها قرار دارد. در این آیات، رضایت و تأیید الهی به طور مستقیم اعلام می شود و این تأیید موجب آرامش قلبی و تقویت امید جمعی مؤمنان می گردد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۸، ص ۴۲۵).

کد گذاری

- واحد معنایی: خداوند با اعلام رضایت خود از بیعت کنندگان حدیبیه، وفاداری آنان را تأیید کرده و آرامش و امید را در دل هایشان نازل می سازد.
- مضمون اولیه: تأیید مستقیم خداوند بر عمل مؤمنان موجب ایجاد عزت، سکینه و اعتماد به آینده در آنان می شود.
- مضمون فرعی: تقویت آرامش و امید در مخاطب



اقناع احساسی در قرآن با فعال سازی عواطف و احساسات گوناگون، قلب و روح مخاطب را درگیر می‌کند. این اقناع در سه مقوله کلیدی خلاصه می‌شود:

- برانگیختن همدلی، احترام و همذات‌پنداری توسط الگوها: همذات‌پنداری با مادر موسی، تحسین ایثار انصار و همدردی با مؤمن آل‌فرعون نشان می‌دهد عواطف انسانی پلی برای پذیرش پیام الهی‌اند.
- ایجاد انداز و امید و شوق: ترس از سقوط اخلاقی در داستان یوسف و شوق به الگوگیری از عبادالرحمن بیانگر تعادل میان بیم و امید است.
- تقویت هویت جمعی و تقویت احساس در این ارتباط: آیاتی مانند «مؤمنان برادرند» و «شما بهترین امتید» عزت نفس و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کنند.

۴-۳. اقناع رفتاری

اقناع رفتاری، رویکردی است که در آن رفتار، خود به عنوان ابزار اقناع به کار می‌رود؛ به گونه‌ای که مخاطب با مشاهده و تقلید الگوهای رفتاری، پیام را می‌پذیرد. قرآن کریم با ارائه الگوهای عملی، توصیه‌های رفتاری، داستان پیامبران و نظام تشویق و تنبیه، مخاطب را فراتر از شناخت و احساس، در عرصه عمل و سبک زندگی به ارزش‌های الهی سوق می‌دهد.

۴-۳-۱. سوره نور، آیه ۲۶

«الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثَاتُ لِلْطَّيِّبَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبَاتُ لِلْكَافِرِينَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ؛ زنان پلید برای مردان پلید، و مردان پلید برای زنان پلیدند؛ و زنان پاک برای مردان پاک، و مردان پاک برای زنان پاک‌اند. آنان از آنچه [تهمت‌زنندگان] می‌گویند، مبرا هستند؛ برای ایشان آمرزش و روزی ای نیکوست». این آیه با معرفی دو گروه «طیین» و «خبیین» الگویی تقابلی ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که رفتار پاک و ناپاک، سرانجامی متفاوت در اجتماع و آخرت دارد؛ طیین به برائت، مغفرت و رزق کریم می‌رسند (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۵، ص ۱۳۷؛ قرآنی، ۱۳۹۱، ج ۶، ص ۱۶۸). کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن با ترسیم دو گانه‌ی رفتاری «طیب» و «خبیث»، انسان را به انتخاب رفتار پاک در روابط اجتماعی و فردی اقناع می‌کند.
- مضمون اولیه: الگودهی رفتاری از طریق مقایسه‌ی مثبت (طیب) و منفی (خبیث) و نمایش پیامدهای اجتماعی و اخروی هر یک.
- مضمون فرعی: بازنمایی تقابل «طیب/خبیث»

۴-۳-۲. سوره حجرات، آیه ۳

«إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ؛ به یقین کسانی که صدای خود را نزد رسول خدا فرو می‌آورند، همانانند که خدا دل‌هایشان را برای تقوا آزموده است؛ برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است».

آیات ۲ و ۳ سوره حجرات بر ادب گفتاری در محضر پیامبر ﷺ تأکید دارند؛ بلند کردن صدا تقبیح و آرام سخن گفتن نشانه تقوای درونی معرفی می شود. این چنینش تهدید و پاداش الگویی از اقناع رفتاری است که رفتار بیرونی را به تقوای قلبی پیوند می زند (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۸، ص ۴۵۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۵۸).
کد گذاری:

- واحد معنایی: مؤمنان با رعایت ادب در برابر پیامبر، تقوای درونی خود را آشکار می سازند.
- مضمون اولیه: ترکیب نهی دستوری، اسوه سازی ایجابی و اعتباربخشی درونی برای هدایت رفتار مؤمنان.
- مضمون فرعی: نمایش رعایت ادب با بزرگان.

۴-۳-۳. سوره توبه، آیه ۱۰۰

«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ...» و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار، و کسانی که به نیکی از آنان پیروی کردند، خدا از ایشان خشنود است و آنان نیز از خدا راضی اند؛ و برای آنان بهشت هایی فراهم کرده که از زیر آن نهرها جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند؛ این است رستگاری بزرگ».

آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره توبه دو گروه مؤمنان را معرفی می کنند: بادیه نشینانی با انفاق خالصانه و مهاجران و انصار پیشگام در ایثار. قرآن با تمجید و وعده رضایت الهی، الگویی سلسله مراتبی از ایمان و عمل ارائه می دهد که رفتار نسل های بعدی را هدایت می کند. واحد معنایی آیه بر الگوگیری تاریخی و پیوستگی ایمان و عمل استوار است (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۵۰۴).

کد گذاری:

- واحد معنایی: مخاطب از طریق پیروی از الگوهای سلسله مراتبی نسل اول مسلمانان، به رفتار مؤمنانه و رضایت الهی دست می یابد.

- مضمون اولیه: الگوگیری از مهاجران نخستین، انصار و پیروان نیکوکار آنان به صورت سلسله مراتبی.
- مضمون فرعی: نمایش پیوستگی ایمان و عمل در سلسله مراتب الگوها.

۴-۳-۶. سوره فتح، آیه ۲۹

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ... ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ...؛ محمد، فرستاده خداست؛ و کسانی که با اویند، در برابر کفار سختگیر و در میان خود شان مهربان‌اند. آنان را می‌بینی که در حال رکوع و سجودند، در حالی که همواره فضل و رضوان خدا را می‌جویند. نشانه‌ی آنان در چهره‌شان از اثر سجده پیداست... این است توصیف آنان در تورات، و وصفشان در انجیل...».

آیه، یاران پیامبر را با ویژگی‌های فردی و اجتماعی (سخت‌گیری بر کفار، مهربانی درونی، عبادت خالصانه) معرفی می‌کند. این تصویر عینی و چندوجهی اقتناع رفتاری ایجاد می‌کند؛ زیرا مخاطب می‌تواند نشانه‌های الگو را در زندگی روزمره مشاهده کند (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۲۰، ص ۲۷۶).

کدگذاری:

- واحد معنایی: خداوند با معرفی یاران پیامبر به‌عنوان الگوهای عینی، ایمان را از مرحله باور قلبی به عرصه رفتارهای فردی، اجتماعی و عبادی می‌کشانند.
- مضمون اولیه: ایمان حقیقی در قرآن تنها با اعتقاد قلبی تعریف نمی‌شود؛ بلکه در کنش‌های روزمره و روابط اجتماعی قابل مشاهده متجلی می‌گردد.
- مضمون فرعی: نمایش الگوهای عملی چند وجهی.

۴-۳-۷. سوره تحریم، آیه ۱۲

«وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ لَهَا وَكَانَتْ مِنَ الْغَابِطِينَ؛ و [نیز] مریم دختر عمران را [مثل زده است]، همان که

پاکدامنی خود را حفظ کرد، پس ما از روح خود در او دمیدیم، و او سخنان پروردگارش و کتاب‌های او را تصدیق کرد، و از فرمان‌برداران بود.»

آیات ۱۰ تا ۱۲ سوره تحریم با مقایسه دودسته الگو، هم‌سران نوح و لوط را نمونه بی‌ایمانی و آسیه و مریم را نمونه ایمان و نجات معرفی می‌کنند. این تقابل نشان می‌دهد ارزش انسان در رفتار و تصمیم فردی است، نه جایگاه خانوادگی یا اجتماعی. انتخاب مریم به‌عنوان الگوی مثبت، کدهای «مقایسه تقابلی» و «الگوی رفتاری فردی» را برجسته می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۳۶۹).

کدگذاری:

- واحد معنایی: ارزش انسان در رفتار و انتخاب‌های فردی اوست، نه در جایگاه خانوادگی.
- مضمون اولیه: تضاد الگوهای مثبت و منفی.
- مضمون فرعی: مقایسه تقابلی.

۴-۳-۸. سوره اعراف، آیه ۱۷۰

«وَالَّذِينَ يَمَسُّوْنَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ؛ و آنان که به کتاب [آسمانی] تمسک جویند و نماز را برپا دارند [سزاوار پاداشند]؛ یقیناً ما پاداش اصلاح‌گران را ضایع نمی‌کنیم.»

این بخش از سوره اعراف سرگذشت بنی‌اسرائیل را روایت می‌کند؛ گروهی با نافرمانی گرفتار عذاب شدند و گروهی با نهي از منکر و پابندی به کتاب خدا نجات یافتند. در آیه ۱۷۰، اصلاح‌گران واقعی کسانی معرفی می‌شوند که به کتاب و نماز تمسک دارند و وعده اجر قطعی دارند. این ساختار هم‌تمجید مقایسه‌ای و هم کدهای رفتاری پابندی عملی را برجسته می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۳۸۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۰).

کدگذاری:

- واحد معنایی: پابندی به کتاب خدا و اقامه نماز موجب اصلاح فرد و جامعه می‌شود.

- مضمون اولیه: تمسک به کتاب الهی و برپایی نماز، نشانه اصلاح گری و زمینه ساز نجات.
- مضمون فرعی: تمجید مقایسه‌ای.

۴-۳-۹. سوره انسان، آیه ۸

«وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا؛ و غذای خویش را با وجود علاقه به آن، به مسکین و یتیم و اسیر می‌بخشند».

این آیه در بستر آیات ۷ تا ۱۰ سوره انسان قرار دارد که سیمای «ابرار» را ترسیم می‌کند؛ کسانی که هم وفای به نذر و هم خوف از قیامت را در عمل نشان می‌دهند. نقطه اوج این سیاق در آیه ۸ است که اطعام ایثارگرانه به نیازمندان (با وجود میل شخصی به غذا) همراه با اخلاص کامل در نیت بازنمایی می‌شود. این روایت قرآنی، کد رفتاری «ایثار» و «خدمت خالصانه برای رضای خدا» را تثبیت می‌کند و الگویی جاودانه برای مؤمنان می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۲۰، صص ۲۰۰-۲۰۶).

کد گذاری:

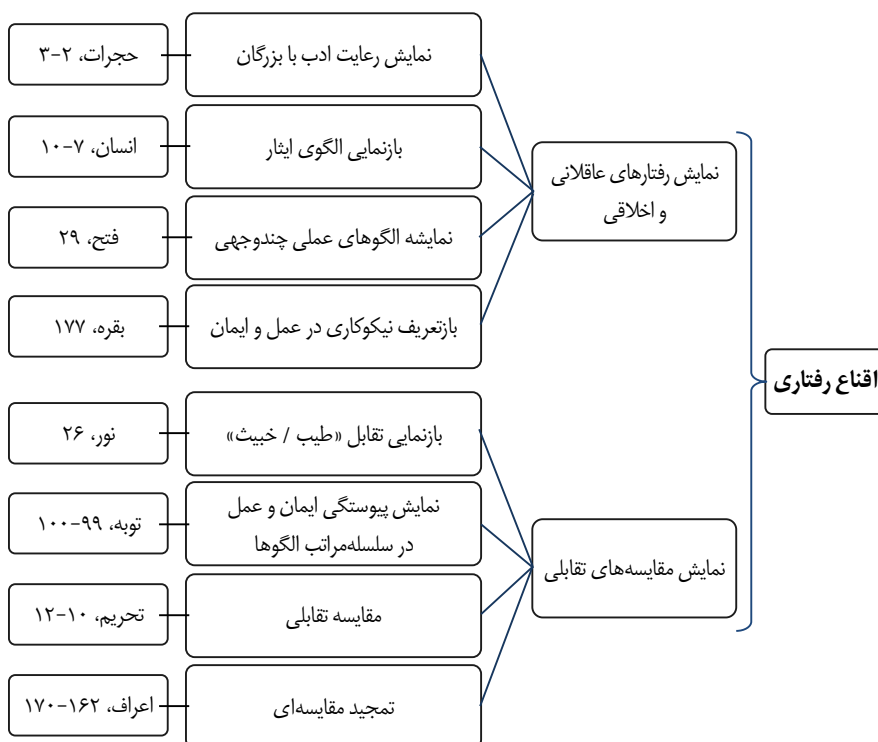
- واحد معنایی: قرآن با معرفی الگوی «ابرار»، رفتار ایثارگرانه و خالصانه در خدمت به نیازمندان را تبلیغ و تثبیت می‌کند.
- مضمون اولیه: ایثار در اطعام نیازمندان و انجام عمل خالصانه بدون چشم‌داشت.
- مضمون فرعی: بازنمایی الگوی ایثار.

۴-۳-۱۰. سوره بقره، آیه ۱۷۷

«لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ... وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ... أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ نیکی آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت... ایمان آورد، انفاق کند، نماز برپا دارد، زکات دهد، وفای به عهد کند و در سختی‌ها صابر باشد؛ آنان همان راستگویان و پرهیزگاراند».

این آیه با رویکردی اصلاح‌گرا، نیکوکاری را از سطح مناسک ظاهری به ایمان و عمل اجتماعی عمیق پیوند می‌دهد. به جای تقلیل آن به جهت‌یابی در نماز، مجموعه‌ای از رفتارهای عینی چون ایثار مالی، استقامت و پابندی به عهد را معیار قرار می‌دهد و مخاطب را به تغییر نگرش و التزام عملی فرا می‌خواند (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۵۵).
 کد گذاری:

- واحد معنایی: نیکوکاری واقعی در رفتارهای عینی مثل ایثار، وفای به عهد و صبر متجلی می‌شود، نه در ظواهر عبادی.
- مضمون اولیه: جلوه‌گری نیکوکاری در ایثار مالی، وفای به عهد و صبر.
- مضمون فرعی: بازتعریف نیکوکاری در عمل و ایمان.



قرآن در حوزه رفتاری، دو شیوه‌ی اساسی را برای اقناع مخاطب به کار می‌گیرد:

- نمایش رفتارهای عاقلانه و اخلاقی: با تأکید بر ایثار، وفای به عهد، صبر و ادب، نشان می‌دهد که ایمان در رفتار روزمره متجلی می‌شود و الگوی عملی برای مؤمنان می‌سازد.

- نمایش مقایسه‌های تقابلی: با ترسیم دوگانه‌هایی چون مؤمن/کافر و طیب/خبیث، مخاطب را به بازشناسی جایگاه خود و انتخاب الگوهای مثبت دعوت می‌کند.

در مجموع، اقناع رفتاری قرآن هم پالایش فردی را تقویت می‌کند و هم انسجام اجتماعی را از طریق مقایسه‌های روشن میان الگوهای مثبت و منفی شکل می‌دهد.

نتیجه‌گیری

بررسی آیات قرآن کریم نشان داد که روش اقناع مخاطب در سه سطح شناختی، احساسی و رفتاری، ساختاری جامع و چندبعدی دارد که بر محور «الگو» سامان یافته است. این ساختار، نه تنها ذهن مخاطب را به تفکر و تدبیر فرا می‌خواند؛ بلکه قلب و عاطفه او را درگیر می‌سازد و درنهایت به کنش و رفتار عملی سوق می‌دهد.

در سطح شناختی، اقناع از سه مسیر اصلی شکل می‌گیرد: بیان ویژگی‌ها و او صاف الگو که شفافیت و الگوپذیری را ممکن می‌سازد؛ بیان و نمایش سنت‌های الهی از طریق الگو که پیوند علت و معلولی میان عمل و پیامد را روشن می‌کند؛ و به کارگیری استدلال و حکمت توسط الگو که عقلانیت را به عنوان زیربنای پذیرش تقویت می‌نماید.

در سطح احساسی، اقناع بر ظرفیت‌های عاطفی انسان تکیه دارد: برانگیختن همدلی و احترام از طریق الگوها که پیوند روانی با شخصیت‌های قرآنی ایجاد می‌کند؛ ایجاد انذار و امید و شوق که تعادل عاطفی بیم و رجاء را می‌سازد؛ و تقویت هویت جمعی و احساس تعلق که پیوندهای اجتماعی را حول ایمان و ارزش‌های مشترک استوار می‌سازد.

در سطح رفتاری نیز قرآن، اقناع را از طریق کنش‌های عینی محقق می‌کند: نمایش رفتارهای عاقلانه و اخلاقی که ایمان را از سطح ذهنی به عرصه‌ی عمل می‌کشاند، و

نمایش مقایسه‌های تقابلی که مخاطب را در برابر انتخاب‌های واقعی میان الگوهای مثبت و منفی قرار می‌دهد.

در مجموع، این هشت مقوله نشان می‌دهند که قرآن با ارائه‌ی الگوهایی جامع و چندلایه، فرایند اقناع را از شناخت تا احساس و رفتار پیوند می‌زند. بدین ترتیب، اقناع قرآنی نه تنها یک روش ارتباطی، بلکه یک نظام تربیتی و فرهنگی است که توانسته است در طول سده‌ها مخاطبان خود را هدایت و همراه سازد.

منابع

* قرآن کریم

- آقایوسفی، علیرضا؛ شقاقی، فرهاد؛ علیپور، احمد؛ کرباسی، منیژه؛ پناهی شهری، محمود؛ ارکانی، ابراهیم؛ زارع، حسین؛ مجدآبادی فراهانی، زهره؛ علی اکبری دهکردی، مهنازو پولادی، الله کرم. (۱۳۸۶). روان‌شناسی عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- افتخاری، اصغر؛ کاظمی، سیدمحمدصادق. (۱۳۹۵). مدل اقناع افکار عمومی در قرآن کریم؛ مطالعه موردی مواجهه با منافقین. پژوهش‌های راهبردی سیاست. ۳(۲۲)، صص ۹-۳۹.
- اکبری، غلامحسین. (۱۴۰۱). نقش الگوهای قرآن در تربیت انسان. تهران: نشر کتاب.
- اکبری، محسن. (۱۳۹۳). روش‌های اقناع در قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه فرهنگ و ارتباطات. دانشکده دین و رسانه دانشگاه صداوسیما قم.
- پارسا، محمد. (۱۳۸۳). زمینه نوین روانشناسی. تهران: بعثت.
- حکیم‌آرا، محمدعلی. (۱۳۸۴). ارتباطات متقاعدگرایانه و تبلیغ. تهران: انتشارات سمت.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا (چاپ دوم). تهران: موسسه انتشارات و چاپ تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۹۲). ترجمه فارسی مفردات راغب (مترجم: حسین خداپرست). تهران: نوید اسلام.
- رزاقی، افشین. (۱۳۸۱). نظریه‌های ارتباطات اجتماعی. تهران: پیکان.
- رئیس‌وانانی، امین. (۱۴۰۱). تکنیک مقایسه و فرایند اقناعی در قرآن کریم و بهره‌گیری آن در برنامه‌های صداوسیما. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه فرهنگ و ارتباطات. دانشکده دین و رسانه دانشگاه صداوسیما قم.
- زیمباردو، پی. جی. و لیپه، ام. آر. (۱۹۹۱). روان‌شناسی تغییر نگرش و تأثیر اجتماعی. فیلادلفیا: انتشارات دانشگاه تمپل.

- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰). دایرة المعارف علوم اجتماعی (چاپ سوم). تهران: کیهان.
- سورین، ورنر؛ تانکارد، جیمز. (۱۳۹۲). نظریه‌های ارتباطات (مترجم: علیرضا دهقان، چاپ دوم). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- شاه‌عبدالعظیمی، سیدحسین. (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری (ج ۳). تهران: انتشارات میقات.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۳). تفسیر المیزان (ج ۱، ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰، مترجم: محمدباقر موسوی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قرائتی، محسن. (۱۳۹۱). تفسیر نور (ج ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۱۰). تهران: مؤسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کاملی، ابراهیم. (۱۳۹۶). اقتناع در قرآن و شیوه‌های اجرایی آن. قم: مارینا
- کدیور، پروین. (۱۳۸۵). روان‌شناسی تربیتی. تهران: سمت.
- لیتل‌جان، استیفن. (۱۳۸۴). نظریه‌های ارتباطات. (مترجمان: سید مرتضی نوربخش و سیداکبر میرحسینی). تهران: جنگل.
- محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۹۳). ارتباط‌شناسی. تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران).
- مرادی، حجت‌الله. (۱۳۸۴). اقتناع‌سازی و ارتباطات اجتماعی. تهران: نشر ساقی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (ج ۱، ۲، ۳، ۵، ۹ و ۲۴). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهدیان‌فر، رضا. (۱۳۹۹). ابراهیم علیه السلام الگوی تربیت موحدانه. مطالعات قرآن و حدیث سفینه، ۴(۶۹)، صص ۱۸۳-۱۹۳.
- نصرتی، فهیمه. (۱۴۰۱). بررسی مدل اقتناعی کارل هاوُلند از منظر قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه فرهنگ و ارتباطات. دانشکده دین‌ورسانه دانشگاه صداوسیما قم.

Investigation and Analysis of Non-Media Causes behind the Identity Challenges of Contemporary Iranian Adolescents*



Mahdi Nazari¹  **Hossein Rezaei²**  **Seyyed Hesamoddin Hosseini³** 

1. PhD Student in Cultural Policy-Making, Faculty of Culture, Social and Behavioral Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.

mahdinazari780404@gmail.com

2. PhD Student in Ethics, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran.

hosseini.he@gmail.com

3. PhD in Social Knowledge of Muslims, Faculty of Culture, Social and Behavioral Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (**Corresponding Author**).

dr.hossein.rezaei110@gmail.com

Abstract

Adolescence marks the beginning of an individual's conscious, choice-oriented encounter with the surrounding world and the structuring of personal identity. As its core research question, this study explores the causes behind the identity challenges faced by contemporary dual-spatial Iranian adolescents, with a specific emphasis on non-media factors. The methodology of this study is the qualitative method of thematic analysis. From the utilized sources, 112 rich codes were extracted for analysis. Following three stages of categorization, two macro-categories were identified: "Inefficiency and Deficiencies of the National Ecosystem of Identity Formation" and "Globalization of Culture and Global Production

* Nazari, M.; Rezaei, H.; Hosseini, H. (2025). Investigation and Analysis of Non-Media Causes behind the Identity Challenges of Contemporary Iranian Adolescents. *Islam and Social Studies*, 13(4), pp. 127-158.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.70592.2116>

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/08/16 • **Revised:** 2025/09/27 • **Accepted:** 2025/11/26 • **Online Publication:** 2025/12/30

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



and Distribution Networks of Identity Products." Under the first macro-category, ten meso-categories were identified: "adverse influences of peers and associates," "adverse influences of reference groups," "intergenerational gap and disconnection," "historical, literary, linguistic, ethnic, and familial roots in identity formation," "weakness of the family institution in shaping adolescent identity," "inefficiency of the education system in shaping adolescent identity," "weakness of the economic institution," "weak efficiency of the religious institution in shaping adolescent identity," "negative impacts of urban space on identity formation," and "governance models incompatible with proper identity formation." Under the second macro-category, four meso-categories were identified: "the global value supply chain for the production and distribution of identity-shaping content and the weakening of identity in countries of the Global South," "the industrialization of culture," and "the expansion of postmodern intellectual and cultural discourse and the weakening of foundational structures of identity."

Keywords

Thematic Analysis, Identity, Adolescence, Identity Formation, Causes.

بررسی و تحلیل علل غیررسانه‌ای چالش هویت‌یابی نوجوانان ایران معاصر*

مهدی نظری^۱  حسین رضائی^۲  سید حسام‌الدین حسینی^۳ 

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران.

mahdinazari780404@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری فلسفه اخلاق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.

hosseini.he@gmail.com

۳. دکتری دانش اجتماعی مسلمین، دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری،

دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

dr.hosein.rezaei110@gmail.com



چکیده

نوجوانی آغاز مواجهه‌ی آگاهانه انتخاب‌گرایانه‌ی فرد با جهان پیرامونی خود و سامان‌بخشیدن به هویت شخصی است. در این تحقیق واکاوی علل چالش هویتی‌یابی نوجوان دوفضایی ایران معاصر با تأکید بر عوامل غیررسانه‌ای به عنوان پرسش اصلی تحقیق پرداخته می‌شود. روش‌شناسی این پژوهش، روش کیفی تحلیل مضمون است. از منابع مورد استفاده جهت کدگذاری ۱۱۲ مضمون غنی استخراج شده که پس از سه مرحله مقوله‌بندی، دو کلان مقوله «ناکارآمدی و نقایص زیست‌بوم ملی هویت‌یابی» و «جهانی‌شدن فرهنگ و شبکه‌های تولید و توزیع جهانی محصولات هویتی» شناسایی شد. در ذیل کلان مقوله اول، «تأثیرات نامطلوب معاشران و همسالان»، «تأثیرات نامطلوب گروه‌های مرجع»، «شکاف و انقطاع ارتباط بین‌نسلی»، «ریشه‌های تاریخی، ادبی، زبانی، قومی و خانوادگی در شکل‌گیری هویت»، «ضعف نهاد خانواده در

* نظری، مهدی؛ رضائی، حسین و حسینی، سید حسام‌الدین. (۱۴۰۴). بررسی و تحلیل علل غیررسانه‌ای چالش

هویت‌یابی نوجوانان ایران معاصر. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴)، صص ۱۲۷-۱۵۸.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.70592.2116>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۵ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۵ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

© ۱۴۰۴ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



هویت بخشی به نوجوان»، «ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش در هویت بخشی به نوجوان»، «ضعف نهاد اقتصاد»، «ضعف کارآمدی نهاد دین در هویت بخشی به نوجوان»، «تأثیرات منفی فضای شهری در هویت بخشی» و «الگوی حکمرانی نا سازگار با هویت یابی صحیح» به عنوان ده میان مقوله مورد شنا سایی قرار گرفت؛ همچنین ذیل کلان مقوله دوم، «جهانی شدن فرهنگ و شبکه های تولید و توزیع جهانی محصولات هویتی»، مقوله های «زنجیره تأمین ارزش جهانی تولید و توزیع محتوای هویت ساز و تضعیف هویت کشورهای جنوب ارتباطی»، «صنعتی شدن مقوله فرهنگ» و «گسترش گفتمان فکری و فرهنگی پست مدرن و تضعیف سازه های پایه ای هویت» به عنوان چهار میان مقوله شناسایی شد.

کلیدواژه ها

تحلیل مضمون، هویت، دوره نوجوانی، هویت یابی، علل.

۱. مقدمه و بیان مسأله

نوجوانی دوره‌ای پیچیده و حیاتی در زندگی انسان است که در آن، فرایند هویت‌یابی به عنوان یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین جنبه‌ها مطرح می‌شود. در این مرحله از زندگی، نوجوانان در تلاش هستند تا با شناسایی و تعریف خود، جایگاهشان را در جهان پیدا کنند. این فرایند، که با تغییرات جسمی، روانی، و اجتماعی همراه است، می‌تواند موجب بروز چالش‌ها و بحران‌های متعدد شود.

چالش‌های هویت‌یابی نوجوانان نه تنها شامل شناخت و پذیرش خود، بلکه همچنین مواجهه با انتظارات جامعه، خانواده، و دوستان می‌شود. در دنیای امروز که تحولات سریع و گسترده در حوزه‌های گوناگون از جمله فناوری، فرهنگ، و ارتباطات جریان دارد، این چالش‌ها بیشتر از هر زمان دیگری برجسته می‌شوند.

گیدنز^۱ معتقد است که جهان مدرن متأخر، به شدت بازتابی است. اطلاعات فراوانی مبادله می‌شود و از بازتاب این اطلاعات در زندگی و هویت افراد، هویت‌های جدیدی شکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۶۲). الگوهای هویتی در حال پیچیده‌تر شدن هستند، آن‌چنان‌که مردم در عین دفاع کردن از وفاداری‌های محلی، خواهان پیوستن به ارزش‌ها و سبک‌های زندگی جهانی هستند (Pieterse, 2009, p. 79). براین اساس، تعاملات در عرصه‌های مختلف از جمله جوامع گوناگون، می‌تواند سبک زندگی و الگوهای رفتاری جدیدی را شکل دهد (گیدنز، ۱۳۸۸، ص ۱۷۹).

گسترده‌گی، تنوع ابزار و سهولت دسترسی ارتباط با فضای مجازی، بازه سنی استفاده از آن را توسعه داده و بسامد تغییرات مختلفی را در سنین مختلف رقم زده است. از طرفی در نسل نوجوان امروزی، این تحولات، با تغییرات تند و اجتناب‌ناپذیر ارتباطات رسانه‌ای به گونه‌ای همراه شده است که ابعاد شخصیتی نوجوان را هم در بر گرفته و آنان را در جست‌وجوی سازه‌های جدید هویت اجتماعی و فرهنگی کشانده است تا جایی که سخن از هویت مجازی، زندگی دوم، خانواده دیجیتال و... به میان آمده است (قبری آلاق، ۱۳۹۸).

1. Giddens

با وجود تأثیرات فزاینده‌ای که فضای مجازی و رسانه بر هویت‌یابی نوجوانان داشته و فرصت‌ها و تهدیدهای فراوانی که در فرایند هویت‌یابی نوجوانان به وجود آورده است، این عامل، تنها عامل مؤثر بر چالش‌های هویتی نوجوان ایرانی معاصر نبوده و عوامل غیررسانه‌ای نیز نقش مهمی در این چالش ایفا می‌کنند. شناخت این عوامل و تأثیرات آن‌ها، نقش بسزایی در مقابله با این چالش و اتخاذ رویکردی مناسب در مواجهه با آن دارد. هدف این مطالعه، ارائه بینش‌هایی عمیق‌تر در زمینه واکاوی علل چالش هویت‌یابی نوجوان با تأکید بر عوامل غیررسانه‌ای است.

۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های واپسین، پژوهش‌های قابل توجهی در زمینه شکل‌گیری هویت انجام شده است. برای مثال، در تحقیقی که توسط مارکویچ و همکاران (۲۰۱۷) انجام شد، به تأثیر ژنتیک و نقش محیط در شکل‌گیری هویت پرداخته شده است؛ همچنین، رقیبی و همکاران (۱۳۹۶) به مقایسه سبک‌های هویت و کیفیت دوستی در نوجوانان دختر و پسر شهرستان خاش پرداخته‌اند.

شریفی (۲۰۱۷) نیز در پژوهشی به بررسی راهکارهای پرورش هویت اخلاقی نوجوانان در سبک زندگی خانواده اسلامی پرداخته است. در این راستا، پژوهشگری دیگر بر نقش حیاتی خانواده در شکل‌گیری هویت نوجوانان از طریق فرایندهای شناسایی تأکید کرده و بر لزوم ایجاد محیط‌های حمایتی خانوادگی برای ترویج توسعه هویت سالم تأکید می‌کند (Moguillansky, 2013).

همچنین، تحقیقی به تعامل پیچیده میان شکل‌گیری هویت آموزشی و سیستم آموزشی نوجوانان پرداخته و بر اهمیت درک این پویایی‌ها برای بهبود شیوه‌ها و سیاست‌های آموزشی تأکید دارد (Negru-Subtirica, 2024).

در پژوهش دیگری، لطف‌آبادی و نوروزی (۲۰۰۴) فرایند جهانی شدن و تأثیر آن بر هویت دینی و ملی دانش‌آموزان را بررسی کرده و سه نوع نگرش منفعل، مخالف و فعال نسبت به پدیده جهانی شدن را شناسایی کرده‌اند.

لمی‌آشوا^۱ (۲۰۲۳) یک کاوش جامع از هویت سیال در زمان پست‌مدرنیسم ارائه داده و بی‌ثباتی، تنوع و تأثیر فناوری‌های دیجیتال را مورد بحث قرار داده است. این پژوهش، همچنین بریکولاژ^۲ را به عنوان یک مکانیسم کلیدی در شکل‌گیری هویت معرفی می‌کند. آگاهی و احترام به ارزش‌ها، مسئولیت‌پذیری، ارتقای مهارت‌های ارتباطی جوانان و حضور فعال در فعالیت‌های مدنی و اجتماعی، از دیگر فرصت‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی است. پژوهش‌های انجام شده بیان‌گر آن هستند که تعهد به هویت ملی در نوجوانان که رسانه غالب آنها از نوع اجتماعی است، کمتر از نوجوانانی است که رسانه غالب آنان از نوع جمعی است (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰).

وجه تمایز و نوآوری این تحقیق در مقایسه با تحقیقات پیشین، به ویژه در زمینه مسئله مورد بررسی، تمرکز بر چالش‌های هویتی و تحلیل علل غیررسانه‌ای مؤثر در فرایند هویت‌یابی نوجوانان است؛ به بیان دیگر، این مطالعه به بررسی عمیق‌تر عوامل غیررسانه‌ای می‌پردازد که بر چالش هویت‌یابی نوجوان دوفضایی تأثیر گذارند. وجه دیگر از حیث روش، بهره‌گیری از مقالات مرتبط و مصاحبه با صاحب‌نظران به صورت ترکیبی بوده و از حیث نتایج ترسیم شبکه مفهومی علل و زمینه‌های شکل‌گیری این چالش‌ها با نگاه جامع و نتایج ۳۶۰ درجه می‌باشد.

۳. روش پژوهش

به منظور واکاوی علل چالش هویت‌یابی نوجوان دوفضایی واقعی - مجازی، در این تحقیق از روش تحلیل مضمون استفاده می‌شود. وجه اصلی به کارگیری این روش، استخراج کدهای غنی از میان مصاحبه‌ها و مطالعات است. بدین منظور ۵۰۰ مقاله مرتبط با مسئله، شناسایی^۳ و از میان آنها ۵۰ مقاله برتر برگزیده شد و در نهایت متن مقالات

1. Lemiashova

۲. تجربه‌گری خلاق و به دنبال روش‌های غیرخطی.

۳. برای شناسایی مقالات در پایگاه‌های مقالات علمی فارسی زبان به منظور جستجو از کلیدواژه‌های هویت، نوجوان، فضای مجازی و کلمات مترادف آنها استفاده شد.

۵۰ گانه مورد کدگذاری و تحلیل مضمون قرار گرفت. از آنجاکه تحولات و تغییرات نسل جدید، پیچیده و پرشتاب است، به خصوص تفاوت‌ها و چالش‌های جدی هویتی ظهور یافته در وقایع تاسف‌انگیز پاییز ۱۴۰۱، مقالات علمی کافی برای تجزیه و تحلیل آخرین تحولات وجود نداشت؛ لذا برای تکمیل داده‌های تحقیق از روش مصاحبه استفاده شد؛ بنابراین با ۱۵ نفر از صاحب‌نظران جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اخلاق، علوم تربیتی، فرهنگ و ارتباطات، فضای مجازی، مدیران صاحب‌نظر و دارای تجربه در سازمان‌های مرتبط با مسئله مصاحبه انجام گرفت و پیرامون پرسش اصلی این تحقیق گفتگو شد. در نهایت داده‌های حاصل از مقالات و مصاحبه‌ها، کدگذاری و تحلیل مضمون شد. روش تحلیل مضمون، یکی از شیوه‌های متداول تحلیل محتوای متنی و به عنوان یک روش اساسی برای تحلیل کیفی در نظر گرفته می‌شود. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶، ص ۵۳).

مراحل انجام این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون عبارتند از:

- آشناسدن با داده‌ها
- ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری
- جستجو و شناخت مضامین
- ترسیم شبکه مضامین
- تحلیل شبکه مضامین
- ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶، ص ۵۷).

۴. چارچوب مفهومی

۴-۱. هویت

واژه «آیدنتیتی»^۱ به معنای هویت از «آیدنتیتوس»^۲ مشتق شده و همواره با دو مفهوم

1. Identity

2. Identities

متضاد تعریف می‌شود: همسانی و تفاوت. از طرفی این واژه، به سبب ظهور حوزه‌های معرفتی متفاوت، معناهای مختلفی یافته است؛ از این رو هویت از منظرهای متفاوت مورد توجه متفکران قرار گرفته است که می‌توان از منظر روان‌شناسی اجتماعی، رابطه هویت را نوعی رابطه بین شخصیت فرد و ساختار اجتماعی دانست. بدین معنا هویت نسبتی است که فرد بین عوالم ذهن خود و واقعیت زندگی برقرار می‌سازد (فیرچی، ۱۳۸۶، صص ۳-۴).

به‌رحال سنگ بنای هویت را می‌توان در مفهوم «خود» جستجو کرد. اولین معنای آن، بیانگر مفهوم تشابه مطلق است و دومین معنای آن، به مفهوم تمایز اشاره دارد که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد؛ بنابراین مفهوم هویت به‌طور هم‌زمان میان افراد و اشیا دو نسبت محتمل را برقرار می‌سازد؛ از یک طرف شباهت و از طرفی تفاوت (جنکینز، ۱۳۸۱، ص ۵).

اریکسون به‌عنوان نظریه‌پرداز هویت، تحول انسانی را در هشت مرحله توصیف می‌کند و بر اهمیت هویت «من» در نوجوانی تأکید دارد. او هویت را به‌عنوان انسجام درونی و یکسانی در طول زمان تعریف می‌کند که از طریق تعامل فرد با واقعیت اجتماعی و هماهنگی میان تصویر خود و انتظارات دیگران شکل می‌گیرد. اریکسون وفاداری را به‌عنوان فضیلت مرتبط با هویت می‌داند و تعهد به ارزش‌ها و عقاید را اساس هویت و یکی از وظایف کلیدی نوجوانی تلقی می‌کند (Erikson, 1956).

مارسیا^۱ (۲۰۰۷) هویت را با دو روند اصلی تعریف می‌کند: بحران و تعهد. بحران دوره‌ای از جستجوی هویت است که فرد درباره تقلیدهای گذشته، نقش‌ها و آرمان‌ها تأمل کرده و شکل‌های گوناگون هویت را آزمایش می‌کند. تعهد به تصمیم‌گیری‌های به نسبت پایدار در زمینه‌های هویتی و جهت‌دهی تلاش‌ها اشاره دارد. مارسیا با ترکیب وجود یا عدم بحران و تعهد، چهار پایگاه هویت را تعیین کرده است:

هویت موفق^۲: پایگاه فردی است که دوره‌ای از بحران را در پی یافتن نگرش‌های

1. Marcia

2. Identity Achievement

شخصی تجربه کرده و تعهداتی را به وجود آورده است. در این مرحله، فرد میان نیازهای درونی و خواست‌های اجتماعی، سازش برقرار می‌کند.

هویت دیررس (مهلت‌خواه)^۱: پایگاه فردی است که در حال حاضر در بحران است و جستجوی فعال و پرسش‌گری عمیق را در زمینه هویت تجربه می‌کند، اما هنوز به تعهداتی نرسیده است.

هویت زودرس^۲: پایگاه فردی است که بدون داشتن دوره‌ای از بحران و جستجو، تعهداتی را پذیرفته است که اساس آنها، تقلید و همانندسازی‌های دوران کودکی و ارزش‌های والدین است.

هویت مغشوش (سر در گم)^۳: این پایگاه به فردی اشاره دارد که نه دوره‌ای از بحران هویت را تجربه کرده و نه به تعهداتی رسیده است. او ممکن است در گذشته جستجوی هویت داشته، اما در حل آن توفیق نداشته و اکنون نیز نگرانی یا دل‌مشغولی در این زمینه ندارد.

مارسیا اعتقاد دارد که ساختار هویتی که به‌خوبی شکل گرفته باشد، انعطاف‌پذیر است و در برابر تغییرات اجتماعی و روابط، باز و گشوده است. این گشودگی موجب می‌شود که سازمان‌دهی‌های مجدد فراوانی در محتوای «هویت من» فرد در طول زندگی انجام گیرد. هویت از حوزه‌های کلیدی و مورد توجه در فضای مجازی است. در ارتباط میان افراد، اولین مسئله ضروری برای درک و ارزیابی کامل یک تعامل، توجه به هویت آنان است؛ اما در دنیای مجازی این هویت مبهم و بسیاری از نشانه‌های شخصیتی و نقش اجتماعی که در فضای مجازی نمایان می‌شود با جهان فیزیکی واقعی تطابق ندارد (Donahue, & Benson, 1995, p. 1) (دوناس، ۱۹۹۸، ص ۱). فضای مجازی با مقوله شناوری هویت‌ها عجین است.

۲-۴. نوجوان

روان‌شناسان در زمینه تعریف نوجوانی اتفاق نظر ندارند، اما به‌طور کلی می‌توان گفت

1. Moratorium

2. Foreclosure

3. Diffusion

نوجوانی دوره‌ای است بین کودکی و بزرگسالی که طول مدت آن بر حسب فرهنگ‌ها و محیط‌های مختلف، متفاوت است و حدوداً از ۱۱ تا ۲۰ سالگی ادامه دارد (نجفی علمی، ۱۳۸۹). در دستورالعمل‌های مراقبتی، گروه سنی نوجوان در بازه ۵ تا ۱۸ سال قرار داشته (ترابی و همکاران، ۱۴۰۰) و سازمان بهداشت جهانی، دوران نوجوانی را بین ۱۰ تا ۱۹ سالگی تعریف می‌کند (WHO, 2023).

۵. نتایج تحلیل مضمون و یافته‌های تحقیق

در کدگذاری اولیه بیش از ۱۱۲ مضمون غنی (از حیث محتوایی) در خصوص پرسش اصلی تحقیق استخراج شد. طی سه مرحله مقوله‌بندی، مقوله اولیه، میان مقوله و کلان مقوله در نهایت ذیل محور علل و زمینه‌های مربوط به علل و زمینه‌های چالش هویت‌یابی نوجوان ناشی از ناکارآمدی زیست‌بوم دو کلان مقوله قرار گرفت و ذیل این دو مورد در مجموع ۱۴ میان مقوله دسته‌بندی شده است. در ادامه ضمن تبیین علل دوگانه چالش هویتی نوجوان، به مقولات میانی ذیل آن پرداخته می‌شود.



نمودار - شبکه مضامین علل و زمینه‌های چالش هویت‌یابی نوجوان
ایرانی معاصر با تأکید بر علل غیررسانه‌ای

زیست‌بوم هویت‌یابی نوجوان ایرانی، با چالش‌های متعددی روبروست. این عوامل نقش بسیار مهمی در چالش هویت‌یابی نوجوان دارند که مربوط به ناکارآمدی و نقایص نهادهایی است که پیش از گسترش رسانه‌های نوین هویت‌بخشی را بر عهده داشته‌اند.

مجموعه این عوامل قابل بررسی در دو بعد هستند. یک بعد آن مربوط به زیست‌بوم نوجوان در فضای درون‌مرزی و ملی است. بعد دیگر مسئله مربوط به عوامل فراملی و نظام تحولات جهانی است که فارغ از زیست‌بوم هویت‌یابی ملی و ناکارآمدی‌های آن، تأثیرات و تبعات خود را بر کل جهان بشری گذاشته است و هویت‌یابی نوجوانان را با چالش مواجه کرده است.

۵-۱. ناکارآمدی و نقایص زیست‌بوم ملی هویت‌یابی

یکی از مجموعه علل مهم در چالش‌های هویتی نوجوانان ناکارآمدی زیست‌بوم ملی هویت‌یابی در جامعه ایران است. بخش عمده این زیست‌بوم شامل نهادهای سنتی مانند دین، خانواده، مدرسه، اقتصاد و گروه‌های اجتماعی است که پیش از این نقش کلیدی در شکل‌دهی به هویت نوجوانان داشتند؛ اما اکنون با ضعف‌ها و کاستی‌هایی روبرو هستند که نتوانسته‌اند نیازهای جدید نسل نوجوان را به‌خوبی درک و پاسخ دهند و به‌طور مؤثر در شکل‌گیری هویت نوجوانان ایفای نقش کنند. این عوامل به ایجاد بحران‌های هویتی در میان نوجوانان دامن زده است.

در ادامه به مقولات استخراج شده در زمینه ناکارآمدی و نقایص زیست‌بوم ملی هویت‌یابی پرداخته می‌شود:

۵-۱-۱. تأثیرات نامطلوب معاشران و همسالان

معاشران و همسالان یکی از رکن‌های کلیدی زیست‌بوم نوجوانان هستند و تعاملات آن‌ها می‌تواند تأثیرات مثبت یا منفی بر رشد شخصیت و توسعه هویت نوجوانان داشته باشد. تمایل به انطباق با انتظارات گروه و پذیرش در این جمع‌ها ممکن است نوجوانان

را وادار کند تا ارزش‌ها و هنجارهای خود را که بخشی از هویتشان است، نادیده بگیرند. این تعاملات می‌تواند منجر به بروز رفتارهای ناسالم و ناهنجار شود؛ همچنین، مقایسه‌های اجتماعی و احساس ناکافی بودن در این روابط می‌تواند هویت نوجوانان را تحت الشعاع قرار دهد و عزت نفس و اعتماد به نفس آن‌ها را کاهش دهد. در این زیست‌بوم، نوجوانان به شدت تحت تأثیر نظرات و رفتارهای همسالان خود قرار دارند و این تأثیرات نامطلوب می‌تواند بر تصویر خودشان تأثیر گذاشته و آن‌ها را دچار بحران هویتی کند. گزاره مرتبط با این مقوله:

- امروزه معاشران و همسالان تأثیر نامطلوبی در هویت‌یابی نوجوان دارند (امین‌پور، ۱۳۹۰). در پژوهش‌های انجام‌شده، به این موضوع پرداخته شده است که نوجوانان با عدم قطعیت زیادی در مورد هویت و رفتار خود مواجه هستند و به شدت به همسالان خود برای تثبیت احساساتشان روی می‌آورند (Hogg et al., 2011). والدین غالباً نگران تأثیر منفی همسالان بر فرزندانشان هستند و از احتمال رد ارزش‌ها و باورهای خانوادگی و فشار برای رفتارهای خطرناک نگرانند. با این حال، تأثیر همسالان پیچیده‌تر از تصورات کلیشه‌ای درباره تأثیرات منفی دوستان است (Rosario Guzman, 2007).

۵-۱-۲. تأثیرات نامطلوب گروه‌های مرجع

گروه‌های مرجع به مجموعه‌ای از گروه‌ها اطلاق می‌شود که افراد در تعاملات خود به آن‌ها توجه کرده و ارزش‌ها، رفتارها و سبک زندگی‌شان را به عنوان الگو و راهنما در نظر می‌گیرند؛ چرا که این گروه‌ها در میان مردم مقبولیت بیشتری دارند. در حال حاضر، با تنوع و تعدد گروه‌های مرجع مواجه هستیم. ارتباطات افراد با این گروه‌ها نیز از حالت یک‌سویه به رابطه‌ای دوسویه تغییر یافته است. در سال‌های واپسین، جایگاه گروه‌های مرجع در ایران دستخوش تغییراتی شده است. سیر تحول مرجعیت اجتماعی در دهه‌های گذشته از گروه‌های مرجع سنتی مانند روحانیون، دانشگاهیان، روشنفکران و نخبگان سیاسی به سمت نخبگان عمومی‌پسندتر مانند ورزشکاران، هنرمندان و چهره‌های رسانه‌ای (سلبریتی‌ها) حرکت کرده است. نوجوانان به شدت تحت تأثیر هنجارها و

ارزش‌های این گروه‌ها قرار می‌گیرند که چه بسا با رفتارها و نگرش‌های هویتی آنان ناسازگار باشند.

گزاره مرتبط با این مقوله:

- باید توجه داشت که گروه‌های مرجع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز تاثیر نامطلوبی در هویت‌یابی نوجوان دارند (امین‌پور، ۱۳۹۰).

در تحقیقی اشاره شده است که گروه‌های مرجع می‌توانند هویت و ادراک فرد را، بیشتر به شکل منفی، با تقویت مقایسه‌های غیرواقعی شکل دهند (Gordon, et. al, 1978). در این شرایط، نوجوان با انتظارات غیر واقعی روبرو می‌شود که او را به رقابت‌های اجتماعی وادار می‌کند و در صورت عدم موفقیت، ممکن است به انزوای اجتماعی دچار شود؛ همچنین، گروه‌های مرجع ممکن است نوجوانان را به پذیرش ایدئولوژی‌هایی وادار کنند که با باورهای هویتی آنان در تضاد است. این مسائل می‌تواند منجر به سردرگمی هویتی نوجوانان شود و تلاش آن‌ها تنها معطوف به هم‌خوانی با انتظارات این گروه‌ها گردد.

۵-۳. شکاف و انقطاع بین نسلی

شکاف بین نسلی به تعارض و بحران در انتقال فرهنگی میان نسل‌ها اشاره دارد که باعث بروز اختلاف در ارزش‌ها و هنجارها میان والدین و فرزندان می‌شود. این تغییر به ویژه در زمان دیجیتال به دلیل دسترسی آسان نوجوانان به اطلاعات و تجربیات متنوع است که به آن‌ها امکان می‌دهد با فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی مختلف آشنا شوند و از مرزهای سنتی خانواده و جامعه فراتر روند. این امر منجر به شکل‌گیری هویت‌های چندگانه و پیچیده‌تری در نوجوانان می‌شود که ممکن است با ارزش‌ها و باورهای نسل‌های قبلی در تضاد باشد.

گزاره مرتبط با این مقوله:

- شکاف و انقطاع ارتباط بین‌نسلی فرایند هویت‌یابی نوجوان امروز را با بحران جدی مواجه کرده است (علی جانباز، مصاحبه شفاهی، ۱۴۰۲).

در تحقیقی اشاره شده است که این پدیده تا پیش از این در جامعه ایران به عنوان

یک موضوع جدی مطرح نبوده و تداوم الگوهای فکری مشابه در طول نسل‌ها از بروز فاصله و درگیری‌های بین نسلی جلوگیری کرده است. برخی جامعه‌شناسان این ناپیوستگی را ناشی از شکاف میان سنت و مدرنیته می‌دانند (Najafiasl, 2015).

۴-۱-۵. ریشه‌های تاریخی، ادبی، زبانی، قومی و خانوادگی در شکل‌گیری هویت

هر ملتی در طول تاریخ خود تحولات اجتماعی متعددی را تجربه می‌کند که هویت جمعی‌اش را شکل می‌دهد و افراد را به حفظ میراث فرهنگی ترغیب می‌کند. ادبیات به عنوان ابزاری برای بیان باورها و احساسات جامعه، نقش مهمی در ایجاد هویت فرهنگی دارد. زبان نه تنها وسیله‌ای برای ارتباط، بلکه حامل فرهنگ و هنجارهای اجتماعی است و زبان‌های محلی احساس تعلق به هویت فرهنگی را تقویت می‌کنند. هویت قومی، که فراتر از زبان و ادبیات است، در چالش‌های اجتماعی به عنوان منبع قدرت عمل می‌کند. باین حال، هویت ایرانی-اسلامی به عنوان هویت مطلوب نوجوانان ایرانی با چالش‌هایی مواجه است.

گزاره مرتبط با این مقوله:

- بخشی از چالش هویت‌یابی در ایران به ریشه‌های تاریخی، زبانی، قومی و فرهنگی کشور (از جمله تفاوت زبان رسمی و زبان مذهبی) برمی‌گردد (مهدی علیزاده، مصاحبه شفاهی، ۱۴۰۲).

در پژوهشی اشاره شده است که زمینه‌های تاریخی هویت از طریق خاطرات جمعی و پویایی فرهنگی شکل می‌گیرند و به تدریج از شناسایی مبتنی بر خویشاوندی به هویت‌های پیچیده‌تری مانند ملی و قومی تبدیل می‌شوند. ادبیات نقش مهمی در این فرایند دارد؛ زیرا روایات معمولاً نمایانگر مبارزات و آرزوهای افرادی هستند که در تلاشند هویت خود را در مواجهه با فشارهای اجتماعی تعریف کنند (Herzberger, 1998).

۵-۱-۵. ضعف نهاد خانواده در هویت‌بخشی به نوجوان

یکی از مهم‌ترین زیست‌بوم‌های هویت‌یابی نوجوانان، نهاد خانواده است. خانواده به

عنوان یک نهاد کلیدی، ارزش ها و الگوهای رفتاری را به فرزندان منتقل می کند. حمایت های عاطفی از جمله ارکان اساسی برای جلوگیری از سردرگمی هویتی نوجوانان به شمار می رود که محیط امن خانواده آن را فراهم می آورد. متأسفانه در سال های واپسین، ارتباط مؤثر میان فرزندان و خانواده ها به تدریج کاهش یافته است و نوجوانان برای تأمین محبت و توجهی که نیاز دارند، به منابع دیگری غیر از خانواده روی می آورند. این وضعیت موجب می شود که هویت نوجوانان در زمینه های دیگری شکل بگیرد. گزاره مرتبط با این مقوله:

- ضعف نهاد خانواده در هویت بخشی به نوجوان، هویت یابی نوجوان را با چالش مواجه کرده است (محسن باقری، مصاحبه شفاهی (۱۴۰۲)؛ نعمتی و همکاران (۱۴۰۱)).
- در یک پژوهش بیان شده است که اعطای هویت فرضی تحت عنوان «روند شناسایی» به تأثیرات والدین بستگی دارد و برای تعیین هویت نوجوانان بسیار حیاتی است. با این حال، پویایی ناکارآمد در خانواده می تواند مانع از پیشرفت این فرایند شود (Moguillansky, 2013).

۵-۱-۶. ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش در هویت بخشی به نوجوانان

مدرسه به عنوان یک زیست بوم فرهنگی نقش مهمی در هویت یابی نوجوانان دارد. اجزای مختلف نهاد مدرسه، از نظام آموزشی و تربیتی تا جو و بافت آن، به طور مستقیم بر هویت دانش آموزان تأثیر می گذارند. برنامه های درسی به طور عمده بر انتقال اطلاعات علمی تمرکز دارند و به مسائل اجتماعی و عاطفی که بر هویت نوجوانان تأثیر می گذارد، کمتر توجه می کنند؛ همچنین، محیط های آموزشی به طور معمول فضایی برای ابراز خلاقیت و خود آگاهی فراهم نمی کنند و این امر مانع رشد هویت فردی و اجتماعی دانش آموزان می شود. نبود آموزش های مناسب در زمینه مهارت های زندگی، نوجوانان را در مواجهه با چالش های هویتی ناتوان می سازد.

گزاره مرتبط با این مقوله:

- نهادهای رسمی هویت بخشی به خصوص نظام تعلیم و تربیت کشور ناکارآمد بوده و دارای کاستی های است (صفری شالی و عبدمولایی، ۱۳۹۴).

تحقیقات نشان داده‌اند که در طول سال‌های تحصیلی، نوجوانان یاد می‌گیرند که خود را در زمینه تحصیل و آموزش قرار دهند و اهمیت نهادهای آموزشی را برای شکل‌گیری هویت خود درک کنند... (Negru-Subtirica, 2024). بسیاری از مدارس به‌ویژه برای دو سوم نوجوانان، ناکارآمد و حتی ویرانگر هستند. نوجوانان معمولی تنها با مواجهه با چالش‌های واقعی زندگی، مانند کار و جنسیت، می‌توانند خود را پیدا کنند و رشد کنند. ارائه محتوای درسی تکراری و تقلیدی به آن‌ها بی‌فایده است و مدارس به نوعی به «قبرستان‌های آرزوها» تبدیل شده‌اند (Crittenden, 1981).

۵-۱-۷. ضعف نهاد اقتصاد

الگوی درآمدزایی متناسب با زیست‌جهان نسل نو در حال تغییر است و این تحول می‌تواند تأثیرات عمیقی بر فرایند هویت‌یابی آن‌ها بگذارد. پرسش از «من کیستم؟» به طور فزاینده‌ای به پرسش «من چه کاره‌ام؟» نزدیک می‌شود. احساس بی‌عدالتی و نارضایتی اقتصادی می‌تواند نوجوانان را به کنشگری‌های سیاسی و اجتماعی علیه نظام حاکم سوق دهد. این حس محرومیت نه تنها موجب کاهش اعتماد به نفس و خودباختگی در هویت فردی آن‌ها می‌شود، بلکه نبود امکانات لازم برای توسعه فردی و دسترسی به تفریح و آموزش، منجر به انزوا و چالش‌های هویتی نیز می‌گردد.

گزاره‌های مرتبط با این مقوله:

- الگوی نامطلوب اقتصاد خانواده‌ها و اشتغال هر دوی والدین توان هویت‌سازی نهاد خانواده و توان خودباوری نوجوانان را با چالش‌های جدی مواجه کرده است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۸).
- الگوی اشتغال و درآمدزایی با گسترش فضای مجازی در حال تغییرات و تحولات جدی بوده، به گونه‌ای که پیشرفت پله‌ای مبتنی بر تجربه و تخصص جایگاه خود را از دست داده و سن ورود به بازارهای دیجیتال بسیار کاهش یافته است (سید محمد کاظمی، مصاحبه شفاهی، ۱۴۰۲).

- پول فاقد قدرت در کشور می تواند تأثیرات عمیق و منفی بر هویت نوجوانان داشته

باشد (سید محمد کاظمی، مصاحبه شفاهی، ۱۴۰۲).

پژوهش ها نشان می دهند که نوجوانان در غیاب الگوهای مثبت و ارزش های اجتماعی، مستعد پذیرش هویت های انحرافی اقتصادی هستند (Alexandrova, et al., 2020)؛ همچنین، شرایط اقتصادی مانند فقر، فرصت ها را محدود کرده و ننگ اجتماعی ایجاد می کند که شکل گیری هویت را پیچیده تر می کند. (Phillips & Pittman, 2003).

۵-۸. ضعف کارآمدی نهاد دین در هویت بخشی به نوجوانان

نهاد دین یکی از ارکان مهم در هویت بخشی به نوجوانان است. ناکارآمدی این نهاد می تواند منجر به سردرگمی و عدم ثبات در ارزش ها و باورهای نوجوانان شود. یکی از دلایل اصلی جستجوی هویت در منابع نامناسب، کم کاری نهاد دین در پاسخ به نیازهای روانی و اجتماعی نوجوانان است. مدرنیته چالش های جدیدی را در این زمینه ایجاد کرده و نبود توجه به پرسش های عمیق فلسفی و عدم ارائه پاسخ های مناسب، نوجوانان را از نهاد دین دور کرده است. این امر باعث می شود که آن ها به گروه ها و ایدئولوژی هایی روی بیاورند که ممکن است با ارزش های بنیادین جامعه شان در تضاد باشد و در نتیجه دچار بحران هویت شوند.

گزاره های مرتبط با این مقوله:

- ضعف در رویکرد اسلامی، ضلع ناکارآمد دیگر نهادهای سنتی در هویت یابی را

تشکیل می دهند (فرهاد فلاح، مصاحبه شفاهی، ۱۴۰۲).

- ضعف گروه ها و مراجع دینی در مواجهه با جهانی سازی فرهنگ مدرن از جمله

علل چالش هویت یابی نوجوانان است (رفیعی حصار و سلیمانی، ۱۳۹۶).

پژوهش ها نشان می دهند که دین و معنویت نقش مهمی در شکل دهی ارزش ها و کمک به نوجوانان در معنادادن به تجربیات روزمره دارند، که این امر بر نتایج رفتاری، آموزشی و روان شناختی آن ها تأثیر می گذارد (Cleveland & Martin, 2024)؛

همچنین، مشخص شده است که سطح دینداری در سال‌های نوجوانی به طور متوسط کاهش می‌یابد (Donahue & Benson, 1995).

۹-۱-۵. تأثیرات منفی فضای شهری در هویت بخشی

حس تعلق به مکان، زمانی بر افراد رخ می‌دهد که فضاهای عمومی دارای روح و جان باشند تا احساس جدایی و بیگانگی نکنند. این گزاره تجربه زیسته افراد مختلفی است که در مکان‌های مذهبی چون حرم‌های مطهره و مساجد حضور داشته‌اند. بافت اقتصادی و اجتماعی کلان‌شهرها، به ویژه نابرابری‌های اجتماعی و توزیع ناعادلانه امکانات، بر هویت فرهنگی و جمعی تأثیر می‌گذارد. فضاهای شهری می‌توانند از طریق فرایندهایی مانند ننگ‌زدن ارضی و خصوصی‌سازی بر هویت تأثیر بگذارند و این موضوع به کاهش احساس تعلق در ساکنان، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای منجر می‌شود.

گزاره مرتبط با این مقوله:

- آلودگی‌های زیست‌محیطی خود باعث کاهش کیفیت زندگی است و تأثیر نامطلوبی بر هویت اجتماعی افراد دارد. فضاها و کالبد‌های شهری تأثیرات منفی در هویت‌یابی نوجوان دارند (سیدمحمد کاظمی، مصاحبه شفاهی، ۱۴۰۲).
- در تحقیقی بیان شده است که ننگ‌زدن سرزمینی بر هویت ساکنان با ارتباط دادن آنها با برداشت‌های منفی از محله‌هایشان تأثیر می‌گذارد، که می‌تواند منجر به طرد اجتماعی و از دست‌دادن غرور جامعه شود (Slater, et al., 2014).

۱۰-۱-۵. الگوی حکمرانی ناسازگار با هویت‌یابی صحیح

الگوی توسعه کنونی کشور که شباهت زیادی به کشورهای غربی دارد، چالش‌هایی در هویت‌یابی نوجوانان ایجاد کرده است. این نوجوانان با مواجهه با تناقض‌های نظری و عملی، دچار خود باختگی فرهنگی می‌شوند و جهانی‌سازی را بدون تفکیک می‌پذیرند. حکمرانی ناسازگار با هویت‌یابی صحیح، نه تنها ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی را فراموش می‌کند، بلکه ممکن است به بحران هویتی در جامعه منجر

شود. سیستم مدیریتی که بر سیاست‌های یکسان‌سازی و جهانی‌سازی تأکید دارد، به تنوع فرهنگی و هویتی توجه کافی نداشته و موجب نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود.

گزاره مرتبط با این مقوله:

- همخوان نبودن الگوی توسعه در کشور با مبانی فکری و دینی هویتی، هویت‌یابی نوجوان را دچار چالش می‌کنند (امین‌پور، ۱۳۹۰).

در یک پژوهش اشاره شده است که دولت می‌تواند حکمرانی اقتدار سیاسی را تکه‌تکه کند و این موضوع باعث می‌شود که اشکال سنتی هویت سیاسی و شهروندی پیچیده‌تر شود و در نتیجه ارتباط فرد با بافت‌های اجتماعی قطع گردد (Jose, 2010).

۵-۲. نظام جهانی تحولات فرهنگی و شبکه‌های تولید و توزیع جهانی

جهانی‌شدن و تحولات نظام فرهنگ جهانی، امروزه یکی از مهم‌ترین مسائل فرهنگی کشورهای جهانی است. امروزه جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری و هویت‌یابی در سراسر جهان، تحت تاثیر عامل بسیار مهمی تحت عنوان نظام جهانی تحولات فرهنگی و شبکه‌های تولید و توزیع جهانی محتوای رسانه‌ای و هویت‌ساز قرار گرفته است. چنان‌چه در قبل گفته شد عوامل غیررسانه‌ای و فارغ از فضای مجازی که در زیست واقعی نوجوان هویت او را دچار چالش می‌کنند، از دو بعد قابل بررسی هستند. بعد اول که مربوط به زیست‌بوم هویت‌یابی نوجوان در فضای ملی بود گذشت. بعد دوم این عوامل مربوط به عوامل فراملی و نظام تحول جهانی است. در موارد پیش‌رو به این عوامل پرداخته می‌شود.

۵-۲-۱. جهانی‌شدن فرهنگ و تهاجم فرهنگی

پذیرش بی‌قید و شرط فرهنگ جهانی توسط بخشی از جامعه می‌تواند تبعات قابل توجهی داشته باشد، به ویژه در نادیده‌انگاری هویت ایرانی اسلامی که ریشه در دین و مرزهای سرزمینی دارد. این وضعیت چالش‌های هویتی متعددی را به وجود می‌آورد و

منجر به غرق شدن برخی افراد در فرهنگ جهانی می‌شود؛ جایی که تبادل و تعامل فرهنگی به حداقل می‌رسد و امکان گفت‌وگو از میان می‌رود. در چنین فضایی، افراد به گروه‌های بسته‌ای تقسیم می‌شوند که تنها به ارزش‌ها و باورهای خود پایبند هستند، که این امر مانع از فهم متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز می‌شود. جهانی سازی فرهنگی، با ترویج یک فرهنگ استاندارد و غالب، مفهوم «دهکده جهانی» را به میان می‌آورد و موجب تبادل باورها و سنت‌ها می‌شود. این فرایند منجر به شکل‌گیری فرهنگ‌های هیبریدی می‌شود که ارزش‌ها و سنت‌های محلی را به چالش می‌کشد و ممکن است افراد را دچار بحران هویتی کند. در نتیجه، هویت‌های فرهنگی جدیدی شکل می‌گیرد که تمایزات سنتی را زیر سؤال می‌برد و هویت‌یابی نوجوانان را با چالش‌هایی مواجه می‌کند.

گزاره‌های مرتبط با این مقوله:

- انتقال فرهنگی حاصل از فرایندهای جهانی شدن می‌تواند به انسداد و گره‌خوردگی فرهنگ داخلی منجر شود (توانا و هاشمی اصل، ۱۳۹۴).
- این امر باید مورد توجه قرار گیرد که فرهنگ با تأثیرات ناخواسته و ناساخته‌ای مواجه است (کوچکرائی و دیگران، ۱۳۹۷).
- انقلاب فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی، تعامل و تأثیر و تأثر فزاینده میان فرهنگ‌ها را در پی داشته است (توانا و هاشمی اصل، ۱۳۹۴).
- در راستای انطباق با فرهنگ جهانی، ریشه‌های فرهنگی افراد بریده شده و احساس تعلق به هویت‌های محلی از بین برود. با توجه به انفعال و عدم بازتولید فرهنگ درون (امین‌پور، ۱۳۹۰).

تحقیقات نشان می‌دهد که انسداد فرهنگی می‌تواند منجر به شکل‌گیری هویت‌های انحصاری و در نتیجه تفکیک عاطفی و زندگی‌های موازی شود. این وضعیت مانع از توسعه حس مشترک شهروندی می‌شود و امکان بیان هویت‌های متنوع را محدود می‌کند (Kolig, 2007). جهانی شدن تأثیرات عمیقی بر هویت فرهنگی دارد و ادراکات را تغییر می‌دهد و تبادل فرهنگی را تسهیل می‌کند. این فرایند فرهنگ‌های محلی را غنی می‌کند، اما همچنین هنجارهای سنتی را به چالش می‌کشد و

به ظهور اشکال فرهنگی ترکیبی و ترکیب عناصر محلی و جهانی منجر می‌شود (Kerubo, 2024). ترکیب فرهنگ‌ها و هویت‌های جدید ناشی از این فرایند، تصورات سنتی درباره مرزهای فرهنگی را زیر سؤال می‌برد و ماهیت پویا و تعاملی فرهنگ را نمایان می‌سازد (Moslund, 2024).

۵-۲-۲. زنجیره تأمین ارزش جهانی تولید و توزیع محتوای هویت‌ساز و تضعیف

هویتی کشورهای جنوب ارتباطی

کشورهای کمتر توسعه‌یافته، به‌ویژه آن‌هایی که در زمینه ارتباطات ضعیف هستند، در دوران پس از انقلاب ارتباطی به شدت تحت تأثیر فرهنگ‌های کشورهای توسعه‌یافته قرار می‌گیرند. کشورهای جنوب ارتباطی به کشورهای اطلاق می‌شود که به دلیل ضعف زیرساخت‌های رسانه‌ای، محدودیت‌های دسترسی به اطلاعات و چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، در برقراری ارتباطات مؤثر و تبادل تجربیات با یکدیگر و جهان با مشکلات جدی مواجه‌اند. این وضعیت موجب ناتوانی در بازخوانی هویتی ملت‌ها می‌شود و فرهنگ‌های غیر بومی به‌ویژه برای نوجوانان و جوانان به‌طور مداوم القا می‌شود. ضعف در این زمینه معادل خودباختگی هویت ملی- فرهنگی است و باورها و ارزش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای تقویت موقعیت این کشورها، ضروری است که زیرساخت‌های ارتباطی توسعه یابد و توانمندی‌های محلی ترویج شود تا بتوانند در عرصه جهانی تأثیرگذارتر باشند و هویت مطلوب خود را بازخوانی کنند.

گزاره مرتبط با این مقوله:

- به‌طور کلی، این کشورها در عرصه رسانه و ارتباطات تأثیرگذاری کمتری دارند و بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰).

در پژوهشی اشاره شده است که کشورهای با ارتباطات ضعیف ممکن است به‌راحتی در حاکمیت جهانی به حاشیه رانده شوند و فاقد توانایی لازم برای تأثیرگذاری بر تصمیماتی باشند که به‌طور مستقیم بر زندگی و آینده آن‌ها تأثیر می‌گذارد (Choer Moraes, 2019).

۵-۲-۳. صنعتی شدن مقوله فرهنگ

نظام جهانی در پی ایجاد یک فرهنگ جهانی واحد از طریق فرایند جهانی سازی است که الگوهای مصرف فرهنگی را تحت تأثیر قرار می دهد. صنعتی شدن به عنوان یک پدیده فرهنگی، فرهنگ جهانی استاندارد را ترویج می کند که ایدئولوژی خاص خود را دارد و تأثیرات عمیقی بر جوامع مختلف می گذارد. این تحولات به ویژه در صنعت مد و سرگرمی نمایان می شود و یک اکوسیستم فرهنگی پیچیده را شکل می دهد که بر هویت افراد تأثیر می گذارد و چالش هایی را برای آن ها ایجاد می کند.

این تغییرات در دو سطح بروز می یابد: در لایه های درونی، به شکل باورها و ارزش ها و در لایه های بیرونی، در قالب سبک زندگی و رفتارهای اجتماعی افراد. صنعتی شدن نه تنها ساختار فرهنگی جوامع را تغییر می دهد؛ بلکه چالش هایی را برای حفظ هویت های فرهنگی و اجتماعی به وجود می آورد. جوامع با فشارهای ناشی از فرهنگ جهانی استاندارد شده روبه رو هستند که می تواند منجر به تضعیف هویت های محلی و سنتی شود. تکنولوژی های پیشرفته و تولید انبوه نیازهای جدید مصرفی را ایجاد کرده اند و فرهنگی صنعتی شکل گرفته است که ویژگی های خاص خود را دارد. این تحولات تضادهایی میان هویت های ملی فرهنگی و هویت های تحمیل شده توسط صنعت فرهنگ به وجود می آورد.

گزاره های مرتبط با این مقوله:

- در عصر حاضر، شاهد توسعه صنایع چهارگانه مد، تجملات، شایعات و سرگرمی در فضای مجازی هستیم (محمدرضا برزویی، مصاحبه شفاهی، ۱۴۰۲).
- فضای مجازی نیز در این بین بستری برای افزونگی صنعتی شدن مقوله فرهنگ است (کوچکرانی و دیگران، ۱۳۹۷).

تحقیقات نشان می دهد که تسلط رسانه های جهانی و فرهنگ مصرف کننده به فرسایش هویت های منحصر به فرد منجر شده و جهانی شدن تهدیدی برای همگن سازی

فرهنگی است (Kerubo, 2024). افراد با الهام از تصاویری ایده‌آل از تولیدات فرهنگی، هویت خود را شکل می‌دهند و وجود خود را اسطوره‌ای می‌کنند. این فرایند به آن‌ها اجازه می‌دهد تا حسی از خود بسازند که با هویت‌های رسانه‌ای هم‌راستا باشد، و بدین ترتیب، تمایل به پذیرش مسئولیت هویت خود و اسطوره‌سازی وجودشان تسهیل می‌شود (David, 2012).

۴-۲-۵. گسترش گفتمان فکری و فرهنگی پست‌مدرن و تضعیف سازه‌های پایه‌ای هویت

از اواخر سده بیستم، مفاهیم و ساختارهای سنتی با چالش‌های جدی مواجه شدند که به دوران پست‌مدرن معروف است. در این دوره، تأکید بر نسبیت حقیقت و چندگانگی هویت‌ها به‌عنوان ویژگی‌های بارز شناخته می‌شود. اندیشمندان پست‌مدرن مانند میشل فوکو و ژاک دریدا به تحلیل قدرت و زبان پرداخته و نشان داده‌اند که دانش و حقیقت تحت تأثیر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی قرار دارند. دوران پست‌مدرن تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری هویت انسانی داشته و هویت دیگر به‌عنوان ساختاری ثابت در نظر گرفته نمی‌شود؛ بلکه به‌عنوان پدیده‌ای پویا و متغیر شناخته می‌شود. این تنوع تجربیات به افراد اجازه می‌دهد هویت‌های چندگانه‌ای را تجربه کنند؛ اما در عین حال ممکن است موجب سردرگمی در تعریف خود شود. نوجوانان و جوانان در جستجوی هویت خود با چالش‌هایی مواجه‌اند، زیرا در دنیای پست‌مدرن هیچ روایت واحدی برای هویت وجود ندارد و هر فرد باید راه خود را برای تعریف خویش بیابد. این کثرت‌گرایی می‌تواند چالش‌هایی در فرایند هویت‌یابی نوجوانان ایجاد کند و آن‌ها را دچار تردید کند. جهانی شدن نیز عامل مهمی در واسازی هویتی و کمرنگ ساختن مرزها و تعینات هویتی است که به ناهویتی از خود و دیگری منجر می‌شود.

گزاره‌های مرتبط با این مقوله:

- هسته‌ی اصلی و دال مرکزی تحولات فرهنگی کنونی جهان، اندیشه‌های پست‌مدرن

و انتقادی است (محمدرضا برزویی، مصاحبه شفاهی، ۱۴۰۲).

- مهم ترین نتایج جهان بینی پست مدرنیسم، نسبیّت گرایی و عدم قطعیت است (توانا و هاشمی اصل، ۱۳۹۴).

در پژوهشی بیان شده است که پست مدرنیسم مفهوم «هویت سیال» را مطرح می کند، که در آن افراد تجربه ای از بی ثباتی و تکه شدن در حس خود را تجربه می کنند (Lemiasova, 2023).

نتیجه گیری

زیست بوم رشد و تعالی نوجوانان در فرایند هویت یابی آنها شامل دو فضای واقعی و مجازی است. تحقیق حاضر به بررسی علل و زمینه های واقعی زیست بوم نوجوانان می پردازد که هویت یابی آنها را با چالش مواجه کرده است. این علل از محیط واقعی که در آن رشد و هویت یابی نوجوانان صورت می گیرد ناشی می شود. مجموعه این عوامل را می توان در دو بعد بررسی کرد:

یک بعد، مربوط به زیست بوم نوجوانان در فضای درون مرزی و ملی است که شامل نهادهای سنتی می شود. بعد دیگر، به عوامل فراملی و نظام تحولات جهانی مربوط می شود که فارغ از زیست بوم هویت یابی ملی، تأثیرات و تبعات خود را بر کل بشریت گذاشته و هویت یابی نوجوانان را نیز به چالش کشیده است.

اگرچه هویت نوجوانان با رسانه ها و فضای مجازی ارتباط نزدیکی دارد و این عوامل نقش مهمی در این زمینه ایفا می کنند، اما در نظام جهانی، ارائه و توسعه هویت به یک چرخه تبدیل شده است و این عوامل هویت بخش، تصادفی و اتفاقی نیستند؛ بنابراین، این علل باید مستقل از تأثیر رسانه ها و فضای مجازی بر هویت نوجوانان مورد بررسی قرار گیرند.

حال تحقیق حاضر به بررسی واکاوی علل چالش هویتی یابی نوجوان دوفضایی ایران معاصر با تأکید بر عوامل غیر رسانه ای پرداخت که در کدگذاری اولیه، ۱۱۲ مضمون غنی استخراج شده است. این مضامین در سه مرحله مقوله بندی به دو کلان

مقوله اصلی دسته‌بندی شده‌اند که شامل ناکارآمدی و نقایص زیست‌بوم هویت‌یابی ملی و نظام جهانی تحولات فرهنگی و شبکه‌های تولید و توزیع جهانی می‌شود.

در کلان مقوله ناکارآمدی و نقایص نهادهای سنتی هویت‌یابی نوجوان به ضعف نهادهایی مانند خانواده و نظام تعلیم و تربیت اشاره دارد که نمی‌توانند نیازهای جدید نسل جوان را درک و پاسخ دهند. در کنار توجه به ریشه‌های تاریخی، ادبی، زبانی، قومی و خانوادگی در شکل‌گیری هویت، نبود رویکرد اسلامی در فرایندهای هویت‌سازی و ضعف کارآمدی نهاد دین، فرایند هویت‌یابی را مخدوش کرده است. عوامل مختلفی از جمله تأثیر منفی گروه‌های مرجع، معاشران و همسالان، فضاهای شهری و ضعف ارتباطات بین‌نسلی، بحران‌های هویتی را تشدید کرده است. نقش حاکمیت و الگوی حکمرانی به عنوان عامل تعیین‌کننده در هویت‌یابی نوجوانان مطرح است. ضعف نهاد اقتصادی و پول فاقد قدرت، الگوی نامطلوب اقتصادی خانواده در کنار همخوان نبودن الگوی توسعه کشور و مبانی فکری و دینی هویتی، چالش‌های جدی برای نوجوانان ایجاد کرده است.

در کلان مقوله دیگر جهانی‌شن و تحولات نظام فرهنگی جهانی به‌ویژه با ظهور فناوری‌های ارتباطاتی و شبکه‌های اجتماعی، تأثیرات عمیقی بر فرایندهای جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری و هویت‌یابی در سطح جهانی داشته است. این تحولات باعث افزایش تعامل میان فرهنگ‌ها و جهانی‌شدن فرهنگ شده است. کشورهای ضعیف از نظر ارتباطی و رسانه‌ای بیشتر تحت تأثیر محتوای رسانه‌ای خارجی قرار می‌گیرند و در نتیجه، هویت‌سازی آنها تحت الشعاع تولیدات خارجی قرار می‌گیرد. رسانه‌های جهانی با ترویج ارزش‌ها و سبک‌های زندگی غربی از طریق صنعتی شدن مقوله فرهنگ، نوجوانان را با دوگانگی‌های هویتی مواجه کرده‌اند. این وضعیت موجب شده است که نوجوانان در تلاش برای یافتن هویتی میان ارزش‌های سنتی و مدرن دچار سردرگمی شوند. در نهایت، اندیشه‌های پست‌مدرن و انتقادی به عنوان هسته مرکزی تحولات فرهنگی، نسبیت‌گرایی و عدم قطعیت را به ارمغان آورده و موجب واسازی هویتی

نوجوانان و کمرنگ شدن مرزها و تعینات هویتی می‌شود.

توجه به عوامل یادشده، نیاز به بازنگری در رویکردها و سیاست‌ها برای حمایت از فرایند هویت‌یابی نوجوانان را ضروری می‌سازد. برای مقابله با این چالش‌ها، لازم است که سیاست‌گذاران، خانواده‌ها، نظام آموزشی و نهادهای مرتبط با تربیت و هویت‌یابی نوجوانان، نقش خود را بازتعریف کنند و با بهره‌گیری از راهکارهای مؤثر، به نوجوانان کمک کنند تا در مواجهه با چالش‌های هویت‌یابی، هویتی پایدار و متعادل داشته باشند.

منابع

- ابراهیمی، معصومه؛ ساروخانی، باقر و میرزایی، خلیل. (۱۳۹۸). نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایجاد آشکال مقاومت نوجوانان در پذیرش هنجارهای خانوادگی. پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ۱۳ (۴۷) صص ۷-۳۴.
- اساتید و صاحب‌نظران مصاحبه‌شونده. (تیرماه ۱۴۰۲). مهدی‌علیزاده، حامد حاجی ملامیرزایی، حسن بوسلیکی، محمد شیخ‌الاسلامی، حمید رفیعی‌هنر، محمد قطبی، حسین رضایی، فرهاد فلاح، محمدرضا برزویی، سیدمحمدعلی غمامی، سیدمحمد کاظمی، سید محمدساجد هاشمی، مصطفی ضابط، علی جانباز، محسن باقری.
- امین‌پور، فاطمه. (۱۳۹۰). فرهنگ‌پذیری دینی و رسانه. مطالعات جوان و رسانه، ۱ (۲)، صص ۱۰-۳۷.
- ترابی، پریرسا؛ عبداللهی، زهرا؛ مینایی، مینا؛ صادقی قطب‌آبادی، فرزانه؛ زارعی، مریم؛ فلاح، حسین و نوبخت حقیقی، فرید (۱۴۰۰). بسته آموزشی تغذیه در برنامه تحول سلامت در نظام بهداشت ویژه پزشکان شاغل در مراکز خدمات جامع سلامت. قم: اندیشه ماندگار.
- توانا، محمدعلی؛ هاشمی اصل، سید عبدالله. (۱۳۹۴). درآمدی بر فضای مجازی فراقلمرویی و سیالیت هویت سوژه در پرتو تحلیل انتقادی بینامتنی. مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، ۵ (۹)، صص ۱۵-۳۶.
- جعفری، فاطمه؛ بهرامی، سوسن و جعفری‌هرندی، رضا. (۱۴۰۰). پیش‌بینی میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر اساس سبک‌های هویت در دانش‌آموزان شهر قم. علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۷ (۲۴)، صص ۲۱۹-۲۴۲.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی (مترجم: تورج یاراحمدی). تهران: شیرازه.
- خنیفیر، حسین؛ مسلمی، ناهید. (۱۳۹۶). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی رویکردی نو و کاربردی. تهران: انتشارات نگاه دانش.

- رفیعی حصار، شهناز؛ سلیمانی، توران. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر میزان استفاده از شبکه‌های مجازی بر هویت ملی و دینی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوره دوم شهر اردبیل. تغییرات اجتماعی - فرهنگی (مطالعات علوم اجتماعی ایران سابق)، ۱۴(۵۳)، صص ۳۱-۴۵.
- رقیبی، مهوش؛ مظاهری، مهرداد؛ شجاعی، مهلا؛ کرمی، امیر. (۱۳۹۶). مقایسه سبک‌های هویت و کیفیت دوستی در دانش آموزان دختر و پسر. مطالعات روانشناسی تربیتی، ۱۴(۲۶)، صص ۱۴۴-۱۲۳. <https://doi.org/10.22111/jeps.2017.3237>
- شریفی، فاطمه. (۲۰۱۷). راهکارهای پرورش هویت اخلاقی نوجوانان در سبک زندگی خانواده اسلامی. مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۴(۶)، صص ۹۷-۱۱۸.
- صفری شالی، رضا؛ عبدمولایی، آتیه. (۱۳۹۴). تأثیر عوامل اجتماعی شدن بر هویت نوجوانان (همسالان، مدرسه و رسانه). خانواده و پژوهش، ۱۲(۲۷)، صص ۱۱۷-۱۳۶.
- فیرحی، داود. (۱۳۸۶). نسبیت هویت‌ها و خرده هویت‌ها. در کتاب: مبانی نظری هویت و بحران هویت (علی اکبر علیخانی). تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- قنبری آلانق، محسن. (۱۳۹۸). صلح سازی ایمان محور در فضای مجازی. Pure Life، ۶(۱۷)، صص ۸۵-۹۹.
- کوچکزائی، مصطفی؛ فیضیان، مجید رضا و شاه آبادی، محمد. (۱۳۹۷). بررسی سلبریتی سازی در رسانه و بحران هویت نوجوان در جامعه. جامعه، فرهنگ و رسانه، ۷(۲۹)، صص ۱۰۳-۱۲۱.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید (مترجم: ناصر موفقیان). تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸). تجدد و تشخیص (مترجم: ناصر، موفقیان، چاپ پنجم). تهران: نشر نی.
- لطف آبادی، حسین؛ نوروزی، وحیده. (۱۳۸۳). بررسی چگونگی نگرش دانش آموزان دبیرستانی و پیش دانشگاهی ایران به جهانی شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان. نوآوری‌های آموزشی، ۳(۹)، صص ۸۸-۱۱۹.
- نجفی علمی، محمود. (۱۳۸۹). فناوری اطلاعات، نوجوانان و بحران هویت. ره آورد نور، ۱۱(۴۳)، صص ۱۲-۳۲.

نعمتی، فاطمه؛ بلند، حسن؛ صیادی، علی. (۱۴۰۱). بررسی نقش واسطه‌ای بحران هویت و انسجام خانواده در تعیین رابطه مشارکت در شبکه‌های اجتماعی با نگرانی از تصویر بدنی در میان دانش‌آموزان. پژوهش‌های مشاوره، ۲۱(۸۱)، صص ۲۵۶-۲۸۰.

Berzonsky, Michael, Branje, Susan, & Meeus, Wim. (2007). Identity-Processing Style, Psychosocial Resources, and Adolescents' Perceptions of Parent-Adolescent Relations. *Journal of Early Adolescence*, 27, pp. 324-345. <https://doi.org/10.1177/0272431607302006>

Crittenden, Brian. (1981). The Identity Crisis in Secondary Education. *Australian Journal of Education*, 25(2), pp. 146-165. <https://doi.org/10.1177/000494418102500205>

Choer Moraes, Henrique. (2019). Beyond a Seat at the Table: Participation and Influence in Global Governance. *Global Governance: A Review of Multilateralism and International Organizations*, 25(4), pp. 563-586. <https://doi.org/10.1163/19426720-02504007>

Cleveland, Tiera, & Martin, Pamela P. (2024). Spirituality and Religion and Youth Development. <https://doi.org/10.1016/b978-0-323-96023-6.00139-1>

David, K., Herzberger. (1998). Writing Without a Grain: Identity Formation in Three Works by Muñoz Molina. *Arizona Journal of Hispanic Cultural Studies*, 2(1), pp. 23-40. <https://doi.org/10.1353/HCS.2011.0023>

David, Marie-Pierre. (2012). L'identité culturelle et le champ de l'apparence: une situation de soi fictive et active. 15, 63-90.

Donahue, Michael J., & Benson, Peter L. (1995). Religion and the Well-Being of Adolescents. *Journal of Social Issues*, 51(2), pp. 145-160. <https://doi.org/10.1111/J.1540-4560.1995.TB01328.X>

Erikson, E. H. (1956). The Problem of Ego Identity. *Journal of the American Psychoanalytic Association*, 4(1), pp. 56-121. <https://doi.org/10.1177/000306515600400104>

- Gordon, L., Bultena, Edward A., & Powers, Edward A. (1978). Denial of Aging: Age Identification and Reference Group Orientations. *Journal of Gerontology*, 33(5), pp. 748-754. <https://doi.org/10.1093/GERONJ/33.5.748>
- Herzberger, David K. (1998). Writing Without a Grain: Identity Formation in Three Works by Muñoz Molina. *Arizona Journal of Hispanic Cultural Studies*, 2(1), pp. 23-40. <https://doi.org/10.1353/HCS.2011.0023>
- Kolig, Erich. (2007). *Freedom, Identity Construction and Cultural Closure: The Taniwha, the Hijab and the Wiener Schnitzel as Boundary Markers*. pp. 25-39. https://doi.org/10.1057/9780230625303_2
- Kopelman, S. (2009). *The Effect of Culture and Power on Cooperation in Commons Dilemmas: Implications for Global Resource Management*. *Organization Behavior and Human Decision Processes*, 108, pp. 153-163. <https://doi.org/10.1016/j.obhdp.2008.06.004>
- Lemiasheva, Tatyana V. (2023). Bricolage and the «Fluid Identity» of Postmodernism. *Vestnik of Samara State Technical University. Series Philosophy*. <https://doi.org/10.17673/vsgtu-phil.2023.4.8>
- Markovitch, N., Luyckx, K., Klimstra, T., Abramson, L., & Knafo-Noam, A. (2017). Identity Exploration and Commitment in Early Adolescence: Genetic and Environmental Contributions. *Developmental Psychology*, 53, pp. 2092-2102. <https://doi.org/10.1037/dev0000318>
- Maria, Rosario T., de Guzman. (2007). Friendships, Peer Influence, and Peer Pressure During the Teen Years.
- Marcia, James. (2007). Ego Identity and Personality Disorders. *Journal of Personality Disorders*, 20, pp. 577-596. <https://doi.org/10.1521/pedi.2006.20.6.577>
- Michael, A., Hogg, Jason T., Siegel, Zachary P., & Hohman, Zachary. (2011). Groups Can Jeopardize Your Health: Identifying with Unhealthy Groups to Reduce Self-uncertainty. *Self and Identity*, 10(3), 326-335. <https://doi.org/10.1080/15298868.2011.558762>

- Negru-Subtirica, Oana. (2024). Educational Identity Processes in Adolescence: An Analysis of Longitudinal Evidence and the Role of Educational Systems. *Child Development Perspectives*. <https://doi.org/10.1111/cdep.12504>
- Najafiasl, Zohreh. (2015). Intergenerational Gap: An Emerging Phenomenon in Iran. *IAU International Journal of Social Sciences*, 5(1), pp. 59-70.
- Pieterse, Nederveen, J. (2009). *Globalization and Culture: Global Mélange*. United States: Rowman & Littlefield.
- Phillips, Joe F., & Pittman, Tommy M. (2003). *Identity Processes in Poor Adolescents: Exploring the Linkages Between Economic Disadvantage and the Primary Task of Adolescence*. Identity. <https://doi.org/10.1207/S1532706XID030202>
- Pultz Moslund, Sten. (2024). *Cultural Hybridity and Migration*. 23-34. <https://doi.org/10.4324/9781003270409-3>
- Rodolfo, Moguillansky. (2013). The Role of Family in Adolescent Identity. *Vertex* (Buenos Aires, Argentina), 24(108), pp. 139-147.
- Slater, Tom, Wacquant, Loïc, & Pereira, Virgílio Borges. (2014). Territorial Stigmatization in Action. *Environment and Planning A*, 46(6), 1270-1280. <https://doi.org/10.1068/A4606GE>
- WHO. (2023). *Global Accelerated Action for the Health of Adolescents (AA-HA!) - Second Edition: Guidance to Support Country Implementation*. Retrieved from <https://www.who.int/publications/i/item/9789240081765>
- Yulya, Yu., Alexandrova, Janna V., Korobanova, Nikolaj S., Priazhnikov, Elena Yu., Priazhnikova, Olga S., & Markina. (2020). *Deviant Economic Identity in Childhood and Adolescence: Problem Statement*. <https://doi.org/10.11621/VSP.2020.03.03>
- Zohreh, Najafiasl. (2015). Intergenerational Gap: An Emerging Phenomenon in Iran. *IAU International Journal of Social Sciences*, 5(1), pp. 59-70.

A Sociological Analysis of the Afghan Hazaras' Experience of Ethnic Prejudice and Discrimination Based on the Thought of Ibn Khaldun and Al-Farabi*



Davoud Rahimi Sojasi¹  Soltan Ali Kamali²

1. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Governance,
Shahed University, Tehran, Iran (**Corresponding Author**).
d.rahimi@shahed.ac.ir

2. PhD, Contemporary Muslim Thought, Humanities Complex, Al-Mustafa University.
sj91kamali27@gmail.com

Abstract

Ethnic prejudice and discrimination against the Hazaras of Afghanistan over the past two centuries has been a dynamic process that has evolved from overt forms of violence into more complex formulations. Utilizing a genealogical-sociological approach, this article addresses the core question of how ethnic prejudice (*Asabiyyah*), as a superiorist attitude and belief, has laid the groundwork for mechanisms of discrimination, and how these mechanisms have transformed from a logic of macro-exclusion during the state-building era of the late 19th century into institutional exclusion, and subsequently into a scattered network of everyday mechanisms that we term the "micro-physics of discrimination." The theoretical framework of the article is a synthesis of Ibn Khaldun's theory of *Asabiyyah*, Al-Farabi's

* Rahimi Sojasi, D.; Kamali, S. A. (2025). A Sociological Analysis of the Afghan Hazaras' Experience of Ethnic Prejudice and Discrimination Based on the Thought of Ibn Khaldun and Al-Farabi. *Islam and Social Studies*, 13(4), pp. 159-186.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.74104.2205>

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/08/18 • **Revised:** 2025/10/07 • **Accepted:** 2025/11/26 • **Online Publication:** 2025/12/30

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



concept of justice, Honneth's recognition theory, Giddens' structuration theory, and Bourdieu's concepts of symbolic violence, which critically addresses the instrumentalization of religion through a Quranic perspective. Data were collected using the documentary analysis method applied to historical texts, academic research, and human rights reports. The findings reveal the transformation of prejudice and discrimination across three distinct stages: during the reign of Abdur Rahman Khan (1880–1901), ethnic-religious prejudice led to ethnic cleansing and land confiscation, crushing the Hazara *Asabiyyah*; in the mid-20th century, discrimination became institutionalized within laws, education, and social discourse; and from the 1990s onward, it precipitated into everyday language, schools, the labor market, and public spaces. Conversely, collective agency has initiated the reclamation of recognition through the politicization of identity, the enhancement of cultural capital, and positive self-representation. The theoretical contribution of this article lies in conceptualizing the micro-physics of discrimination, synthesizing Islamic thought with contemporary sociology, and demonstrating the duality of structure and agency.

Keywords

Ethnic Prejudice, Ethnic Discrimination, Micro-physics of Discrimination, *Asabiyyah*, Ibn Khaldun, Al-Farabi, Recognition Theory, Afghanistan Hazaras, Identity Reclamation.

تحلیل جامعه‌شناختی تجربه هزاره‌های افغانستان از تعصب و

تبعیض قومی بر مبنای اندیشه ابن‌خلدون و فارابی*

سلطانه‌لی کمالی^۲ داود رحیمی سجاسی^۱

۱. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

d.rahimi@shahed.ac.ir

۲. دکتری، اندیشه معاصر مسلمین، مجتمع علوم انسانی، جامعة المصطفی العالمیه.

PhD, Contemporary Muslim Thought, Humanities Complex, Al-Mustafa University.

sj91kamali27@gmail.com



چکیده

تعصب و تبعیض قومی علیه هزاره‌های افغانستان در دو سده اخیر، فرایندی پویا بوده که از شکل‌های آشکار خشونت به صورت‌بندی‌های پیچیده‌تر تحول یافته است. در این مقاله با رویکرد تبارشناختی-جامعه‌شناختی به این پرسش می‌پردازیم که چگونه تعصب قومی (عصبیت) به‌عنوان نگرش و باور برتری‌جویانه، زمینه‌ساز سازوکارهای تبعیض شده و این سازوکارها از منطق حذف کلان در دوره دولت‌سازی اواخر سده نوزدهم، به طرد نهادی و سپس به شبکه پراکنده‌ای از مکانیسم‌های روزمره که آن را میکروفیزیک تبعیض می‌نامیم، تحول یافته‌اند. چارچوب نظری مقاله، تلفیقی از نظریه عصبیت ابن‌خلدون، اندیشه عدالت فارابی، نظریه شناسایی هونت، نظریه ساختاربندی گیدنز و مفاهیم خشونت نمادین بوردیو است که با رویکرد نقادانه قرآنی به ابزارسازی دین می‌پردازد. داده‌ها را از روش تحلیل اسنادی متون تاریخی، پژوهش‌های دانشگاهی و

* رحیمی سجاسی، داود؛ کمالی، سلطانه‌لی (۱۴۰۴). تحلیل جامعه‌شناختی تجربه هزاره‌های افغانستان از تعصب و

تبعیض قومی بر مبنای اندیشه ابن‌خلدون و فارابی. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴)، صص ۱۵۹-۱۸۶.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.74104.2205>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

© ۱۴۰۴ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



گزارش‌های حقوق بشری گردآوری کرده‌ایم. یافته‌ها تحول تعصب و تبعیض را در سه مرحله نشان می‌دهد: در دوره عبدالرحمن خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱)، تعصب قومی-مذهبی به پاک سازی قومی و مصادره زمین منجر شد و عصبیت هزاره را شکست؛ در سده بیستم میانی، تبعیض در قوانین، آموزش و گفتمان نهادینه شد؛ و از دهه ۱۹۹۰ به بعد، در زبان روزمره، مدرسه، بازار کار و فضای عمومی رسوب کرد. در مقابل، عاملیت جمعی از روش سیاسی شدن هویت، ارتقای سرمایه فرهنگی و بازنمایی مثبت، بازیابی شناسایی را شروع کرده است. مشارکت نظری این مقاله در مفهوم‌سازی میکروفیزیک تبعیض، تلفیق اندیشه اسلامی و جامعه‌شناسی معاصر، و نشان دادن دوگانگی ساختار-عاملیت است.

کلیدواژه‌ها

تعصب قومی، تبعیض قومی، میکروفیزیک تبعیض، عصبیت، ابن خلدون، فارابی، نظریه شناسایی، هزاره‌های افغانستان، بازیابی هویت.

مقدمه

تعصب و تبعیض قومی از مخرب‌ترین پدیده‌های زندگی اجتماعی‌اند. تعصب، نگرشی است که یک گروه را ذاتاً برتر از دیگری می‌انگارد؛ و تبعیض، عمل برخورد نابرابر بر پایه این نگرش است. مطالعات جامعه‌شناسی تبعیض، از آلپورت تا فانون، نشان داده‌اند که این پدیده، فراتر از رفتارهای فردی، سازوکارهای ساختاری و نمادین دارد که در طول زمان بازتولید می‌شوند و به تجربه زیسته قربانیان شکل می‌دهند. آسیب‌های این پدیده، فقط به محرومیت مادی و حقوقی محدود نمی‌ماند؛ به هویت و شخصیت گروه‌های تحقیرشده نفوذ می‌کند و آسیب‌های روانی-اجتماعی پایداری بر جای می‌گذارد که هونت آن را «عدم شناسایی» نامیده است؛ از این رو، تبعیض پدیده‌ای ایستا نیست؛ در دوره‌های مختلف تاریخی شکل‌های گوناگون - از خشونت آشکار تا طرد نهادی و سپس سازوکارهای نامرئی روزمره - به خود می‌گیرد و درست همین تحول‌پذیری است که شناسایی و مقابله با آن را دشوارتر می‌کند.

تجربه هزاره‌های افغانستان، نمونه‌ای حاد از این تحول است. این جامعه شیعه‌مذهب که برآوردهای مختلف جمعیت آن‌ها را میان بیست و پنج تا سی و پنج درصد جمعیت کشور تخمین می‌زنند، یکی از مستمرترین و چندلایه‌ترین اشکال تعصب و تبعیض قومی را در تاریخ افغانستان تجربه کرده است (موسوی، ۱۳۷۹). این فرایند با دولت‌سازی خشونت‌بار اواخر قرن نوزدهم در دوره عبدالرحمن خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱) آغاز شد؛ دوره‌ای که در آن کشتارهای گسترده، برده‌سازی و مصادره زمین، بخش بزرگی از جمعیت هزاره‌نشین را از میان برد (طفیان، ۱۴۰۱). از آن پس تا به امروز، این جامعه با شکل‌های گوناگونی از محرومیت نهادی، تحقیر فرهنگی، طرد آموزشی و خشونت‌های هدفمند مواجه بوده است - فرایندی که در تمام لایه‌های آن، «عدم شناسایی» هویت جمعی هزاره‌ها نمایان است (Ibrahimi, 2017).

مطالعات تاریخی، خشونت‌های آشکار این فرایند را به‌خوبی مستند کرده‌اند و پژوهش‌های سیاسی، محرومیت‌های حقوقی و نهادی را شناسایی کرده‌اند؛ اما خلأ اصلی

در درک جامعه‌شناختی از سازوکارهای تحول تعصب و تبعیض است. اینکه این پدیده چگونه از منطق حذف کلان و آشکار، به منطق طرد و حذف پنهانی و نهادی در نهادها، گفتمان و زندگی روزمره - آنچه ما «میکروفیزیک تبعیض» می‌نامیم - تحول یافته، در پژوهش‌های پیشین کمتر تحلیل شده است؛ همچنین، بیشتر این مطالعات از ظرفیت سنت اندیشه اسلامی - به‌ویژه مفهوم عصیت ابن‌خلدون و عدالت فارابی، برای تحلیل این فرایندها بهره نکرده‌اند.

این مقاله با رویکردی تبارشناختی-جامعه‌شناختی و چارچوب نظری تلفیقی از اندیشه ابن‌خلدون و فارابی در کنار نظریه‌های معاصر هونت، گیدنز و بوردیو، به تحلیل و تبیین این تحول تاریخی می‌پردازد. داده‌ها از روش تحلیل اسنادی متون تاریخی، پژوهش‌های دانشگاهی و گزارش‌های حقوق بشری گردآوری شده‌اند. در ادامه، پس از تبیین مسئله و پیشینه پژوهش، چارچوب نظری معرفی می‌شود؛ سپس یافته‌ها در سه مرحله تاریخی تحلیل می‌گردند و در پایان، بحث و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۱. بیان مسئله

تعصب و تبعیض قومی در افغانستان، به‌ویژه علیه هزاره‌ها، از اواخر قرن نوزدهم تاکنون، یکی از مسائل مزمن و حل‌نشده این کشور بوده است. با گذشت بیش از یک قرن از دوره کشتارهای عبدالرحمن خان و علی‌رغم تحولات سیاسی متعدد، هزاره‌ها همچنان با شکل‌های گوناگون محرومیت، تحقیر و طرد مواجه هستند. اما مسئله اصلی این نیست که تعصب و تبعیض وجود دارد؛ بلکه این است که چرا این تعصب و تبعیض تا این حد مستمر و مقاوم بوده و چگونه در طول زمان، شکل و منطق خود را تغییر داده است.

مطالعات تاریخی، کشتارها و خشونت‌های آشکار را به‌خوبی مستند کرده‌اند؛ مطالعات سیاسی، محرومیت‌های حقوقی و نهادی را شناسایی کرده‌اند؛ اما خلأ اصلی در درک جامعه‌شناختی از سازوکارهای تحول تعصب و تبعیض است. پرسش اصلی ما در این پژوهش این است: تعصب و تبعیض قومی علیه هزاره‌های افغانستان چگونه از منطق حذف کلان و آشکار (دوره عبدالرحمن خان) به منطق طرد خرد و پراکنده در نهادها،

گفتمان و زندگی روزمره (دوره معاصر) تحول یافته است، و چرا این تحول در شرایط تاریخی-سیاسی خاص افغانستان ممکن شده است؟

برای پاسخ به این پرسش اصلی، به پرسش‌های فرعی زیر می‌پردازیم:

۱. چگونه ساختار قدرت تک‌قومی در دوره عبدالرحمن خان از روش شکستن عصیت هزاره‌ها تشکیل شد و چه پیامدهای بلندمدتی داشت؟
۲. نهادینه‌شدن تعصب و تبعیض در قرن بیستم از طریق چه سازوکارهایی (قوانین، آموزش، اقتصاد، گفتمان) رخ داد و چگونه به بازتولید نابرابری منجر شد؟
۳. «میکروفیزیک تبعیض» در دوره معاصر چگونه در زبان، مدرسه، بازار کار، فضای عمومی و رسانه عمل می‌کند؟
۴. چه آسیب‌های روانی-اجتماعی بر هویت و شخصیت جمعی هزاره‌ها وارد شده است؟

۵. فرایند بازبازی شناسایی از دهه ۱۹۹۰ به بعد، از طریق چه اشکالی از عاملیت جمعی، سرمایه فرهنگی و بازنمایی مثبت آغاز شده است؟
۶. چارچوب نظری تلفیقی (ابن‌خلدون، فارابی، هونت، گیدنز، بوردیو) چگونه می‌تواند به تحلیل و تبیین این فرایندها کمک کند؟
۷. ابزارسازی دین برای توجیه تعصب و تبعیض در دوره عبدالرحمن خان، چگونه با پایه‌های قرآنی عدالت در تضاد قرار می‌گیرد؟

این پژوهش بر این فرض استوار است که تعصب و تبعیض علیه هزاره‌ها، نه یک پدیده ثابت و تک‌بعدی، بلکه فرایندی پویا و چندلایه است که در سه سطح عمل می‌کند: سطح ساختاری (شکستن عصیت و ایجاد نابرابری قدرت)؛ سطح نهادی (قوانین، آموزش، اقتصاد)؛ و سطح میکروفیزیک (زبان، گفتمان، تعاملات روزمره). مفهوم «میکروفیزیک تبعیض» که در این پژوهش مطرح می‌کنیم، به همین سطح سوم اشاره دارد - یعنی رسوب تعصب و تبعیض در لایه‌های عمیق و نامرئی زندگی اجتماعی که بیشتر نادیده گرفته می‌شوند.

۲. اهمیت نظری پژوهش

اهمیت نظری این پژوهش در سه وجه است. نخست، این مقاله مفهوم «میکروفیزیک تبعیض» را به مثابه ابزاری تحلیلی به ادبیات نظری جامعه‌شناسی تبعیض معرفی می‌کند. مطالعات موجود درباره تبعیض قومی در افغانستان، به طور عمده بر خشونت‌های آشکار یا محرومیت‌های حقوقی-نهادی متمرکز بوده‌اند و لایه‌های خرد، روزمره و نامرئی تبعیض را به صورت سیستماتیک تحلیل نکرده‌اند؛ این مفهوم همان خلأ را نشانه می‌گیرد و سطح تازه‌ای از تحلیل را ممکن می‌سازد. دوم، این پژوهش نشان می‌دهد که گذار از حذف کلان به طرد روزمره، نه گسست تصادفی، بلکه فرایندی تاریخی با منطق درونی است که با رویکرد تبارشناختی قابل ردیابی است - و این، مشارکتی روش‌شناختی در پژوهش‌های تاریخی - جامعه‌شناختی درباره تبعیض است. سوم، این مقاله با تلفیق سنت فکری اسلامی و جامعه‌شناسی معاصر، چارچوبی نظری ارائه می‌دهد که در تحلیل تبعیض قومی در جوامع مسلمان کمتر آزموده شده و می‌تواند فراتر از مورد هزاره‌ها، در موارد مشابه نیز به کار رود.

۳. اهمیت عملی پژوهش

درک سازوکارهای میکروفیزیک تبعیض، برای طراحی سیاست‌های مؤثر مبارزه با تعصب و تبعیض ضروری است. اگر تعصب و تبعیض فقط در سطح قوانین و سیاست‌های کلان دیده شود، اما لایه‌های عمیق‌تر آن - در زبان، مدرسه، بازار کار و فضای عمومی - نادیده گرفته شوند، هیچ اصلاحات نهادی نمی‌تواند به تغییر پایدار منجر شود. این پژوهش با شناسایی این لایه‌ها، می‌تواند به سیاست‌گذاران، فعالان حقوق بشر و نهادهای بین‌المللی کمک کند تا برنامه‌های جامع‌تری برای مقابله با تبعیض طراحی کنند؛ همچنین، این پژوهش با تحلیل فرایندهای بازیابی شناسایی نشان می‌دهد که گروه‌های تحقیرشده، صرفاً قربانیان منفعل نیستند، بلکه عاملیت و استراتژی‌های مقاومت خود را دارند که می‌تواند الهام‌بخش جنبش‌های اجتماعی مشابه در دیگر بسترها باشد.

۳-۱. اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش، تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی تحول سازوکارهای تعصب و تبعیض قومی علیه هزاره‌های افغانستان در دو قرن اخیر است، با تمرکز بر گذار از حذف آشکار به میکروفیزیک تبعیض، و شناسایی فرایندهای بازیابی شناسایی.

در راستای دستیابی به این هدف کلی، در وهله نخست به تحلیل نقش شکستن عصیت هزاره‌ها در دوره عبدالرحمن خان می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که چگونه این شکست، ساختار قدرت تک‌قومی را تشکیل داد و چه پیامدهای بلندمدتی بر جای گذاشت. این تحلیل، پایه فهم ما از تداوم تبعیض در دوره‌های بعدی است.

سپس سازوکارهای نهادینه شدن تعصب و تبعیض در قرن بیستم را شناسایی و بررسی می‌کنیم. این سازوکارها - از قوانین تبعیض‌آمیز گرفته تا نظام آموزشی یکسویه و اقتصاد محرومیت‌ساز - نشان می‌دهند که چگونه تبعیض از شکل خشونت مستقیم به شکل ساختاری تحول یافت و در لایه‌های مختلف جامعه رسوب کرد.

در سطح نظری، به مفهوم‌سازی و تحلیل «میکروفیزیک تبعیض» در دوره معاصر می‌پردازیم. این مفهوم، که یکی از نوآوری‌های این پژوهش است، به ما امکان می‌دهد تا نشان دهیم چگونه تبعیض در زبان روزمره، مدرسه، بازار کار و فضای عمومی رسوب یافته و به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شده است - لایه‌ای از تبعیض که هم نامرئی است و هم عمیقاً آسیب‌زا.

همچنین آسیب‌های روانی-اجتماعی ناشی از سه شکل عدم شناسایی را تحلیل می‌کنیم و نشان می‌دهیم که چگونه این آسیب‌ها در سطح محبت (خشونت جسمی)، سطح حقوق (محرومیت از شهروندی کامل)، و سطح تضامن (تحقیر فرهنگی) بر هویت جمعی هزاره‌ها تأثیر گذاشته است.

اما تحلیل ما فقط به تبعیض محدود نمی‌شود. فرایندهای بازیابی شناسایی را نیز مورد توجه قرار می‌دهیم و نشان می‌دهیم که چگونه از دهه ۱۹۹۰ به بعد، هزاره‌ها از طریق عاملیت سیاسی، ارتقای سرمایه فرهنگی، بازنمایی مثبت و جنبش‌های اجتماعی، به بازیابی جایگاه خود پرداخته‌اند. این تحلیل دوگانه - هم تبعیض و هم بازیابی - به ما

امکان می‌دهد تا دوگانگی ساختار- عاملیت را در عمل نشان دهیم. در بعد نظری، چارچوبی تلفیقی از نظریه عصبيت ابن‌خلدون، اندیشه سیاسی فارابی و نظریه‌های جامعه‌شناختی معاصر ارائه می‌دهیم که می‌تواند ابزاری کارآمد برای تحلیل تبعیض قومی در دیگر جوامع نیز باشد. این تلفیق نظری، نشان می‌دهد که مفاهیم اسلامی و جامعه‌شناختی معاصر، در تعامل با یکدیگر، می‌توانند فهم عمیق‌تری از پدیده‌های پیچیده اجتماعی فراهم کنند.

علاوه بر این، به نقد ابزارسازی دین برای توجیه تعصب و تبعیض می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که چگونه این ابزارسازی در دوره عبدالرحمن خان، با پایه‌های قرآنی عدالت و برابری در تضاد آشکار قرار دارد. در نهایت، شرایط تاریخی-سیاسی-فرهنگی امکان‌ساز تحول تبعیض از حذف آشکار به میکروفیزیک را تبیین می‌کنیم و نشان می‌دهیم که چرا این تحول در بستر خاص افغانستان رخ داده است.

۴. پیشینه پژوهش و خلأهای نظری

مطالعات درباره تبعیض قومی در افغانستان را می‌توان به سه دسته مطالعات تاریخی- اسنادی، مطالعات انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی، و گزارش‌های حقوق بشری تقسیم کرد. در دسته اول، کتاب هزاره‌های افغانستان (سیدعسکر موسوی، ۱۳۷۹) یکی از جامع‌ترین کارهای تاریخی-سیاسی-فرهنگی درباره این گروه است که تبعیض را در بستر تاریخ طولانی مدت تحلیل می‌کند. (Ibrahimi, N, 2017).

در کتاب هزاره‌ها و دولت افغان به فرایند طرد، مقاومت و تلاش برای شناسایی سیاسی می‌پردازد و نشان می‌دهد که مبارزه هزاره‌ها، اساساً مبارزه برای شناسایی بوده است (Monsutti, 2005) در «جنگ و مهاجرت» به استراتژی‌های اقتصادی و شبکه‌های اجتماعی هزاره‌ها در شرایط جنگ و تبعیض پرداخته است.

با این حال، خلأهای مهمی در این مطالعات وجود دارد. اولاً، بیشتر مطالعات، توصیفی-تاریخی هستند و از چارچوب‌های نظری جامعه‌شناختی جامع استفاده نکرده‌اند؛ در نتیجه، سازوکارهای جامعه‌شناختی بازتولید تبعیض و تحول آن در طول

زمان کمتر تحلیل شده است. ثانیاً، کمتر به پیامدهای روانی-اجتماعی تبعیض و مکانیسم‌های درونی سازی آن پرداخته شده است؛ بیشتر مطالعات بر محرومیت مادی و حقوقی تمرکز دارند، نه بر آسیب‌های شناسایی و هویت. ثالثاً، تحول تاریخی اشکال تبعیض از حذف آشکار به سازوکارهای پیچیده‌تر نهادی و روزمره کمتر به صورت سیستماتیک دنبال شده است. رابعاً، فرایند بازیابی شناسایی و مقاومت فرهنگی در دهه‌های اخیر، به نسبت نادیده گرفته شده است.

این مقاله تلاش می‌کند این خلأها را با ارائه چارچوب نظری تلفیقی (ابن خلدون، فارابی، هونت، گیدنز، بوردیو)، تحلیل دو گانه (هم تبعیض و هم بازیابی)، و رویکرد تبارشناختی (تحول سازوکارها از ماکرو به میکرو) پر کند.

۵. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و تبارشناختی انجام شده است. روش اصلی، تحلیل اسنادی است که در آن، داده‌ها از سه منبع: متون تاریخی (کتاب‌ها و اسناد درباره تاریخ هزاره‌ها و دوره عبدالرحمن)؛ پژوهش‌های دانشگاهی (مطالعات جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و علوم سیاسی در باره تبعیض قومی در افغانستان)؛ و گزارش‌های حقوق بشری (گزارش‌های سازمان ملل و سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر) گردآوری شده‌اند. تکنیک تحلیل، تحلیل مضمون بوده است که در آن، الگوهای تکرار شونده تبعیض، عدم شناسایی، و بازیابی شناسایی از میان اسناد استخراج و کدگذاری شده‌اند. در این مقاله، تحلیل به معنای صورت‌بندی سازوکارها و نشان‌دادن چگونگی عمل کرد تبعیض در سطوح گوناگون (تاریخی، نهادی، فرهنگی، روزمره) به کار می‌رود؛ و تبیین گامی فراتر است که به چرایی تداوم این سازوکارها و شرایط تاریخی-نهادی-فرهنگی امکان‌ساز آن‌ها می‌پردازد. براین اساس، تحلیل در این پژوهش، مقدمه‌ای برای تبیین جامعه‌شناختی است.

۶. چارچوب نظری

چارچوب نظری این مقاله تلفیقی است و بر دو محور: اندیشه ابن خلدون و فارابی برای

تبیین ساختارهای تاریخی قدرت و عدالت، و نظریه‌های جامعه‌شناختی معاصر برای تحلیل سازوکارهای بازتولید و تغییر استوار است.

۱-۶. ابن‌خلدون: عصبيت، چرخه قدرت و ساختار تک‌قومی

ابن‌خلدون (۱۳۳۲-۱۴۰۶) در مقدمه خود، مفهوم عصبيت - همبستگی قومی - قبیله‌ای - را به‌عنوان نیروی اصلی تشکیل دولت‌ها و چرخه‌های قدرت مطرح می‌کند. او معتقد است که دولت‌ها زمانی شکل می‌گیرند که یک گروه قومی یا قبیله‌ای با عصبيت قوی، قدرت را به دست می‌گیرد؛ اما اگر این دولت، عدالت را نادیده بگیرد و بر محور انحصار یک عصبيت بماند، به ظلم و خراب‌العمران منجر می‌شود (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵، صص ۱۷۰-۱۴۵). او می‌نویسد: «الظُّلْمُ مُؤَذِّنٌ بِخَرَابِ الْعُمَرَانِ» (ظلم، نویدبخش ویرانی عمران است). این بینش، به ما امکان می‌دهد تا دوره عبدالرحمن خان را نه تنها به‌عنوان دوره خشونت، بلکه به‌عنوان لحظه تشکیل ساختار قدرت تک‌قومی بر محور عصبيت پشتون تحلیل کنیم. پاکسازی هزاره‌ها، حذف نخبگان، تخریب قلعه‌ها و مصادره زمین‌ها، در واقع شکستن عصبيت هزاره بود - یعنی از بین بردن توان دفاعی، سازمان اجتماعی و پایگاه اقتصادی آن‌ها. این شکستن عصبيت، ساختار قدرت نابرابری ایجاد کرد که در دوره‌های بعدی نهادینه شد و به شکل‌های پیچیده‌تری ادامه یافت.

۲-۶. فارابی: عدالت، مدینه فاضله و نقش رهبری

ابونصر فارابی (۸۷۰-۹۵۰) در «آراء اهل المدینه الفاضله» و «السیاسة المدنيه»، جامعه ایده‌آل را بر محور عدالت و همکاری میان گروه‌های مختلف بنا می‌کند (فارابی، ۱۳۸۵، صص ۷۵-۱۱۰؛ فارابی، ۱۳۷۶، صص ۹۵-۶۵). او معتقد است که رهبری فاضل، باید بر اساس عقل و عدالت حکم کند و همه اعضای جامعه را، صرف‌نظر از تفاوت‌ها، به‌عنوان شهروند کامل بشناسد. اگر رهبری، به جای عدالت، بر محور تعصب و انحصار قومی عمل کند، جامعه به «مدینه جاهله» یا «مدینه فاسقه» تبدیل می‌شود. این چارچوب مفهومی، به ما امکان می‌دهد تا غیاب عدالت و سلطه عصبيت انحصاری در افغانستان را به‌عنوان عامل

اصلی تداوم تبعیض تبیین کنیم. در طول تاریخ، رهبری‌های مختلف افغانستان، به جای ایجاد «مدینه فاضله» که همه گروه‌ها در آن شناسایی شوند، ساختار قدرت تک‌قومی را حفظ کردند.

۳-۶. اکسل هونت: نظریه به رسمیت‌شناسی و سه سطح بی‌حرمتی

اکسل هونت در کتاب مبارزه برای به رسمیت‌شناسی شناسایی را نیاز بنیادین انسانی و شرط شکل‌گیری هویت سالم می‌داند و معتقد است فرد تنها در بستر روابطی که در آن به رسمیت شناخته می‌شود، می‌تواند رابطه‌ی مثبتی با خویش پدید کند (سعادت و همکاران، ۱۴۰۰). او با الهام از هگل، سه ساحت متمایز برای به رسمیت‌شناسی قائل است: ۱. عشق در روابط عاطفی و صمیمی، ۲. حقوق در سطح نظم حقوقی-سیاسی، و ۳. شأن یا ارزش اجتماعی در عرصه‌ی ارج‌گذاری جمعی که متناظر با سه شکل رابطه‌ی فرد با خود هستند: اعتماد به نفس بنیادی، احترام به خویش و عزت نفس اجتماعی.

در سطح عشق، روابط عاطفی ایمن و سرشار از مراقبت، امکان شکل‌گیری اعتماد به نفس بنیادی را فراهم می‌آورد و فرد خود را در پیوندی می‌یابد که در آن نیازها و آسیب‌پذیری‌هایش دیده و پذیرفته می‌شود. در سطح حقوق، به رسمیت‌شناسی فرد به مثابه‌ی صاحب حقوق برابر و شهروند کامل، مبنای «احترام به خویش» است و زمانی محقق می‌شود که او عملاً امکان استفاده از حقوق و مشارکت در نهادهای رسمی و فرایندهای تصمیم‌گیری را داشته باشد. در سطح اجتماعی، ارج‌گذاری به توانایی‌ها، سبک زندگی و هویت فرهنگی افراد و گروه‌ها، «عزت نفس اجتماعی» را تولید می‌کند و به کنشگران اجازه می‌دهد خود را حامل ارزش‌های مثبت و معنادار در جامعه تجربه کنند.

هونت این سه ساحت را از خلال «اشکال متناظر بی‌حرمتی» نیز توضیح می‌دهد: سوءاستفاده‌ی بدنی و خشونت علیه بدن در سطح عشق، انکار حقوق برابر و محروم‌سازی حقوقی در سطح حقوق، و تحقیر و بی‌ارزش‌شمردن هویت و کنش‌های فرهنگی در سطح اجتماعی. این اشکال عدم به رسمیت‌شناسی، جراحات‌های اخلاقی و روانی عمیقی

بر فرد و گروه وارد می‌کند و به فروپاشی اعتماد به نفس، تبدیل شدن به «شهروند در جه‌دوم» و تخریب عزت نفس اجتماعی می‌انجامد. به باور هونت، انباشت این تجربه‌های تحقیر و بی‌عدالتی، نوعی «آشفته‌گی اخلاقی» و احساس عمیق بی‌حرمتی ایجاد می‌کند که می‌تواند به صورت نبردها و جنبش‌های اجتماعی برای به رسمیت شناسی بروز یابد؛ جنبش‌هایی که در آن، گروه‌های فرودست و تحقیر شده می‌کوشند با به چالش کشیدن نهادها و هنجارهای تبعیض آمیز، اعتماد به نفس، حرمت خویش و عزت نفس اجتماعی ازدست رفته را بازسازی کنند (سعادت و همکاران، ۱۴۰۰). این چارچوب در تحلیل تجربه تاریخی و معاصر هزاره‌ها، امکان تبیین هم‌زمان خشونت جسمانی، سلب حقوق شهروندی و تحقیر فرهنگی و پیامدهای روانی-اجتماعی آن‌ها را فراهم می‌کند.

۴-۶. آنتونی گیدنز: دوگانگی ساختار و عاملیت

گیدنز در نظریه ساختاربندی، مفهوم «دوگانگی ساختار» را مطرح می‌کند: ساختارها هم محدودکننده و هم امکان‌ساز هستند؛ و از طریق عمل، هم‌زمان بازتولید و دگرگون می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۴، صص ۹۵-۱۲۵). ساختارها منابع و قواعدی هستند که عاملان از آن‌ها استفاده می‌کنند و در عین حال، آن‌ها را بازتولید یا تغییر می‌دهند. این رویکرد به ما امکان می‌دهد تا هم بازتولید تبعیض و هم مقاومت و تغییر را هم‌زمان تحلیل کنیم. در مورد هزاره‌ها، ساختارهای تبعیض (قوانین رسمی و غیررسمی، الگوهای فرهنگی، توزیع منابع) هم محدودیت‌هایی را ایجاد کرده‌اند و هم امکان مقاومت را فراهم آورده‌اند. عاملیت هزاره‌ها در شرایط محدودکننده، از روش استراتژی‌های روزمره مقاومت، بازتولید هویت، و تلاش برای دگرگونی ساختارها نمایان می‌شود.

۵-۶. پیر بوردیو: میدان، سرمایه و خشونت نمادین

بوردیو در نظریه خود، جامعه را به‌عنوان شبکه‌ای از میدان‌های قدرت می‌بیند که در آن‌ها، کنشگران برای کسب سرمایه‌های مختلف (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین) به رقابت می‌پردازند (بوردیو، ۱۴۰۳، صص ۷۵-۹۵). اما مفهوم کلیدی بوردیو برای

تحلیل تبعیض، خشونت نمادین است. او خشونت نمادین را به‌عنوان شکلی از سلطه تعریف می‌کند که نه از روش اجبار فیزیکی، بلکه از روش طبیعی‌سازی و مشروعیت‌بخشی به نابرابری اعمال می‌شود. در این نوع سلطه، قربانیان خود، ساختارهای نابرابری را به‌عنوان امری طبیعی، بدیهی و اجتناب‌ناپذیر می‌پذیرند و آن را بازتولید می‌کنند. او می‌نویسد: «خشونت نمادین، خشونتی است که قربانیان خود را در تولید و بازتولید آن شریک می‌سازد». این مفهوم به ما امکان می‌دهد تا بفهمیم چگونه تبعیض قومی، از سطح ساختاری به سطح هایتوس نفوذ می‌کند و درونی می‌شود. هزاره‌ها، در میدان قدرت افغانستان، با توزیع نابرابر سرمایه‌ها مواجه بوده‌اند؛ و در دوره‌های میانی و معاصر، تبعیض به صورت خشونت نمادین درآمد.

۶-۶. مدل تلفیقی

- با ترکیب این نظریه‌ها، مدل تحلیلی-تبیینی زیر ارائه می‌شود که هم تحلیل (چگونگی) و هم تبیین (چرایی) تبعیض را امکان‌پذیر می‌سازد:
- سطح تاریخی (ابن‌خلدون): شکستن عصیت هزاره در دوره عبدالرحمن خان ← ساختار قدرت تک‌قومی
 - سطح غیاب عدالت (فارابی): عدم شناسایی شهروندی کامل و سلطه عصیت انحصاری به‌جای مدینه فاضله
 - سطح نهادی (بورديو/گیدنز): بازتولید تبعیض از طریق نهادها، قوانین، آموزش و توزیع نابرابر سرمایه‌ها
 - سطح روانی-اجتماعی (هونت): سه شکل عدم شناسایی (محبت، حقوق، تضامن) و آسیب‌های روانی ناشی از آن
 - سطح میکروفیزیک (بورديو/فوکو): رسوب تبعیض در زبان، مدرسه، بازار کار و تعاملات روزمره از روش خشونت نمادین و هایتوس
 - سطح عاملیت (گیدنز): مقاومت و بازیابی شناسایی از روش ارتقای سرمایه فرهنگی، بازنمایی مثبت و جنبش‌های اجتماعی

این مدل تلفیقی نشان می‌دهد که تبعیض، پدیده‌ای چندلایه و پیوسته است که در سطوح مختلف عمل می‌کند و نیازمند تحلیل همزمان ساختار، نهاد، گفتمان، روان و عاملیت است.

۶-۷. نقد ابزارسازی دین برای توجیه تبعیض: تحلیل قرآنی

فارابی و ابن‌خلدون، به‌عنوان اندیشمندان مسلمان، نظریه‌های خود را بر پایه‌های قرآنی و سنت نبوی بنا کردند. مفهوم عدالت در اندیشه فارابی، ریشه در آیات قرآنی دارد که بر برابری ذاتی انسان‌ها و نفی هرگونه تبعیض قومی و نژادی تأکید می‌کند؛ همچنین ابن‌خلدون، در بحث از ظلم و خراب‌العمران، به تعالیم اسلامی درباره عدالت و حقوق انسانی استناد می‌کند. از این رو، تحلیل تعصب و تبعیض قومی در افغانستان بر مبنای این دو اندیشمند، مستلزم آن است که پایه‌های قرآنی نظریه عدالت را روشن کنیم و نشان دهیم چگونه این آموزه‌ها در عمل، برای توجیه تبعیض ابزارسازی شدند در تضاد آشکار با متون اسلامی.

آیات قرآنی درباره برابری و نفی تبعیض قومی

قرآن کریم در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید:
 «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ»؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را به قوم‌ها و قبیله‌ها تقسیم کردیم تا یکدیگر را بشناسید؛ همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماست.

این آیه، دو اصل بنیادین را مطرح می‌کند: اول، خاستگاه مشترک همه انسان‌ها و در نتیجه برابری ذاتی آنان؛ دوم، تنها معیار برتری، تقوا و عمل صالح است، نه قوم، نژاد یا زبان. عالمه طباطبایی^۱ در تفسیر این آیه می‌نویسد: «اگر شمول آیه را بپذیریم، قرآن همه اختلافات طبقاتی و قومی را که موجب تفاخر می‌شود نفی کرده است و هیچ انسانی بر دیگری برتری ندارد مگر به تقوا» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، صص ۴۷۵-۴۵۰)؛ همچنین در آیه

۱۰ سوره حجرات آمده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند». این آیه، رابطه مؤمنان را برادری قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که ایمان، منشأ همبستگی است، نه قوم یا نژاد. در روایات نبوی نیز بر این اصل تأکید شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه حجة الوداع فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ. كُلُّكُمْ لَأَدَمٌ وَآدَمٌ مِنْ تُرَابٍ، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ أَهْلِ أَتْقَاكُمْ، وَلَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ ای مردم! پروردگار شما یکی است و پدر شما یکی؛ همه شما از آدم هستید و آدم از خاک است؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست، و برای عرب بر عجم برتری نیست مگر به تقوا» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۴۵؛ ویکی فقه، بی تا).

این آیات و روایات، پایه‌های اصلی نظریه عدالت در اسلام را تشکیل می‌دهند و نشان می‌دهند که تعصب و تبعیض قومی، در تضاد آشکار با آموزه‌های قرآنی است.

ابزارسازی دین برای تبعیض: فتوای عبدالرحمن خان

اما در دوره عبدالرحمن خان، این آموزه‌های قرآنی نه تنها نادیده گرفته شدند، بلکه دین به ابزاری برای توجیه پاکسازی قومی تبدیل شد. عبدالرحمن خان برای مشروعیت بخشی به جنگ علیه هزاره‌ها، از برخی علمای سنی مذهب خواست که فتوایی صادر کنند که هزاره‌ها را «کافر» و «خارج از دین» اعلام کند و جنگ با آن‌ها را «جهاد» قلمداد نماید. متن این فتوا چنین است:

«چون کفر اشرار هزاره‌ی دایه و فولاد و زاولی... به جایی رسید که بر جمیع غازیان مسلمان حکم کفر نمودند... حضرت وال به فتوای علمای ملت... اشتها کفر طوایف مذکوره هزاره را صادر فرمود... زیرا طغیان سخت را که جماعه‌ی کفار اشرار هزاره نموده، بر مسلمانان حکم کفر کرده‌اند، جزای سخت و سزای درست لازم است» (فیض محمد کاتب، ۱۴۰۲، ج ۳، صص ۸۰۹-۸۱۲).

این فتوا، جنگ را «جهاد» نامید و اعلام کرد که «زنان، فرزندان و همه دارایی

هزاره‌ها، پاداش مجاهدان است». این یعنی: برده سازی، مصادره زمین و کشتار، همه به نام دین توجیه شدند.

نقد اسلامی فتوای عبدالرحمن: تضاد با قرآن

این فتوا، در سه سطح، با آموزه‌های قرآنی در تضاد آشکار است:
اول: تکفیر بر اساس اختلاف مذهبی - قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (مؤمنان برادرند). هزاره‌ها، شیعه مذهب بودند و به خدا، پیامبر و قرآن ایمان داشتند؛ بنابراین، تکفیر آن‌ها، فقط به دلیل اختلاف در فروع مذهبی، نقض صریح آیه قرآنی است. علمای سُنی‌ای که این فتوا را صادر کردند، در واقع دین را برای اهداف سیاسی - قومی عبدالرحمن ابزارسازی کردند.

دوم: تبعیض قومی با پوشش دینی - آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» به صراحت می‌گوید که معیار ارزش، تقوا است، نه قوم یا نژاد. اما فتوای عبدالرحمن، در واقع بر محور تبعیض قومی بود: هدف، حذف هزاره‌ها به عنوان یک گروه قومی - مذهبی و تثبیت ساختار قدرت تک‌قومی (پشتون) بود. پوشش دادن این پروژه سیاسی - قومی با لباس «جهاد»، تحریف آشکار آموزه‌های قرآنی است.

سوم: ظلم و خشونت، در تضاد با عدالت - قرآن کریم بارها بر عدالت تأکید می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (ای مؤمنان، قوام به عدالت باشید). و پیامبر ﷺ فرمودند: «المسلم أخو المسلم، لا يظلمه ولا يخذله ولا يحقره؛ مسلمان برادر مسلمان است؛ به او ظلم نمی‌کند، او را خوار نمی‌سازد و او را تحقیر نمی‌کند». اما فتوای عبدالرحمن، کشتار دسته‌جمعی، برده سازی، مصادره اموال و تجاوز به زنان را مشروع اعلام کرد - همه اینها، صریح‌ترین اشکال ظلم هستند و در تضاد کامل با عدالت قرآنی (ویکی‌فقه، بی‌تا).

فتوای عبدالرحمن‌خان، ابزارسازی سیاسی دین بود که آموزه‌های قرآنی درباره برابری، عدالت و برادری را نقض کرد. این ابزارسازی، نه تنها به پاک سازی قومی منجر شد، بلکه الگویی ایجاد کرد که در دوره‌های بعدی تا حکومت فعلی طالبان تکرار شد:

استفاده از گفتمان دینی برای توجیه ساختارهای قدرت تک‌قومی و تبعیض ساختاری.

۷. مفاهیم کلیدی پژوهش

این پژوهش بر پنج مفهوم کلیدی استوار است که در تعامل با یکدیگر، چارچوب تحلیلی مقاله را تشکیل می‌دهند:

۷-۱. تعصب قومی

تعصب، نگرش و باور است که یک گروه قومی را برتر از دیگران می‌داند. ابن‌خلدون آن را «عصیت» نامید. احساس همبستگی و برتری‌جویانه گروهی که می‌تواند محرک قدرت‌طلبی باشد. ما در این پژوهش، تعصب قومی را به‌عنوان زمینه‌ساز تبعیض تلقی می‌کنیم؛ یعنی باورها و نگرش‌هایی که رفتارهای تبعیض‌آمیز را توجیه و مشروعیت می‌بخشند. تعصب، به تنهایی خطرناک نیست؛ اما زمانی که با قدرت سیاسی ترکیب می‌شود، به ساختارهای سلطه تبدیل می‌شود.

۷-۲. تبعیض قومی

تبعیض، عمل برخورد نابرابر بر اساس تعلق قومی است. این پژوهش تبعیض را در سه سطح تحلیل می‌کند: (۱) سطح ساختاری (در نظام‌های قدرت و شکل‌گیری دولت)، (۲) سطح نهادی (در قوانین، آموزش، اقتصاد و رسانه)، (۳) سطح روزمره (در تعاملات خرد، زبان و فضای عمومی). تبعیض، تبلور عملی تعصب است - جایی که باورهای برتری‌جویانه به رفتار و ساختار تبدیل می‌شوند.

۷-۳. میکروفیزیک تبعیض

این مفهوم، برگرفته از «میکروفیزیک قدرت» فوکو، به رسوب تبعیض در شبکه پراکنده سازوکارهای خرد و روزمره اشاره دارد - در زبان، نگاه، شوخی، انتظارات معلم از دانش‌آموز، فرایند استخدام غیررسمی، و فضای عمومی. این لایه از تبعیض، نامرئی و

نرمال شده است اما پیامدهای عمیقی بر هویت جمعی دارد. میکروفیزیک تبعیض، نه در قوانین رسمی قابل شناسایی است و نه در سیاست‌های کلان؛ بلکه در همان جاهایی است که زندگی روزمره جریان دارد - در کلاس درس، در مصاحبه شغلی، در فروشگاه، در خیابان.

۷-۴. عصیت (ابن‌خلدون)

در این پژوهش، مفهوم عصیت دو کارکرد دارد: یکی، عصیت سلطه‌گر (پشتون) که ساختار قدرت تک‌قومی را ایجاد کرد و از طریق دولت، نهادها و گفتمان بازتولید شد؛ دیگری، عصیت مقاوم (هزاره) که با شکسته شدن در دوره عبدالرحمن، زمینه محرومیت بلندمدت را فراهم کرد، اما بعدها به عنوان منبع همبستگی و بازیابی هویت عمل کرد. عصیت، در این چارچوب، نه ذاتاً خوب است و نه بد؛ بلکه بسته به چگونگی استفاده از آن، می‌تواند هم ابزار سلطه و هم ابزار مقاومت باشد.

۷-۵. شناسایی و بازیابی شناسایی

شناسایی (به تعبیر هونت) نیاز بنیادین انسانی است که در سه سطح شکل می‌گیرد: محبت، حقوق، تضامن. عدم شناسایی، به آسیب‌های روانی-اجتماعی منجر می‌شود - از دست دادن اعتماد به نفس، احترام به خود، و عزت نفس. بازیابی شناسایی، فرایند عاملیت جمعی است که گروه تحقیر شده، از طریق سیاسی شدن هویت، ارتقای سرمایه فرهنگی و بازنمایی مثبت، جایگاه خود را باز می‌یابد. این فرایند، نه یک شبه و نه کامل نیست؛ بلکه تدریجی، پرتعارض و مداوم است.

رابطه مفاهیم

این پنج مفهوم، در یک زنجیره علی-تحلیلی قرار می‌گیرند:
 تعصب قومی (نگرش برتری‌جویانه) → تبعیض ساختاری (شکستن عصیت)
 → نهاده‌شدن (در قوانین، آموزش، اقتصاد) → میکروفیزیک تبعیض (رسوب در

زندگی روزمره) → عدم شناسایی (آسیب‌های روانی-اجتماعی)

اما در مقابل:

عاملیت جمعی → ارتقای سرمایه فرهنگی → بازنمایی مثبت → بازیابی شناسایی
این مفاهیم کلیدی، به ما امکان می‌دهد تا تحول تبعیض را از سطح کلان (شکستن
عصبیت) تا سطح خرد (میکروفیزیک) و همچنین فرایند مقاومت و تغییر را همزمان
تحلیل کنیم.

۸. یافته‌ها: از عصبیت تاریخی تا میکروفیزیک تبعیض

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تعصب و تبعیض علیه هزاره‌ها در سه مرحله
تاریخی تحول یافته است که هر مرحله، منطق خاص خود را دارد.

۸-۱. مرحله اول: دوره عبدالرحمن خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱) - حذف آشکار و شکستن عصبیت

دوره عبدالرحمن خان را می‌توان «لحظه بنیادین» تبعیض علیه هزاره‌ها نامید -
لحظه‌ای که ساختار قدرت نابرابر شکل گرفت و پایه‌های تبعیض برای دهه‌های بعد بنا
شد. در این دوره، سه نوع سازوکار حذف آشکار عمل کرد که همگی به یک هدف
مشترک خدمت می‌کردند: شکستن عصبیت هزاره و تثبیت ساختار قدرت تک‌قومی.
نخست، پاکسازی قومی از طریق جنگ‌های گسترده که بر اساس روایت‌های
تاریخی، بخش قابل توجهی از جمعیت را محو کرد. دوم، برده‌سازی و فروش زنان،
مردان و کودکان در بازارهای کابل و قندهار که نه تنها به محرومیت اقتصادی، بلکه به
تحقیر عمیق انسانی منجر شد. سوم، مصادره زمین، تخریب قلعه‌ها و واگذاری زمین‌های
هزاره‌ها به قبایل پشتون که پایگاه اقتصادی و دفاعی هزاره‌ها را نابود کرد.

این سه سازوکار، در مجموع، به «شکستن عصبیت» هزاره‌ها منجر شد - یعنی از
بین بردن توان دفاعی، سازمان اجتماعی، نخبگان و پایگاه اقتصادی آن‌ها. عبدالرحمن
خان، برای ایجاد دولت متمرکز، به عصبیت پشتون تکیه کرد و عصبیت‌های دیگر را
تهدید علیه قدرت خود دید. از آنجا که هزاره‌ها هم تفاوت قومی (غیرپشتون) و هم

تفاوت مذهبی (شیعه) داشتند، به عنوان گروه «دیگری» ساخته شدند. ایدئولوژی دینی نیز در این فرایند به خدمت گرفته شد: فتاواهای برخی علمای سُنی، جنگ را «جهاد» معرفی کردند و برده سازی را مشروع دانستند.

این دوره، ساختار قدرت نابرابری ایجاد کرد که در دوره های بعدی بازتولید شد: هزاره ها از زمین، نخبگان و قدرت دفاعی محروم شدند و به «شهروندان درجه دوم» تبدیل شدند. در اصطلاح هونت، این، اولین شکل عدم شناسایی بود: عدم شناسایی در سطح محبت (خشونت جسمی گسترده) و عدم شناسایی در سطح حقوق (محرومیت از حق مالکیت، امنیت و شهروندی).

۸-۲. مرحله دوم: دوره های میانی قرن بیستم_ نهادینه شدن تبعیض

در قرن بیستم، تبعیض از شکل آشکار و خشن دوره عبدالرحمن، به اشکال نهادی و فرهنگی تحول یافت. در این دوره، چهار سازوکار اصلی عمل می کردند که تبعیض را در ساختار جامعه رسوب دادند.

اولاً، قوانین و سیاست های تبعیض آمیز که محدودیت های قانونی برای ورود هزاره ها به برخی مشاغل، ارتش و نمایندگی سیاسی ایجاد کرد و بودجه کافی برای مناطق هزاره نشین تخصیص نداد. ثانیاً، نظام آموزشی که کتاب های درسی آن، تاریخ افغانستان را از منظر پشتون محور روایت می کردند و هزاره ها را یا نادیده می گرفتند یا منفی توصیف می کردند؛ همچنین دسترسی به مدارس و دانشگاه ها محدود بود. ثالثاً، گفتمان و زبان که در آن برچسب های تحقیرآمیز و کلیشه های منفی درباره هزاره ها در زبان عامیانه، ادبیات و رسانه ها رواج یافت و تفاوت های ظاهری به عنوان نشانه «دیگری» بودن تأکید شد. رابعاً، محرومیت اقتصادی که عدم دسترسی به اعتبار، سرمایه و بازارهای اصلی را به همراه داشت و هزاره ها را در فقر و حاشیه نشینی نگه داشت.

این سازوکارها، تبعیض را از سطح «خشونت آشکار» به سطح «خشونت ساختاری و نمادین» منتقل کردند. خشونت نمادین، به تعبیر بوردیو، نوعی سلطه است که به عنوان «طبیعی» و «عادی» پذیرفته می شود و قربانیان آن را درونی می کنند. در این دوره، بسیاری

از هزاره‌ها، تعاریف منفی درباره خود را باور کردند: احساس «عدم کفایت»، «خجالت از هویت قومی»، و «انتظارات پایین از خود».

چرا تبعیض از شکل آشکار به نهادی تحول یافت؟ دو عامل اصلی را می‌توان شناسایی کرد: یکی، تغییر شرایط بین‌المللی که در قرن بیستم، فشارهای بین‌المللی و گفتمان حقوق بشر، دولت‌ها را مجبور کرد که اشکال آشکار تبعیض را کاهش دهند یا پنهان کنند؛ دیگری، منطق بازتولید که دولت افغانستان دریافت برای حفظ ساختار قدرت تک‌قومی، نیازی به خشونت مستقیم نیست؛ کافی است تبعیض در نهادها، قوانین، آموزش و گفتمان رسوب کند. این شکل تبعیض، هم کم‌هزینه‌تر بود و هم پایدارتر. در این دوره، عدم شناسایی در سطح تضامن (به تعبیر هونت) تشدید شد: هزاره‌ها در گفتمان عمومی، در تاریخ رسمی، در کتاب‌های درسی، و در رسانه‌ها، یا نادیده گرفته شدند یا با تعاریف منفی شناخته شدند. این به فرسایش عزت نفس جمعی منجر شد.

۸-۳. مرحله سوم: دوره معاصر (دهه ۱۹۹۰ به بعد) - میکروفیزیک تبعیض

از دهه ۱۹۹۰ به بعد، تبعیض از سطح نهادی به سطح «میکروفیزیک» تحول یافت. میکروفیزیک تبعیض به معنای رسوب تبعیض در شبکه‌ای پراکنده از مکانیسم‌های روزمره، خرد و نامرئی است که در همه جای زندگی اجتماعی حضور دارند اما به‌صورت کلان قابل شناسایی نیستند. این شامل پنج سطح است: یک، زبان و گفتمان روزمره: استفاده مداوم از برچسب‌های تحقیرآمیز در مکالمات روزمره، شوخی‌ها، و فضای مجازی که زبان را به میکروسازوکار طرد تبدیل می‌کند.

دو، مدرسه و آموزش: نه تنها در کتاب‌های درسی، بلکه در تعاملات روزمره معلم-دانش‌آموز که انتظارات پایین از دانش‌آموزان هزاره، شوخی‌های قومی، و احساس «دیگری بودن» در کلاس را ایجاد می‌کند.

سه، بازار کار و محیط شغلی: «سقف شیشه‌ای» نامرئی که هزاره‌ها را از ارتقا باز می‌دارد؛ استخدام‌های غیررسمی بر اساس شبکه‌های قومی؛ و تبعیض در دستمزد و شرایط کار.

چهار، فضای عمومی و تعاملات روزمره: نگاه‌های مشکوک، بررسی‌های امنیتی بیشتر در فرودگاه‌ها و ایست‌بازرسی‌ها، و احساس «تهدید بالقوه» بودن. پنج، رسانه و فضای مجازی: تولید و بازتولید کلیشه‌ها در رسانه‌ها، فیلم‌ها، سریال‌ها و شبکه‌های اجتماعی؛ نمایش هزاره‌ها در نقش‌های منفی یا فرودست؛ و سخنان نفرت‌پراکنی آنلاین.

چرا این تحول رخ داد؟ دو عامل اصلی: یکی، جهانی شدن و فشار حقوق بشری که پس از سقوط طالبان (۲۰۰۱) و حضور جامعه بین‌المللی، دولت افغانستان نمی‌توانست به صورت آشکار تبعیض کند؛ اما ساختار قدرت تک‌قومی همچنان حفظ شد و تبعیض به لایه‌های عمیق‌تر زندگی اجتماعی رسوب کرد. دیگری، منطق قدرت پراکنده که در جامعه پیچیده معاصر، قدرت دیگر فقط از بالا اعمال نمی‌شود؛ بلکه در میکروتعاملات روزمره بازتولید می‌شود.

میکروفیزیک تبعیض، آسیب‌های روانی-اجتماعی عمیقی ایجاد می‌کند: احساس ناامنی مداوم، خودسانسوری، «خستگی نژادی»، استرس مزمن ناشی از تبعیض، و تأثیر منفی بر سلامت روان. اما همزمان، همین تبعیض پراکنده، مقاومت پراکنده نیز ایجاد می‌کند.

۸-۴. بازیابی شناسایی: عاملیت و مقاومت فرهنگی (دهه ۱۹۹۰ به بعد)

در مقابل تبعیض، از دهه ۱۹۹۰ به بعد، اشکال جدیدی از عاملیت جمعی و بازیابی شناسایی ظهور کرد که در پنج سطح قابل مشاهده است: یک، سیاسی شدن هویت: تشکیل احزاب و سازمان‌های هزاره، ورود به پارلمان و نهادهای دولتی، و مطالبه حقوق شهروندی کامل. دوره پس از ۲۰۰۱، به‌ویژه مهم بود: برای اولین بار، هزاره‌ها حضور قابل‌توجه در ساختار قدرت پیدا کردند. دو، ارتقای سرمایه فرهنگی: سرمایه‌گذاری عظیم در آموزش، به‌ویژه در دو دهه اخیر. این، استراتژی «عاملیت از طریق سرمایه فرهنگی» است: در شرایطی که سرمایه اقتصادی و سیاسی محدود است، هزاره‌ها سرمایه فرهنگی را افزایش داده‌اند.

سه، بازنمایی مثبت و بازسازی تاریخ: تولید ادبیات، فیلم، موسیقی و هنر که هزاره‌ها را به صورت مثبت نمایش می‌دهد؛ نوشتن تاریخ «از پایین» که روایت رسمی را به چالش می‌کشد؛ و جنبش‌های حافظه تاریخی مانند بزرگداشت قربانیان کشتارها.

چهار، عاملیت زنان هزاره: زنان هزاره، به عنوان قربانیان دو گانه تبعیض (قومی و جنسیتی)، در دو دهه اخیر، نقش پیشگام در آموزش، فعالیت اجتماعی و هنر داشته‌اند. پنج، جنبش‌های اجتماعی و فضای مجازی: جنبش‌های اعتراضی مانند جنبش «روشنایی» (۲۰۱۶) که به قطع برق و محرومیت از زیرساخت اعتراض کرد؛ و استفاده از فضای مجازی برای بازنمایی مثبت، افشای تبعیض و سازماندهی جمعی.

چرا این بازیابی شناسایی در این دوره ممکن شد؟ سه عامل: اول، فرصت‌های ساختاری پس از ۲۰۰۱ که سقوط طالبان و نسبی شدن قدرت پشتون‌محور، فضای سیاسی باز کرد. دوم، جهانی‌شدن و ارتباطات که دسترسی به فضای مجازی، امکان سازماندهی، بازنمایی و ارتباط با دیاسپورا را فراهم کرد. سوم، سرمایه فرهنگی انباشته که سرمایه‌گذاری نسل‌های قبلی در آموزش، به ایجاد نسل تحصیل کرده‌ای منجر شد که توانایی صدازدن، نوشتن و سازماندهی داشت.

بازیابی شناسایی، کامل نیست و هنوز تبعیض ساختاری ادامه دارد (به‌ویژه در دوره حکومت مجدد طالبان از ۲۰۲۱). اما فرایندهای عاملیت، نشان می‌دهند که ساختارهای تبعیض، نه «بسته» و نه «تغییرناپذیر» هستند.

۹. بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله با رویکرد تبارشناختی-جامعه‌شناختی، تحول تعصب و تبعیض قومی علیه هزاره‌های افغانستان را در سه مرحله تحلیل و تبیین کرد: دوره عبدالرحمن (۱۸۸۰-۱۹۰۱) با حذف آشکار و شکستن عصیت؛ دوره‌های میانی قرن بیستم با نهادینه‌شدن تبعیض در قوانین، آموزش، گفتمان و اقتصاد؛ و دوره معاصر (دهه ۱۹۹۰ به بعد) با تبدیل به میکروفیزیک و رسوب در زبان، مدرسه، بازار کار، فضای عمومی و رسانه. در مقابل، بازیابی شناسایی از طریق عاملیت سیاسی، سرمایه فرهنگی، بازنمایی مثبت و جنبش‌های اجتماعی آغاز شده است.

سهم نظری مقاله در سه وجه است: اول، مفهوم‌سازی «میکروفیزیک تبعیض» که ابزار تحلیلی جدیدی برای فهم لایه‌های نامرئی و روزمره تبعیض فراهم می‌آورد. دوم، تلفیق اندیشه اسلامی و جامعه‌شناسی معاصر که نشان می‌دهد مفاهیم ابن‌خلدون و فارابی، در تعامل با نظریه‌های هونت، گیدنز و بوردیو، می‌توانند فهم عمیق‌تری از پدیده‌های پیچیده اجتماعی فراهم کنند. سوم، رویکرد دوگانه (تبعیض + بازیابی) که دوگانگی ساختار-عاملیت را در عمل نشان می‌دهد.

محدودیت‌ها و پیشنهادها: این پژوهش، محدودیت‌هایی دارد. داده‌ها اسنادی بوده‌اند و کار میدانی انجام نشده؛ پژوهش‌های آینده می‌توانند با مصاحبه و مشاهده، تجربه زیسته تبعیض را عمیق‌تر بررسی کنند. تمرکز بر هزاره‌ها بوده؛ مطالعات تطبیقی با دیگر گروه‌های اقلیت در افغانستان می‌تواند الگوهای کلان‌تر را روشن کند. دوره پس از ۲۰۲۱ (حکومت مجدد طالبان) نیاز به تحلیل جداگانه دارد.

تعصب و تبعیض قومی، پدیده‌ای است که نه تنها به محرومیت مادی، بلکه به آسیب‌های عمیق روانی-اجتماعی منجر می‌شود و در لایه‌های مختلف زندگی اجتماعی رسوب می‌کند. تجربه هزاره‌های افغانستان نشان می‌دهد که تبعیض، چگونه از حذف آشکار به میکروفیزیک تحول می‌یابد؛ اما همچنین نشان می‌دهد که عاملیت جمعی، بازنمایی مثبت و سرمایه فرهنگی، می‌توانند فرایند بازیابی شناسایی را آغاز کنند. چالش اصلی، از «عاملیت در حاشیه» به «شناسایی کامل و عدالت ساختاری» است و این، نیازمند تحول بنیادین در ساختار قدرت، گفت‌وگو و نهادهای افغانستان است.

منابع

* قرآن کریم.

ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۷۵). مقدمه ابن خلدون (مترجم: محمد پروین گنابادی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

بورديو، پیر. (۱۴۰۳). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی (مترجم: مرتضی مردیها). تهران: نقش و نگار.

تیمورخانیف. (۱۴۰۱). تاریخ ملی هزاره (مترجم: عزیز طغیان، چاپ پنجم). کابل: انتشارات مقصودی.

حرانی، حسن بن شعبه. (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول. قم: انتشارات جامعه مدرسین. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱۸). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

فارابی، ابونصر. (۱۳۷۶). السياسة المدنیة (مترجم: حسن ملک شاهی). تهران: انتشارات سروش. فارابی، ابونصر. (۱۳۸۵). آراء اهل المدینه الفاضله (مترجم: سید جعفر سجادی). تهران: انتشارات الزهراء.

فیض محمد کاتب، محمد فیض. (۱۴۰۲). سراج التواریخ (ج ۳، چاپ سوم). تهران: نشر عرفان. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). تکوین جامعه: نظریه ساختار بندی (مترجم: منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.

موسوی، سید عسکر. (۱۳۷۹). هزاره‌ها (تاریخ، فرهنگ، اقتصاد، سیاست) (مترجم: اسدالله شفايي). تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری نقش سیمغ.

سعادت، موسی. (۱۴۰۰). مطالعه جامعه شناختی رابطه بین هویت قومی و پر خاشگری با تأکید بر نظریه به رسمیت شناسی اکسل هونت. جامعه شناسی کاربردی (دانشگاه اصفهان)، ۳۲(۸۴)، صص ۸۰-۹۹.

ویکی‌فقه (بی‌تا). «پرهیز از تبعیض نژادی در سیره نبوی». قابل دسترس در:

<https://fa.wikifeqh.ir>

Ibrahimi, N. (2017). *The Hazaras and the Afghan State*. Oxford: Oxford University Press.

Monsutti, A. (2005). *War and Migration: Social Networks and Economic Strategies of the Hazaras of Afghanistan*. New York: Routledge.

Ibrahimi, N. (2017). Shift and drift in Hazara ethnic consciousness. *Ethnic and Racial Studies*, 40(7), pp. 1121-1140.

A Sociological Study of the Arbaeen Walk and Its Relationship with Social Cohesion*

Ghanbar Hosseinpour¹ 

Manouchehr Pahlavan² 

Ali Asghar Abbasi Asfajir³ 

1. PhD Student, Faculty of Humanities, Babol Branch, Islamic Azad University Babol, Babol, Iran.
gh.hosseinpour@ccoip.ir

2. Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Babol Branch, Islamic Azad University, Science and Research Babol Branch, Babol, Iran(**Corresponding Author**).
Ma.pahlavan@iau.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Babol Branch, Islamic Azad University Babol, Babol, Iran. asfajir@iau.ac.ir



Abstract

Religious rituals and ceremonies in religious societies play a key role in strengthening collective identity, social cohesion, and the reproduction of social capital. The massive Arbaeen Walk, as one of the most widespread religious gatherings in the world, provides an unparalleled opportunity for a sociological study of the effects and consequences of religious occasions on social stability and solidarity among Iranian pilgrims. The present study was conducted with the aim of sociologically investigating the Arbaeen

* This article is an excerpt from a doctoral dissertation titled: "A Sociological Study of Religious Occasions and Their Impact on Social Stability and Cohesion: Case Study: Iranian Pilgrims' Arbaeen Walk" (Supervisor: Mr. Manouchehr Pahlavan and Advisor: Mr. Ali Asghar Abbasi Esfajir). Faculty of Humanities, Babol Branch, Islamic Azad University of Babol, Babol, Iran.

* Hosseinpour, Gh.; Pahlavan, M.; Abbasi Asfajir, A. A. (2025). A Sociological Study of the Arbaeen Walk and Its Relationship with Social Cohesion. *Islam and Social Studies*, 13(4), pp. 187-229.
<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73609.2196>

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/08/21 • **Revised:** 2025/10/12 • **Accepted:** 2025/12/11 • **Online Publication:** 2025/12/30

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



Walk and its impact on social cohesion. The research method was a survey, and the data collection tool was a researcher-made questionnaire. The statistical population consisted of Iranian pilgrims participating in the Arbaeen Walk, and 400 individuals were selected using a sampling method. Face and content validity were used to evaluate the validity of the questionnaire, and Cronbach's alpha coefficient was used to measure reliability. The research findings showed that participation in the Arbaeen Walk strengthens social solidarity, promotes mutual trust, increases social capital, and consolidates the religious identity of the pilgrims. These results indicate that religious occasions not only leave spiritual effects on the individual dimension, but also act as an important social factor in promoting stability and social cohesion in Iranian society.

Keywords

Religious Occasions, Social Cohesion, Social Stability, Collective Identity, Arbaeen Walk.

مطالعه جامعه‌شناختی پیاده‌روی اربعین و رابطه آن با انسجام اجتماعی*

قنبر حسین پور^۱  **منوچهر پهلوان**^۲  **علی اصغر عباسی اسفجیر**^۳ 

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، بابل، ایران.

gh.hosseinpour@ccoip.ir

۲. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم

و تحقیقات بابل، بابل، ایران (نویسنده مسئول).

Ma.pahlavan@iau.ac.ir

۳. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، بابل، ایران.

asfajir@iau.ac.ir

چکیده

مناسک و آیینهای مذهبی در جوامع دینی نقشی کلیدی در تقویت هویت جمعی، انسجام اجتماعی و بازتولید سرمایه اجتماعی دارند. پیاده‌روی عظیم اربعین به‌عنوان یکی از گسترده‌ترین اجتماعات دینی جهان، فرصتی بی‌بدیل برای مطالعه جامعه‌شناختی آثار و پیامدهای مناسبت‌های مذهبی بر ثبات و همبستگی اجتماعی در میان زائران ایرانی فراهم می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی پیاده‌روی اربعین و تأثیر آن بر انسجام اجتماعی انجام شد. روش تحقیق، پیمایشی و ابزارگردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود. جامعه آماری شامل زائران ایرانی شرکت‌کننده در پیاده‌روی اربعین بوده و با استفاده از

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان: «بررسی جامعه‌شناختی مناسبت‌های مذهبی و تأثیر آن بر ثبات و انسجام اجتماعی» (مطالعه موردی: پیاده‌روی اربعین زائران ایرانی) (استاد راهنما: آقای منوچهر پهلوان و استاد مشاور: آقای علی اصغر عباسی اسفجیر). دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، بابل، ایران می‌باشد.

* حسین پور، قنبر؛ پهلوان، منوچهر؛ عباسی اسفجیر، علی اصغر. (۱۴۰۴). مطالعه جامعه‌شناختی پیاده‌روی اربعین و رابطه آن با انسجام اجتماعی. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۴۳(۴)، صص ۱۸۷-۲۲۹.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73609.2196>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

© ۱۴۰۴ (نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند)



روش نمونه‌گیری ۴۰۰ نفر انتخاب شدند. برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی صوری و محتوایی و برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که مشارکت در پیاده‌روی اربعین موجب تقویت همبستگی اجتماعی، ارتقای اعتماد متقابل، افزایش سرمایه اجتماعی و تحکیم هویت دینی زائران می‌شود. این نتایج حاکی از آن است که مناسبت‌های مذهبی نه تنها در بعد فردی آثار معنوی برجای می‌گذارند، بلکه به عنوان عامل اجتماعی مهمی در ارتقای ثبات و انسجام اجتماعی در جامعه ایران عمل می‌کنند.

کلیدواژه‌ها

مناسبت‌های مذهبی، انسجام اجتماعی، ثبات اجتماعی، هویت جمعی، پیاده‌روی اربعین.

مقدمه

مناسک مذهبی از دیرباز به عنوان یکی از پایدارترین و اثرگذارترین اشکال کنش جمعی، نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی و بازتولید ارزش‌های مشترک ایفا کرده‌اند. این آیین‌ها، در نگاه جامعه‌شناسی کلاسیک، نه تنها بازتابی از تجربه‌های معنوی افراد بوده؛ بلکه ابزاری برای تقویت پیوندهای اجتماعی، انسجام جمعی و ثبات ساختاری جامعه بشمار می‌روند. به بیان دیگر، مناسک مذهبی تنها عرصه‌ای نمادین نیستند؛ بلکه بستری زنده برای تقویت حس تعلق میان اعضای یک جامعه بشمار می‌آیند. اهمیت این کارکرد در جهان اسلام و به ویژه در سنت شیعی، با توجه به ماهیت پویا، مردمی و عاطفی این آیین‌ها، برجستگی بیشتری پیدا می‌کند.

در این میان، «پیاده‌روی اربعین حسینی» به عنوان یکی از عظیم‌ترین گردهمایی‌های مذهبی سالانه جهان، نمونه‌ای بی‌بدیل از این پدیده اجتماعی-مذهبی است. این رویداد که میلیون‌ها زائر را از ملیت‌ها، اقوام و طبقات اجتماعی گوناگون در یک مسیر مشترک گردهم می‌آورد، فراتر از یک عمل زیارتی صرف، به رخدادی اجتماعی و فرهنگی با پیامدهای چندلایه بدل شده است. پیاده‌روی اربعین نه تنها بازتابی از وفاداری دینی و هویت مذهبی است؛ بلکه با ایجاد فرصت‌های گسترده برای تعاملات جمعی، همدلی اجتماعی و مشارکت داوطلبانه، زمینه‌ای کم‌نظیر برای بازآفرینی انسجام اجتماعی فراهم می‌کند.

با وجود این اهمیت برجسته، بررسی‌های علمی در حوزه جامعه‌شناسی دین کمتر به صورت نظام‌مند به واکاوی پیامدهای اجتماعی این پدیده پرداخته‌اند. بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها تاکنون به ابعاد معنوی، اعتقادی و فردی مناسک اربعین توجه داشته و در نتیجه، بعد جامعه‌شناختی و کارکردهای آن در تقویت سرمایه اجتماعی، تحکیم همبستگی و افزایش احساس تعلق ملی-مذهبی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. این خلأ پژوهشی ضرورت توجه به این پرسش را دو چندان می‌سازد که: چگونه چنین رخدادی می‌تواند در شرایط کنونی جامعه ایران، به عنوان عاملی برای تقویت ثبات و انسجام اجتماعی ایفای نقش کند؟

برهمناساس، پژوهش حاضر با تکیه بر رویکرد جامعه‌شناختی، در پی آن است تا ابعاد مختلف تأثیر پیاده‌روی اربعین بر انسجام اجتماعی را به مثابه یک مطالعه موردی واکاوی کند. این تحقیق می‌کوشد نشان دهد که این آیین جمعی عظیم چگونه می‌تواند به عنوان بستری برای ارتقای سرمایه اجتماعی، بازتولید هویت مشترک و تقویت همبستگی ملی-مذهبی عمل نماید و از این رهگذر، سهمی مهم در پایداری اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی ایفا کند.

۱. بیان مسئله

انسجام اجتماعی یکی از بنیادی‌ترین شاخص‌های سلامت و پایداری جوامع است که توانایی یک سیستم اجتماعی را برای مقابله با بحران‌ها، تغییرات و چالش‌ها از طریق تقویت همبستگی درونی و شکل‌دهی به راهبردهای جمعی نمایان می‌سازد. این مفهوم چندبعدی شامل مؤلفه‌هایی چون اعتماد متقابل، مشارکت اجتماعی، احساس تعلق و هویت جمعی است (چلبی، ۱۳۹۵، ص ۵۵). برهمناساس، انسجام اجتماعی در ادبیات جامعه‌شناسی به مثابه زیربنایی برای ثبات سیاسی، همبستگی فرهنگی و سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شود.

از منظر نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، دین و مناسک جمعی آن همواره یکی از مهمترین منابع انسجام اجتماعی بوده است. دورکیم (۱۳۸۲) در کتاب صوربنیانی حیات دینی، مناسک را ابزار بازتولید همبستگی و هویت جمعی می‌داند (Giddens, 2006). با وجود تأکید بر فرسایش برخی جنبه‌های سنتی دین در عصر مدرن، بر کارکرد بازسازنده آیین‌های دینی در پیوندهای اجتماعی و هویت‌یابی جمعی تأکید دارد. در همین راستا، پاتنام (Putnam, 2000) دین و شبکه‌های اجتماعی ناشی از آنرا از غنی‌ترین اشکال سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند. یافته‌های پژوهش‌های جدید نیز این رویکرد را تأیید می‌کند؛ برای مثال، (Wood, 2017 & Cullen, et al, 2016) نشان داده‌اند که آیین‌های مذهبی جمعی می‌توانند اعتماد اجتماعی، همبستگی و همکاری گروهی را در جوامع مدرن تقویت کنند.

در میان مناسک معاصر، «پیاده‌روی اربعین حسینی» به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های مذهبی- اجتماعی جهان جایگاه ویژه‌ای یافته است. این رویداد که از سطحی محدود به گردهمایی عظیم و فراملی ارتقا یافته، عرصه‌ای زنده برای بروز مشارکت داوطلبانه، نظم خودجوش، ایثار و همیاری اجتماعی (به ویژه در قالب «مواکب») فراهم می‌آورد (فتاحی و همکاران، ۱۴۰۰).

پژوهش‌های داخلی همچون (سلیمانی، ۱۳۹۹) و (رستمی و همکاران، ۱۳۹۸) نیز نشان می‌دهند که پیاده‌روی اربعین، افزون بر تقویت هویت شیعی و تجربه زیسته معنوی، به افزایش احساس تعلق اجتماعی، گسترش اعتماد و تحکیم روابط جمعی منجر می‌شود؛ همچنین یافته‌های خارجی (مانند مک‌دانل، ۲۰۲۰) است که آیین‌های مذهبی بزرگ، حتی در بسترهای متفاوت فرهنگی، به مثابه سازوکار بازتولید سرمایه اجتماعی عمل می‌کنند.

با وجود اهمیت این موضوع، یک شکاف آشکار در ادبیات پژوهشی وجود دارد: تمرکز اغلب مطالعات داخلی بر ابعاد سیاسی، اعتقادی یا بین‌المللی اربعین بوده و بررسی نظام‌مند تأثیر این مناسک بر انسجام اجتماعی در بافت جامعه ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است (صادقی، ۱۳۹۷). این در حالی است که جامعه ایرانی با چالش‌هایی همچون گسست نسلی، کاهش مشارکت مدنی و ضعف اعتماد اجتماعی مواجه است (آزادارمکی، ۱۳۹۴، ص ۸۸) و مطالعه مناسک عظیمی همچون اربعین می‌تواند پاسخی علمی به این مسائل ارائه دهد.

۲. اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق

انسجام اجتماعی یکی از پایه‌های حیاتی سلام، ثبات و توسعه هر جامعه‌ای است که موجب حفظ نظم و همبستگی میان اعضا می‌شود. یکی از مهمترین عوامل تأمین و تقویت انسجام اجتماع، باورها، اعتقادات و انجام فرائض و آیین‌های دینی مشترک در جامعه است. به‌طوری‌که هرچه اعتقادات دینی میان اعضا از تعهد و ارزشمندی بیشتری برخوردار باشد، انسجام اجتماعی نیز استحکام بیشتری می‌یابد و انجام مناسک دینی انرژی عاطفی و مشارکت اجتماعی گسترده‌تری را در پی خواهد داشت (چلی، ۱۳۹۵، ص ۵۷).

مناسک مذهبی به‌ویژه مناسبت‌هایی مانند پیاده‌روی اربعین، که از زیارت فردی به حرکتی گروهی عظیم با مشارکت افراد از فرهنگ‌ها، اقوام و حتی ادیان مختلف تبدیل شده است، به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل تقویت همبستگی، نظم و انسجام اجتماعی شناخته می‌شوند. این مناسک نمادی از سرمایه‌های نمادین، فرهنگی و اجتماعی‌اند که می‌توانند در قالب تجارب جمعی و معنوی، پیوندهای اجتماعی را تقویت و بازتولید کنند (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۹۶ و فتاح و همکاران، ۱۴۰۰).

با وجود اهمیت بالای مناسک مذهبی به‌ویژه پیاده‌روی اربعین در بازتولید و تقویت انسجام اجتماعی، مطالعات جامعه‌شناختی دقیق و کاربردی در این حوزه در ایران کمتر انجام شده است. بیشتر پژوهش‌ها عمدتاً به ابعاد سیاسی، معنوی یا بین‌المللی این رویداد پرداخته‌اند و توجه کافی به تأثیرات درونی و اجتماعی آن بر پیوندهای جمعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی نشده است (صادقی، ۱۳۹۷)؛ همچنین، با توجه به گسست نسلی، کاهش مشارکت مدنی و افزایش شکاف‌های فرهنگی در جامعه ایرانی، نیاز به تحقیقات به‌روز و تخصصی که ظرفیت‌های ملی و فراملی این آیین را به‌عنوان فاکتوری مؤثر در انسجام اجتماعی تحلیل کند، به شدت احساس می‌شود.

این تحقیق، علاوه بر ایجاد شناخت نظری درباره جایگاه و کارکردهای مناسک مذهبی همچون پیاده‌روی اربعین، قابلیت ارائه تحلیل‌های عمیق و راهبردی برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران فرهنگی و اجتماعی را دارد؛ همچنین، این پژوهش می‌تواند به نهادهای فرهنگی و دینی کمک کند تا ظرفیت‌های اربعین را به‌عنوان یک مناسک ملی و فراملی برای ارتقای ثبات سیاسی، اجتماعی و انسجام ملی و امت اسلامی بکار گیرند (شجاعی‌زند، ۱۳۹۹).

عدم توجه به ظرفیت‌های مناسک مذهبی و غفلت از تحلیل علمی تأثیر آنها بر انسجام اجتماعی موجب از دست رفتن فرصت‌های مهم بازسازی سرمایه اجتماعی و افزایش همبستگی ملی خواهد شد. فقدان این شناخت می‌تواند زمینه‌ساز تشدید گسست‌های اجتماعی، ضعف اعتماد بین گروه‌ها و افزایش شکاف‌های فرهنگی گردد که پیامدهای آن کاهش توان مقابله جامعه با بحران‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و درنهایت تضعیف

ثبات و توسعه پایدار جامعه خواهد بود. در شرایطی که مناسبت‌هایی چون پیاده‌روی اربعین می‌توانند پیامدهای مثبت گسترده در سبک زندگی زائران و ارزش‌های دینی-مذهبی داشته باشند، بی‌توجهی به آنها خسارات قابل توجهی بر سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی وارد خواهد کرد (آزادارمکی، ۱۳۹۴، ص ۸۸).

انجام این پژوهش به درک بهتر و علمی‌تر نقش مناسک مذهبی، به‌ویژه پیاده‌روی اربعین، در تقویت انسجام اجتماعی و همبستگی جمعی در جامعه ایرانی کمک خواهد کرد. این تحقیق ضمن فراهم کردن تحلیل نظری و کاربردی، می‌تواند به تقویت ثبات سیاسی-اجتماعی، ارتقای هویت مشترک، افزایش اعتماد اجتماعی و ترویج سبک زندگی مبتنی بر ارزش‌های دینی و فرهنگی منجر شود؛ همچنین، این پژوهش ظرفیت‌ها و چالش‌های این مناسک ملی و فراملی را آشکار ساخته و راهنمای برنامه‌ریزی‌های سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی خواهد بود تا با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها، جامعه‌ای منسجم‌تر، همبسته‌تر و پایدارتر شکل گیرد (سلیمانی، ۱۳۹۹؛ فتاحی و همکاران، ۱۴۰۰).

انسجام اجتماعی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین برای پایداری و توسعه جوامع، همواره مورد توجه متفکران اجتماعی قرار گرفته است. جوامعی که از سطح بالای انسجام اجتماعی برخوردارند، در مواجهه با بحران‌ها، تضادها و چالش‌های درونی و بیرونی، مقاومت و تاب‌آوری بیشتری از خود نشان می‌دهند. این انسجام، مفهومی چندبعدی است که از مؤلفه‌هایی همچون همبستگی، مشارکت، اعتماد متقابل، احساس تعلق، هویت جمعی و پیروی از هنجارهای مشترک تشکیل شده است (چلبی، ۱۳۹۵، ص ۵۷).

۳. اهداف تحقیق

۳-۱. هدف اصلی

- بررسی نقش و تأثیر مراسم پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یک مناسک دینی در تقویت انسجام اجتماعی، همبستگی ملی و ارتقا ثبات سیاسی-اجتماعی در جامعه ایران و امت اسلامی است.

۲-۳. اهداف فرعی

۱. تحلیل ابعاد فرهنگی، اجتماعی و دینی مناسک مذهبی در ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی.
۲. شناسایی ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی پیاده‌روی اربعین در ارتقا سرمایه اجتماعی و مشارکت مردمی.
۳. بررسی تأثیر حضور در مراسم پیاده‌روی اربعین بر سبک زندگی دینی، ارزش‌ها و هویت دینی-ملی زائران ایرانی.
۴. تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی مراسم پیاده‌روی اربعین در راستای تدام و گسترش پیام جهانی آن.
۵. ارائه راهکارهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های پیاده‌روی اربعین در جهت تقویت انسجام اجتماعی و ثبات سیاسی-اجتماعی.

۴. پرسش‌های تحقیق

یکی از عوامل مهمی که می‌تواند به تقویت و بازتولید انسجام اجتماعی کمک کند، مناسبت‌ها و آیین‌های جمعی به‌ویژه با ماهیت دینی است. بر همین اساس، این پژوهش با رویکردی جامعه‌شناختی و با بهره‌گیری از روش پیمایشی، در پی پاسخ به پرسش اصلی زیر است:

۴-۱. پرسش اصلی

مشارکت زائران ایرانی در پیاده‌روی اربعین چه تأثیری بر ابعاد مختلف انسجام و ثبات اجتماعی دارد؟

۴-۲. پرسش‌های فرعی

۱. پیاده‌روی اربعین چه نقشی در افزایش اعتماد اجتماعی میان زائران ایفا می‌کند؟
۲. این آیین چگونه می‌تواند سطح مشارکت اجتماعی و داوطلبانه را در جامعه ارتقا دهد؟

۳. چه تأثیری بر تقویت احساس تعلق و هویت جمعی دینی-ملی دارد؟
 ۴. پیاده‌روی اربعین تا چه اندازه در تقویت همدلی اجتماعی و باز تولید سرمایه اجتماعی مؤثر است؟
 ۵. پیاده‌روی اربعین چگونه بر انسجام اجتماعی و همبستگی میان زائران ایرانی تأثیر می‌گذارد؟
 ۶. چه ابعادی از مراسم پیاده‌روی اربعین به تقویت هویت دینی و ملی زائران کمک می‌کند؟
 ۷. نقش مشارکت مردمی و فعالیت‌های گروهی در پیاده‌روی اربعین در افزایش اعتماد و مدلی اجتماعی چیست؟
 ۸. چه چالش‌ها و فرصت‌هایی در مسیر ارتقای اثرگذاری مراسم پیاده‌روی اربعین بر انسجام اجتماعی وجود دارد؟
 ۹. سیاست‌گذاری‌های لازم برای بهره‌گیری بهتر از ظرفیت‌های پیاده‌روی اربعین در تقویت انسجام اجتماعی کدام‌اند؟
- این تحقیق می‌کوشد با تحلیل جامعه‌شناختی پیاده‌روی اربعین، نقش مناسک مذهبی را در تحکیم روابط اجتماعی و بازسازی هویت جمعی در جامعه دینی ایران مورد واکاوی قرار دهد.

۵. فرضیه‌های تحقیق

۵-۱. فرضیه اصلی

بین مشارکت زائران ایرانی در مناسک مذهبی پیاده‌روی اربعین و انسجام اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

۵-۲. فرضیه فرعی

فرضیه ۱: بین شرکت در مناسک مذهبی پیاده‌روی اربعین و میزان احساس تعلق اجتماعی زائران ایرانی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: شرکت در پیاده‌روی اربعین حسینی با افزایش احساس نشاط اجتماعی در میان زائران ایرانی رابطه دارد.

فرضیه ۳: پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یک مناسک دینی، با تقویت هویت دینی در میان مشارکت‌کنندگان ایرانی رابطه معنادار دارد.

فرضیه ۴: بین شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و افزایش احساس امنیت اجتماعی در زائران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۵: مناسک مذهبی اربعین تأثیر مثبتی بر اعتماد اجتماعی شرکت‌کنندگان ایرانی دارد.

۶. مبانی نظری و مفهومی پژوهش

جوامع بشری از دیر باز تاکنون، به نحوی دارای مذهب بوده‌اند. دانشمندان و جامعه‌شناسان با بررسی‌های دقیق، به این نکته پی برده‌اند که اساساً در جهان، طایفه و جامعه‌ای بدون اعتقادات و آداب و رسوم که در واقع کیش و مذهب بشمار می‌رود، وجود ندارد.

امروزه نه تنها در سرتاسر جهان مذهب وجود دارد؛ بلکه تحقیقات نشان می‌دهد طوایف اولیه‌ی بشر نیز دارای مذهب بوده‌اند. چنان‌که اسلاف و پیشینیان انسان امروزی نئاندرتال‌ها^۱ مرده‌های خود را به وضع خاصی دفن می‌کردند و ابزار کارشان را در کنارشان می‌نهادند و بدین طریق، عقیده خود را بوجود دنیای دیگر به اثبات می‌رساندند (کنیک، ۱۳۵۵، ص ۱۲۶).

در جامعه‌شناسی دین، مناسبات دین و جامعه مورد نظر است، همچنان‌که اندیشه‌های دینی، سازمان‌ها و نهادهای دینی، مناسک و شعائر دینی در این رشته مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جامعه‌شناس دین از قضاوت ارزشی اجتناب می‌ورزد و تنها سعی در شناخت عقاید

۱. نئاندرتال‌ها گونه‌ای از انسان‌های اولیه بودند که حدود ۴۰ هزار سال پیش در اروپا و آسیای غربی زندگی می‌کردند. آنها با بدن قوی و مغز بزرگ، سازگار با سرمای یخبندان، ابزار سنگی می‌ساختند و از آتش استفاده می‌کردند.

به عنوان واقعیاتی مهم و روابط آنها با زمینه‌های اجتماعی دارد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۷۶۷).
 به نظر «همیلتون» جامعه‌شناسی دین بر آن است که نقش دین را در جامعه دریابد، اهمیت و تأثیر آن را بر تاریخ بشر تحلیل کند، گوناگونی عقاید و مراسم مذهبی در فرهنگ‌های مختلف را باز شناسد و نیروهای اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری آنها را معین کند (Hamilton, 1995).

از آنجا که دین امری اجتماعی است یکی از زمینه‌های مطالعاتی جامعه‌شناسی، دین و چگونگی شکل‌گیری آن و ارتباطش با جامعه و ابعاد مختلف آن است، و نیز از آنجا که مسجد یک سازمان مذهبی وابسته به نهاد دینی است، ضروری است که مختصری به تعاریف مختلف دین و نظر جامعه‌شناسان درباره دین پرداخته شود.

تعریف دین در بین جامعه‌شناسان و اندیشمندان متفاوت است. گاهی یک سری آداب و رسوم خاص، دین به شمار می‌آید و گاهی آیین‌های الهی هم که توسط پیامبران الهی بر مردم عرضه شده است نیز دین خوانده می‌شود. شاید یکی از دشوارترین مباحث پایه در جامعه‌شناسی دین، ارائه تعریفی مناسب از دین باشد که تا حال چنین کاری، یعنی ارائه تعریفی جامع و مانع از دین، انجام نشده است. برای مثال، چند تعریف از دین ارائه می‌شود:

«رانی استارک»، یکی از چهره‌های سرشناس جامعه‌شناسی دین در آمریکا می‌گوید:
 «دین الگوهای اجتماعاً سازمان‌یافته از باورها و عملکردهایی است که به معنای غایی مربوط می‌شوند و بر فرض وجود ما بعد الطبیعه استوارند» (سیدامامی، ۱۳۷۶).

«آلن بیرو»، به نقل از «بولی» می‌نویسد: «دین، مجموعه باورها و اعمالی را در بر می‌گیرد که نسبت به یک واقعیت یکتا یا جمعی اما متعالی پدید می‌آید. واقعیتی که انسان خود را بدان وابسته می‌داند و درصدد تماس و ارتباط با آن است» (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۶۳۲).

«رابرت بلا»، جامعه‌شناس برجسته معاصر و از شاگردان «تالکت پارسونز» در تعریف دین می‌نویسد: «مجموعه‌ای از اشکال و اعمال نمادین که انسان را به شرایط غایی هستی خودش مربوط می‌کند» (سیدامامی، ۱۳۷۶).

در مبانی نظری «بررسی جامعه‌شناختی مناسبت‌های مذهبی و تأثیر آن بر انسجام اجتماعی با مطالعه موردی: پیاده‌روی اربعین زائران ایرانی» نظریه‌ها و چارچوب‌های جامعه‌شناختی مرتبط با مناسک مذهبی، انسجام اجتماعی و پدیده‌های جمعی اشاره شده که این نظریه‌ها عبارت‌اند از:

۱-۶. انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های پایداری و سلامت جامعه، بیانگر میزان همبستگی درونی و توان جامعه در مواجهه با بحران‌ها و چالش‌هاست. مؤلفه‌هایی چون اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی، هویت جمعی و همدلی از عناصر اصلی انسجام اجتماعی به‌شمار می‌آیند (جلبی، ۱۳۹۵، ص ۵۵).

۲-۶. دین و مناسک جمعی

در ادبیات کلاسیک جامعه‌شناسی، دین و به‌ویژه مناسک جمعی آن، نقش محوری در بازتولید همبستگی اجتماعی دارند.

- رحیمی (۱۳۸۲، صص ۳۲-۳۴) در صور بنیانی حیات دینی، آیین‌های مذهبی را ابزاری برای تحکیم هویت جمعی و بازتولید وجدان جمعی می‌داند.

- گیدنز، نیز اگرچه از فرسایش سنت در نیای مدرن سخن می‌گوید، اما تأکید دارد که آیین‌های دینی همچنان توان بازسازی پیوندهای اجتماعی و هویت مشترک را دارا هستند (Giddens, 2006, pp. 442-445).

۳-۶. سرمایه اجتماعی و مشارکت دینی

سرمایه اجتماعی، که به‌ویژه توسط «پاتنام» مفهوم‌پردازی شده، شامل اعتماد، هنجارهای همکاری و شبکه‌های اجتماعی است که به تقویت همکاری و انسجام اجتماعی منجر می‌شود (Putnam, 2000, pp. 18-22). از این منظر، مشارکت در آیین‌های دینی می‌تواند یکی از قوی‌ترین منابع تولید سرمایه اجتماعی باشد.

۶-۴. سرمایه‌های بورديو و آيين اربعين

بورديو با معرفي انواع سرمايه (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین)، نشان می‌دهد که مناسک مذهبی می‌توانند زمینه‌ای برای انباشت و بازتولید سرمايه اجتماعی و نمادین باشند. در آيين اربعين، سرمايه نمادین (مبتنی بر ايتار و معنویت) و سرمايه اجتماعی (مبتنی بر شبکه‌های همکاری مانند مواكب) به‌شدت تقویت می‌شود (Bourdieu, 1986, p. 248).

۶-۵. پیاده‌روی اربعين به‌مثابه پدیده اجتماعی

مطالعات اخير نشان داده‌اند که آيين اربعين افزون بر بُعد معنوی، دارای آثار اجتماعی قابل توجهی بر تقویت هویت شیعی، احساس تعلق، همیاری و اعتماد اجتماعی است (سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۹۴؛ رستمی و همکاران، ۱۳۹۸؛ فتاحی و همکاران، ۱۴۰۰). با این حال، پژوهش‌های موجود بیشتر بر ابعاد سیاسی و بین‌المللی این آيين متمرکز بوده و کمتر به سنجش نظام‌مند نقش آن در بازتولید انسجام اجتماعی در بستر جامعه ایران پرداخته‌اند (صادقی، ۱۳۹۷). برای تحلیل جامعه‌شناختی پیاده‌روی اربعين و نقش آن در انسجام اجتماعی، می‌توان از چند رویکرد نظری استفاده کرد:

۱. نظریه انسجام اجتماعی دورکیم

دورکیم معتقد است آيين‌ها با ایجاد احساس تعلق مشترک و بازتولید ارزش‌های جمعی، عامل اصلی انسجام اجتماعی هستند. از این منظر، پیاده‌روی اربعين با گردآوردن میلیون‌ها فرد در یک تجربه معنوی مشترک، انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند.

۲. نظریه مناسک گذار ترنر

ترنر، آيين‌ها را فرایندی می‌داند که در آن شرکت‌کنندگان از حالت فردی خارج و به یک «اجتماع عاطفی» وارد می‌شوند. در پیاده‌روی اربعين نیز زائران تجربه‌ای جمعی و فراملی از همبستگی و برابری می‌یابند که انسجام اجتماعی را تعمیق می‌بخشد.

۳. سرمايه اجتماعی پاتنام

براساس نظریه پاتنام، مشارکت در آيين‌های جمعی می‌تواند سرمايه اجتماعی (اعتماد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای همکاری) را تقویت کند. پیاده‌روی اربعين نیز

با تقویت روابط اجتماعی، همبستگی دینی و اعتماد متقابل، در تولید سرمایه اجتماعی مؤثر است.

۴. کنش ارتباطی هابرماس

هابرماس بر اهمیت ارتباط و تعامل در فضای عمومی تأکید دارد. در پیاده روی اربعین، تعاملات گسترده میان زائران ایرانی و دیگر ملیت‌ها، فضای ارتباطی و تفاهم جمعی ایجاد می‌کند که به تحکیم انسجام اجتماعی کمک می‌نماید.

۷. چارچوب نظری تحقیق

در این تحقیق به شناخت و بررسی تاثیر مراسم و مناسبت‌های مذهبی (پیاده روی اربعین) بر زائرین از مباحث اصلی جامعه‌شناسی به شمار می‌رود و دامنه و سیعی از تئوری‌ها و نظریه‌های مرتبط به خود اختصاص داده شده که برای تبیین متغیرها می‌توان با تکیه بر رویکرد کارکردگرایی و ساخت‌گرایی از چارچوب نظری حوزه جامعه‌شناسان مانند دورکیم و پارسونز استفاده می‌شود. نظام‌های سیاسی همواره تلاش می‌کنند با افزایش قابلیت و ظرفیت خود، توانایی پاسخ به درخواست‌ها و امکان رویارویی با مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را بدست آورند.

صاحب‌نظران و جامعه‌شناسان برجسته «الگوی کارکردی-سیستمی» از امیل دورکیم، تالکوت پارسونز و دیوید ایستون گرفته تا «گابریل آلموند» و «بینگهام پاول» درباره مناسک دینی-مذهبی، جشن‌ها که باعث همبستگی و انسجام اجتماعی می‌شود دیدگاه زیادی داشتند. دورکیم اعتقاد دارد که مناسک دینی و جشن‌های دسته‌جمعی، همبستگی و انسجام اجتماعی را ایجاد و حفظ می‌کند. وی می‌گوید این اهمیت ندارد که اعضای گروه برای چه کاری گرد هم می‌آیند، مهم این است که آنها گرد هم می‌آیند و کاری را به گونه دسته‌جمعی انجام می‌دهند. به بیان بهتر امر اساسی این است که انسان‌ها گرد هم می‌آیند، احساسات مشترکی را تجربه می‌کنند و به گونه یک کنش جمعی آن را بیان می‌کنند. بنابراین آنچه که دورکیم می‌گوید مهم کنش جمعی است، مهم نیست به چه منظوری.

بنابراین دورکیم کارکرد مناسک دینی را در قالب کنش جمعی و در نتیجه همبستگی و انسجام اجتماعی تبیین می‌کند. بر این منوال شاید بتوان صور دیگر پدیده‌های اجتماعی را که منجر به کنش جمعی می‌شوند را عامل انسجام اجتماعی تلقی کرد. جشن‌های دسته‌جمعی از جمله جشن‌های استقلال و پیروزی مردم در انقلاب‌ها را می‌توان یکی از موارد مهم از این نوع دانست. جشن‌ها، مراسم دسته‌جمعی و مناسک دینی-مذهبی به‌طور معمول به‌صورت گروهی برگزار می‌شوند. تعدادی از افراد جامعه گرد هم آمده و با تمسک به یک موضوع خاص به تبادل احساسات و عواطف نسبت به هم می‌پردازند.

این گونه جشن‌ها برای خود قاعده‌مندی‌ها و روش‌های خاص دارند. از این نظر بین جشن‌های دسته‌جمعی و مناسک مختلف اجتماعی-دینی یک نوع همانندی وجود دارد. بدین معنا که در هر دو پدیده، عنصر قاعده‌مندی و روش‌مندی وجود داشته و برگزاری آن فاقد نظم و مقررات خاص نیست. جشن‌های گروهی برخلاف مناسک دینی که از تقدیس برخوردار بوده و کمتر تغییرپذیرند، آسان‌تر با شرایط، مقتضیات و نیازهای زندگی بشری سازگار می‌گردند. از سویی برگزاری جشن‌های دسته‌جمعی ضمن اینکه منجر به کنش جمعی می‌شوند، از لحاظ روحی و روانی، شادابی، کاهش تنش‌های عاطفی، رفع تیره‌گی‌های روابط میان افراد و کاهش کشمکش‌های اجتماعی و درنهایت تقویت وحدت و امنیت ملی را به همراه دارد.

چارچوب نظری این پژوهش، با توجه به موضوع آن، نگاه کارکردگرایانه‌ای دارد، که روی مناسک و اعمال دینی گرایش بیشتری دارند، به خصوص بر نظریات دورکیم تأکید خواهد داشت که از منظری کارکردی به موضوع دین و مناسک دینی پرداخته و بیشترین تأکید او بر بعد مناسکی دین بوده است. در رابطه با تعریف دین از منظر کارکردگرایی به خصوص نظرات دورکیم، می‌توان این بررسی را انجام داد که دورکیم، در معرفی اجزاء دین به دو جزء عقاید و مناسک دینی توجه کرده و بیش از هر چیز کارکرد این عقاید و مناسک را مورد توجه قرار داده است.

«دورکیم»، دین را چنین تعریف می‌کند: «دین نظامی منسجم از عقاید و اعمال

مرتبط با چیزهای مقدس است. عقاید و اعمالی که همه پیروان را در قالب یک اجتماعی واحد (جامعه دینی) اتحاد می‌بخشد» (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۶۳).

به نظر «دورکیم»، پدیده‌های دینی به‌طور عمده به دو مقوله باورها و مناسک تقسیم می‌شوند (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۴۸). «دورکیم» کیش عبادی یا مناسک دینی را فقط مجموعه‌ای از اعمال تکراری که ایمان از راه آنها ترجمان بیرونی پیدا می‌کند، نمی‌داند، بلکه مجموعه وسایلی می‌داند که ایمان و احساس دینی از طریق آنها ایجاد و دوره به دوره تکرار می‌شود (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

به استدلال «دورکیم»، دین در واقع زائیده مناسک است. از طریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی است که قدرت اخلاقی جامعه آشکارا احساس می‌شود و احساسات اخلاقی و اجتماعی از همین طریق تقویت و تجدید می‌شوند (همیلتون، ۱۳۸۱، ص ۱۷۶).

به بیان «دورکیم»، دین شیوه‌های بیان ارزش‌های اخلاقی و اعتقادات جمعی هر اجتماع است. دین عقیده‌ای صرف نیست؛ بلکه با مراسم و مناسک همراه است که این خود نوعی حس همبستگی گروهی را تقویت می‌کند و بیانگر تأثیر و نفوذ جمع بر فرد است.

«دورکیم» استدلال می‌کنند که دین در خود، هم احساس و رفتار دارد و هم شیوه تفکر (افروغ، ۱۳۷۷، صص ۱۱۰-۱۰۹). «دورکیم» معتقد است، همه ادیان دارای مناسک و رفتارهای دینی منظمی هستند که در آن گروهی از مؤمنان گردهم جمع می‌شوند و حس همبستگی گروهی در آنها تقویت می‌شود (Giddens, 2006, p. 492).

درواقع مناسک دینی از نظر دورکیم، برای پیوند دادن اعضای گروه ضروری است؛ از این رو است که آنها نه تنها در وضعیت‌های عادی پرستش، بلکه در بحران‌های گوناگون زندگی که در آنها تغییرات گذرهای عمده اجتماعی مانند تولد، ازدواج با مرگ یافت می‌شود، تجربه می‌شود (Giddens, 2006, p. 493).

«هاری آلبر»، پژوهشگر دورکیمی چهار کارکرد عمده دین را از نظر دورکیم این گونه بیان می‌کند. دین برای نیروهای اجتماعی، انضباط بخش، انسجام بخش بود (با مراسم)، حیات بخش (با انتقال ارزش‌ها)، خوشبختی بخش است (فراستخواه، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲).

همان‌طور که بیان شد در این پژوهش از منظر کارکردی و از نگاه دورکیم، به مناسک و رفتارهای دینی پرداخته می‌شود. به اعتقاد دورکیم، مناسک دینی برخلاف کنش‌های اقتصادی که در آن مردم به‌صورت جداگانه زندگی می‌کنند و به اهداف اجتماعی یا فردی خود مشغول هستند، با برقراری نوعی روابط عاطفی مثبت سبب انسجام و یکپارچگی میان شرکت‌کنندگان می‌شود. به‌خصوص در ایام برگزاری این مراسم گروه‌ها و افراد در کنار هم به گونه‌های دیگر از اوقات معمولی خویش دست به کنش‌های واحدی می‌زنند و خود را از دیگران باز نمی‌شناسند (جمشیدی‌ها و قبادی، ۱۳۸۶).

این اعتقادات، باورها و گرایش‌ها (فرضیه جامعه‌پذیری دینی) در هنگام برگزاری مراسم، وحدت، علاقه‌مندی و یکدلی را شرکت‌کنندگان فراهم می‌سازد (فرضیه انسجام اجتماعی) (جمشیدی‌ها و قبادی، ۱۳۸۶).

همبستگی و یگانگی که از روش همانندی در احساسات و تبعیت از نظام‌های ارزشی واحد صورت می‌گیرد، می‌تواند کنشگران را به هم متصل سازد. از سوی دیگر از آنجاکه سنن و آداب دینی در مراسم مذهبی با گریه‌ها و عزاداری‌های جمعی که با شورآفرینی‌های خاصی همراه است، کنشگران با این عمل مذهبی نوعی احساس تطهیر و نزدیکی به خدا می‌کنند. این امر سبب نوعی کامیابی و نشاط برای کنشگران عزادار می‌شود. درواقع تفریح اجتماعی در این مراسم با توجه به ویژگی‌ها و جاذبه‌های خاص آن موجب تقویت، تحرک و آرامش و تجدید حیات فردی می‌شود (فرضیه تجدید حیات اجتماعی و دینی) (جمشیدی‌ها و قبادی، ۱۳۸۶).

به عقیده دورکیم در هر دینی انجام یک‌سری اعمال خاص برای پیروان و مؤمنان آن دین ممنوع گردیده است. انجام چنین اعمالی یک فرد تنبیه، ملامت یا دست‌کم نفرت عمومی را به دنبال خواهد داشت. در پی انجام اعمال ممنوعه، فرد گناهکار شده و باید منتظر نوعی عذاب از طرف جامعه یا طبیعت باشد (فرضیه نظارت و کنترل اجتماعی) (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۳۰۰).

به‌طور خلاصه چارچوب نظری این تحقیق مبتنی بر دیدگاه‌های کلاسیک و معاصر

جامعه‌شناسی دین و انسجام اجتماعی است. سه نظریه پرداز کلیدی در این چارچوب عبارت‌اند از:

امیل دورکیم: کارکردگرایی و انسجام مکانیکی

دورکیم در اثر بنیادین خود صور بنیانی حیات دینی (۱۹۱۲) مناسک دینی را ابزاری برای تقویت انسجام اجتماعی می‌داند. از نظر وی، مشارکت در آیین‌های جمعی نوعی «هم‌احساسی جمعی» ایجاد می‌کند که منجر به شکل‌گیری وجدان جمعی و همبستگی مکانیکی در جوامع سنتی می‌شود (Durkheim, 1912, p. 223). مناسک، به‌ویژه زمانی که به صورت جمعی و با نمادهای مقدس انجام می‌شوند، نقش پیونددهنده و یکپارچه‌ساز دارند.

ویکتور ترنر: آیین‌های گذار و جماعت‌گرایی^۱

ترنر، با تمرکز بر مفهوم «لیمنالیته» در آیین‌های گذار، معتقد است که مناسک مذهبی می‌توانند فضایی خارج از ساختارهای قدرت و قشربندی ایجاد کنند که در آن احساس برابری، وحدت و «جماعت‌گرایی» تقویت می‌شود (Turner, 1969, p. 96). پیاده‌روی اربعین به عنوان یک «آیین گذار جمعی»، می‌تواند فرصت شکل‌گیری جماعتی دینی-فرهنگی را فراهم آورد که بر انسجام اجتماعی تأثیرگذار است.

پیر بوردیو: میدان، سرمایه فرهنگی و بازتولید هویت

از منظر بوردیو، مشارکت در مناسک دینی را می‌توان نوعی کنش در «میدان مذهبی» دانست که در آن سرمایه فرهنگی و نمادین باز تولید می‌شود. مناسبت‌هایی مانند پیاده‌روی اربعین، علاوه بر کارکردهای آیینی، فرصت‌هایی برای نمایش هویت، تعلق اجتماعی و سرمایه‌گذاری نمادین در قالب کنش‌های مذهبی فراهم می‌سازند (Bourdieu, 1991, p. 125).

نتیجه‌گیری چارچوب نظری

براساس ترکیب نظریات فوق، چارچوب نظری این تحقیق بر مبنای این پیش فرض

1. Communitas

استوار است که مشارکت در مناسبت‌های مذهبی، به‌ویژه آیین‌های جمعی مانند پیاده‌روی اربعین، می‌تواند به تقویت انسجام اجتماعی، همبستگی گروهی و احساس تعلق جمعی میان زائران منجر شود. انسجام اجتماعی، در این چارچوب، نه تنها به‌عنوان یک پیامد فردی تجربه دینی، بلکه به‌عنوان یک فرایند اجتماعی-فرهنگی بازتولیدشونده در بستر آیین‌های جمعی تحلیل می‌شود.

پس چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای دیدگاه‌های کارکردگرایانه، تفسیری و نظریات انتقادی در جامعه‌شناسی دین و انسجام اجتماعی بنا شده است. از دیدگاه دورکیم، مناسک مذهبی نقش بنیادینی در تقویت وجدان جمعی و انسجام اجتماعی ایفا می‌کنند. ترنر با طرح مفهوم «جماعت‌گرایی» بر قدرت مناسک در خلق تجربه‌های جمعی و احساس یگانگی موقت تأکید دارد. در کنار این دو، بوردیو مناسک دینی را به‌عنوان میدانی برای بازتولید سرمایه فرهنگی و نمادین تفسیر می‌کند. در ترکیب این دیدگاه‌ها، پژوهش حاضر فرض می‌کند که مشارکت در آیین پیاده‌روی اربعین، به‌واسطه خلق فضاهای آیینی-اجتماعی، موجب تقویت انسجام اجتماعی در میان زائران ایرانی می‌شود.

۱. جدول مفهومی^۱

ابعاد و مؤلفه‌ها	نظریه‌پرداز / منبع	تعریف مفهومی	مفهوم نظری
اعتماد اجتماعی-وفاق اجتماعی-مشارکت مدنی-حس تعلق جمعی	دورکیم (۱۹۹۵) / چن و همکاران (۲۰۰۶)	میزان احساس تعلق، اعتماد متقابل، همبستگی و همکاری در میان اعضای یک جامعه	انسجام اجتماعی
نظم آیینی-تجربه جمعی-تکرارپذیری- بازتولید هویت	Durkheim (1912) Turner (1969)	کنش‌های آیین، نمادین و تکرارشونده با هدف ایجاد پیوند میان انسان و امر قدسی و همچنین تقویت پیوندهای اجتماعی	مناسک مذهبی

1. Operationalized Conceptual Table

ابعاد و مؤلفه‌ها	نظریه پرداز / منبع	تعریف مفهومی	مفهوم نظری
جماعت گرایی (Communitas) همبستگی دینی - مشارکت خودجوش - مقاومت فرهنگی	علمداری (۲۰۲۰)	آیینی بزرگ در جهان تشیع بامشارکت میلیونها زائر، که حامل پیام‌های دینی، هویتی، مقاومت فرهنگی و همبستگی اجتماعی است.	پیاده‌روی اربعین
اعتبار مذهبی-ارزش نمادین مشارکت-نمایش دینداری و تعهد اجتماعی	Bourdieu (1991)	مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی، آیینی، ارزشی و نمادین که افراد بامشارکت در آیین‌های مذهبی کسب می‌کنند.	سرمایه فرهنگی/نمادین

۸. مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش: پیاده‌روی اربعین

		
	احساس تعلق اجتماعی	
	احساس نشاط اجتماعی	
تجربه‌های فرهنگی - نمادین	هویت دینی	شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته
	احساس امنیت	
	اعتماد اجتماعی	
		

انسجام اجتماعی:

۹. پیشینه پژوهش

جدول شماره ۱. پیشینه‌های داخلی و خارجی پژوهش

پژوهش داخلی					
ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال)	عنوان پژوهش	روش تحقیق	تعداد نمونه	یافته‌ها
۱	فتحی (۱۴۰۴)	تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت داوطلبانه در پیاده‌روی اربعین حسینی	کیفی: تئوری زمینه‌ای	۳۰ نفر زائر یا خدمت‌رسان	یافته‌ها نشان داد که مشارکت داوطلبانه در قالب مواکب، منجر به شکل‌گیری «سرمایه اجتماعی قوی»، «اعتماد تعمیم‌یافته» و «احساس تعلق خاطر عمیق» در میان شرکت‌کنندگان می‌شود. خدمت‌رسان این مطالعه به این نتیجه رسید که اربعین به‌عنوان یک «مدرسه اجتماعی» عمل می‌کند که ارزش‌های همیاری و ایثار را بازتولید می‌نماید.
۲	طاهرخانی و همکاران (۱۳۹۹)	تأثیر پیاده‌روی اربعین بر تقویت هویت ملی و جوانان ایرانی	پیمایشی / سشنامه	۳۸۰ نفر جوانان ایرانی شرکت‌کننده در راهپیمایی اربعین	نتایج حاکی از آن بود که میان مشارکت در پیاده‌روی اربعین و تقویت هویت ملی-مذهبی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ همچنین، این آیین باعث افزایش احساس غرور ملی و تقویت پیوندهای فراقومی در میان جوانان شرکت‌کننده شده بود.

پژوهش داخلی					
ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال)	عنوان پژوهش	روش تحقیق	تعداد نمونه	یافته‌ها
۳	موسوی و بیات (۱۳۹۷)	بازشناسی سرمایه‌های نمادین در آیین اربعین: مطالعه‌ای میدانی	کیفی، مردم‌نگاری مشاهده و مصاحبه عمیق	نامشخص	یافته‌ها نشان می‌دهد که آیین اربعین عرصه‌ای برای تولید و بازتولید «سرمایه نمادین» (براساس ایثار و قربانی) و «سرمایه اجتماعی» است. این فرایند منجر به ایجاد نوعی «وجدان جمعی نوین» و تقویت انسجام در میان جامعه زائران می‌شود.
پژوهش خارجی					
ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال)	عنوان پژوهش	روش تحقیق	تعداد نمونه	یافته‌ها
۴	Enjil (2024)	دیجیتال و الهی: رسانه‌های اجتماعی و دگرگونی زیارت اربعین	روش آمیخته؛ تحلیل محتوای کمی، پرسش‌ها و کیفی و مصاحبه	نامشخص	این مطالعه بررسی می‌کند که چگونه پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی، تجربه اربعین را متحول کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که به اشتراک گذاری دیجیتال این زیارت، پیام‌های همبستگی و مراقبت را تقویت می‌کند، حس جمعی را فراتر از شرکت کنندگان فیزیکی گسترش می‌دهد و یک آرشیو دیجیتالی از انسجام اجتماعی ایجاد می‌کند که اثر این مناسک را در طول سال تقویت می‌نماید.

پژوهش خارجی				
ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال)	عنوان پژوهش	روش تحقیق	تعداد نمونه
۵	Al-Mohammad & Peluso (2023)	زیارت اربعین: همبستگی، تقدس و بقا	قوم‌نگاری؛ مشاهده و مصاحبه عمیق	زائران عراق، ایران و لبنان
۶	Szanto (2022)	فراتر از فرقه‌گرایی: زیارت اربعین و همبستگی شیعی	قوم‌نگاری و تحلیل گفتمان	زائران و مقامات مذهبی
				این مطالعه استدلال می‌کند که پیاده‌روی اربعین شکلی منحصر به فرد از «همبستگی فراملی» و یک «اجتماع عاطفی» ایجاد می‌کند که فراتر از مرزهای ملی، قومی و طبقاتی عمل می‌نماید. این تحقیق نشان می‌دهد که چگونه اعمال مهمان‌نوازی (موکب)، پیوندهای اجتماعی قدرتمند و حس هویت مشترک را ایجاد می‌کند و به عنوان مکانیسمی برای انسجام اجتماعی در منطقه‌ای دوباره عمل می‌نماید.
				سزانتو خوانش‌های صرفاً فرقه‌گرایانه از اربعین را به چالش می‌کشد. این تحقیق نشان می‌دهد که این زیارت، شکل پیچیده‌ای از همبستگی را بیان می‌کند که اگرچه ریشه در هویت شیعی دارد، اما همچنین فضاهای همه شمول برای برخورد و همکاری ایجاد می‌نماید. این مطالعه نتیجه می‌گیرد که مناسب‌ترین مقیاس می‌تواند به عنوان عوامل قدرتمند یکپارچگی اجتماعی عمل کنند، حتی در میانه مناقشات سیاسی.

پژوهش خارجی				
ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال)	عنوان پژوهش	روش تحقیق	تعداد نمونه
۷	Deeb & Harb (2020)	تقوا، نیکو کاری و اخلاق مراقبت در زیارت شیعیان	روش کیفی	نویسندگان نشان می دهند که چگونه خدمات داوطلبانه و اعمال خیریه در طول زیارت هایی مانند اربعین، تنها تکالیف مذهبی نیستند، بلکه اعمالی هستند که اخلاق اجتماعی و اخلاق عمومی را تولید و تقویت می کنند. این «اخلاق مراقبت»، پیوندهای اجتماعی را تقویت کرده و شبکه های اجتماعی تاب آور می سازد که سهمی مهم در ثبات اجتماعی دارد.

تطابق فرضیه ها با چارچوب نظری تحقیق

براساس مبانی فوق، چارچوب نظری این پژوهش بر ایده اصلی «نقش مناسب مذهبی در تقویت انسجام و ثبات اجتماعی» استوار است. در این چارچوب:

- متغیر مستقل: مشارکت در پیاده روی اربعین.
- متغیر وابسته: انسجام و ثبات اجتماعی با ابعاد پنجگانه: احساس نشاط اجتماعی، هویت دینی، احساس تعلق اجتماعی، احساس امنیت و اعتماد اجتماعی.
- مکانیزم های واسطه ای: شبکه های اجتماعی شکل گرفته در طول پیاده روی اربعین (مانند مواكب و گروه های دوستی) و تجربه های فرهنگی-نمادین (ایثار، وفاداری، معنویت جمعی) ناشی از پیاده روی اربعین.

جدول ۲. چارچوب نظری و فرضیه‌ها

نظریه‌پرداز	ایده	تعمیم ایده	فرضیه
امیل دورکیم (۱۳۸۲)	نقش دین و مناسک دینی در بازتولید هویت جمعی و همبستگی اجتماعی	پیاده‌روی اربعین با ایجاد فضای تجربه مشترک و مناسک دینی، انسجام اجتماعی میان زائران ایرانی را بطور معناداری افزایش می‌دهد.	بین شرکت در مناسک مذهبی پیاده‌روی اربعین و میزان احساس تعلق اجتماعی زائران ایرانی رابطه معناداری وجود دارد.
Giddens (2006)	استمرار نقش آیین‌های دینی در شکل‌گیری هویت جمعی حتی در عصر مدرن تأکید دارد.	مشارکت فعال در مراسم پیاده‌روی اربعین باعث تقویت هویت دینی و ملی در زائران می‌شود.	شرکت در پیاده‌روی اربعین حسینی با افزایش احساس نشاط اجتماعی در میان زائران ایرانی رابطه دارد.
چلبی (۱۳۹۵)	نظریه‌های سرمایه اجتماعی که مشارکت اجتماعی و اعتماد متقابل را کلیدانسجام اجتماعی می‌دانند.	فعالیت‌های گروهی و داوطلبانه در پیاده‌روی اربعین منجر به افزایش اعتماد اجتماعی و همدلی میان شرکت‌کنندگان می‌شود.	پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یک مناسک دینی، با تقویت هویت دینی در میان مشارکت‌کنندگان ایرانی رابطه معنادار دارد.
شجاعی‌زند (۱۳۹۹)	مطالعات جامعه‌شناختی که به موانع بازتولید سرمایه اجتماعی در مناسک جمعی اشاره دارند.	وجود چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی می‌تواند اثرگذاری پیاده‌روی اربعین بر انسجام اجتماعی را محدود کند.	بین شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و افزایش احساس امنیت اجتماعی در زائران رابطه معناداری وجود دارد.
دورکیم (۱۳۸۲) Putnam (2000)	رویکردهای کارکردگرایانه در جامعه‌شناسی که بر نقش سیاست‌گذاری در حفظ و تقویت سرمایه‌های اجتماعی تأکید دارند.	اجرای سیاست‌گذاری‌های دقیق و کارشناسانه در مدیریت مراسم پیاده‌روی اربعین، ظرفیت آن را در تقویت انسجام اجتماعی بطور قابل توجهی افزایش می‌دهد.	مناسک مذهبی اربعین تأثیر مثبتی بر اعتماد اجتماعی شرکت‌کنندگان ایرانی دارد.

۱۰. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، پیمایشی است. روش پیمایش باتوجه به ماهیت موضوع و لزوم گردآوری داده‌های میدانی از زائران ایرانی شرکت‌کننده در پیاده‌روی اربعین انتخاب گردید.

۱۱. جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زائران ایرانی شرکت‌کننده در مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی در سال (۱۴۰۳) می‌باشد. باتوجه به گستردگی جامعه آماری و محدودیت‌های زمانی و مکانی، امکان سرشماری کل جامعه وجود نداشت؛ ازاین‌رو، نمونه‌گیری صورت گرفت.

۱۲. حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

با بهره‌گیری از فرمول کوکران و در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای مجاز ۰/۰۵، حجم نمونه مورد نیاز ۳۸۴ نفر برآورد شد. برای اطمینان از دقت و پوشش کافی، حجم نمونه نهایی به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. روش نمونه‌گیری بصورت تصادفی سیستماتیک (با فاصله زمانی مشخص) در میان زائران ایرانی در مرزهای ورودی و خروجی کشور در موکب‌های مستقر در ایران انجام گرفت.

۱۳. ابزارگردآوری داده‌ها

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود که براساس مبانی نظری و مطالعات پیشینه طراحی گردید. پرسشنامه شامل دو بخش اصلی بود:

۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل و سابقه حضور در مراسم اربعین).
۲. گویه‌های اصلی تحقیق در ابعاد مختلف انسجام اجتماعی (احساس نشاط اجتماعی، هویت دینی، احساس تعلق اجتماعی، احساس امنیت و اعتماد اجتماعی). این

گویه‌ها در قالب طیف شش درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) طراحی شدند.

۱۴. روایی پرسشنامه

برای بررسی روایی پرسشنامه، از دو روش استفاده شد:

۱. روایی صوری: پرسشنامه در اختیار چند تن از اساتید رشته جامعه‌شناسی و کارشناسان حوزه دین و فرهنگ قرار گرفت و اصلاحات لازم براساس نظر آنان انجام شد.

۲. روایی محتوایی: گویه‌ها براساس مبانی نظری معتبر و مطالعات پیشینه طراحی گردید تا پوشش‌دهنده ابعاد مختلف انسجام اجتماعی باشد.

۱۵. پایایی پرسشنامه

به منظور سنجش پایایی پرسشنامه، یک پیش‌آزمون بر روی ۳۰ نفر از زائران ایرانی اجرا گردید. سپس ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقدار بدست‌آمده برابر ۰/۸۵۲ بود که نشان‌دهنده پایایی مناسب ابزار تحقیق محسوب می‌شود.

۱۶. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از گردآوری داده‌ها، آنها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در سطح توصیفی از شاخص‌هایی مانند میانگین، انحراف معیار و فراوانی استفاده شد و در سطح استنباطی برای آزمون فرضیات از آزمون‌های آماری نظیر همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره بهره گرفته شد.

۱۷. یافته‌های توصیفی تحقیق

نتایج نشان می‌دهد که از میان ۴۰۰ نفر پاسخگو، ۶۳ درصد مرد و ۳۷ درصد زن بوده‌اند. ۳۱/۵ درصد در گروه سنی کمتر از ۳۰ سال، ۵۲/۵ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۵۰ سال و

۱۶ درصد در گروه سنی ۵۰ سال و بالاتر قرار دارند. میانگین سنی پاسخ‌گویان حدود ۳۷/۴ سال است. ۱ درصد پاسخ‌گویان بی‌سواد، ۱۷/۳ درصد پاسخ‌گویان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۷ درصد دارای تحصیلات پیش‌دانشگاهی و دیپلم، ۳۹ درصد دارای تحصیلات فوق‌دیپلم و لیسانس و ۱۵/۷ درصد دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و دکتری بوده‌اند. ۲۳/۶ درصد پاسخ‌گویان دارای شغل آزاد، ۱۹/۳ درصد کارمند، ۱۴/۳ درصد خانه‌دار، ۱۰/۸ درصد دانشجوی، ۶/۷ درصد کاسب، ۵/۵ درصد محصل، ۵ درصد کارگر، ۳/۹ درصد بازنشسته، ۳/۶ درصد فرهنگی، ۳/۴ درصد بیکار، ۱/۹ درصد نظامی، ۱/۵ درصد روحانی و ۰/۵ درصد به مشاغل دیگری اشاره کرده‌اند. ۳۷/۵ درصد پاسخ‌گویان دارای قومیت فارس، ۱۹/۶ درصد ترک، ۱۱/۷ درصد عرب، ۱۰/۵ درصد کرد، ۹/۳ درصد لر، ۲/۳ درصد لک، ۲ درصد بلوچ، ۱/۵ درصد گیلکی، ۱/۵ درصد مازنی، ۱/۳ درصد طالشی، ۰/۷ درصد تات و ۲ درصد دیگر اقوام بودند. ۳۴/۲ درصد پاسخ‌گویان از مرز مهران، ۲۰/۹ درصد از مرز شلمچه، ۱۳/۸ درصد از مرز خسروی، ۱۱/۱ درصد از مرز ترمچین، ۱۰/۴ درصد از مرز باشماق و ۹/۷ درصد از مرز چذابه از ایران خارج شده‌اند. ۳۴/۴ درصد پاسخ‌گویان از مرز مهران، ۲۰/۸ درصد از مرز شلمچه، ۱۳/۳ درصد از مرز خسروی، ۱۰/۸ درصد از مرز ترمچین، ۱۰/۴ درصد از مرز باشماق و ۱۰/۲ درصد از مرز چذابه به کشور وارد شده‌اند. ۶۳/۸ درصد زائران بیش از ۴ مرتبه، ۱۸/۹ درصد ۳ مرتبه، ۱۱/۲ درصد ۲ مرتبه و ۶/۱ درصد یک مرتبه در پیاده‌روی اربعین امسال و سال‌های گذشته حضور داشته‌اند.

انسجام اجتماعی

نتایج نشان داد که میانگین و انحراف معیار پاسخ‌ها از ۲۰ نمره در پنج بُعد انسجام اجتماعی و شاخص آن شامل: احساس نشاط اجتماعی (میانگین ۱۰/۵۶ و انحراف معیار ۵/۸۰۲)، هویت دینی (میانگین ۱۱/۴۴ و انحراف معیار ۵/۷۲۴)، احساس تعلق اجتماعی (میانگین ۱۴/۱۲ و انحراف معیار ۵/۷۲۳)، احساس امنیت (میانگین ۱۰/۴۸ و انحراف

معیار ۵/۵۲۶) و اعتماد اجتماعی (میانگین ۱۱/۳۲ و انحراف معیار ۵/۵۲۱). میانگین کل شاخص انسجام اجتماعی از ۲۰ نمره ۱۱/۵۸ و انحراف معیار آن ۰/۴۴۳ است.

میانگین ۱۱/۵۸ از ۲۰ نمره به وضوح بالاتر از نقطه میانی مقیاس یعنی ۱۰ قرار دارد، این نتیجه حاکی از آن است که به‌طور کلی، احساس انسجام اجتماعی در میان زائران پیاده‌روی اربعین در سطح بسیار مطلوب و بالایی ارزیابی شده و شرکت در این مراسم به وضوح با تقویت ابعاد مختلف انسجام اجتماعی همراه بوده است.

واریانس ۰/۴۴۳ نشان‌دهنده پراکندگی بسیار کم میانگین‌های ابعاد پنج‌گانه حول میانگین کل است. این میزان واریانس پایین حاکی از آن است که اگرچه هر بعد به تنهایی میانگین متفاوتی دارد (برای مثال تعلق اجتماعی بسیار بالا و احساس امنیت به نسبت پایین‌تر)، اما این مقادیر به‌طور هم‌گون حول یک میانگین مرکزی جمع شده‌اند و شاخص کلی از ثبات و یکپارچگی خوبی برخوردار است. به عبارت دیگر، ابعاد مختلف انسجام اجتماعی به‌صورت متعادل و هماهنگ در تجربه زائران حضور داشته‌اند.

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار ابعاد انسجام اجتماعی و شاخص آن

متغیر	میانگین (از ۲۰ نمره)	انحراف معیار
احساس نشاط اجتماعی	۱۰/۵۶	۵/۸۰۲
هویت دینی	۱۱/۴۴	۵/۷۲۴
احساس تعلق اجتماعی	۱۴/۱۲	۵/۷۲۳
احساس امنیت	۱۰/۴۸	۵/۵۲۶
اعتماد اجتماعی	۱۱/۳۲	۵/۵۲۱
شاخص انسجام اجتماعی	۱۱/۵۸	۵/۶۵۲
انحراف معیار بین گروهی		۰/۴۴۳

ضریب همبستگی

از آنجا که پایه و اساس مطالعات تحلیل مسیر، سنجش اثر همبستگی میان متغیرها می‌باشد، در ادامه ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش ارائه شده است. نتایج جدول همبستگی‌های زوجی نشان می‌دهد که، ضریب همبستگی مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و تعلق اجتماعی $0/502$ و سطح معنی‌داری آن ($p=0/000 < 0/01$) است؛ بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد میان مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و تعلق اجتماعی رابطه معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود دارد.

ضریب همبستگی مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و افزایش نشاط اجتماعی زائران ایرانی $0/645$ و سطح معنی‌داری آن ($p=0/000 < 0/01$) است؛ بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد میان مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و افزایش نشاط اجتماعی زائران ایرانی رابطه معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود دارد.

ضریب همبستگی مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و هویت دینی $0/586$ و سطح معنی‌داری آن ($p=0/000 < 0/01$) است؛ بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد میان مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و هویت دینی رابطه معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود دارد.

ضریب همبستگی مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و احساس امنیت $0/585$ و سطح معنی‌داری آن ($p=0/000 < 0/01$) است؛ بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد بین مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و احساس امنیت رابطه معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود دارد.

ضریب همبستگی مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و اعتماد اجتماعی $0/707$ و سطح معنی‌داری آن ($p=0/000 < 0/01$) است؛ بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد بین مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و اعتماد اجتماعی رابطه معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود دارد.

جدول ۴. ضریب همبستگی شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و مؤلفه‌های انسجام اجتماعی در بین زائران

نام متغیرها (شاخص)	آزمون و سطح آن	۱	۲	۳	۴	۵	۶
شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین	ضریب همبستگی	۱					
	سطح معنی‌داری						
تعلق اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۵۰۲**	۱				
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰					
نشاط اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۶۴۵**	۰/۴۸۷**	۱			
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰				
هویت دینی	ضریب همبستگی	۰/۵۸۶**	۰/۷۳۴**	۰/۵۷۲**	۱		
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰			
احساس امنیت	ضریب همبستگی	۰/۵۸۵**	۰/۶۸۹**	۰/۷۶۳**	۰/۶۶۷**	۱	
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
اعتماد اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۷۰۷**	۰/۸۱۱**	۰/۸۵۹**	۰/۶۲۰**	۰/۶۸۳**	۱
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	

**. معنی‌داری آزمون در سطح ۱ درصد

*. معنی‌داری آزمون در سطح ۵ درصد

تحلیل مسیر

در این پژوهش برای بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین بر مؤلفه‌های انسجام اجتماعی مدلی نظری بر اساس پیشینه نظری و تجربی طراحی شد. فرضیه‌های ارائه شده نیز بیانگر روابط علی میان متغیرهای موجود در مدل است. در این پژوهش بررسی همزمان فرضیه‌ها در قالب مدل اولیه صورت می‌گیرد. برای ارزیابی مدل فرضی این پژوهش، ابتدا با استفاده از روش پیشینه احتمال به برآورد پارامترها پرداخته شد. پارامترهای برآورد شده شامل ضرایب اثر مستقیم، ضرایب اثر غیرمستقیم و

ضرایب اثر کل می‌باشد که برای هر کدام از این پارامترها جدول جداگانه‌ای حاوی ضرایب برآورد استاندارد شده، خطای استاندارد برآورد و ارزش t مربوط به آزمون معنی‌داری این پارامترها ارائه شده است. ضمن اینکه پاسخ‌گویی به فرضیه‌های پژوهش باتوجه به این ضرایب صورت گرفت. پیش از هرچیز، نمودار مدل اولیه شرکت در پیاده‌روی اربعین و مؤلفه‌های انسجام اجتماعی در بین زائران ایرانی به همراه مشخصه‌های برازندگی مدل ارائه شده است؛ لذا در ادامه، نمودار مسیر مدل اصلاح‌نشده شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین همراه با پارامترهای برآورد شده (مقادیر استاندارد) و اعداد معناداری (t) ارائه شده است.

مشخصات برازندگی مدل

به منظور بررسی مدل با استفاده از نرم‌افزار ایموس به بررسی برازندگی آن باداده‌ها پراخته شد. برای برآورد پارامترها، بهترین برازندگی روش بیشینه احتمال می‌باشد. در روش مذکور یک فرایند تکرار شونده به منظور برآورد پارامترها انجام می‌گیرد و بر پایه این برآورد تابعی به نام تابع برازندگی محاسبه می‌گردد. این تابع ضریبی است که برازندگی پارامترها را باداده‌ها توصیف می‌کند. زمانی که یک مدل دقیقاً مشخص گردید و دارای ویژگی‌های همانند بوده و برآورد و آزمون آن امکان پذیر گردد، در این صورت برای برازندگی آن می‌توان از شاخص‌های برازش^۲ استفاده کرد. χ^2 یکی از پرکاربردترین این شاخص‌ها به شمار می‌آید که هرچه مقدار آن به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده برازش بهتر مدل است. باین حال باتوجه به اینکه مقدار مجذور کای تحت تأثیر حجم نمونه و تعداد روابط مدل ساختاری قرار می‌گیرد و لذا شاخص مطمئنی نیست، از شاخص‌های دیگری نیز برای برازش مدل‌ها استفاده می‌شود. ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA)^۳ شاخص دیگری است که برای مدل‌های خوب کمتر از ۰/۰۵ و برای مدل‌های متوسط بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ و برای مدل‌های ضعیف بالاتر

1. maximum likelihood

2. Fit indexes

3. Root Mean Square Error of Approximation

از ۰/۱ است (براون و سودک، ۱۹۹۳)؛ همچنین براساس یک قاعده کلی، شاخص‌های برازندگی تطبیقی (CFI)^۱، نرم‌شده برازندگی (NFI)^۲، نرم‌نشده برازندگی (NNFI)^۳، نیکویی برازش (GFI)^۴، نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)^۵ و برازش افزایشی (IFI)^۶ برای مدل‌های خوب بالاتر از ۰/۹۰ خواهد بود. مقادیر بالای ۰/۸۰ نیز نشان‌دهنده برازش به نسبت خوب یا متوسط مدل است (مک‌کالوم و اوستین، ۲۰۰۰م؛ کلین، ۲۰۰۵م)؛ همچنین ریشه میانگین مربعات باقی‌مانده استاندارد شده (SRMR)^۷ بایستی کمتر از ۰/۰۵ باشد. در جدول شاخص‌های برازش مدل اولیه آمده است.

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل اولیه

شاخص	χ^2/df	RMSEA	NFI	NNFI	CFI	GFI	AGFI	IFI	SRMR
مقادیر	۳/۷۵	۰/۰۸۵	۰/۹۸	۰/۹۴	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۴	۰/۹۹	۰/۰۲۳

از تقسیم مجذور کای بر درجات آزادی شاخصی بدست می‌آید که چنانچه کوچ‌تر از ۳ باشد قابل قبول می‌باشد. در این پژوهش شاخص ذکر شده ۳/۷۵ بدست آمده است. با این حال از آنجا که این شاخص برازش تحت تاثیر حجم نمونه و همبستگی‌های موجود در مدل است، از دیگر شاخص‌های برازش از جمله ریشه میانگین مجذور برآورد خطای تقریب (RMSEA)، شاخص نرم‌شده برازش (NFI)، شاخص نرم‌نشده برازش (NNFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)، و برازش افزایشی (IFI) و ریشه میانگین مربعات باقی‌مانده استاندارد شده (SRMR) نیز استفاده می‌گردد. براساس نتایج بدست آمده با توجه به اینکه

1. Comparative Fit Index
2. Normed Fit Index
3. Non-Normed Fit Index
4. Goodness of Fit Index
5. Goodness of Fit Index
6. Incremental Fit Index
7. Standardized Root Mean of Residuals

مقدار ($RMSEA=0/085$) است می‌توان برازش مدل را تا اندازه‌ای مطلوب دانست؛ همچنین در دیگر شاخص‌ها از جمله (GFI ، CFI ، $NNFI$ ، NFI) نتایج بالاتر از $0/90$ می‌باشد که حاکی از برازش قابل قبول مدل می‌باشد. ضمن اینکه شاخص $SRMR$ نیز کوچکتر از $0/05$ محاسبه شده است. با این حال، نظر به اینکه دو مسیر موجود در مدل دارای ضرایب غیرمعنادار شده‌اند؛ لذا به منظر دستیابی به مدل اصلاحی و برازش یافته پژوهش، اقدام به حذف این دو مسیر شد تا شاخص‌های برازش نیز بهبود یابد. بر همین اساس در ادامه، نمودار مسیر مدل نهایی و برازش شده شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین همراه با پارامترهای برآورد شده (مقادیر استاندارد) و اعداد معناداری (t) ارائه شده است؛ بنابراین می‌توان گفت مدل علی روابط شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و مؤلفه‌های انسجام اجتماعی در بین زائران ایرانی برازش مناسبی با داده‌ها دارد. نمودار مسیر مدل اولیه شرکت در پیاده‌روی اربعین و مؤلفه‌های انسجام اجتماعی در میان زائران ایرانی و شاخص‌های برازش آن بیانگر برازش مطلوب مدل بود.

۱۹. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی مناسبت‌های مذهبی به‌ویژه آیین پیاده‌روی اربعین و تأثیر آن بر انسجام و ثبات اجتماعی زائران ایرانی انجام شد. یافته‌های بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که پیاده‌روی اربعین به مثابه یک رخداد دینی-فرهنگی بزرگ، کارکردهای اجتماعی و انسجام‌بخش قابل توجهی دارد. این آیین توانسته است در سطح بین فردی و جمعی، احساس همبستگی، مشارکت، اعتماد اجتماعی و هویت مشترک را در میان زائران تقویت کند.

مطابق نتایج، ابعاد گوناگون انسجام اجتماعی، از جمله همبستگی عاطفی، انسجام هویتی، مشارکت اجتماعی، مدارای فرهنگی، و تقویت سرمایه اجتماعی در تجربه زائران حضور معناداری داشتند. مناسک جمعی، فضای معنوی، همسفری، خدمت‌رسانی داوطلبانه و همدلی میان شرکت‌کنندگان از جمله عوامل مؤثر در تقویت این مؤلفه‌ها بودند. از منظر نظری، یافته‌ها با دیدگاه‌های دورکیم در مورد نقش آیین‌ها در تقویت وجدان

جمعی، نظریه گافمن در خصوص تعاملات نمادین، و مفهوم «سرمایه اجتماعی» پاتنام همخوانی دارند؛ همچنین، مقایسه با تحقیقات پیشین داخلی و خارجی نیز نشان داد که مناسبت‌های مذهبی بزرگ‌مقیاس، به‌ویژه آیین‌های مشارکتی مانند اربعین، توان بالقوه‌ای در بازتولید انسجام اجتماعی، شکل‌دهی به هویت دینی مشترک و تقویت همبستگی ملی دارند. در مجموع، این پژوهش نشان داد که مناسبت مذهبی اربعین نه تنها پدیده‌ای دینی، بلکه پتانسیلی قوی برای انسجام‌بخشی اجتماعی به شمار می‌رود؛ بنابراین، توجه سیاست‌گذاران فرهنگی، نهادهای اجتماعی، و مراکز دینی به کارکردهای اجتماعی این آیین می‌تواند به تقویت پیوندهای اجتماعی، کاهش شکاف‌های فرهنگی و ارتقای سرمایه اجتماعی در سطح ملی منجر شود. پس نتیجه می‌گیریم که یافته‌های حاصل از تحلیل همبستگی و فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد که مشارکت در این آیین جمعی، تأثیر مثبت و معناداری بر ابعاد مختلف انسجام اجتماعی دارد. در ادامه، هر فرضیه به تفکیک مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

تحلیل فرضیه ۱: رابطه مشارکت در مناسک اربعین و تعلق اجتماعی

فرضیه اول تحقیق بیان می‌کرد: «بین شرکت در مناسک مذهبی پیاده‌روی اربعین و میزان احساس تعلق اجتماعی زائران ایرانی رابطه معناداری وجود دارد». ضریب همبستگی میان مشارکت در پیاده‌روی و تعلق اجتماعی ۰/۵۰۲ و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۱ است، که نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار در سطح ۱ درصد می‌باشد. این یافته با نظریه دورکیم (۱۳۸۲) هم‌سو است که مناسک مذهبی را ابزار بازتولید هویت جمعی و تقویت وجدان جمعی می‌داند. تجربه مشترک آیینی، حس تعلق اجتماعی و همبستگی میان زائران را افزایش می‌دهد (دورکیم، ۱۹۹۵م). یافته‌های مشابه در پژوهش‌های داخلی و خارجی نیز مشاهده شده است؛ برای مثال، سلیمانی (۱۳۹۹) نشان داد که مشارکت در آیین‌های جمعی مذهبی باعث تقویت حس تعلق اجتماعی و هویت جمعی در میان زائران می‌شود.

تحلیل فرضیه ۲: رابطه مشارکت در پیاده‌روی اربعین و نشاط اجتماعی:

فرضیه دوم بیان می‌کرد: «شرکت در پیاده‌روی اربعین حسینی با افزایش احساس

نشاط اجتماعی در میان زائران ایرانی رابطه دارد». ضریب همبستگی ۰/۶۴۵ با سطح معنی داری ۰/۰۰۱ نشان می دهد که مشارکت در این مناسک، نشاط اجتماعی زائران را به طور معناداری افزایش می دهد.

این نتایج با دیدگاه Giddens (2006) در باره استمرار نقش آیین های دینی در شکل گیری هویت جمعی و ایجاد تجربه های مثبت اجتماعی، همسو است. مشارکت فعال زائران در این آیین، زمینه تعاملات اجتماعی، همدلی و انرژی جمعی را فراهم می آورد که به افزایش نشاط اجتماعی منجر می شود. یافته های پژوهش های مک دانیل (۲۰۲۰) و حیدر و احمد (۲۰۲۱) نیز نشان می دهند که آیین های مذهبی بزرگ باعث ارتقای مشارکت اجتماعی و نشاط جمعی می شوند.

تحلیل فرضیه ۳: رابطه مشارکت در پیاده روی و هویت دینی

فرضیه سوم بیان می کرد: «پیاده روی اربعین به عنوان یک مناسک دینی، با تقویت هویت دینی در میان مشارکت کنندگان ایرانی رابطه معنادار دارد». ضریب همبستگی ۰/۵۸۶، ($P < ۰/۰۱$) نشان دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار است.

این یافته ها مطابق با نظریه Giddens (2006) و Bourdieu (1986) است؛ مشارکت در آیین های جمعی، علاوه بر ایجاد سرمایه اجتماعی، بازتولید سرمایه فرهنگی و نمادین را نیز موجب می شود. پیاده روی اربعین با بازنمایی ارزش هایی چون ایثار، وفاداری و همدلی، هویت دینی و فرهنگی زائران را تقویت می کند (Giddens, 2006 & Bourdieu, 1986).

تحلیل فرضیه ۴: رابطه مشارکت و احساس امنیت اجتماعی

فرضیه چهارم: «بین شرکت در مراسم پیاده روی اربعین و افزایش احساس امنیت در زائران رابطه معناداری وجود دارد». ضریب همبستگی ۰/۵۸۵، ($P < ۰/۰۱$) نشان می دهد که مشارکت در این آیین جمعی، حس امنیت اجتماعی زائران را افزایش می دهد.

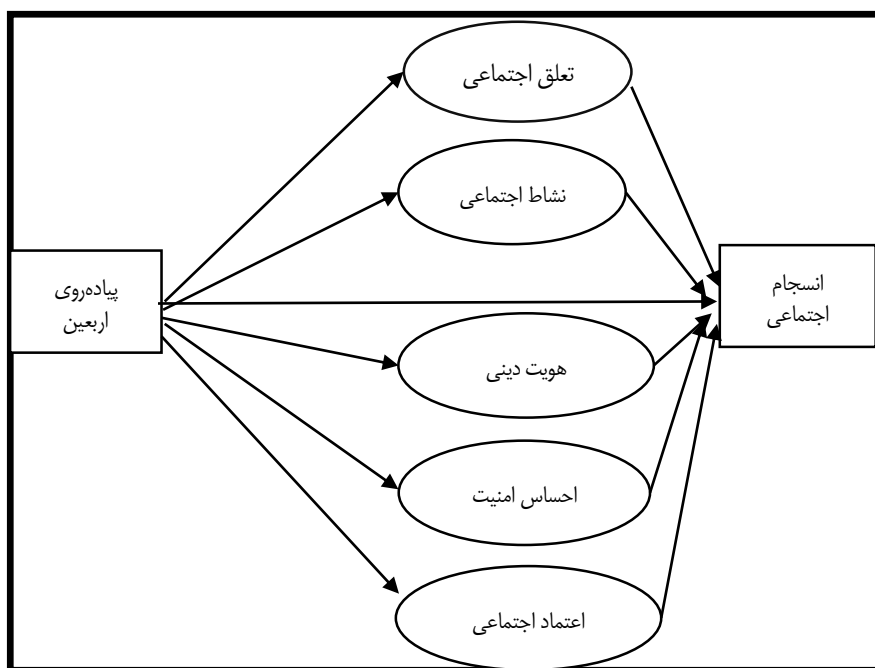
این یافته ها با مطالعات پیشین فتاحی و همکاران (۱۴۰۰) و رستمی و همکاران (۱۳۹۸) مطابقت دارد. مشارکت در آیین های مذهبی جمعی، با ایجاد شبکه های حمایت اجتماعی، حس امنیت و اعتماد متقابل را افزایش می دهد. از منظر نظری، این نتیجه نشان

می‌دهد که مناسک جمعی مذهبی علاوه بر اثرات معنوی، کارکردی اجتماعی در جهت ارتقای ثبات و امنیت اجتماعی دارند (Putnam, 2000).

تحلیل فرضیه ۵: رابطه مشارکت و اعتماد اجتماعی

فرضیه پنجم: «مناسک مذهبی اربعین تأثیر مثبتی بر اعتماد اجتماعی شرکت کنندگان ایرانی دارد». ضریب همبستگی 0.707 ، $(P < 0.01)$ بیانگر رابطه مثبت و معنادار میان مشارکت و اعتماد اجتماعی است.

این یافته‌ها نشان می‌دهند که مشارکت در پیاده‌روی اربعین باعث شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، همکاری‌های داوطلبانه و ایجاد فضای اعتماد متقابل میان زائران می‌شود، که مطابق نظریه Putnam (2000) و شجاعی‌زند (۱۳۹۹) است. ایجاد شبکه‌های داوطلبانه و مواکب، نمونه‌ای عملی از تولید سرمایه اجتماعی در بستر مناسک مذهبی است که نقش اساسی در بازتولید انسجام اجتماعی دارد.



شکل ۲. مدل نهایی تحلیل مسیر

جمع‌بندی

همه فرضیات در سطح ۱ درصد تأیید شدند. قوی‌ترین اثر مربوط به اعتماد اجتماعی است ($r=0/707$) و پس از آن نشاط اجتماعی ($r=0/645$)، هویت دینی ($r=0/586$) و احساس امنیت ($r=0/585$) قرار دارند؛ تعلق اجتماعی نیز اثر معنادار و متوسط رو به بالا نشان می‌دهد ($r=0/502$). الگوی همبستگی‌های درونی بالا میان ابعاد، از وجود یک سازه مرتبه دوم «انسجام اجتماعی» حمایت می‌کند و از نظر فنی، استفاده از CFA/SEM را برای آزمون مدل نهایی (با مسیرهای میانجی) توجیه می‌نماید. از منظر نظری، نتایج با دورکیم، پاتنام، گیدنز و بوردیو همسویی قوی دارد و از منظر کاربردی، بر «سیاست‌های تقویت مشارکت داوطلبانه، معنابخشی جمعی و تضمین امنیت/نظم» تأکید می‌کند.

نتیجه‌گیری کلی

با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان نتیجه گرفت که پیاده‌روی اربعین یک مناسبک مذهبی چندبعدی است که افزون بر اثرات معنوی فردی، نقش مهمی در ارتقای انسجام و ثبات اجتماعی ایفا می‌کند. مشارکت در این آیین:

- تعلق اجتماعی، نشاط اجتماعی و هویت دینی را تقویت می‌کند؛
- حس امنیت اجتماعی و اعتماد میان زائران را افزایش می‌دهد؛
- بستر مناسبی برای شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، فعالیت‌های داوطلبانه و بازتولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌آورد.

۲۱. پیشنهادات کاربردی

۱. استفاده از ظرفیت مناسبک مذهبی برای تقویت سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی؛
۲. برنامه‌ریزی و مدیریت مؤثر مراسم پیاده‌روی اربعین برای تقویت مشارکت داوطلبانه و شبکه‌سازی اجتماعی؛
۳. انجام مطالعات آینده در باره اثرات طولانی مدت آیین‌های جمعی مذهبی بر کاهش گسست‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایران.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی اعتماد اجتماعی در ایران. تهران: نشر نی.
- افروغ، عماد. (۱۳۷۷). فضا و نابرابری اجتماعی «ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن». تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ قبادی، علیرضا. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی از مراسم و مناسک دینی با تأکید بر مراسم عاشورا. تاریخ اسلام، ۸(۳۰)، صص ۳۷-۶۰.
- چلبی، مسعود. (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی نظم: بررسی نظم اجتماعی در ایران. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۲). صور بنیانی حیات دینی (مترجم: باقر پرهام). تهران: نشر نی.
- رستمی، مرتضی؛ احمدی، حسین و رضایی، سعید. (۱۳۹۸). پیاده‌روی اربعین و بازتولید هویت شیعی. پژوهشنامه علوم اجتماعی اسلامی ایران، ۶(۲)، صص ۴۵-۶۸.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی. تهران: ناشر کیهان.
- سلیمانی، علی. (۱۳۹۹). تجربه زیسته زائران در آیین پیاده‌روی اربعین. جامعه‌شناسی فرهنگی، ۱۲(۳)، صص ۸۵-۱۱۲.
- سیدامامی، کاووس. (۱۳۷۶). نظری بر جامعه‌شناسی دین. دانشگاه امام صادق، ۳(۴)، صص ۱۴۱-۱۵۶.
- شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۹۹). چالش‌های بازتولید سرمایه اجتماعی در مناسک جمعی: «مطالعه موردی پیاده‌روی اربعین». جامعه‌شناسی ایران.
- صادقی، محمد. (۱۳۹۷). ابعاد بین‌المللی آیین اربعین و پیامدهای اجتماعی آن. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۴(۱)، صص ۳۵-۵۵.
- طاهرخانی، عبدالله؛ سوادیان، پروین و شریفی، منصور. (۱۳۹۹). راهپیمایی اربعین نمادی از شکل‌گیری هویت جمعی مسلمانان. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۹(۱)، صص.

- فتاحی، مهدی؛ کریمی، رحیم و مرادی، هادی. (۱۴۰۰). مواکب و سرمایه اجتماعی در آیین اربعین. مطالعات فرهنگی ایران، ۹(۱)، صص ۶۷-۴۵.
- فتحی، ابراهیم. (۱۴۰۴). پیاده‌روی اربعین مقاومت فرهنگی در برابر سلطه نظام جهانی سرمایه‌داری. فرهنگ و سیره اهل‌بیت. ۳(۱۱)، صص ۵۸-۲۹.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۷۷). دین و جامعه (مجموعه مقالات). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کینیک، ساموئل. (۱۳۵۵). جامعه‌شناسی (مترجم: مشفق همدانی). تهران: امیرکبیر.
- کونینگ، رنه. (۱۳۵۵). جامعه‌شناسی دین (مترجم: محسن ثلاثی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- موسوی، سیداحمد؛ بیات، رضا. (۱۳۹۷). کاوشی در آیین پیاده‌روی اربعین حسینی و اثرگذاری کارکردهای اجتماعی و سیاسی آن. پژوهشنامه فرهنگ و رسانه، ۳(۵)، صص ۹۲-۱۱۶.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی دین (مترجم: محسن ثلاثی). تهران: انتشارات تبیان.
- Al-Mohammad, H., & Peluso, D. M. (2023). The Arbaeen Pilgrimage: Solidarity, Sanctity, and Survival. *Journal of Religious and Political Practice*, 9(1), pp. 45-63.
- Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital*. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, (pp. 241-258). New York: Greenwood. (p. 248)
- Cullen, J., White, M., & Brown, R. (2016). Collective rituals and social cohesion in contemporary societies. *Journal of Sociology*, 52(3), pp. 587-603.
- Deeb, L. & Harb, M. (2020). Piety, Charity and the Ethics of Care in Shia Pilgrimage. *International Journal of Middle East Studies*, 52(4), pp. 645-662.
- Durkheim, É. (1912). *The elementary forms of religious life*. (J. W. Swain, Trans.). New York: The Free Press.
- Enjil, A. (2024). The Digital and the Divine: Social Media and the Transformation of the Arbaeen Pilgrimage. *Digital Religion*, 3(1), pp. 112-130.
- Giddens, A. (2006). *Sociology* (5th ed.). Cambridge: Polity Press.

- Haider, A., & Ahmed, S. (2021). Religious gatherings and the production of social capital: Evidence from South Asia. *International Journal of Sociology and Social Policy*, 41(5/6), pp. 497–513.
- McDonnell, T.E. (2020) .The sociology of religious mass events: Pilgrimage, ritual, and solidarity. *Annual Review of Sociology*, 46,421–440.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowlingalone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon & Schuster.
- Putnam, R. D., & Campbell, D. E. (2012). *American Grace:How Religion Divides and Unites Us*. New York : Simon & Schuster.
- Szanto, E. (2022). Beyond Sectarianism: The Arbaeen Pilgrimage and the Performance of Shi'i Solidarity. *Journal of the American Academy of Religion*, 90(1), pp. 178-200.
- Turner, V. (1969). *The Ritual Process: Structure and Anti-Structure*. Chicago: Aldine.
- Wood, M. (2017). Religion and trust: A social capital perspective. *Social Compass*, 64(1), pp. 91-109.

Editorial Board

(Persian Alphabetical Order)

Seyyed Mustafa Ahmadzadeh

Associate Professor, Islamic Sciences and Culture Academy

Hussein Kachuyan

Associate Professor, University of Tehran

Hasan Khairi

Professor, Islamic Azad University

Hassan Moalemi

Professor, Baqir al-Olum University

Faraj Allah Mir Arab

Associate Professor, Islamic Sciences and Culture Academy

Seyed Javad Miri Meynagh

Professor, Institute of Humanities and Cultural Studies

Mahmoud Maleki Rad

Associate Professor, Islamic Sciences and Culture Academy

Mahmud Rajabi

Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute

Reviewers of this Volume

Mohammad Reza Aghaie, Saeed AmirKaveh, Khalil Amirizadeh, Mohammad Reza Anvari, Sayyed Abbas Hosseini, Sayyed Mirsaleh Hosseini, Davood Rahimi Sajasi, Mohammad Rafigh, Ebrahim Fathi, Mohsen Ghanbari Nik, Mahmood Maleki Rad.



The Quarterly Journal of
Islam
and Social Studies

Vol. 13, No. 3 , Winter 2025

51

Islamic Sciences and Culture Academy

www.isca.ac.ir

Manager in Charge:

Najaf Lakzaei

Editor in Chief:

Hamid Parsania

Executive Director:

Mohsen GHanbari Nik

Tel.: +98 25 31156909 • P.O. Box.: 37185/3688

Jiss.isca.ac.ir

www.jiss.isca.ac.ir

راهنمای اشتراک مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم



ضمن تشکر از حسن انتخاب شما

مرکز توزیع مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم عهده دار توزیع و اشتراک مجلات ذیل می باشد. لطفاً پس از انتخاب مجله مورد نظر، فرم ذیل را تکمیل کرده و به نشانی ارسال فرمایید.

فرم اشتراک

حوزه	فقه	نقد و نظر	آینه پژوهش	جستارهای فقهی و اصولی
یک سال اشتراک ریال ۲,۸۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰
پژوهشهای قرآنی	اسلام و مطالعات اجتماعی	مطالعات علوم قرآنی	جامعه مهدوی	اخلاق
یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰
نام پدر: میزان تحصیلات:		نام و نام خانوادگی: تاریخ تولد:		نام: نهاد: شرکت:
کد اشتراک قبل: پیش شماره: تلفن ثابت: تلفن همراه:		کد پستی: صندوق پستی: رایانامه:	استان: شهرستان: خیابان: کوچه: پلاک:	نشانی:

هزینه های بسته بندی و ارسال به عنوان تخفیف محاسبه شده است.

قم، چهارراه شهدا، ابتدای خیابان معلم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
کد پستی: ۳۷۱۵۶-۱۶۴۳۹
تلفن: ۰۲۵-۳۱۱۵۱۱۶۲
شماره پیامک: ۳۰۰۲۷۰۲۵۰۰۰۰
رایانامه: magazine@isca.ac.ir

شماره حساب سیبایانک ملی ۰۱۰۹۱۴۶۰۶۱۰۰۵ نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی